

دائرہ و مجلہ

اومہ لکھ ۱۳۵۱



دائرہ میاشت



اعلیٰ حضرت معظم ہمایونی سر قوماندان اعلیٰ اردوی شاہی افغان سلام قطعات
اردوی شاہانہ را در روز اول سنہ ۱۳۵۱ قبول میفرمایند

۲۲ میزان

۲۲ میزان روز تولد پادشاه محبوب ما سر قوماندان اعلی اردوی شاهی افغان است این روز میمنت مانوس سر فصل تابناک وزیرین تاریخ شاهی ما بشمار می‌رود ملت افغان روی علائق عمیق وریشه دار عنعنوی خویش و با توجه بناریخ باشکوه نیاکانش پیوند ناگسستنی و صمیمیت خاصی به شاه خویش دارد شاه در قلب مردم کشور خویش سلطنت میکند و حیثیت معنوی آن بحدی در دلها جایگزین است که دیدار پادشاه خویش را طلیمه سعادت و سرور می‌شمارند پادشاه محبوب ما با تدابیر ارزنده و بارو حیه عالی و سجاجای برازنده شان نقش بارزی را در تاریخ کشور افغان بعهدہ داشته اند و کشتی مملکت را در توفانهای مختلف گیتی با درایت و کیمت کامل بسوی سعادت و ترقی و کامیابی رهبری فرموده اند .

افغانستان پس از بلوای خانمانسور سقوی و چریانات ناگوار محیطی در حال بحران و اضمحلال عجیبی بسر میبرد پس از شهادت اعلیحضرت محمد نادر شاه غازی بارهبری خردمندان اعلیحضرت معظم هماپولی روز بروز در ساحات مختلف مملکت آثار عمران و آبادانی و انبکشاف و بهبود بنظر می خورد ، افغانستان همگام با ترقیات زمان و همدوش با احتیاجات عصر ، جانب سر منزل مقصود

میشتابد و چهره خویش را با استفاد از علم و نسکنا لوزی متکاملانه تغییر میدهد .

پادشاه دیو کرات و عسکر نواز افغان با بصیرت و مساعی شبانه روزی خویش رهبری ملت نجیب شان را بعهدہ دارند و رهنمائی خردمندان و زحمات پیگیر معظم له در دیدگاه حق بین فرزندان کشور تسلالو و درخشش خاصی دارد .

پادشاه سمبول وحدت ملی و مظهر یگانگی و عظمت ملت خویش میباشد و ملت افغان با همین نظر در طول تاریخ بشاه محبوب و گر انقدر خویش اخلاص و اعتماد کاملی داشته است .

روز ۲۲ میزان برای ملت افغان روز پر افتخار و مسرت آور است که از سالگرد تولد پادشاه مهربان شان با دل‌های پر اشتیاق و سرور انگیز تجلیل می کنند .

اردوی شاهی افغان بهترین نبریکات صمیمانه و خالصانه خویش را به پیشگاه شهریار زرگ و ملکه معظمه و خاندان جلیل سلطنتی تقدیم داشته روز سالگرد تولد شاه محبوب را بمات نجیب و شاهدوست افغان تهنیت میگوید امیدواریم ملت و کشور افغانستان در پرتو رهنمائی های مدبرانه ذات شهریاری مهد سعادت و محیط امن و امان و افتخارات سرمدی گردد



تاریخ ۵۱/۶/۸
نمبر ۱۵۴۵
۲۴۰۱



حاج اسحاق سرتگر ہلال فاضل دیر د فاع!

رسم گذشت خود تاہا، قطعات و موسسات مختلفہ قوای زمینی و ہوائی کہ بنا بہت
تعمیر بنیاد و چارمین سال کرد، بہتر داد استفادہ و طن عزیز برگزر گردید، مگر بہت نکات روز
ہندون و پیشرفت ہی قابل تفسیری در سادہ تعلیم و تربیہ تسلیح و تعمیر و تکلیف
موثر دفاعی بودہ، نظم و دسیلین خاصی تبار داد۔

تحولات و نکات فارت موثر یک ہر سال در اثنای رسم گذشت قطعات صنوف مختلفہ ارد

شہی اقلستان گسیز ہر سہ مطہر یک ہر ان گذاری و ترقی بہت کہ تو رم
بارد حید ہا، حدیث و بیداری و معنویت بلند نموجین اردو کہ خصوصاً دین را

گذشت مشاهده گردید، موجب کسرت حاصل واقع شد۔

نزدیکہ وزارت دفاع ملی با درک و جاہی بی خود متاداً در راہ نکات و تمارس سویہ تعلیم و تربیہ

در دو تہمین ترکیب ساعہ بن صنوف مختلفہ زمینی و ہوائی و تقویہ نظم و دسیلین و روح

و حدت بن تمام نموجین اردوی شانہ ساعہ موثر و دقیقیتی بعبر میآورد و طایف خود را

درین زمینہ بہترین و جدیفا میدارد مستوجب مسرت، مسرت و حراب خوشنودی خود را

این سہرمان بجد تہا شہاد سہر ان اردو و کافہ نموجین اردو خصوصاً انانیکہ تعمیر

روز فرخندہ سہم دشتند رطہار و ابلاغ نمودہ زر بارگاہ خداوندہ تو را ترقیات روز ہند

و طن گسیز و موفقت اردوی سہر اکار و صادق از لسان نیاز و تمنی مینائیم

دربین شماره چه داریم:

شماره	مضمون	نویسنده یا مترجم	صفحه
۱-	مسافرت دوستانه	۰۰
۲-	شوری در افغانستان	جگرن فوض محمد عاطفی	۱
۳-	۱- فتنح پنجاه وچهارمین جشن	۳
۴-	تجلیل روز معلم	۱۱
۵-	تجلیل روز بین المللی طفل	۱۳
۶-	افغانستان سرزمین مردان تاریخی	جگرن فتح محمد نورزایی	۱۶
۷-	تجلیل صدمین سال مطبوعات	عاطفی	۱۷
۸-	هفته سره میاشت	تورن ظریف صدیقی	۱۸
۹-	افغانیت	عبدالعزیز او بندوال	۲۰
۱۰-	بنیان گذاران قوای مدافعه ملی	تورن جنرال عبدالر ووف رسول	۲۱
۱۱-	تنظیم و تعدیل ترکیب و حجم مایع وجود	جگرن نورالدین آرزوئی	۲۵
۱۲-	محاربات عصری از ماچه میخواهد ؟	جگرن سید شیرین لوژ ستیک	۲۸
۱۳-	د افغان اولس قوام	دیلوم انجنیر جگرن عبدالمحمد شیرزی	۳۰
۱۴-	د تحول او پرمختگ بیړی	جگرن غمکنی	۳۳
۱۵-	ریزش موی سر	دکتور قمرالدین اکسیری	۳۷
۱۶-	د پار تیزانالو د خبر رسالی ...	جگرن محمد یولس غمکنی	۴۲
۱۷-	کنندک پیاده در محاربه تصادفی	تورن محمد امین	۴۴
۱۸-	د فلسطین بی کوره ولس	جگرتورن حبیب الرحمن مزاروال	۴۷
۱۹-	انډوی	پناغلی محمد مصطفی مهرزی	۵۱
۲۰-	چکیده های هنر	عاطفی	۵۳
۲۱-	جنگ جهانی دوم ...	تورن سهر جو	۵۶
۲۲-	نگاه اجمال بر مناسبات آلمان و ...	پناغلی اشیر کبیر	۵۸
۲۳-	طیاره ترا نسپورت قوای هوائی ...	محمد معروف پیلوت	۶۵
۲۴-	مطالب بسیار جا لب راجع به فتبال	تورن میرحسام الدین محتشمی	۶۸
۲۵-	تعرض در شب	تورن وردگ	۷۳
۲۶-	بازی قرن و قهرمان بزرگ	تورن محتشمی	۷۵
۲۷-	داتومی و پالگو کشف	جگرتورن زر محمد	۷۸
۲۸-	تمایل و پیشرفت دستگاههای رادار تکنیکی	دیلوم انجنیر محمد اکبر سروری	۷۸
۲۹-	جهان در یک ماه اخیر	تورن عبدالغیاث بیدار	۸۸
۳۰-	فعالیت انجمنهای جت و استقامت ورزش باد	جگرتورن انجنیر عبداللطیف	۹۰
۳۱-	ما و خوانندگان	عاطفی	۹۳
۳۲-	ار دو در خدمت اجتماع	ظریف صدیقی	۹۶
۳۳-	ترقیعات	۱۰۲
۳۴-	وفات مرحوم تورن جنرال غلام علی



اعلیٰ حضرت معظم ہمایونی در میدان هوائی انقرہ پس از آنکہ از جانب رئیس جمهور ترکیہ جلالتماب جودت سونای استقبال شدہ اند .

سفر رسمی و دوستانہ اعلیٰ حضرت معظم ہمایونی و علیا حضرت ملکہ معظمہ بکشور

برادر و دوست ترکیہ

دکتور عبدالفتاح نجم ، جکتور شمس الدین یار ذات شہر یاری ، بیاغلی عبدالنواب حکمت عضو مدہریت روابط سیاسی ، بیاغلی عبدالاحد ناصر ضیاً عضو دفتر قلم مخصوص و بیاغلی رحمت اللہ آصفی عضو ریاست تشریفات وزارت امور خارچہ شرف سعیت اعلیٰ حضرتین را داشتند .

یک ہیأت مطبوعاتی نیز در این مسافرت عازم ترکیہ گردیدند . بعد از مسافرت سال ۱۳۳۶

(۱)

وزیر دربار سلطنتی ، بیاغلی محمد موسی شفیق وزیر امور خارچہ ، دکتور عبدالغفور روان فرہادی معین سیاسی وزارت امور خارچہ ، سردار محمد یونس صاحب حضور ذات شاہانہ ، دکتور سعد اللہ غوثی رئیس تشریفات وزارت امور خارچہ ، میرمن ماری نورلدیمہ علیا حضرت ملکہ معظمہ ، تورن جنرال قمر الدین یاور ذات شاہانہ ، بیاغلی سخی احمد فرہاد والی نیمروز ، دگروال شاہ ولی یاور علیا حضرت ملکہ معظمہ ،

بنا بدعوت جلالتماب جودت سونای رئیس جمہور ترکیہ و میرمن سونای صبح روز ۴ میزان ۱۳۵۱ اعلیٰ حضرت معظم ہمایونی و علیا حضرت ملکہ معظمہ ذریعہ طیارہ سلطنتی کند ہار برای یک مسافرت رسمی و دوستانہ تشریف فرمای کشور ترکیہ گردیدند .

طیارہ حامل اعلیٰ حضرتین در حوالی ساعت نہ و چہل دقیقہ از میدان هوائی کابل اوج گرفت . در این مسافرت بیاغلی علی محمد

ذات شهر یاری به ترکیه، این دو مین بازدید اعلیحضرت معظم همایونی از این کشور میباشد.

طیاره سلطنتی کندهار در حالیکه از طرف یکدسته از طیارات جت قوای نظامی ترکیه بدرقه میشد بعد از ظهر روز مذکور درحوالی ساعت ۱۴ بوقت محلی به میدان هوایی انقره فرود آمد. هنگام ورود اعلیحضرتین به میدان هوایی انقره ایست، یک فیر توپ برسم احترام شلیک گردید.

برای استقبال از اعلیحضرتین، روسای مجلسین شورا، قاضی القضاة، عمدای از اعضای کابینه باخالم های شان، سفرائی هر دو کشور مامورین عالیرتبه ملکی، قوماندانان قوای هوایی، بحری و زمینی، والی و بیاروال انقره و کور دپلو ماتیک در میدان هوایی انقره حاضر بودند.

جلالتآب جودت سولای در نزدیک طیاره مستقبلمین را به اعلیحضرت معظم همایونی معرفی نموده و ذات شهریاری ذوات همسفر شان را بر رئیس جمهور ترکیه معرفی فرمودند.

سپس اعلیحضرت معظم همایونی به اتفاق جلالتمآب جودت سولای رئیس جمهور ترکیه سلام گارد احترام را قبول و آنرا معاینه کردند در بنوقت سوزیک سرود ملی افغانستان و ترکیه را نواخت.

مذاکرات رسمی اعلیحضرت معظم همایونی و جلالتمآب جودت سولای رئیس جمهور ترکیه ساعت ۱۰ روز ۵ میزان در قصر (چان کایا) مقر ریاست جمهوری در انقره شروع گردید.

اعلیحضرت معظم همایونی ساعت ۳۰-۹ روز جمعه ۷ میزان بوقت محل توسط طیاره مخصوص از انقره عازم قونیه گردیدند.

جلالتآب جودت سولای رئیس جمهور ترکیه و میرمن سونای، بیاعلی فرید ملن صدراعظم و میرمن ملن، روسای مجلسین شورا و وزرای خارجه دفاع و داخله قوماندانهای قوای بحری بری و فضائی قضات محاکم والی و شاروال انقره شیخ السفر اعضای سفارت کبرای افغانی معین انقره مامورین عالیرتبه لشکری و کشوری باخالم های شان غرض وداع با اعلیحضرتین در میدان هوایی حاضر

(ب)

بودند.

اعلیحضرت معظم همایولی در حالیکه جلالتمآب جودت سولای رئیس جمهور ترکیه با اوشان همراه بود و سوزیک سرود ملی افغان و ترکیه را نواخت سلام گارد احترام را قبول و آنرا معاینه فرمودند.

سپس اعلیحضرتین با مشایعت کنندگان وداع نموده بجانب طیاره مخصوص تشریف فرما شدند.

قرار اطلاع نامه نگار آژانس باختر جلالتمآب جودت سولای رئیس جمهور ترکیه میرمن سونای، بیاعلی هالوک بایولکن وزیر خارجه و میرمن بایولکن تا نزدیک طیاره اعلیحضرتین را مشایعت کردند.

ذات شهریاری هنگام وداع با جلالتمآب جودت سولای رئیس جمهور و میرمن سولای از استقبال گرم و مهمان نوازی که از اعلیحضرتین در هنگام اقامت دو روزه شان در انقره بعین آمد اظهار امتنان فرمودند.

طیاره حامل اعلیحضرتین ساعت نه و سی دقیقه وقت محلی جانب قونیه اوج گرفت.

زیارت تربت حضرت مولانا جلال الدین بلخی:

قراریک خیردیگر باختر اعلیحضرت معظم همایونی و علیحضرت ملکه معظمه روز شش میزان تربت حضرت مولانا جلال الدین بلخی را در قونیه زیارت نموده اند. هنگام مواصت در آن شهر با استقبال گرم و پر حرارت هزاران نفر مقابل شدند.

نامه نگار آژانس باختر اطلاع میدهد هنگامیکه طیاره حامل اعلیحضرتین در میدان هوایی قونیه بزمین نشست احسان تکین والی، ایلماس قولون بیاروال مامورین عالیرتبه عسکری و ملکی از اعلیحضرتین و ذوات معیتیشان استقبال کردند.

بعد موکب ذات شهریاری و علیا حضرت ملکه معظمه جانب شهر قونیه به حرکت افتاد درین موقع یکدسته موترسایکل سواران موکب اعلیحضرتین را تا عمارت تربت حضرت مولانا جلال الدین بلخی بدرقه کردند.

نامه نگار باختر اطلاع میدهد هزاران نفر از اطفال زنان و مردان در دو طرف

جاده هاصف بسته دسته های گل را بر موکب اعلیحضرتین نشان میدهند.

موکب ذات شهریاری و علیحضرت ملکه معظمه در نزدیک تربت مولانا نسبت از دحام کتعه نرآمس محتلم میکردند.

مردم باشور و هلهله پیهم از پادشاه و ملکه افغانستان با شعار های زنده باد افغانستان استقبال میکردند.

نامه نگار آژانس باختر از قول یکتن از کهن سالان قونیه که شاهد مراسم پذیرائی از چندین شخصیت های بزرگ بود گفت: استقبال گرم و پر حرارتی که از اعلیحضرتین امروز در قونیه بعمل آمد واقعا از پذیرائی هایی خیلی گرم و بی سابقه درین شهر تاریخی میباشد.

نامه نگار آژانس علاوه میکند تا زمانیکه موکب اعلیحضرتین به عمارات تربت حضرت مولانا مواصت نموده شعار های محتلم زنده باد افغانستان از طرف مردم ادامه داشت. نسبت استقبال گرم و پر حرارت شهریان قونیه در قسمت اعظم جاده بلخ در قونیه که در نزدیکی تربت مولانا میباشد در نتیجه کثرت نشان دسته های گل بر روی جاده فرش شده بود.

اطفال مکاتب شاگردان و طلاب هارندوی و هزاران نفر از شهریان قونیه که در دو طرف جاده اخذ موقع نموده بودند احساساتشان را از نزدیک بحضور اعلیحضرتین ابراز مینمودند.

ذات شاهانه و ملکه معظمه در مدخل عمارت تربت حضرت مولانا از طرف واحد مسجول متصدی امور تربت و موزیم مولانا استقبال شدند.

ذات شهریاری و ملکه معظمه از عمارت تربت حضرت مولانا دیدن نمودند و در داخل عمارت تربت بروج مولانا بلخی اتعاف دعا کردند در طول این لمحات در یک گوشه عمارت به املوب درویش های طریقت مولویه لبی نواخته می شد.

ذات شهریاری در مدخل تربت از قدیمترین نسخ های خطی مثنوی معنوی و نسخ های خطی دیوان کبیر مولانا دیدن نمودند.

عمارت تربت مولانا شامل مرقد حضرت مولانا، مسجد موزیم آثار زمان مولانا جلال الدین بلخی میباشد



اعلیحضرت معظم همایونی و ذوات معیتهی شان در قصر چانکایا با جلالتما ب جودت سونای رئیس جمهور ترکیه و شخصیت های رسمی ترکیه در حال مذاکره دیده میشوند

اعلیحضرتین بعد از دیدن موزیم مذکور تشریف فرمای سالون عمارت شدند . ذات شهریاری در کتاب مخصوص زیارت کنندگان تربت مولانا این جملات را بدست مبارک شاهانه نگاهشتند .

(باسپاسگزاری از خدای بزرگ به مناسبت دومین بار زیارت این تربت و با اظهار ارادت از جانب مردمان زادگاه حضرت مولانا)

احسان تکین والی قونیه بعداً بروی یک لوحه تمثال کلاه و عمامه صوقیان را که در آن بخط زرین جمله یا حضرت مولانا جلال الدین نگاهشته شده بود به اعلیحضرت تقدیم کرد .

بعداً اعلیحضرت معظم همایونی جاده بلخ شهر قونیه را که قبلاً بنام زادگاه مولانا نام گذاری شده بود بنا بر تقاضای شهریان قونیه مجدداً افتتاح فرمودند در این موقع والی قونیه ضمن بیانیهای

بمضور شاهانه اظهار داشت . مسرت داریم اعلیحضرت معظم همایونی بحوث شهریار و نماینده کشور بکه حضرت مولانا در آن های به جهان نهاده جاده بلخ را مجدداً افتتاح فرموده اند .

وی گفت همچنانکه در بلخ جاده قونیه موجود است ارتباط روحانی بلخ و قونیه مظهر پیوند مردمان ما میباشد .

ذات شهریاری و ملکه معظمه بعداً عازم میدان هوایی قونیه شدند .

نامه نگار آژانس باختر اطلاع میدهد که شهریان قونیه با شورو حرارت بی نظیر احساسات شانرا هنگامیکه مو کب ذات شاهانه از جاده عبور میکرد ابراز می نمودند .

طیاره حامل اعلیحضرت معظم همایونی و علیاحضرت ملکه معظمه با ذوات معیتهی شان ساعت چار و بیست دقیقه روز ۸ میزان ۱۳۵۱ بعد از مشاهده آثار

تاریخی از میر تشریف فرمای استانبول گردید و بساعت پنج و پانزده دقیقه وقت محلی وارد میدان استانبول شد .

اعلیحضرت معظم همایونی از کتابخانه سلطان محمد سوم در آن شهر دیدن نمودند .

درین کتابخانه نسخ خطی قدیمی موجود میباشد همچنان ذات همایونی از موزیم توپ قاپو دیدن فرمودند .

مدیر موزیم توپ قاپو در هر قسمت توضیحات لازم را به حضور اعلیحضرت معظم همایونی به عرض میرسانید .

هنگام مشاهده آثار موزیم توپ قاپو یک عده از رجال حکومتی ترکیه و سفرای کبار هر دو کشور شرف معیت اعلیحضرت معظم همایونی را داشتند .

مسافرت رسمی اعلیحضرت معظم همایونی و علیاحضرت ملکه معظمه در ترکیه به

روز ۹ میزان ۱۳۵۱ بیابان رسید
اعلیحضرتین برای یک اقامت غیر
رسمی از ترکیه تشریف فرمای اروپا
گردیدند .

اینک متن اعلامیه - مشترک
اعلیحضرت معظم همایونی و جلالتما
جودت سونای رئیس جمهور ترکیه
در این جا بمطالعه خوانندگان محترم
اردو رسالیده میشود :

اعلیحضرت معظم همایونی پادشاه
افغانستان و علیا حضرت ملکه معظمه نظر
به دعوت جلالتما ب جودت سونای
رئیس جمهور ترکیه از تاریخ چارتا
ده میزان ۱۳۵۱ مطابق ۲۶ سپتمبر الی
اول اکتوبر ۱۹۷۲ سفر رسمی به آن
کشور نمودند .

پناغلی علی محمد وزیر دربار
سلطنتی و پناغلی محمد موسی شفیق وزیر
امور خارجه شرف معیت اعلیحضرت
معظم همایونی راداشتند .

اعلیحضرتین طی مسافرت خویش
در ترکیه از جاهای تاریخی و دارای
اهمیت فرهنگی در اقره، قونیه، از میر
و استانبول دیدن نمودند . در هر جا
از طرف مردم دوست ترکیه با چنان گرمی
وصمیمیت که ممیزه علائق برادرانه
موجود بین هر دو ملت و دارای ریشه
عمیق در تاریخ میباشد استقبال گردیدند
اعلیحضرتین سیراتب تحسین و مسرت
شانرا از ترقیات مردم برادر ترک در زمینه
های مختلف فعالیت ملی ابراز نمودند
طی این مسافرت هر دو رئیس دولت در
یک فضای مودت و صمیمیت و تفاهم
متقابل روابط دو جانبه کشورهای خود
را مطالعه کرده درباره مسایل عمده
بین المللی تبادل نظر نمودند .

درین مذاکرات از طرف افغانستان
ذوات آتی نیز اشتراک داشتند .

پناغلی محمد موسی شفیق وزیر
امور خارجه، دوکتور روان فرهادی
معین سیاسی وزارت امور خارجه -
پناغلی غلام محمد سلیمان سفیر کبیر
افغانی متعین انقره .

از جانب ترکیه ذوات آتی نیز در
مذاکرات حصه گرفتند .

پناغلی فریدمان صدر اعظم، پناغلی
ایمده هلوک بای اولکان وزیر امور

خارجه، پناغلی اسماعیل اراز سکرتر
جنرال امور خارجه، پناغلی فاروق
شاهینباش سفیر کبیر ترکیه در کابل
پناغلی اوکتای جان کار دیشن مدیر
عمومی سیاسی وزارت امور خارجه طی
مذاکرات جالبین سواست خارجی کشور -
های خود را شرح دادند .

جانب افغانی نیز وی پایدار
افغانستان را از خط مشی غیر منسلک بیان
کرده ضمن تبادل نظر بر اوضاع
بین المللی جالبین پایندی کشورهای
شانرا به اصل های منشور ملل متحد
تائید نمود و اعتقاد راسخ خود را اظهار
داشتند بر اینکه صلح جهانی باید متکی
بر رعایت همه دول از اصل های قبول
شده احترام استقلال حاکمیت تمامیت
خاک کشورهای عدم مداخله در امور
داخلی و احترام حقوق مساوی باشد .
هر دو جانب پشتیبانی خود را از
مللی که بر ضد استعمار و برای کسب
مجدد حق تعین سرنوشت خویش مبارزه
میکند ابراز نمودند .

هر دو جانب جریان رفع تشنج و عادی
شدن روابط بین المللی را حسن استقبال
نموده ابراز نظر نمودند که این جریان
در همه منطقه های جهان بدون استثنا
گسترش یابد تا آنکه صلح جهان مستحکم
گردد .

طی مذاکرات جالبین درباره اوضاع
شرق میانه تبادل نظر نموده و هر کدام
موقف مشخص خود را به جانب دیگر
شرح دادند و اظهار امید نمودند که حل
نهائی موضوع شرق میانه مطابق حقوق
و منافع مشروع عرب تامین شود .
طرفین مخالفت خود را به استعمال قوه
و تهدید قوه بمقصد کسب منافع سیاسی
و تسلط بر اراضی و استعمال تسلط بحیث
امر واقع برای تحمیل کردن صورت
مل یک جانبه اظهار نمودند

طرفین اظهار امید کردند مذاکرات
مجدد در قبرس بین جمعیت های ترکی
زبان و یونانی زبان منتج بصورت حلی
گردد که برای همه جانب ذی علاقه
عادلانه و مطابق معاهدات بین المللی باشد
که اساس استقلال قبرس است زیرا
منافع هر دو جمعیت در مساوات استقلال
و حاکمیت و امنیت دولت قبرس مطابق

قانون اساسی آن بطور لازمه تامین
شده میتواند . درباره اوضاع نیمی قاره
جالبین ابراز توقع کردند که اجتماع
مسئله بحیث قدم اول استقرار امنیت و صلح
دوام دارد در آن ناحیه مفید و مؤثر باشد .

جالبین هنگام مطالعه علائق ذات البینی
آن دوستی تاریخی را تذکار نمودند
که هر دو ملت برادر را با هم مرتبط
میدارد . طرفین ازوم توسعه علائق
موجود فرهنگی بین هر دو کشور که
ریشه آن نهایت عمیق است تائید کردند .
طرفین متذکر گردیدند همکاری نزدیک
و با ثمر زمانی بین هر دو کشور
توسعه یافت که هر دو کشور جهاد طولانی
را در مقابل نیروهای خارجی موفقاته پایان
رسالیدند و افغانستان استقلال خود
را مجدداً تا همین نمود و ترکیه
دولت نوینی را تأسیس کرد . طرفین
بارضایت مندی این مطلب را تائید
نمودند که علائق صحیحی عنعنوی بین
هر دو کشور اساس برای توسعه همکاری
دو جانبه به شمول علائق تجارتنی
و تبدلات فرهنگی میباشد .

طرفین اظهار آرزو مندی نمودند . در
زمینه ویژه بین هر کشور بصورت موافقتی
را برقرار کنند این مسافرت اعلیحضرتین
در جمله مسافرت های متقابل معنوی مقام
عمده داشته و در تقویت مزید
احساسات صمیمانه بین افغانستان و ترکیه
مؤثر میباشد .

هر دو جانب با رضایت مندی متذکر شدند
که تبادل مسافرتهای رسمی در تقویت
تفاهم بین هر دو کشور برادر سودمند میباشد
اعلیحضرتین قدر دانی و مسرت
شان را از استقبال گرمی که رئیس
جمهور، حکومت و مردم ترکیه بعمل
آوردند ابراز داشتند .

اعلیحضرتین از جلالتما رئیس جمهور
ترکیه و میرمن جودت سونای دعوت نمودند
تا به افغانستان مسافرت رسمی نمایند
این دعوت با اظهار شکران قبول گردید .
وزیر امور خارجه افغانستان از وزیر
امور خارجه ترکیه دعوت کرد به
افغانستان مسافرت دوستانه نماید
این دعوت با مسرت قبول گردید .

خطابه:



عالیقدر جلالتمآب
سترجنرال خان محمد
وزیر دفاع ملی که
بمناسبت هفته مخصوص
سره میاشت از رادیو
افغانستان برون کاست
گردید.

هموطنان گرامی!

جای مسرت است که با استقبال
هفته سره میاشت پیام و احساسات
صمیمانه ام را از رادیو افغانستان
بسمع شما میرسانم.

دردنبار امروزی موجودیت حوادث
ناگوار و مصائب گوناگون بشری
بنیان آرایش جهانیان را بر هم
میزند و ناثیر این گونه جریانات
با مساعد اسباب اضطراب و تشویش
مردم را فراهم میسازد.

در پهلوی اندیشه های تلخ روح
انسانی و آلام بشری، طبعاً نوع
السان به یک پناهگاه معنوی و
تکیه گاه اخلاقی، احتیاج مبرم

دارد، موسسات خیریه که مبنای
آنها بر اساس مفهوم خیر و تعاون
قرار دارد با اثرات ثمر بخش
خوبش، این کمبود عظیم فکری
انسانها را جبران می کنند

سره میاشتها با عناوین و اسماء
مختلف، اما با ایدیا ل و هدف
مشخص در تمام جهان، منشاء و
منبع این آرزو های خیر خواهانه
نوع بشر بشمار میرود.

سره میاشتها با شعار انسانیت
و میراث تمام قیرگیهای تبعیضی
و نژادی و سیاسی و مذهبی
با اعلام معاونت و همدردی و با
احساسات عمیق بشر دوستی یکمک



مردم مصیبت دیده و نا توان و نیاز مند می‌شتابند .

سره میاشتها با پرسونل و وسایل و تجهیزات خویش از اشخاص مجروح و مریض و مصیبت رسیده صمیمانه پرستاری می‌نمایند :

سره میاشتها در بر و بحر و فضا، در اعماق دره ها، در کوهپایه ها بر زخمها و آلام بشریت ، مرهم می‌نهد و ابیغ و وظیفه بزرگوار و انسانی را بدون چشمداشت پاداش ، خاص پدماظ اعطاف لبیک انسانیت ، انجام میدهد :

در عصر ما که موجودیت محاربات جهنم آسا با ایجاد انواع اسلحه مودرن و تباه کن ، امراض اپیدیمی ، سیلابها ، خشکسالیها ، زلزله ها و آفات گوناگون سماوی و ارضی ، هر لحظه زندگی انسانها را بمخاطره می‌افکنند ، نقش بارز سره میاشتها در هنگام بروز حوادث مذکور ، خوبتر آشکار و نمایان میگردد .

سره میاشتها با بالخاصه در قسمت ندای و تخایه مرخصان و زخمی های میدان محاربه با اردوها ، همکاری نزدیک و دامنه دار خویش را ادامه میدهند و از بی لحاظ در سفر ، نزدیکترین دوست و معاون اردو بشمار میروند :

اردوی شاهانه افغان با سره میاشت ، پیوند عمیق و ناگسستنی

دارد و در اوقات مختلف ، مادرتاً و معنأً از انجام و ایفای هر نوع کمک ، در یغ نورزیده است .

خشکسالی های سنوات گذشته و سیلابهای غیر مترقبه بک قسمت زیاد هموطنان عزیز ما را گرفتار مشکلات و ناگواربها ساخت ، در چنین موقعیت بحرانی و خطیر ،

اردوی شاهانه ، با پرسونل کما فی ووسایط مختلف خویش ، از کمال موسم سره میاشت افغانی به کمک هموطنان مصیبت دیده خویش شرافت و در نقاط دور دست کشور صمیمانه این خدمت اخلاقی و عاجل را بعهده گرفته و انجام داد است و فعلاً نیز سلسله ای بن همکاربها و معاونتها به پیمانه وسیعتر در مناطق مختلف مملکت ، با سرعت و موفقیت ادامه دارد :

همچنان در بحران قلت نمان خشک ، داشهای سفری و سیار اردو در مرکز بفعالیت آغاز نموده و از

کمبود نان و مشکلات اکمال نان بنحو موثر جلوگیری بعمل آورده است .

کمکها و همکاری های اردوی شاهی افغان بصوت دوامدار ادامه داشته و حوشحالم که این آمادگی را بوقالت از منسوبین اردو ، بدین وسیله اعلام میدارم .
وظیفه خویش میدانم تا موفقیت و مساعی دامنه دار و همه جانبه سره میاشت افغانی را در عصر فرخنده اعلیحضرت معظم هما یونی و تحت قیادت و رهنمائی های سودمند و مفید و الاحضرت شهزاده احمد شاه رئیس عالی انجمن سره میاشت بنظر تقدیر و تحسین نگریسته ، از بارگاه خدای متعال نیاز نمایم تا موسم خیریه ما را توفیق خدمت های عالیتر و وسیعتر عنایت فرموده و افغانستان عزیز را از حوادث و آفات ناگوار در پناه فضل و کرم خویش محفوظ و مصئون بدارد :

اندیشه های بزرگان

بر آنالیکه در زمین هستند رحم کنید تا خداوند آسمانها بر شما رحم کند .
«حضرت محمد ص»

* * *

پهره تنیکه برالدام لرزان مستندی می پوشانید ، بخوراکی که آن طفل گرسنه را سیر میکنید . بوتیکه بنیای نیازمند برهنه می نماید .

توشه است معنوی که برای روز قیامت می اندوزید آجا بشما لغواهد گفت چه همراه آورده اید بلکه خواهند پرسید ، با اعمال نیکو کارانده خود برای روز واپسین چه دوخته اید ؟؟

اساس شوری را در جامعه مسلمانان جهان همان دستاورد ارزنده و تابناک دین مقدس اسلام بنیان گذاری نموده است خداوند متعال و عادل ، عالم بشریت را عموماً و جامعه مسلمان را خصوصاً به شور و مفاهمه توصیه می فرماید و این روحیه ، بزرگترین سابق و سلسله جنبان بشر در راه فوز و فلاح است . مشورت در راه حق ، مشورت در جهت سالم و عاقلانه موضوعات مختلف و مشورت در پیرامون امور شخصی و اجتماعی ، اثرات مفید و انکارناپذیر دارد ؛ مردمان خودرای و خودخواه تماماً مجاری امور را از نگاه خود و از پندارهای خاص خویش قضاوت می کنند حال آنکه يك انسان با هرگونه ذخایر فکری و علمی و تجارسی که دارد نمیتواند جهات مختلف و گوناگون قضایا را بیطرفانه و منصفانه و همه جانبه تحلیل نماید و بنابراین نظر یکشخص در پیرامون قضایا خالی از نارسایی و نقاط ضعف نیست اما در مشوره این خالیگاهها در اثر حلاجی افکار اشخاص و نظرات و شور و گفتارشان بوضاحت نمایان می گردد و تدابیری که برای آن موضوع و یا قضیه صورت می گیرد کمتر از اشتباه و خامی و نارسائی برخوردار خواهد بود ؛

دیموکراسی اسلام ضامن سعادت و رستگاری دارین جهانیان است و از همین جا است که در کشور ما هر وقت پای مشورت در میان میآید باید متوجه این حقیقت باشیم که روح اصلی آن را تلقین و ارشاد قرآن مجید بعهدہ دارد .

در عرف افغانی و تعامل محیطی ما نیز عنوان جرگه ها ریشه عمیق و تاریخی دارد که نیاکان و اسلاف ما روی مساهل عالی و دانی حیات سیاسی و اجتماعی و انفرادی خویش مقوسل بمشورت در جرگه ها

شوری

در

افغانستان

مقام معلم

همه ساله روز خاصی بمنظور تجلیل از مقام معلم در کشور عزیز ما برگزار میگردد و این رسم پسندیده ، کم کم در محیط ما حیثیت عنعنوی را بشکل رسمی اختیار می کند اساساً در تاریخ پر افتخار سرزمین باستانی ما مقام معلم در هر عصر و دوره ، ارزش و برازندگی کاملی داشته است ، حتی در ادوار تاریک و ظلمانی اعصار گذشته بازم می خوانیم که زمامداران و جهانکشایان مختلف از علماء و دانشمندان و ارباب ادب و فضیلت باحرمت کامل و با معاونت های گوناگون تجلیل و تکریم اموده اند .

در بزرگداشت مقام معلم و بالا بردن حیثیت معنوی آن در انظار عامه هر قدر افراط کنیم در حقیقت بعلم و فضیلت احترام کرده ایم معلم جامعه را بسوی سعادت و کامیابی و ترقی سوق میدهد ، معلم با روح ایثار و فداکاری ، بنیان اساسی را برای ملت خویش پایه گذاری می کند ، معلم در ساختمان روحی و ذهنی جامعه خویش و نسل جوان مملکت سهم بارز و موثر را به عهده دارد ، معلم با تزریق روحیه وطن پرستی و ملت خواهی ، فرزندان کشور را بوحدهت ملی و دفاع از تمامیت ارضی مملکت مردان قهرمان و مبارز بار می آورد . معلم با پخش الوار دانش ، دلها را منور و دماغها را معطر میسازد و بالاخره معلم با تقوی و خرد و فضیلت ، برای شاگردانش درس تقوی و علم و فضل میدهد .

البته منظور ما از تجلیل مقام معلم ، اختصاص بهمان معلمینی دارد که وظیفه تاریخی و پر افتخار شان را بدرستی درک نموده و با افکار سالم و با روحیه اصلی و اساسی سلامت و افغالیبت شاگردان را بره راست رهنمائی می نمایند و وطن پرستی و وحدت ملی را شعار خویش قرار میدهند . معلم از افکار موهوم و مسموم جداً اجتناب میورزد و با روشنفکری و سعه صدر و مأل اندیشی کامل بماموریت خطیر و مهم خویش آشنائی دارد ما روز معلم را به پیشگاه معلمین با در دو وطن پرست افغان صمیمانه تبریک می گوئیم و افتخارات عالیتری را بر بارگاه خداوند دانا و علیم باپشان تمنا می نمائیم .

میشدند و میشوند اما مجلس شوری بشکل منسجم و اساسی و بصورت عصری آن از ابتکارات قاید فقید و فرزند نامور افغان اعلیحضرت شهید سعید محمد نادر شاه است که در دوره کوتاه و پرثمر سلطنت خویش پارلمان کشور را بنیاد نهادند و راه را برای رشد دیموکراسی فرزندان نجیب کشور افغان از راه سالم و صحیح آن باز گذاشتند . امروز بیمن همت و رهبری های مدبرانه پادشاه محبوب ما اعلیحضرت محمد ظاهر شاه آن تهداب متین و اساسی دیموکراسی را که و اند بزرگوار ایشان طرح ریزی فرموده بودند در جامعه نوین افغانستان بحال رشد و انکشاف می بینیم و این بذات خود بزرگترین خاطره پر افتخار است که ملت نجیب و حق شناس ما از آن به نیکوئی و تمجید یاد می کنند و نسل های آینده اثرات مفید و آشکار و ارزنده آن را بخط زرین در تاریخ دیموکراسی کشور ثبت خواهند کرد . ما بروح پرفتوح قهرمان و محصل استقلال و بنیان گزار شورای افغانستان اعلیحضرت شهید سعید تحفه های ادعیه و تحیات میفرستیم و امیدواریم ملت افغان این عطیه بزرگ را در جهت سالم آن و در راه وحدت ملی و ترقی و سعادت مردم و کشور خویش مردانه وار بکار اندازند و آن را خرد مندانه توسعه و انکشاف بخشند .



اعلیٰ حضرت
معظم هما یونی
سر قوماندان اعلیٰ
اردوی شاهانه
حین قبول سلام
قطعات اردوی
شاهی افغان

اعلیٰ حضرت معظم هما یونی سر قوماندان اعلیٰ اردوی شاهی افغان روز اول سنبله ۱۳۵۱ پنجاه و چهارمین جشن استرداد آزادی مملکت را افتتاح فرمودند

نتوانست با همه قوتیکه طی [قرون] هجده و نوزده در پیکر خود داشت بر مردم ما تسلط خود را قایم کند. در طول سالهایی که پیکار بر ضد آن درین خاک [تسلط خود را] می پیمود بیش از پیش در باقیمانده اجسام جبهه داخل و بهم پستی عناصر معنوی و مادی آن در حصول پیروزیها

بزرگ ایامی را تجلیل میکنیم که در تبارز شخصیت ملی ما و در بنیان گذاری افغانستان جدید نقش خیلی موثر داشت. جنبشی که ضرورت دفاع از نوامیس ملی در سراسر این سرزمین برآورداخت پاکیزه تربیتی خصایص نهفته در ضمیر ملت ما را به عرصه شهود آورد. استعمار

اعلیٰ حضرت معظم هما یونی سر قوماندان اعلیٰ اردوی شاهی افغان با ارشادات قیمتدار شاهانه از قصر گلخانه پنجاه و چهارمین جشن استرداد آزادی کشور را ساعت ۸:۰۰ روز چهارشنبه اول سنبله ۱۳۵۱ افتتاح فرمودند. متن ارشادات ذات شاهانه
بسم الله الرحمن الرحيم
هموطنان عزیز:
هك بار دیگر پیاری خداوند



نقش قاطع دارد، مردم می که بر محیط اندیشه و احساس شان پرتو وحدت دمیده است میتواند هر خطر متوجه به هستی خویش را قبل از بزرگ شدن آن از میان بر دارد.

بنای افغانستان نوین بر روی حفظ میراث ارزنده ما و با عزم تامین يك زندگانی حافظ کرامت انسانی و هماهنگی با خواسته ها و پدیده های عصر آغاز شد. امانت پاسبانی و دفاع استقلال درست مانند استرداد آن به پرورش روحیه شهامت فطری مردم و به فراهم کردن شرایط مناسب حیاتی نیاز اساسی دارد. از اینجاست لزوم توجه جدی به اعمار يك نظام اقتصادی علمی و مترقی که ثمره آن بتواند مردم ما را از دشمنان واقعی فقر، ویسواد و مرض نجات دهد. ارزش رسیدگی بزمین و نقش آن

در اقتصاد ما شاید هیچ وقت روشتر از سال کنونی و سالکه درگذشت نزد همه ما تبارز نکرده بود. توجه عمیق با مور زراعت و بحال تمام آنها یسی که مشغول امور مالداري که يك قسمت مهمی از حیات مردم ماست وظیفه عاجل و دارای اهمیت اساسی حکومت و هموطنان دانسته میشود.

درد آسیب دیدگان دو خشکسال بهم در تمام این مدت مشکل همراه خاطر ما بوده در حالیکه بهمه آنها یکبار دیگر همدردی خود را ابراز میداریم آرزو مندیم بتدریج چنان تدابیری اتخاذ گردد که نتیجه آن آمادگی موثر برای مواجه شدن با عواقب این نوع آفات سماوی باشد. درین فرصت تمام آن مساعی را تقدیر میکنیم که در راه تخفیف اثرات این بحران طبیعی بر مناطق مختلف کشور

بذل گردیده می گردد.

همچنان بنام ملت افغانستان از همه آن کشورهای دوست و موسسات بین المللی که با مردم مادر رفیع نا گواری های این دو خشکسال خطیر مساعدت نمودند ابراز امتنان مینمائیم.

توأم با انکشاف زراعت بر بنای تجارب و دانش امروزی باید توجه بیشتر مردم و حکومت بار تقوا توسعه صنعت مبدول گردد. تهیه و سایل مادی و بشری برای تفحص و استفاده از معادن کشور بمسطور تقویة بنیان اقتصادی يك امر خیلی ضروری است. بهره برداری هرچه زود تر و هرچه وسیعتر از ثروت های طبیعی این خاک بدون شك سیر رسیدگی به وجیبه انکشاف کشور را سرعتی خواهد بخشید که جامعه ما به آن نیازمندی واقعی دارد.



دور بماند، در غیر آن از فهم روح و متن قانون اساسی دولت و احکام دیگر قوانین و هم از فهم معانی لفظی در ارزش های اساسی و عنعنات باستانی کشور و مردم خود کنار رفته اند :

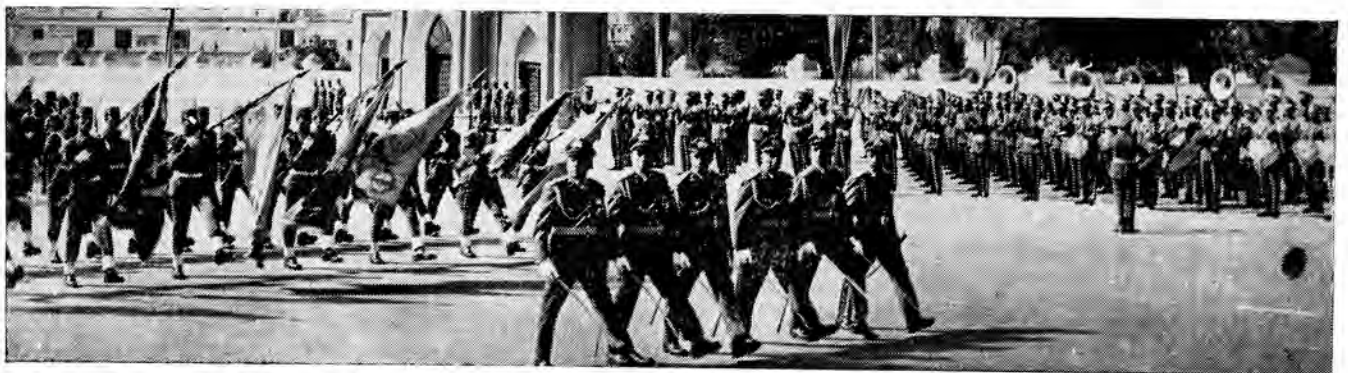
بر آوردن این خواسته ها و تمام آرزو های دیگر ملی در زندگانی ما بوجود جوانان بهره مند از علوم و فرهنگ ارتباط اساسی دارد. باید توأم با فهم درست و عمیق در مورد مشکلات شان به تعلیم و پرورش آنها و به آماده ساختن شان برای سهمگیری سالم و مثبت در حیات ملی توجه خاص بذل شود در رسیدگی باین امر ماهیت واقعی تربیت افغالی باید همیشه در نزد مربیان روشن باشد ارزشهای اصیل فرهنگ ملی و تحولانی که زمان پیوسته آنرا قضا می کند دو عنصر جدایی ناپذیر این ماهیت است: ایجاد فرصتهای مزید برای استفاده از نیروی جوان بخصوص از تحصیل یافتگان هم به حفظ سلامت روح و جسم آنها کمک میکند و هم کاربنای مملکت را بسرعتیکه آرزو داریم و آرزو دارند براه می اندازد : نگاه معاصر افغانستان به جهان و



اعلیه حضرت معظم هما یونی رسم گذشت قطعات اردوی شاهی را مشاهده میفرمایند

حفظ شیرازه وحدت ملی نه تنها امانت دیرین بر عهدہ این نسل مانند همه نسلهای دیگر مملکت افغانستانست بلکه نگهداشت و پرورش متداوم آن عنصر اساسی در اعمار کشور و در راه دفاع از ناموس استقلال و تمامیت خاک آن شمرده میشود. هیچ يك از افراد این سر زمین چه در نظر باشد و چه در عمل. نمیتواند بخود حق بدهد از درك همیشگی اهمیت حیاتی این حقیقت برای زندگانی ملی ما

موفقیت هر نوع مساعی در راه بهبود اقتصاد و همچنین اجتماع و سیاست مملکت نمیتواند بدون نزدیکی فکر و هم آهنگی در عمل بین رکن قانون گذار و قوه اجرائیه دولت صورت بگیرد. توقع داریم این دو قوه و قوه قضائیه بر مینای قانون اساسی افغانستان در راه تنظیم و اداره حیات ملی و خدمت بمردم از روحیه تفاهم و تعاون همواره مستفید باشند .





افغانستان بر اساس سیاست عنعنوی صلح جویانه خود و با رعایت منافع ملی خویش از بر آورده شدن این آرزو حسن استقبال نموده و مینماید. آرزو مندیم جنگ طولانی و یتنام و همه هند و چین نیز بزودی پایان رسد. افغانستان اصل احترام به اراده مردمان این سرزمین را در تعیین سرنوشت شان بدون مداخله خارجی و بر اساس موافقات ژنبرو تأیید کرده و خواهد کرد.

به هنگام تجلیل از یادبود استقلال وطنی خاطر ما مخصوصاً متوجه مردم پښتونستان میباشد. افغانستان بر اساس تصامیم دولویه جرگه ایفای وظیفه تاریخی پشتمبالی از حق تعیین سرنوشت را برای برادران خود ادامه داده تا روز تأمین این هدف ملی مساعی خود را بهمه طرق مسالمت آمیز پیوسته

بین المللی از طرق مسالمت آمیز می‌باشیم.

افغانستان در بحران شرق میانه حمایت خود را از مبارزه مردم عرب علیه اسرائیل ادامه خواهد داد.

عقیده داریم صلح باین منطقه وقتی برگشته میتواند که با شغال اراضی مصر، سوریه و اردن از طرف قوای متجاوز اسرائیل خاتمه داده شود و به برادران ما مردم عرب فلسطین حقوق شان اعاده گردد.

امید داریم با لاخره در نیم قاره پاکستان و هند نیز از امکانات برقرار شدن آرامش دوام دار که هلایم آن بنالگی بعد از مذاکرات سمله پدید آمده به نفع کشورهای منطقه و همکاری مفید اقتصادی بین آنها و استحکام صلح بین المللی استفاده بعمل آید.

مسائل آن بحد قابل ملاحظه زاده تجار بیست که از پیشکار مردم ماعلیه استعمار بدست آورده ایم روش بیطرفی مثبت و فعال اجتناب از الحاق به پیمانهای نظامی و سیاسی، قضاوت آزاد در مسائل بین المللی، احترام باصل دوستی و همکاری بین دولتها بر اساس مساوات از پایه های ثابت سیاست خارجی کشور ما بشمار میرود.

اهمیت قاطع اراده مردمان و ملل در تعیین سرنوشت شان از بین بردن همه آثار و اشکال استعمار پشتمبالی از منشور ملل متحد و جهانی بودن ارزشهای آن که حاوی این اهداف و دیگر مقاصد بشر خواهانه است با روحیات مردم ما توافق طبیعی دارد. ما به اعمال قوه علیه ملتها و مردمان بمنظور بدست آوردن منافع عقیده نداریم و پشتمیان حل منازعات



میدول خواهد کرد.

استقلال کشور ثمره ایثار و همت
والای فرزندان دایر ابن خاکست
وظیفه خود میدانیم بیاس شهادت
تاریخی آنها به روح همه شهدای
معرکه آزادی و قیام بزرگ شان،
اعلیحضرت محمد نادر شاه شهید
تحاف دعا کنیم .

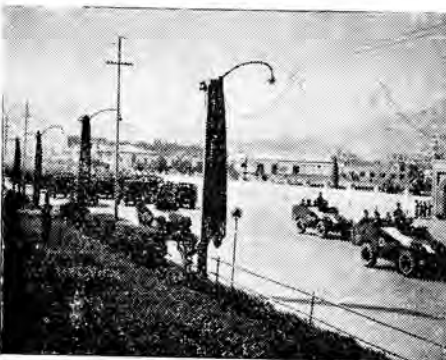
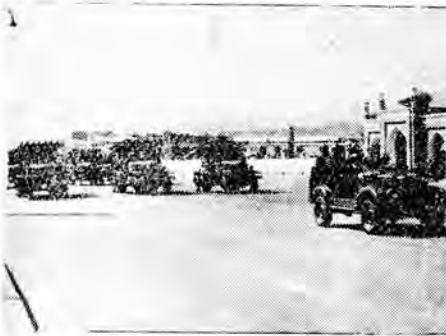
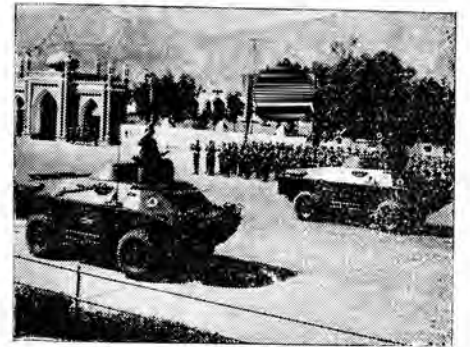
ایچ ایام فرخنده را بسمام هموطنان
عزیز تهنیت گفته مراسم آغاز پنجاه
و چهارمین سال استقلال افغانستان
را بنام خداوند بخشاینده و مهربان
افتتاح مینماییم ؟

موتورکب ذات شاهانه درحالیکه از
طرف مردم شاهدوست باهمله و حرارت
استقبال میشد ساعت ۲۰-۸ بچمن حضوری
لزول اجلال نمود.

والاحضرت شهزاده احمد شاه ،
والاحضرت مارشال شاه ولیخان غازی
فاتح کابل و دکتور عبدالظاهر صدر اعظم
شرف معیت حضور اعلیحضرت معظم
همایونی را داشتند .

قطعات اردوی شاهانه از طرف
ستر جنرال خان محمد وزیر دفاع ملی
بجضور ذات شهر یاری تقدیم گردید
سپس اعلیحضرت معظم همایونی رسم
تعظیم و احترام اردوی تهران و و قشاعار
شاهانه را قبول فرمودند و درحالیکه
والاحضرت مارشال شاه ولیخان غازی
فاتح کابل شرف معیت اعلیحضرت معظم
همایونی را داشتند قطعات اردو را
معاینه فرمودند .

اعلیحضرت معظم همایونی مراسم
احترام را در مقابل مقبره اعلیحضرت
شهید محمد محمد لادر شاه غازی تهران
بزرگ مهارزه استرداد استقلال وطن
بجا آوردند درین موقع بیست و یک توپ
برسم احترام شلیک شد .



متعاقباً ذات شاهانه از چمن حضوری
درحالیکه احساسات گرم مردم شاهدوست
را قبول میفرمودند درین کف زدلها و
هملهها و عبادتالی های مردم تشریف
فرمای لوژ سلطنتی گردیدند .

علیاحضرت ملکه معظمه، والاحضرات شهزادگان و شاهدخت‌ها و بعضی از اعضای خانواده جلیل سلطنتی نیز در لوژ سلطنتی حضور داشتند.

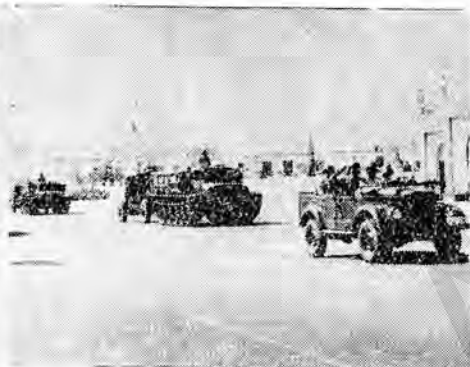
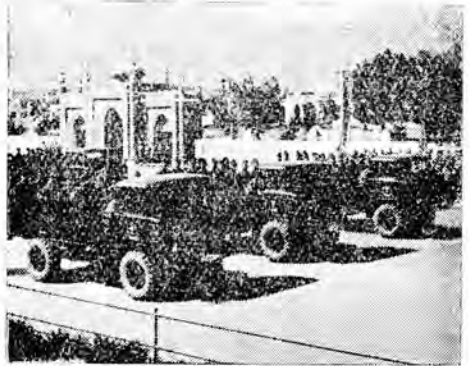
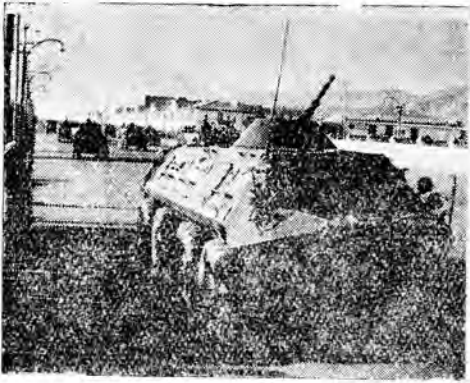
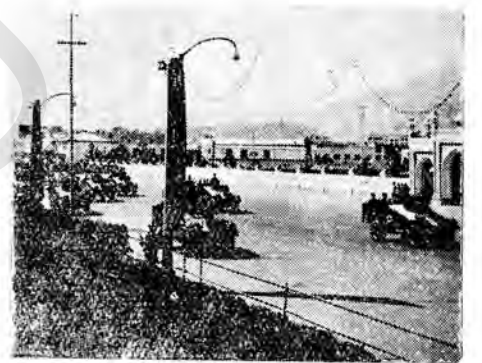
روسای مجلسین شوری، قاضی القضاة

اعضای کابینه، قضات ستره محکمه جنرالهای اردوی شاهانه بعضی از اعضای شوری، مامورین عالی‌رتبه ملکی، خان عبدالغفار خان زعيم بېتونستان، هیات مشران بلوچستان ر که برای اشتراك در مراسم جشن استرداد استقلال بکابل آمده بودند) کوردیپلوماتیکه مقیم کابل با خالهای شان در کمپ های مربوط اخذ موقع کرده بودند.

در حالیکه در دو جناح شازی محمد اکبر خان وات و دیگر ساحات چمن حضوری هزاران نفر از شهریان کابل و ولایات کشور صف بسته بودند رسم گذشت سسکری بساعت ۸-۱۰ آغاز گردید

پس از آنکه دسته باندوی سسکری مقابل لوژ سلطنتی اخذ موقع کرد توپ- های گلپوش یادگار محاربه تاریخی و پرافتخار فتح تل در بین احساسات گرم مردم از مقابل لوژ سلطنتی عبور نمود درین موقع یکدسته از هلیکوپترها در مقابل لوژ سلطنتی رسم احترام گذشته و اوراق تبریکه جشن را پخش کردند. بعداً قطعات پوهنخی های پوهنتون حر بی، اکادمی تخنیک، شیونخی تخنیک، احتیاط، پوهنخی هوائی، حربی شیونخی دور و ضابطانو شیونخی، صنوف مختلف اردو و مجهز با سلاحهای مدرن بداخل نظم و دیسپلین سسکری برسم گذشت پرداختند.

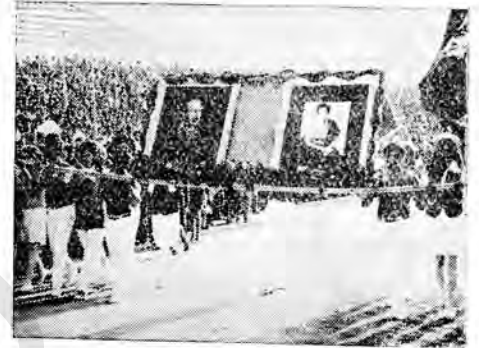
در اثنا تیکه قطعه پراشوت از مقابل لوژ سلطنتی میگذشت یک جزو تام متشکل از انواع مختلف طیارات نیز در فضای غازی محمد اکبر خان وات پرواز نمود. علیحضرت معظم همایونی در ختم رسم گذشت مراتب رضایت شاهانه را از حسن التظام و بیشرقت محسوس اردوی شاهانه ببه ستر جنرال خان محمد وزیر دفاع ملی ابراز فرمودند (متن فرمان شاهی که بدین مناسبت شرف صدور یافته در همین شماره ژورنالی آمده است)



قبل از آغاز رسم گذشت دکتور عبدالظاهر صدراعظم، روسای مجلسین شوری، قاضی القضاة، اعضای کابینه خان عبدالغفار خان زعيم بېتونستان، روسای کوردیپلوماتیکه با خالهای شان

على الترتيب در لوژ سلطنتى بحضور
عليحضرت معظم همايولى و علياحضرت
ملكه معظمه شرفياب گرديدند و
نهرىكات شائرا لسبت پنجاه و چهارمين
الكره فرخنده استرداد استقلال وطن
عزيز بحضور اعليحضرتين بعرض
مانيداد .

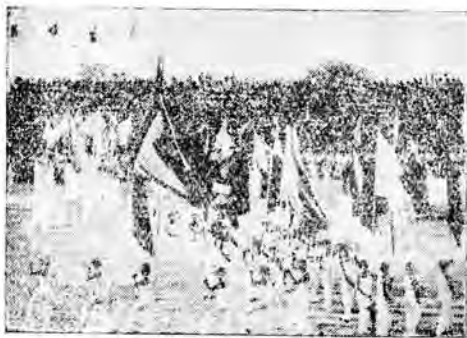
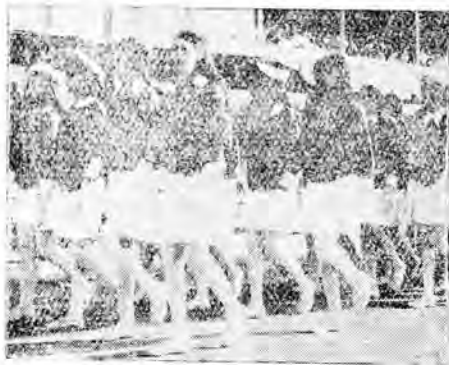
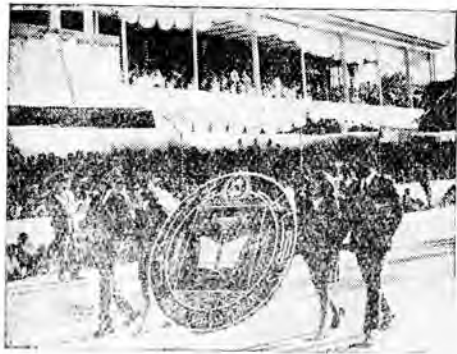
در ختم رسم گذشت گل گذارى



بر مقياس اعليحضرت شهيد سعيد
محمد نادر شاه غازى رحمته الله عليه
صورت گرفت . خبير انكارامى افزايد كه
جاده هاى منظمه جشن بايبرق هاى شامى
وملى تزئين يافته بودند و هزاران نفر
اعم از زن و مرد پير و جوان در دو جناح
اكبرخان وات و ديگر ساحه هاى چمن
حضورى از او ايل صبح اخذ موقع نموده
بودند و با اشتياق انتظار ورود سو كب
شاهانه و افتتاح پنجاه و چهارمين جشن
استرداد استقلال وطن را مى بردند .
حينكه ذات شاهانه و ملكه معظمه
پس از ختم رسم گذشت لوژ سلطنتى را
ترك مي فرمودند هزاران نفر با كف زدهاى
ممتد به اعليحضرتين ابراز احساسات
مى كردند كه مقابلتاً اعليحضرت معظم
همايولى و علياحضرت ملكه معظمه
احساسات آنها را با اللطف شان مى پذيرفتند
قرار اطلاع خبير نكارامى مجله هاى
فوق العاده مجله اردو ، مجله حراى
پوهنتون ، مجله تخنيك و مجله زيرمه
كه بدين مناسبت طبع شده بود
بحضار توزيع گرديد .

مراسم رسم گذشت عسكرى ساعت
۹-۲۰ خاتمه يافت .

قراريك خبير ديكر اعليحضرت معظم
همايولى ساعت ۱۶-۳۰ همالروز رسم گذشت
ورزشكاران معارف را در غازى استديو
معايه فرمودند . ذات شهر يارى در
مدخل لوژ سلطنتى از طرف بناغلى على محمد
وزهر دربار سلطنتى ، بناغلى اسان الله
منصورى وزهر داخله ، هواند محمد ياسين
عظيم معين وزارت معارف و دكتور
نعمت الله پژواك والى كابل استقبال
گرديدند . درين موقع يكعده از شاگردان
خورده سال معارف به نمايندگى از



ورزشكاران و مهاگردان دسته هاى گل
را بحضور پادشاه محبوب تقديم نمودند
كه طرف لوازش اعليحضرت معظم
همايولى قرار گرفتند .

موقعيكه ذات شهر يارى تشریف
فرماى لوژ سلطنتى گرديدند با قومالده
بناغلى محمد حيدر مها خيل رئيس
تربيت بدلى وزارت معارف موزيك
سلام شامى را نواخت و ورزشكاران
رسم احترام را بجا آورده و بالعره هاى
عمرده ديره پادشاه احساسات
شاهد وستى شائرا ابراز داشتند . بعداً
ورزشكاران معارف و اولمپيكه در حاليكه



توپهای یادگار حرب استرداد استقلال وطن عزیزین رسم گذشت سال ۱۳۵۱

تمثال فرخنده اعلی حضرت معظم هماپولی
و علیا حضرت ملکه معظمه و همچنان شعار-
های زنده باد شاه پاینده باد استقلال و
نیزهای ورزشی را با خود داشتند
برسم گذشت بحضور پادشاه معارف پرور
و محبوب ما آغاز گردید.

درین رسم گذشت منسوبین ورزشی
معارف، ورزشکاران رهاست اولمپیک،
پوهنتون های کابل و ننگرهار، طلاب
غاردوی و طلاب معارف از مقابل لوز
سلطنتی عبور کردند. ترانه های شاه و
واتن ملی از طرف ورزشکاران صورت
گرفت و همچنان پروگرام چمناسیک که
شامل نمایش بوکس با موزیکه،
ضرب میل، چوب بازی و حرکات
چمناسیکه بود نمایش داده شد.

درین وقت بالون های که بروی
آن ها کلمات تل دی وی استقلال، پاینده
باد ملت نجیب افغان نوشته شده بود
به هوا رها گردید. در ختم رسم گذشت
سپورتمین های معارف ذات شهرپاری
احساسات گرم و باحرارت ورزشکاران
را پذیرفتند و مراتب رضایت شاهانه
رانسب به حسن انتظام رسم گذشت به
پوهالد محمد یاسین عظیم معین وزارت
معارف اظهار فرمودند.

والا حضرت شاهدخت مریم،
والا حضرت شهزاده شاه محمود،
والا حضرت شهزاده میرویس،

روسای کوردیپلوماتیکه مقیم کابل با
خانمهای شان اخذ موقع نموده و جم
غفیری از تماشاچیان در دلدانه های
غازی ستدیوم برای تماشای رسم گذشت
معارف نیز حاضر بودند.

مراسم رسم گذشت ساعت ۱۰-۱۸
بالوی سلامی و شعار عمر دی دیرشه
پادشاه، خاتمه پذیرفت.

نوت: عکسها صحنه های مختلفی
را از رسم گذشت اردو و ورزشکاران
معارف نشان میدهد.

والا حضرت محبوب غازی، والا حضرت
مارشال شاه ولیخان غازی فاتح کابل،
والا حضرت جنرال سردار عبدالولی
قومالدان قول اردوی مرکزی، بعضی
دیگر از اعضای خانواده جلیل سلطنتی
و دکتور عبدالظاهر صدراظم در لوز
سلطنتی نیز حاضر بودند.

در دو جناح لوز پوهنرال محمد عمر
وردک رئیس ولسی جرکه، اعضای
کابینه، قضات ستره محکمه، بعضی از
اعضای شوروی مامورین عالیرتبه
عسکری و سلکی، هیات مشران بلوچ،

د پوهانو افکار

دانسان موجوده دریغ او معرفت باید عملی
هنه ولری. (۰۰۰)
هغه ستر عوامل چه دانسان عملی معرفت د عمل دگرته
وراندی کوی په ژوندانه کې د اساسی میتود د پیدا کولو
او ورختیو کفنو او آزمایشتونو د صحنی له پراخولو څخه
عبارت دی. (میترا لینگت)
له انسانی لوړو او عالی حرکتو څخه هغه وخت په
زړه پوری نتیجی آلاس ته را تلای شی چه له عمل سره
اریکی ولری. (فلفل)

د انسانانو په زړونو او مغزو کې دیر طاقونه ویده
پراته وی چه د همدودی او حوصله افزوئی په غز راو پینیزی
او په کارپیل کوی. «ولیم جیمس»
نیکمرغه هغه څوک دی چه د دوشیا لوی څخه پوپه
لاس کی ولری، یا بیه کتاونه او یاداسی دوستان چه
«کتاب اهل دی». «بکتور هوگو»



اعلیٰ حضرت معظم همایونی و علیا حضرت ملکہ معظمہ هنگامیکہ نمایندگان معلمات و معلمین و استادان کشور را بحضور پذیرفته اند.

تجلیل روز معلم



خود و فرهنگ جوامع دیگر بشری را
دانش او و رسم زیستی با شرایط
متغیر زمان را از اندیشه او از جرعه-
های فکر بیدار و مسؤول اومی آموزیم.
تجلیل از مقام معلم در واقع تجلیل

بسم الله الرحمن الرحيم.
شخصیت ارزنده معلم در تاریخ
انسان مقام خیلی شامخ دارد. در واقع
امتداد و نموی تاریخ مرهون نقش و
مساعی معلم است. ما فرهنگ نیاکان

با قرائت پیام اعلیٰ حضرت
معظم همایونی روز معلم
بتاریخ پنجشنبه ۳۰ سنبله ۱۳۵۱
در سر تا سر مملکت تجلیل
گردید.
متن پیام ذات شاهانه
بمناسبت روز معلم:

از مقام دانش است. مقامی که برتری انسان در خاکدان زمین نتیجه آن دانسته شده، حفظ تسلل در اخلاق و فضایل نیک و کشف تازہ هادر جهان علم و ادب ثمرهٔ مساعی پیہم معتمد است که صیانت بقای معنوی نسل بشر را بعهده دارند.

دین پاکیزهٔ اسلام و براساس آن فرهنگ باستان و معاصر ما بادرک این حقایق استوار در تاریخ انسانی احترام باستاد اجزئی از عناصر اصل در حیات ملی مقرر داده است. توقع ما از همه شاگردان و محصلین آنست تا دل و دماغشان در همه احوال از بزرگداشت معلمان و استادان آگاه باشد.

همچنان امید داریم دولت توجه بیشتر خود را بسوی بهبود احوال معلمات معلمان و استادان بذل نموده با بلند بردن سوبهٔ معنوی و بهتر ساختن شرایط زندگانی شان در اثر بیب تساهلای امروز

و فردای افغانستان سهم مؤثر بگیرند. این روز فرخنده را به همه مربیان کشور تهنیت گفته بذل مساعی بیشتر آنها را در پرورش فضائل اخلاق در نفوس جوانان و کودکان افغان و همچنان در آماده ساختن بهتر آنها برای وظیفهٔ اعمار ممالکت شان تمنا میکنیم.

اعلیحضرت معظم هما یسولی و علیاحضرت ملکهٔ معظمه نمایندگان معلمات معلمان و استادان کشور را ساعت ۱۹-۲۰ ۳۰ منبله بحضور پذیرفتند.

ذات هما یسولی بعد از اظهار تفقد با نمایندگان معلمات، معلمان و استادان خطاب به آنها فرمودند:

مسرت داریم که امسال برای ما موقع نصیب شد در این مراسم که به احترام نام و مقام شما برگزار میشود اشتراک نمایم

احترام مقام امتداد به حیث یک اصل معنوی نزد مردم افغانستان همیشه موجود بوده و بروی همین اصل مردم

ازین مقام توقعات هم دارند. آرزو و تمندی در راه حفظ کرامت این مقام شریف استادان ما از هیچگونه مساعی و خود گذری دریغ ننمایند. برای کامیابی شان درین راه توفیقات خداوندی را همواره شامل حال شما میخواهیم.

بعد از ارشادات ذات شاعاله میرمن ستاره کمزاد ابراهیمی معلمه لیسه راهبده بلخی به نمایندگی از معلمات و یکتن از معلمان از توجهات اعلیحضرت معظم هما یسولی که همواره در ارتقای معارف مخصوصاً در بارهٔ تجلیل مقام معلمات و معلمان و استادان میذول فرموده اند ابراز سپاسگزاری نموده و به شرف مزید کشور را تحت رهنمای های خردمندانه اعلیحضرت معظم هما یسولی که مرکز آرزوهای مربیان و منسوبین معارف ممالکت می باشند مسلمات کردند.

نمایندگان معلمات، معلمان و استادان عصر به رادرمی سلطنتی بحضور اعلیحضرت معظم هما یسولی و علیاحضرت ملکهٔ معظمه صرف نمودند.

افکار یزرگان

مردمان در صورتی که سرمشقی برای بروی کردن، جز خرد نداشته باشند به لدوت بهبود پیدا میکنند.

«گولد سیمیت»

هیچ چیز موثرتر از سرمشق و نموله لیست.

«چارلز کیتنگلی»

با خوب بودن بهتر از هر راه دیگر میتوانیم خوبی کنیم.

«رولد هیل»

با گرگان زلدگی کن و آن وقت خواهی آموخت که مانند گرگان صدا بکشی.

«ضرب المثل اسپانیائی»

بر فرض آنکه «سخنان حکمت آمیز» همچون میخ های باشد که توسط استادان هومبار اجتماع گرفته میشود، سرمشقی که به دیگران میدهند چکش است که این میخها را محکم میگوید. پدری که برای سخفالی هرزه گفتن فرزند خود را شلاق میزند و در حین شلاق زدن خود چنین سخفالی میگوید با نموله ای که میدهد بیش از آن ضرر میرساند که از هلاکتش لایده ای حاصل میشود.

«قولر»

چنان کار کن که قاعدهٔ کار تو بتواند قانون بیخطری برای سراسر جهان باشد.

«کات»

سرمشق و نموله مدرسه نوع بشر است چنین درسی را هیچ جای دیگر فرا نمی گیرد.

«بیورک»

نمونه های خوب سارابه کارهای شریف برمی انگیزند و سرگذشت نفوس بزرگ بیشتری برای همگان الهام بخش اندیشه های عالی است.

«سنکا»

بسیار خوشحالم که با شنیده ها آن اندازه قانع نمی شویم که با دیده ها.

«هرودوتوس»

بهترین هدیه ای که میتوانیم به دیگران بدهیم نمونه خوب بودن است.

«سورل»

تجلیل روز بین‌المللی طفل در کشور



علی‌ها حضرت ملکه معظمه حینیکه اطفال ممتاز را مورد نوازش قرار میدهند

با پیام علی‌ها حضرت ملکه معظمه روز طفل بتاريخ ۴شنبه ۸سنبله ۱۳۵۱ در سراسر کشور با مراسم خاص تجلیل گردید:

پیام علی‌ها حضرت ملکه معظمه بمناسبت روز طفل: بسم الله الرحمن الرحيم:

مساله توجه به طفل و سلامت عقل و بدن او در جهان امروز در راس مسائل مهمه اجتماعی و فرهنگی قرار یافته است. عصریکه دران زندگی میکنیم و عصریکه فردا دران زندگی خواهیم کرد. بیش از هر زمان دیگر در تاریخ بشر نیازمند دانش است

اکثون دیگر حتی ساحات خیلی عادی از حیات انسانی را نمیتوان بدون معلومات اختصاصی تنظیم نمود و انکشاف داد.

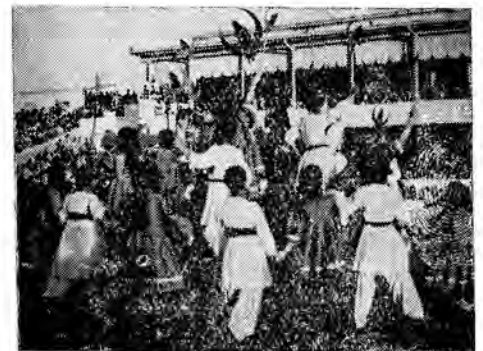
در چنین شرایط تربیت طفل و آماده ساختن او برای موفق شدن در امتحان زیستن درین عصر پر از امکانات بسی سابقه دارای اهمیت اساسی برای کشور ما و جامعه بین‌المللی میباشد. توقع ما از همه اولیای امور کودکان و از تمام ادارات و موسساتیکه در اجرای وظیفه تعلیم و پرورش اطفال سهم دارند آنست تا بیش از هر وقت

دیگر به صحت جسمانی کودک و با انکشاف و وسعت افق معلومات و افق علاقه او بجهان بذل توجه نمایند.

هدف ترقی مملکت که تامین آن وجیبه تمام هموطنان و همه ارکان دولت است ضرورت ما را به داشتن جوانان سالم و آگاه از تعالیم دین مقدس اسلام و ارزشهای ملی و از پدیده‌های عصر خویش محسوس تر میسازد

بنابراین به هر پیمانیه ایکه بوضع کودکان خود توجه کنیم بهمان پیمانیه در کار اعمار و پیشرفت مملکت

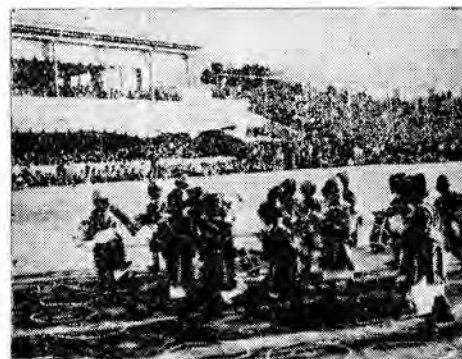
خویش بسهم موثر گرفته ایم .
 در این ساحه زحمات موسسات جهانی
 مربوط به صحت و تربیت کودکان
 بخاطر اهمیت بزرگی که خدمت
 شان بجامعه امروز و فردای انسانی
 دارد و بخاطر نقش این زحمات در
 رعایت طفل افغان قابل هر نوع تقدیر
 و ستایش است :



این روز فرخنده را بهمه اطفال
 عزیز کشور خود و به کافه کودکان
 جهان تبریک گفته از تما- آن مساعی
 که از طرف مر بیان و کسار کنان
 افغان در خدمت به طفل بذل میشود
 صمیمانه قدردانی مینمائیم و از
 خدای بزرگ (ج) موفقیت بیشتر
 شانرا در این راه سسثلت میکنیم .

با حضور علیا حضرت ملکه معظمه
 بیست و چهارمین سالکرة روز طفل
 در غازی ستدیوم طی مراسم خاصی
 برگزار شد. علیا حضرت ملکه معظمه
 ساعت ۱۵-۴۵ به غازی ستدیوم
 تشریف فرما گردیده از نمایشات اطفال
 کود کستانها که به مناسبت تجلیل
 روز کودك ترتیب شده بود دیدن
 فرمودند. مو کب علیا حضرت ملکه معظمه
 ساعت ۱۵-۲۵ به غازی ستدیوم موصلت
 اموده در مدخل عمارت ستدیوم از طرف
 یتاغلی علی محمد وزیر دربار سلطنتی
 پوهاند دکتور محمد ابراهیم مجیدسراج
 وزیر صحیه ، یتاغلی امان الله منصور
 وزیر داخله ، دکتور نعمت الله پژواک
 والی کابل ، دکتور شهاب زاده رئیس
 روزنتون استقبال گردیدند. درین موقع
 دسته های گل از طرف اطفال کود کستانها
 به علیا حضرت ملکه معظمه تقدیم شد .

خبرنگاران سی افزایند و الاحضرت
 شهزاده احمد شاه ، و الاحضرت شاهدخت
 بلقیس ، و الاحضرت مارشال شاه ولیخان
 غازی فاتح کابل در لوژ سلطنتی از جریان
 نمایشات اطفال کود کستانها که به
 مناسبت روز طفل ترتیب شده بود دیدن
 فرمودند . موقعیکه علیا حضرت ملکه
 معظمه به لوژ سلطنتی تشریف فرما
 گردیدند موسزیک سلام شاهی را واخت ،
 سنسوبین و معلمین ریاست روزنتون مقابل
 لوژ سلطنتی مراتب احترام را بجا
 آوردند. پس از آنکه نمایشات اطفال
 کود کستانها انجام یافت علیا حضرت
 ملکه معظمه مدیران کود کستانها
 را بحضور علیا حضرت شان پذیرفته
 سمبولهای روزنتون و تشکر نامه های
 را که از حضور و الاحضرت شهزاده
 احمد شاه رئیس اقتخاری روزنتون



نظور شده بود بایشان تفویض فرمودند.
 همچنان علیا حضرت ملکه معظمه
 شانزده کودك مستحق کود کستانها
 را مورد تفقد علیا حضرت شان قرار
 داده و بایشان یک یک جلد کتابچه پس
 انداز بانک که حاوی مبلغ یکمزار افغانی
 بود اهدا فرمودند . علیا حضرت ملکه
 معظمه از نظم و ترتیب نمایشات اطفال
 کود کستانها اظهار رضایت فرمودند .
 دکتور عبدالظاهر صدر اعظم
 پوهنوال دکتور محمد عمر وردک
 رئیس ولسی جرگه ، سنا تور عبد الهادی
 داوی رئیس مشرالو جرگه بعضی از
 اعضای کابینه ، ماسورین عالیرتبه و
 عسکری و ملکی و کورد بیلوماتیک
 مقیم کابل در دو جناح لوژ سلطنتی اخذ
 موقع نموده بودند.

سفر والا حضرت جنرال سردار عبدالولی قوماندان

قول اردوی مرکزی به
اتحاد شوروی



والا حضرت جنرال سردار عبدالولی
قوماندان قول اردوی مرکزی که بنا به
دعوت مارشال اندری گریچکو و زیر
دفاع اتحاد شوروی در رأس یک هیأت
ساعت نه و سی دقیقه صبح روز ۵ سنبله
عازم قفقاز گردیده بودند بتاريخ ۱۱ سنبله
بعد از سپری نمودن یک هفته بیوطن
مراجعت نمودند .



مردان تاریخی

هر کشور جهان دارای يك تاريخ است و افراد آن به افتخارات ملی و تاریخی خود می نازند چه این میاهات تاریخی زاده خاك و خلق همان کشور میباشد خصوصاً اوضاع جغرافیوی و شرایط اجتماعی بطور مستقیم در خاقت آن احساسات و ممیزات عالی موثر بوده است چنانچه کشور یکه دارای کوه های بلند سر بفلک کشیده و دریا های خروشان دره های سرا زیر شده سر سبز و غیره می باشد در دامن آن نسلی پرورش می یابند که اوصاف و اخلاق مردان نامور و سر باز های سرشار را داشته و آرند .

در تاریخ خود شهکار های قابل قدر و قهرمانی فراموش ناشدنی را به یادگار گذاشته اند .

افغانستان عزیز ما دارای همیتطور فرزندان نامدار و انسانهای فداکار بوده که له تنها تاریخ افغانستان به آن می بالد بلکه تاریخ گیتی نیز ایشان را به قدر دانی یاد میکند . چه غیر ممکن است که در دامنه های سرسبز و دره های پر شور مردان شیر مانند پرورش نیافته باشند . و در قله های بلند آن سرسربازان به شهبازی به پرواز نیامده باشند .

هر قطعه این خاك مقدس ما دارای حکایه های حماسی و افسانه های تاریخی بوده که فرهنگ افغان به آن افتخار دارد .

تاریخ جهان به این مقرر است که افغانان يك قوم نجیب ، غیور ، مسمان نواز ، شجاع و متصف بر تمام اخلاق حسنه و کردار خجسته اند ، شهکارهای شان در صفحات آن به خط درشت طلائی درج است که هیچ فرد جهان از آن انکار کرده نمیتواند .

این خاك پاك در جریان تاریخ به حوادث و اتفاقات ناگوار و متنوع رو برو گردیده و ما در هر حال و زمان متانت ملی خویش را از دست نداده در تمام موارد کامیابهای شایان نصیب شان گردیده است .

وقتی هجوم سکندر در سدهای افغانی متوقف گردید و گاهی دلدانهای چنگیزی ها به همین جافرو ریخت . زمانی تا جوان مرد .

های بیگانه تصادمات هولناکی بظهور پیوسته و گاهی استعمار یکه قدرت عظیم غربی در همین کرانه دلایبا خاك و خون برابر گشته است . افغان ها بودند که در جهان برای بار اول استعمار را شکست داده و به وضع بسیار ننگین او شان را از خاك خود برون راندند . در خلیج گواه این امر است و سینه تا کنون ترانه های سلاحشوریهای این قوم را می سرایند .

قله های پامیر تا حال به هیچ قدرت جهانی سر فرو نگذاشته و هندو کش در اغوش خود احدى از بیگانه ها را جا نداده است .

هر فرد افغانستان افتخارات تاریخی را با لنوبه زنده نگاه داشته اگر وقتی بلخ ام البلاد بود و غزله آن عروس - البلاد نامیده میشود زمانی هم بود که قندهار مقام يك امپراطوری بسا بزرگ داشت .

اگر وقتی این سینا ، جمال ، سر ویس ملالی و دیگر فرزندان نامدار عرض وجود کرده است وقتی هم رسیده است که فرزندان صدیق این توده بصفت قهرمانان تاریخ بصفحه تاریخ سردر آورده اند **مردان** این سر زمین به هیچ قدرت جهانی تسلیم نگردیده و در هیچ یک زمان یوغ استعمار را قبول لکرده ، این قوم دلیر شیفته حریت و استقلال و فریفته اعمال مردان نامور اند .

در گهواره این سر زمین مقدس همیشه نواخ تاریخی پرورش یافته اغوش پر حرارت آن اشخاص بزرگ تربیه شده اند

قوم افغان نسل به نسل حافظ نوامیسی ملی خود بوده و در راه فداکاری قابل قدر از خود لشان داده اند .

مانسبت روزهای فرخنده روز هاییکه افغانستان ما در آلمان جهان آفتاب مانند باز تابید بمردان فداکار و کسالتیکه در بین راه از جان نثاری دریغ نکرده تمنیات لیک را تقدیم داشته و به نسل آینده از این بالاتر موفقیتها را اثنا مینمائیم .

تجلیل صدمین سال

مطبوعات

در افغانستان

گردید و سلسله نشرات آن توسعه یافت
مجله زیرمه از ریاست لوژستیک، مجله
پوهنتون از حربی پوهنتون، مجله تخنیک
از ریاست تخنیک به طبع و انتشار آغاز
نمودند و ستاره‌های روشنی را آسمان
علم و فرهنگ و کلتور اردوی افغان
به جلوه آرائی برداختند. کتب، رسالات
تعلیمات، تعلیمات، تعلیمات، تعلیمات
تاریخی علمی و ادبی و تکنالوژی همه
وقته نشر یافته و می‌باید این هفتاد و سه
بزرگی است که در ساحت مطبوعات
اردوی شاهانه برداشته شده است و
مارا با آینده امید بخش آن مژده میدهد.
سهیم نشرات و مطبوعات اردوی
شاهی افغان در تاریخ صدساله مطبوعات
افغانستان بسیار موثر و فعال بوده است
و مجله اردو در ظرف متجا و ز از نیم
قرن منبع فیض و پخش افکار عالی و مرکز
تنویر اذهان بوده است که هرگز به
وقفه و رکود مواجه نگردیده است در
کنار مجله اردو (اخبار حقیقت) نیز
تقریباً پنجاه سال قبل شمع درخشالی بود
که وقایع مختلف اردو را بشکل عصری
و منسجم انتشار میداد. امید داریم در
پرتو رهنمائی و اوساعی مقامات صلاحیتدار
اردو و انکشافات عظیم و موفقیت‌های
بزرگتری در راه انکشاف سالیم
مطبوعات عسکری و بالخاصه مطبعه
دفاع می‌توانی در داشته شود و سهم اردوی
افغان هم‌الطور که در خلال مدت‌های
ماضی نافع و موثر و مفید بوده در آینده
نیز ثمر بخش و مشعشع و مترقی باشد.
ضمناً وظیفه خود میدانیم از اقدام
نیک و وزارت جلیله اطلاعات و کلتور
چه در موارد برگزاری مراسم مذکور
و چه در قسمت نام‌گذاری تالار هائی بنام
دو شخصیت بزرگ و دانشمند افغان مرحوم
(محمود طرزی) و مرحوم (استاد
صلاح‌الدین ساجوقی) قدر دانی و امتنان
نمائیم. یادآوری و تقدیر از مقام شخصیت‌های
علمی و سردان دانشمند در حقیقت
احترام به علم و فضیلت است و موجب
تشویق و ترغیب دیگران به علم و دانش
میشود و ماصمیمانه اینگونه ابتکارها
و اقدامات راستاپیش می‌کنیم.

اعلیحضرت شهید سعید بنیانگذاری گردید
و در دوران پرافتخار اعلیحضرت معظم
همایونی انکشاف بی‌گمراهی همه جالبه ای
در شقوق مختلف مطبوعات کشور
روما گردیده است که آینده پر ثمری
را در این راه لویدیسی دهد.
مطبوعات و نشرات عسکری‌های
دیگر نشرات کشور سهم موثر و فعال
خویش را در تاریخ مطبوعات وطن
تاجانیکه امکانات و مقدمات آن اجازه
داده است با انجام رساله است و این مامول
بزرگ و عالی را الی یومنا هذا
ادامه میدهد در دوران پر مخاطره
سقوی. که همه آثار و مبانی علم و ادب
و مطبوعات در بوته فراموش افتاده بود،
مجله اردوی افغان در همان ظلمات جهل
و فشار باز هم به نشر و تعمیم و اشاعه
خویش ادامه داده است و این موضوع
بذات خود یکی از تصادفات
پرافتخاریست که در تاریخ صدساله
مطبوعات کشور تنها نصیب مجله
اردو و مطبوعات عسکری افغانستان
گردیده است. اردوی شاهی افغان
بموازات رشد و انکشاف مطبوعات وطن
از موجودیت مطبعه عصری و مجهز در عصر
اعلیحضرت معظم همایونی ما برخوردار

با ابتکار وزارت جلیله اطلاعات و کلتور
مراسمی بمنظور تجلیل از صدمین سال
مطبوعات در افغانستان در کلوب
مطبوعات برگزار گردید که در آن از
ارباب جراید و اهل فضل و دانش دعوت
بعمل آمده بود در این محفل خطابه‌هایی
در پیرامون نقش مطبوعات در کشور
و تاریخچه صدساله آن و اثرات قیمتدار
آن از طرف صدسال ابراد گردید که
حقیقتاً در نوع خود جالب و شنیدنی بود.
صد سال قبل اولین شماره شمس النهار
که در عصر امیر شیرعلی خان مرحوم در
کابل نشر گردید و از آن تاریخ بعد،
مطبوعات و نشرات در کشور ما تدریجاً
بسی انکشاف و تکامل رهبری شده است.
هر چند که سیر تکاملی آن گاهی متوقف
و نظر به شرایط عصر و زمان امروز بشکل
بطی صورت گرفته است اما کسانی که
حقایق را از نگاه بیطرفی و محققان
قضاوت می‌کنند بخوبی می‌دانند که
عوامل مختلف و جریانات بزرگ داخلی
و خارجی و مشکلات گوناگون حیات
سیاسی و اجتماعی در افغانستان، مجال
انکشاف مطبوعات را در کشور ضعیف
ساخته بود اساس مطبوعات سالم و مفید
و باارزش و آبرومند در عصر فرخنده

هفته سر ۵ میاشت

قبل از رسیدن فصل سرما و یخبندان،
عده ساله هفته اخیر ماه میزان بعنوان
هفته سر ۵ میاشت تخصیص یافته طی
آن فرصتی برای هموطنان توانا و مستعد
کشور ما میسر میگردد تا متوجه مردمی
شوند که با فقر، گرسنگی و ناتوانی
گرفتارند و با فرا رسیدن فصل سرما
دستخوش ناآرامی های جسمی و روحی
میشوند و چه بسا که بعلت گرسنگی
بی بسی و عدم سرپناه گرفتار مرگ
دلخاش و رنج آوری گردند
در باستان بعلت هوای گرم و
شرایط بهتری که از کم اسکان زندگی
فقیرانه میسر است اما در دیگر این
چیزها را نمیشناسد. با رند گیهای
بی در پی خدایی باسانی میتواند بینوایان
را بینواتر سازد. در چنین حالات اگر
اگر مؤسسه خیریه سره میاشت قادر به
کمک و دستگیری مادی ازین مردم که
متأسفانه هنوز طبقه از اجتماع ما را
تشکیل میدهند میشود و بسر وقت آنان
میرسد آسستی از هموطنان ما از مرگ
حتمی نجات می یابند، تن آنان پوشیده
و شکم شان سیر میگردد.
در سرنا سر کشور مردمی هستند که
از شنیدن اخبار مرگ و میر غربا در
گوشه های دور افتاده مملکت سخت
متأثر و ناراحت میشوند و جمعیت افغانی
سره میاشت بهتر مرجعی است که
قران قران امدادی را به بیچارگان آن
نقاط میرساند و وجدان مردم توانگرو را
آرام میگرداند. اینکه با برگزاری
هفته سر ۵ میاشت، یکبار دیگر بوجبه
اخلاقی و انسانی خود تلفت میشویم.

سره میاشت افغانی خدمتگزار جامعه
انسانی است، این خدمتگزار سرحد
وسرز رانمی شناسد. رنگ و نژاد را در
نظر نمیگرداند. انسان برای آن انسان
است، هر جا که باشد و در هر کشوری
که بسر برد و وقتی دچار مصیبتی شد
قابل امداد و دستگیری است. سره میاشت
بدون آنکه دستخوش سیاست یا عوامل
دیگری گردد، بی شائبه در حد توان
خود بکمک درد رسیدگان و گرفتاران
شتافته و میشتابد.

البته جمعیت های سره میاشت ها و
وصیای احمرها وقتی قادر میشوند که
از بینوایان بعد کافی دستگیری نمایند
که استعداد بیشتر مالی داشته باشند
منسوبین اردوی شاهای افغان بحیث جزئی
از جامعه افغانی همواره در تمام
مسائل اجتماعی و همکاریهای اخلاقی
خود را سهم دانسته و حتی المقدور از امداد
و کمک مادی و معنوی دریغ نه ورزیده اند
معاونت های مادی و معنوی اردو و
منسوبین آن بصورت اجتماعی و هم بصورت
فردا همواره به جمعیت افغانی سره میاشت
صورت گرفته و صورت خواهد گرفت
در حوادثی که بصورت ناگهانی
جمعیتی از مردم ما را دستخوش مصیبت
ساخته است اردو با وسایط و پرسونل
خود پیشقدم شده و تحت شعار خدمت
بمردم و دستگیری از مصیبت زدگان
دوش بد و دوش سره میاشت بکمک
بیچارگان شتافته است.

وظیفه اردو و منسوبین آن در
همکاری با سره میاشت همواره در نظر
گرفته شده و ارتباط قوی بین اردو و

توران شمس الدین ظریف صدیقی

معاون مجله اردو

سره میاشت قایم بوده است چون رابطه اردو سره میاشت لاگستنی است. بطوریکه در یک سر مقاله نشریه عاطفه ارگان جمعیت افغانی سره میاشت نیز واضح گردیده همکاری های سره میاشت با اردوها حتمی و غیر قابل انکار می باشد چون اساساً جمعیت های صلیب احمر ها و سره میاشت ها برای خدمتگزاری به مجروحین جنگ ها که نتیجه تصادم اردوها بمیان می آید تأسیس گردیده است، ها مری دوبانت مؤسس صلیب احمرها و سره میاشت ها، یادیدن وضع اسفناک مجروحین میدان محاربه تکان خورد و برفت آمد، همین وضع ناراحت کننده مجروحین میدان محاربه بود که وجدان هائری دولالت را ناآرام ساخت و وادار گردید که دست به تشکیل جمعیت صلیب احمر بزند و سر وقت مجروحین بی پناه که میان مرگ و زندگی دست و پا میزدند بشتابد.

نشریه عاطفه طی سر مقاله شماره ۴۶ خود باین موضوع تماس گرفته و تحت عنوان سره میاشت ها و اردو نوشته است:

«هدف نخست از تأسیس جمعیت های سره میاشت یا هلال احمر و صلیب احمر جهان تداوی و معالجه مجروحین جنگ بدون مد نظر داشتن ملیت، نژاد عقیده و سایر ملحوظات خلاقه بشری یعنی خدمت بانسان برای انسانیت با در نظر داشتن احترام بکرامت انسانی آن می باشد.

در محاذ جنگ پرسونل این جمعیت ها بروقی کفو انسیون های چارگانه چینوا دارای علائم مسئولیت است تا از طرف قوای متخاصم متحارب مورد تجاوز و حمله قرار نگیرند.»

مقاله بس از یک سلسله توضیحات چنین ادامه یابد:

در حالات سخت سره میاشت ها، صلیب احمر ها و شیر و خورشید سرخ جهان داخل اقدامات وظیفوی شده مکلفیت های اساسی خود را ایفا مینمایند یعنی بایونفورم بصوژن از خطرات داخل

صحنه خون آشام جنگ شده و با سیمای پر عاطفه و احساس نوع پروری مصدومین و قربانیان قساوت های بشری را به محلات مداوا و معالجه با مواظبت تام نقل داده و بالتیام آنها بدون تمایز بین دوست و دشمن می پردازد با مجروحین قوای متخاصم طوری رویه می نمایند که کوچکترین احساس ترس و خوف و هراس در آنها خلق و راه نیند. قوای مسلح یکی از دو طرف که از طرف قوای مقابل اسیر گرفته میشود حامی حقوق و کرامت انسانی آنها جمعیت های سره میاشت با هلال احمر صلیب احمر و شیر و خورشید سرخ اند درین مورد با اردوی اسیر، گیرنده در تماس شده و از آنها طالب شرایط برای اسیران جنگ میشود که عین شرایط برای عساکر مر بوطن آنها مهیا و موجود باشد.

این نشریه در اخیر چنین نگاشته است: اسیرانیکه بمسخری مجروح یا بیمار باشند بنا بر تصمیم یک کمیسیون صحیحی ب طرف از طرف جمعیت های هلال احمر، صلیب احمر و شیر و خورشید سرخ با وسائل نقلیه دارنده سمبول مصوون این جمعیت ها با سلطان ایشان اعزام میشوند سره میاشت ها در زمان نبرد با شفاخانه های ثابت و سیار -جهز برای خدمت آن طبقه قربانی شده بشر در آن لحظات حساس زندگی که کوچکترین اعمال و تهاون و تغفل در مورد آنها به قیمت جان ایشان تمام میشود با سیمای پر عاطفه و احساس همدردی و مداوا کمر همت می بندند تا اهداف انالی بشر خواهانه را مطابق مرام های عالی خویش بر آورده باشد. خلاصه اینکه سره میاشت ها در زمان نبرد وظایف مهم و خطیر بدوش داشته از حقوق و کرامت بشری ملت کشور اشغال شده مقابل مملکت اشغالگر دفاع و دولت اشغالگر را از غارت و عمل خشونت آمیز باز میدارد، مختصر ارتباط جمعیت با اردو سلسله عمیقی دارد که همکاری یک با دیگر ناگسختنی است. خوشبختانه

این روحیه در کشور عزیز ما بین اردو و جمعیت افغانی سره میاشت همواره استحکام بیشتری پذیرد. این بود نکاتی در باره همکاری سره میاشت با اردو در اثنای جنگ بر ای همینست که در حضر اردو پرسونل آن بیش از هر ارگان اجتماعی دیگر در مدد گاریها و تسالدهای سره میاشت همکاری مینماید. اگر در اثنای محاربه سره میاشت ها از مجروحین و مصدومین دستگیری مینمایند در اثنای محاربه اردو نیز با تمام پرسونل و وسایط و امکانات خویش با سره میاشت ها همکاری مینماید.

ما درین مجله راهور تاژ های لشر نمودیم که در آن از سهم اردو در خدمات اجتماعی تذکر رفته و همکاری این کتله با سره میاشت مثر ثمر های ارزنده بوده است.

و چیه ما است که در تقویت سره میاشت ها بکوشیم تا پیش از پیش قوت آمد اد آن تقویه یابد. جمعیت افغانی سره میاشت تحت رهنمائی ها و اداره خردمندان و الا حضرت الفخم شهزاده احمد شاه مؤفقت های قابل قدری را طی خدمات اجتماعی و خیر خواهانه خود بدست آورده است و این حقیقی است که از خلال راهورامداد های جمعیت به مصیبت رسیدگان لقاط دور افتاده کشور مشهود است روزی لیست که نشویم، جمعیت افغانی سره میاشت با آسیب زدگان و مردم بی بضاعت مملکت کمک کرده باشد، توزیع غله بمردم مستمند دستگیری از مصیبت زدگان تداوی مر یضان فقیر و بینوا، اعمال خیر خواهانه ایست که همواره توسط سره میاشت ایفا میگردد.

قراریک راهور منتشره جمعیت افغانی سره میاشت در طول دو از ده ماه یعنی از اول اسد ۱۳۵۰ الی اول اسد ۱۳۵۱ معامله یکصد و شصت و نه میلیون افغانی برای مستحقین و آسیب رسیدگان نقد و جس کمک نموده است، علاو تاآزار

افغانیت

پک را پور دیگر جمعیت افغالی سره میاشت علاوه بر مساعد تهای مادی که برای هموعان آسیب رسیده در ساحه داخلی و ساحات خارجی در مواقع بروز حوادث آسیت با تناسب کمیت و کیفیت آن بنام بشر و احترام به کلمه کرامت انسانی آن که مضمیر اهداف عالی بشر- خواهانه جمعیت می باشد از طریق معنویات و تقدیم خدمات بشری سعی ورزیده است که برای هموطنان به منظور تنویر اذهان عامه و عرضه معلومات مفید در حقوق اجتماعی، صحی حیاتی و سایر رشته های که جزء لاینفک زندگی بشری می باشد کتب و رسالات موافق به اهداف بشری جمعیت طبع و شاعه نماید که تعداد این آثار نشر شده از سنبله ۱۳۵۰ تا سنبله ۱۳۵۱ به چهارده نوع کتاب و رساله های مختلف میرسد .

ما این خدماتی شایبه ، خیر خواهانه و بشر دوستانه جمعیت افغالی سره میاشت را قابل تقدیر دانسته آرزو مندیم این جمعیت خیریه بیش از پیش تحت ره نمائی های والا حضرت افخم شهزاده احمد شاه رئیس عالی جمعیت بتواند مصدر خدماتی به مردم کشور و مصیبت رسیدگان همه جهان گردد .

ما با قدردانی همه از خدمات مادی و معنوی جمعیت به همه مردم توانا و دارای کشور توصیه مینمائیم تا بیشتر به کمکهای مادی خود بیفزایند و با تأدیة پک مشت پول جمعیت را قادر سازند که خدمات اجتماعی و امداد های خود را بیشتر و بهتر گسترش دهند تا باشد که هموطنان بیچاره ما ، با بدست آوردن لقمه نانی و حاصل کردن لپاسی از گزند سر ما ، از مصیبت گرسنگی که با فرارسیدن زمستان بیداد گرانه در پی نابودی و بدبختی آنان می باشد از مرگ از تنگدستی و از مرض نجات یابند ، این جمعیت وقتی خواهد توانست به همه آرزوهای مردم

دلیلی سیال نه شوی بحالتہ رحمانہ وایہ
د معشوقی پر و می
د پلا رنیکه هپ و کی
دلنک غیرت خا و ادان
چه وی افغان په ریتتیا
په دیباسی مهتوب بحالتہ مجنونہ وایہ
افغانیت دی و لسی
په سرو جوړ و کینی ناسته
د مورد پنا کسی مینی
د قام عزت او شرف
تیر شه له دی خبری بحالتہ مجنونہ وایہ
چه دلیلی د غنسی
د ارادی په شمع
د قام د خود و زړ و لوی
د بیگانسه و جسده
زلعیه قیسی نه بی بحالتہ مجنونہ وایہ
چه غوغا سر و نه له کړی
چه سره لمبه لشی ټول
لوکی لوکی له کړی بحان
ای په خپل بحان مینه بحالتہ مجنونہ وایہ
غلام د طمعی اسری
د بل دلاندی ژوندون
چه به قام نه وی سین
پسی ابا سینده جی جیون
چه لیلی خپله له کړی بحالتہ مجنونہ وایہ
یا کړه لاسه پد له
که په لیلی مین نی
د خپل تقدیر د پاره
د لوی ژوند په خاطر
په ای عمله مینه بحالتہ جان مه وایه

خپله لاسه کړه بدل بحالتہ افغان مه وایه
عاشقان نه خو شوی
فرز لدان نه خرغوی
قام او بحان نه خرغوی
دین ایمان نه خرغوی
چه افغان نه پیژنی بحالتہ افغان مه وایه
افغاله هیر کړه له
درخودی هیره کړه له
للودی هیره کړه له
آبرودی هیره کړه له
که خوادای نه بد پیری بحالتہ افغان مه وایه
د اور بل گل نه شی
سوی جبلل نه شی
د ارو درمل نشی
د خپلو خپل نه شی
مه اخله لوم د افغان بحالتہ افغان مه وایه
افغان کتلی نه شی
دلنک غیرت د پاره
شان و شوکت د پاره
ریتتیا ریتتیا به وایو بحالتہ افغان مه وایه
افغان کتلی نه شی
ژوندون کتلی نه شی
افغان کتلی نه شی
جی جیون کتلی نی شی
چه ازادی وانه خلی بحالتہ افغان مه وایه
یا سر نامه کړه لوی
دامه هنگامه کړه لوی
خپله خصامه کړه لوی
زړه جامه کړه لوی
چه پت پاللی نه شی بحالتہ افغان مه وایه

خود دست کمک را بسوی جمعیت سره میاشت داز نمائیم ، بیانیم بیش از لیکه زمستان عدله از مردم ما را یکامتا بودی بکسنا ندر سره میاشت را تقویه نمائیم و در تخفیف الام و رنجهای برادران مصیبت زده خود وظیفه انسانی و وجیبه اخلاقی خویش را با کمک به سره میاشت ادا نمائیم .

لیکک بگوید که بیشتر از کمک مادی مردم بر خوردار شوند ، ما باید بخاطر داشته باشیم که با همین معاونت مادی ما و او که هم نا چیز با ما هم وطنی را از مرگ ، مریضی و رنج میر هانیم و اشکی در چشم یتیمی می خشکالیم . بیانیم در بن هفته با دیگر هموطنان مستعد خود سهمیم شویم و بقدر توان

بنیان گذاران قوای مدافعه ملی

نویسنده: تورن جنرال عبدالرؤف رسول

دولت و حکومت بریتانیا وضع را طوری که شاید و باید نشان نداده و با مطالبه پول بیشتر تقویه اسکان موقیت را و نمود میساخت.

در ساحه عسکری:

گر چه شهادت عبدالله خان اچکزائی روزله امید را به دل قومالندان های دشمن باز کرده بود اما در صورت باز از سر گرفته شدن هجوم های همه جانبه افغانها مسائل بسیار مشکلی مغز های متفکر این اوردورا بخود مصروف میساخت. تا درجه که انتر لانیف های ذیل را قابل بحث و مذاقه میدانستند.

اول - تخلیه عام و تام افغانستان و گذاشتن این مردم بحال خوه شان و الذاختن طرح دوستی با آنها طوری که مصلحت خود آنها باشد.

دوم - بحال موجوده ماندن.

سوم - فعلا از کابل به جلال آباد عقب نشستن و بعد از گذشتن زمستان با قوای بزرگ ترو تدبیر مجرب و سیستم اداره بهتر دو باره افغانستان راهه مراسم و رسمی که سیستم داران میداند اشغال نموده و ماندن.

مقصد از سیستم اداره بهتر عبارت بود از اداره قوای عسکری و سیاسی از یکدست - چون استیلای عام و تام بار بزرگ و سنگینی را بدوش اردو میگذارد و مجادله شکل عسکری را بخود میگیرد باید رئیس این یک شخص عسکری باشد نه سیاستمدار؟

میکناتن طرفدارو انترنا تیف دوم والفتستن قومالندان قوای اشغالیه کابل

این جست و خیزها زاده افکار گروه نا عاقبت اندیش و بی خبر از قدرت آفتابدار جاویدان امپر طوری مالمت لمی دائم قومالندان های ما راجه شده و چرا بایک چند ضربه پراکنده اینقدر متاثر گردیده که قدرت مغلوبیت ناپذیر قوای براتیانیای بزرگ را نا دیده میگردند، مدافعه شجیعانه دهر روز و قتل سرگرده شوخ چشم و هزاران بیروان آنها از یاد بردند؟ گماندارم که شوخ چشم دیگر پیدا خواهد شد تا حادثه دیروز در کابل تکرار گردد.

مردم افغانستان را میتوانیم با دادن پول و غلعت ها بهم انداخته و با تال چال ها آنها را بخود شان مصروف داشته تا اینکه مواضع ما در همه جاهای افغانستان محکم گردد آنها وظیفه هیئت سفیری ما وجه احسن انجام گرفته میباشد.

در ساحه سیاسی با آنکه سران دشمن از هجوم های متواتر و امان ناپذیر افغانه به سر حال نبودند باز هم سیاستاً این زد و خوردها را به حساب لازمه نگرفته انتظار انکشاف وضع عسکری را ترجیح بر هر گونه طرز عمل میدادند و بامانوره های مجرب و مؤثر سیاسی و اقتصادی خود به روشنفکران وقت افغانی و عده و وعید های خوش آیند و اعطای کرسی امارت و حمایت از آن را داده میخواست نفاق و شقاق را وارد و بعد از پارچه ساختن حکومت کردن به همه آنها را جاری سازد.

در عین حال به مقابل هزیشانی

شب با شهادت فخر افغان عبدالله اچکزائی برای طرفین جلوه متفاوتی داشت. زیرا دشمن با از بین رفتن رهبر افغانها امید وار و طرف ما با از دست دادن جسور ترین جسوران نا خوش و متاثر بودند.

پس با شهادت عبدالله خان التری - ناتیف های نوی بهیدان می آمد که باید طرفین با توجه خاصی یکی از آنها را برای پیش برد مقاصد خودها انتخاب میکردند.

طرف دشمن:

از حادثه روز گذشته در ساحه های سیاسی همیکو لوژی و اقتصادی استفاده اعظمی را مد نظر داشتند.

بالاخص در ساحه پسیکولوژی، زیرا با تعرضات هم و امان ناپذیر متهورانه افغانها معنویات دشمن به اندازه شوک خورده بود که امید ظغراز ایشان رفته بالعکس نجات از این دام خود ساخته مسئله حیات و معات برایشان شده بود در صورت تکرر این هجوم های متهورانه امکان جنبش عام و تام در بین مردم افغانستان را تهیه و تقویه نموده در عین زمان آمدن زمستان خطر پارچه پارچه امحاشدن گارنیزونهای شان را در کابل و غزلی بهیدان میگذاشت.

رئیس این سانقولئی شوم شاغلی مکنا تن از شهادت عبدالله خان استفاده اعظمی را در ساحه پسیکولوژی مینمود.

چنانچه میگفت:

مردم افغانستان نا دار و غریبند

طرفدار شکل ویا الترتیب سوم بود.

طرف ما :-

افغانها تا چند روز بدون رهبر
میجنگیدند با آمدن عبدالله خان خویتر
و دلگرم تر میجنگیدند فردا باز هم باید
بجنگند زیرا عادت تاریخی، سنت ملی
و فرض ایمانی ایشان جهاد بمقابل
اعدای دین و دشمن ملی و بشری است
آیاملت افغان بدون رهبر ممتاز خواهد
جنگیده؟ لبیک زیر آتاریخ افغانستان نشان
میدهد که در مقابل دشمن مشترک همیشه
جنگیده و در اثنای جنگ رهبر ممتاز خود
را انتخاب کرده و در صورت عدم امتیاز
مغزولش کرده توانسته است.

سران قوم جلسه امده و با اکثریت
آراء اماندادن دشمن را وظیفه ایمانی
وملی خود قبول و برای فردا شدیدتر و
و آماده تر آزد یروز احضارات لازمه
را در همین شب یلدای غمبار میگردانند.

با دشمن جز تفنگ و شمشیر سخن
دهگری نمانده است - و این سخن باید
مطابق اساسات و تجربه ها زده شود -
برای ما توپچی و - واورئی دشمن خطر
بزرگ را تشکیل میداد برای دفع این
خطر چنان سنجیده شد که باید خود را به
سرعت و استفاده از تاریکی شد به
دیوارهای قلعه بی بی مهر و رساند و با
یکعهده سوارکاران بحال انتظار دور
از تأثیر توپچی دشمن بود - زمانیکه سواران
دشمن از قلعه خروج اجراء و به غرض
تعرض عقبی به غازی ها حمله ور میشوند
با سواران فوق الذکر به عقب سواریهای
دشمن تعرض کنان ایشان را امجا و
در صورت قوی بودن مجبور به دخول
در قلعه نمودن و به این ترتیب جناح
و عقب غازی ها را حمایه نمودن.

شب به آخرین لحظات خود نزدیک
و روز با آغاز خود در حال رسیدن بود که
دشمن مغرور با مترصدین نزدیک شدن
خون بها طلبان را کشف و گوئی
دیروز به خواب دیده بوده باشند سر اسیمه
به اعطای اسر قیاسی قرار میدهد.

در خط فاصل تاریکی شب و روز
فیر های طوپ و تفنگ جانابین صحنه
رستاخیز را دوباره ترسیم میکنند.

دشمن و اراخطابه سنگرهای خود رفته
و قومانده ان ها محلات اداره خود را
اشغال و جنگ اساسی و اصولی شروع میشود.
زمانیکه روز روشن میگردد سواران
دشمن با غرور همه روزه از قلعه خروج
و به عقب غازی ها که در نزدیکی قلعه
رسیده، و مصروف رخنه بدرن قلعه بودند
هجوم برده تا کار ایشان را یکسره کنند
در همین وقت بود که سواران افغانه با
شمشیر های جوهر دار به عقب سواران
دشمن حمله و بعد از زد و خورد خونین
آنها را قسماً از بین برده و قسماً مجبور
به عقب نشستن به قلعه مینمایند - و بدین
ترتیب خطر سقوط قلعه بیشتر میشود.

جنگ با جزر و مد خورد و بزرگ
تا شام گامگام ادامه مییابد ضایعات طرفین
خیالی ها زیاد میگردد. شب به دفن شهیدان
و اخذ ترتیبات برای فردا میگردد و
به این ترتیب دشمن با انکسار خیال
شاغلی مکناتن بحال تردد مزیست.

میگویند زمانی که عبدالله خان شهید شد
بناغلی مکناتن این حادثه را یکنوع
فال نیک برای موفقیت خود و همفکران
خود گرفته بود زمانی که از پرسوال
عسکری مایوسیت برای عاقبت این جنگ
احساس میکرد میگفت شما تمام قدرت
وقوه خلافت سیاستمداران انگلیس را
فراموش کرده اید از یک مشت بی
مرو با اینقدر اندیشیدن خلاف اصول سیاست
و جنگ است. انهراسید سن این ها را
شناخته ام قدرت دوام مجادله را ندارد
باید این شب را به فال نیک جشن گرفته و فردا
آرام خوابید زیرا این گروه بی سروان
طاعت ادامه و یا اخذ خون بهارا ندارد

در همین حال خوش و مسرت بار
موفقیت آمیز خوابیده بود که در تاریکی
آخر شب صدا های مهیب غرش توپ
و تفنگ آنها بیوقت از خواب بیدار و با
دریشی خواب به کلکین بلا حصار که
مشرف به سمت بی بی مهر بود بادوربین
یکچشمه خود شتافت، و قتیکه دود توپ
و تفنگ و حملات جسورانه افغانها را دید
و صدای الله اکبر آنها را می شنید میگفت
باور نمی کنم یا حادثه دیروز دروغ

بود و یا امروز دهر و است، باید برای
موفقیت عساکر امیراطوری دعا کرد
و انتظار کشید.

این حمله امروزی دل و دماغ دشمن
را تکان داد، در عین زمان دانست که
اشغال زمین های این مردم کار آسانی
نیست.

این زد و خورد در همه نقاط استناد
دشمن در کابل و پروان و حتی کاپیسا
ادامه داشت زیرا مقصد دشمن بعد از
بدست آوردن تمام اراضی کابل و شمال
آن به بامیان رفتن و از آنجا ایالات
شمالی شمال هند و کش را نیز تجربه
نموده بود.

تسلیم شدن امیر دوست محمدخان
از يك طرف و شهادت عبدالله خان اولاد
اصیل و نجیب افغان امیدهای بزرگی را
به مخیله مکناتن جا میداد اما غافل
از آنکه ملت افغان بانی بود و اصل مهم
هم ملت است زیرا به دامان مقدسی
ملت است که نواغ زمان پرورش
میابد.

در همین خوف و رجا بود که آمد
آمد سردار نامدار دوران و قاقح میدان
های پشاور بمقابل مهاراجه هر سنگ از
شمال به کابل دل دوستداران وطن
را معلواز امید گردانید، آمدن این
قومانده نامدار با دوست قیعدارش
سلطان جان که در نزد مردم افغانستان
اعتبار بیشمار داشتند برای دشمن
مایوسیت معلواز امید را بار آورده
بود.

زیرا دشمن بلاخره بناغلی مکناتن
بیشتر امیدوار به بازی دادن وزیر
صاحب بودند.

بعد از رسیدن این دو نایفه عصر
مردم افغانستان این زرد را فال نیک
دیده همه بدور رهبران جوان و اصیل
خود که با خدا و وطن پرور بودند جمع
و فوراً يك کومیتته ملی مرکب از سران
بزرگ وقت را تشکیل و آرزوی طرف
مقابل را که عهارت از ترك مخاصمات
و شروع مذاکرات بود پذیرفتند.

بعد از غور و تدقیق و مشوره زیاد امکان به ثمر رسیدن مذاکرات را بدو سبب قبول نمودند .

اگر از راه مذاکره به جانی رسیده شد خوب والی با گذر زمان ژنرال زمستان به قوای ملحق آنگاه حق خود را که پاک ساختن افغانستان از قوای استعمار و استعمار است بدست آوردن ممکن می شود .

پرسونل ممتاز عسکری دشمن با اینکه حرب شکل سیاسی را بخود گرفته و برای اردو فرصت گریز شرافتمندانه از بن وضع خیلی مشکل را خواهد داد به شروع مذاکرات سران طرفین تا يك اندازه خوشبین و در عین حال از یکدنده کئی میکنا تن که به جنرال الفستین خوب معلوم بود درباره لتاهی آف بسیار مطمئن نبودند .

طرفین خود را برای موفقیت در مجلس آینده سیاستاً و روحاً آماده میساختند . مشکلاتی که افغانها با آن مواجه بودند خیلی زیاد بود و نمی توانستند جف القلم و بدون احضارات لازمه به سر میز کنفرانس عالی سران طرفین بنشینند - لهذا بعد از غور و ملاحظه بسیار چنان تصمیم گرفته شد که ان کنفرانس تا اخذ احضارات مکمل به تعویق انداخته شود لهذا مجلس سران ملی و کمیته شورای ضد امپریالیستی افغانی با پیش کردن عذر مریضی اکبر غازی از طرف مقابل مهلت خواه شداد . حریف زیرک و مجرب برای بیدان کشیدن این بهانه از راه های دیپلوماسی ماهرانه خود تشبث بالای تشبث مینمود اما سران متفق و مشورت ها سوئز و صادقانه همکاریان شان به اندازه سریع به کمال پخته گی رسیده بود که تمام تشبثات دیپلوماسی ماهرانه دشمن را قدم به قدم به مشکلات مزید و دنباله دار مواجه میساخت از نظر خوانندگان گرامی پوشیده نیست که در وضع موجود آن روز همه تحت الشعاع سیاست ماهرانه و جسورانه میکنا تن قرار گرفتن شده بودند و بدین

صورت به گفته کلا و زبهر مجادله شکل اساسی را بخود گرفته بود- درین گونه احوال حرب تابع سیاست گردیده و منحنیت واسطه استعمال میگردد و از همین جا است که تهداب تباهی دشمن گذاشته میشود .

مامیدانیم که بالاخص با رسیدن اکبرخان و تشکیل کمیته سران حریت خواه و تابعیت آرای مردم ازین شکل اداره اصیل و ملی این مجادله ملی توانست سیاسی باشد . زیرا وضع ایجاب مغزهای متفکر عسکری را مینمود تا به اصل کیفیت و معنی مجادله رسیده باشد- من از خلل تاریخ این حرب و دیگر کتب مربوط به آن چنان نتیجه گرفته ام که افکار جنرال الفستین در خصوص پرسونلیتیف جریان احتمالی آینده درست بود مگر بایک زندگی مفرط مکنا تن که یکی از طرفداران سرسخت و متعصب فارورد پالیسی بوده نا دیده و بدون مطالعه او بزرگتین و عمیق مالد- دلیل من درین مورد این است که با رسیدن زمستان وضع افواج اشغالگر به نقطه آخرین سقوط و امکان کمک مشکل حتی ناممکن و طوریکه تاریخ شاهدهی دادامحاً حتمی بود باید حرب شکل عسکری را بخود میگرفت و سیاست برای تقویه آن منحنیت واسطه میبود- گرچه در اواخر همینطور میخواستند اما غلیان و حس انتقام ملت افغان به به اندازه بود که هر نوع تدبیر بیچاره و سرگردان میماند-

درینجا میخواهم به برادران و خواهران گرامی که این رولوشن تاریخ را میخوانند تصور لفرمایند که من باحساس عشق باهان لاپذیر و وطنم در شجاعت آبا و نیاکان مقدس خود و با بیداری و ذکا تند و سرشار از قوای خلافت بشری ایشان مبالغه مینمایم بلکه کاسه چینی صفت خود را ادآمینماید و تاریخی که از طرف غیر از مانوشته شده به آن گواهی میدهد- بهر صورت مقصد از طول دادن به کلام دو علت است:

اول- قدرت خلافت مردم مابدون خورد ترین کمک از جالب دیگر بدون ترسی که از علم و وسایل مدیح آروز خورده باشد چطور به لیرلکه های ماهرانه مجرب و علمی آنها پایان بدی را آفرید و کشتی سواج مردم خود را در بحر متلاطم و طوفانی امپریالیست و کولو نیالیست به ساحل نجات میرساند- از همین جا است که من تدابیر دشمن و خنثی شدن آنها از طرف سران غیور و وفادار مردم افغانستان با موشگافی قلم ناتوان خود برای عبرت نسل آینده و جوان افغان مقید و در اجرای پالیسی های ملی سیاسی و جنبش های سیاسی اقتصادی، عسکری و وپسیکولوژی موثر و قابل غور و مطالعه میدانم -

دوم- ملتی که برپشان و تبت بود چطور باغایه مقدس و مشترک دفاع از حریت و آزادی و ابشار در راه اثبات حاکمیت مطلق ملی رسید- این ملت جور دیده و ستمکشیده چطور و با چه مالوره های عالمانه و عاملانه دشمن را بدامی که خود او کشیده بود کشاید- و بدون وسایل ارتباطی گردهم جمع و بتشکیل کمیته آزادی خواهی موفق تهداب جنبش متین و تحریک پیشرو و قیام کبیر را در مقابل دستگاه مقتدر مغلوبیت لاپذیر و فاتح آسیا افریقا و امریکائی ها گذاشت و در ساحه عمل آنهمه پروژه های متبرک و اندیشه های خلل لاپذیر را به ثمر رسانیدند آنها موفقانه قیام را اداره نمودند و با سر بلند از هر نگاه محو و نیستی برآمدند و درس انتقام جوئی را از دشمن مردمان خود نه تنها به ما اولاد های وامانده خود بلکه به تمام ممالک زیر تصرف استعمار دادند و با این حرکت خود برای آزادی و استقلال ممالک همجوار خود هند های خردستدانه و لمونه قیام دسته جمعی را بمقابل دشمنان شان دادند اگر ما از آن بهره نبرده بایمی بریم گناه مجاهدین چیست؟

اکنون من میکوشم این برخورد - های استادانه طرفین را در ساحه های سیاسی، عسکری، اقتصادی و پيسکولوژی باذره-بین-حق سنجی و بی طرفی طوری که طرف استفاده قارئین گرامی شده توانسته باشد ایضاح نماید .
 وضع کابل بعد از رسیدن مجاهدین هافل و دلیرا کبرغازی و سلطان جان طور اتی خلاصه شده میتواند .

- ۱- رت و آمدن در بالا حصار مجدد آد امه پیدا کرد.
- ۲- شهر پور و بالا حصار در تصرف الکلیسها و نقاط مهم تاکتیکی از قبیل باغ شاه قلعه شریف و امثال آن به عرض حمایه خطوط ارتباطی در بین بالا حصار و شهر پور بحال نقاط استناد در آورده شده اند.
- ۳- سران ملی در سرای وزیر و قلعه سلطان جان در جریان روز و شب برای تهداب گذاری جنبش کبیر ضد استعمار و استثمار در حال جلسه بودند .
- ۴- مردم کابل از رسیدن مجاهدین و اجتماع سران ملی اتفاق مردم افغانستان سرور و به آینده امیدوار بودند .
- ۵- بهنجرهای طرفین با فعالیت پرداخته

و هر دو طرف بحال کشف و ترصد اوضاع واحوال یکدیگر بو دند .

۶- دشمن به اساس تا کنیکه مجرب از اشخاص ضعیف النفس و مسکین صفاتان ما استفاده سو در راه انداختن نفاق و جمع آوری اخبار از فعالیت سران ملی و ارتباط آنها با کافه مردم افغانستان مینمودند .

۷- گرچه با وجود آمدن اکبرغازی بعضی از خازی ها باوقفه های بیش کم به شیر پور و نقاط مستحکم دشمن حمله میاوردند مگر باز هم سکوت و آرامش نسبی به نظر جلوه گر بود .

۷- طرفین به فعالیت های خود در ساحه های مختلف مصروف بودند و هر کدام به حساب خود به آینده مینگریستند کافه مردم ما طرفدار پالیسی زیست مسالمت آمیز و فضای صلح پرور و خروج قوای بیگانه بودند و در حقیقت اکثر اشغالگران هم به عقیده تخلیه کابل و بعد از گرفتن تقویه و بکار بردن تجربه موجود در آینده استیلا افغانستان را اگرالتی فیصد صد نمودن بود .

اما میکنانن طوری از رسیدن به کابل و جریان های دلخواه خود دریافته

فکر مدیر فارو رد پالیسی بود که با وجود تخریب چند روز قبل هنوز از يك دنده گئی خود دست بردار نبوده و مجادله را تنها در ساحه سیاسی به عهده گرفته بود یعنی در ساحه سیاست متعرض و در ساحه عسکری به مدافعه قرار داده بود حال آنکه در مجادله های حیات و معات باید در تمام ساحه ها هم آمیگی و يك جهتی موجود باشد .

بعد از این ما میبینیم که دشمن با تعرض سیاسی میخواید هر چه زودتر تکلیف طرفین را تثبیت نماید و خود را قبل از حلول زمستان ازین بن بست بکشد پس روی دو فکر اساسی میچاندیشد

- ۱- با اخذ موافقه مردم در کابل و بالوسيله اشغال غیر مستقیم و حامیانه خود را ادامه دادن و بدین صورت بقای خود را درهند دراز تر ساختن .
- ۲- در صورت عدم پیشرفت درین راه براه انداختن سو قصد علیه سران قوم بالخاصه اگر غازی درین ابن دوهرف و آرزوی متضاد است که نخست در ساحه سیاسی برخورد های سیاسی شروع شده و رشد سیاسی طبیعی مردم ما لبو غ مینماید . (باقی دارد)

تعویض کله انسان !!

پروفیسور (وایت) امریکائی پس از سالها کوشش و تجربه توفیق یافت که کله های دو میمون را با هم عوض کند و انقلابی در زمینه اعضای اصلی بدن جانوران پدید آورد .

کاسیابی های که نصیب جهان علم میشود بهجت آور و سرور انگیز است و نشان میدهد که از مغز بظاهر کوچک انسان چه اعمال شگرفی سر میزند و انسان چکوله در راه ترقی و تعالی علمی گام برداشته است .

تفاوت انسان با حیوان در همین نکته است . حیوان از روی غریزه، گاه بحکم عادت کاری را انجام میدهد و بی آنکه پیشرفتی نصیب خویش سازد فنا میشود ولی انسان روز بروز محیط زندگی خویش را و اکتشافات عجیب و غریب سیمای جهان را تخیر میدهد و گام در مرحله تعویض قلب و سر و دیگر اعضا و جوارح می گذارد و مسئله پیوند مغز را مسأله ای حل شده بشمار می آورد .

آنچه بشر انجام میدهد در خور تقدیر و تشویق است و موجب اہم و حیرت اما این انسانی که هر روز و هر زمان از کارگاه

فکر خلاق خود بی نظیر پدید میآورد در یک لکنه مهم کوتاه مینماید و آن توجه بایمان و خدا شناسی و گروهش بسوی عوطف انسانی و مردمی است . بشر هر قدر در ترقیات علم و صنعت پیش برود اگر عاطفه و احساس را بکناری نهد و عشق به انسانیت را بدست فراموشی سپارد گوئی هیچ کاری نکرده و هیچ قدمی در طریق ترقی برداشته است .

و درین عصر که کله ها بهم پیوند زده میشود و مسئله بهم پیوستن و تعویض مغزها وارد عالم حقیقت میگردد متأسفانه قلبها از هم دور میشود دوستی و وفا و صفا مهجور میگردد و دلها در سینه ها بیاد هم نمی تپد و سروت معدوم گشته و صفا فنا شده و این دودر حکم کیمیا ناپیداشد و اگر قلبی پر از عاطفه و سهر بیایم باید به سجنه آن پردازیم و در برابرش سر تعظیم فرو آوریم که هر چه نادر و کمیاب است قابل تقدیس است . ای کاش دانشمندان کله ها و مغزها را بهم پیوند میزند راهی برای پیوند قلب می یافتند اما این بیگانگی ها و جدائی ها مایه چنگک ها و کدورت ها و تفرقه ها شده و محیط زندگی انسانها بمقاصد و زشتی ها آلوده میگردد و بشر در راه صلح و سلامت بیش ازین موفق شود و کتون سونه جایگاه عشق به مردمی و انسجامت سازد . اقتباس از آثار خارجی

و تعدیل ترکیب و حجم مایع وجود

خالیگاهای انساج جذب شده و حجم مایع خون را دو باره ثابت نگه میدارد.

۴- تنظیم حجم خون توسط گره ها :- فشار عادی (گلو مریلر) گرده ۷۵ ملی مترسیماب میباشد. زمانی که فشار (گلو مریلر) از اندازه معینه زیاد تر میگردد مقدار فلترات گلو لروبا نتیجه ادرار لیز زیاد میگردد.

افزودی حجم خون از اندازه اصلی بدو طریق فشار گلو مریلر را بلند میبرد :

اول در صورت زیادی حجم خون فشار شریان ها زیاد تر میگردد فشار بلند شریانها باعث دخول مقدار زیاد خون در گرده ها گردیده و فشار گلو مریلر را بلند میبرد دوم در صورت افزودی حجم خون تحریکات عصبی تغلبه گرده از بین میرود و منتج به انبساط شعبات شرائین کلیوی و ازدهاد فشار گلو مریلر میگردد. افزودی فشار شرائین مقدار ادرار را بلند میبرد در حالیکه تنزیل فشار شرائین مقدار ادرار را پائین میآورد اگر فشار وسطی شرائین از ۵۹ ملی مترسیماب کمتر شود عمل دفع ادرار بصورت کلی قطع میگردد بهمین علت در اثنای شوک دوران خون تا بحالت عادی برگشتن فشار خون در شرائین مقدار زیاد مایع در گرده ها حفظ میشود بدین ترتیب گرده ها حجم خون را ثابت نگه داشته و فشار شریالی را لیز تنظیم میکنند .

تنظیم مایع خارج حجروی : بصورت عادی افزودی حجم خون باعث افزودی حجم مایع خارج حجروی نیز میگردد برعکس تنزیل حجم خون حجم مایع خارج حجروی را تنزیل میدهد. علت اهن اینست که مقدار زیاد مایع خون بطور دوامدار با مایع خالیگاه بین سلولها مخلوط میشود بدین معنی هر باریکه گرده ها مایع را نگه داشته و حجم خون را بلند میبرد مقدار زیاد مایع درین زمان به خالیگاه بین سلولها نفوذ میکنند. بدین ترتیب حجم مایع خارج سلولی و خون در عین وقت تنظیم میشود .

مایع وجود به شکل مایع داخل حجروی و خارج حجروی وجود دارد . پلازما یا مایع خون از جمله مایع خارج حجروی بوده و بطور دوامدار با مایع خالیگاه بین حجرات که جزء از مایع خارج حجروی میباشد مخلوط میگردد و خالیگاه بین حجرات را پر میسازد مقدار مایع خارج حجروی ۷۱٫۷۵ لیتر یا ۳۷ فیصد مایع وجود را تشکیل میدهد در حالیکه مایع داخل حجروی ۳۰ لیتر بوده و ۶۳ فیصد مایع وجود را تشکیل میدهد یعنی مایع داخل حجروی دو چند مایع خارج حجروی میباشد. وظیفه مایع داخل حجروی به شبرد تعاملات استقلابی حجرات و از مایع خارج حجروی انتقال اجزای ساده غذا به حجرات و مواد فضله از حجرات میباشد .

مقدار خون در یک جوان نورمال ۵۰۰۰ سانتی متر مکعب میباشد که از آنجمه ۲۲۵۰ سانتی متر مکعب آن کرویات حمرا و ۲۷۵۰ سانتی متر مکعب آن مایع خون میباشد . در در حالیکه مقدار مایع بین خالیگاه حجرات سه برابر آن و یا ۱۵۰۰۰ سانتی متر مکعب میباشد .

تنظیم حجم خون :- مقدار خون ندرتاً از ۵۰۰۰ سانتی متر مکعب چند صد سانتی متر مکعب کم و یا زیاد میشود و بصورت عمومی مقدار آن در هر زمان تقریباً ثابت است و میخالیگیت اساسی که عبارت از میخالیگیت تغییر مایع شعروی و کلیوی میباشد در تنظیم و ثبات حجم خون دخالت دارد .

۱- تغییر مایع شعروی بحیث تنظیم حجم خون :- زمانی که حجم خون از اندازه معینه زیاد تر میشود مقدار فشار خون در تمام عروق شعروی افزود میگردد در نتیجه یک مقدار مایع خون از طریق جدار عروق شعروی به خالیگاهای انساج عبور میکند و مقدار خون را دو باره بحالت اصلی تنزیل میدهد . وقتی که فشار عروق شعروی بحالت عادی بر میگردد عبور مایع خون به خالیگاهای انساج قطع میشود برعکس اگر فشار عروق شعروی خیلی تنزیل کند مایع از

تأثیر مستقیم کرده ها در تنظیم مایع خارج حجروی :- تغییر حجم مایع خارج حجروی حجم مایع خون را تغییر داده و بالای دفع ادرار نیز تاثیر میکند. زمانیکه مقدار مایع خارج حجروی بسیار زیاد میشود مقدار حجم مایع خالیگاه بین سلول های کرده و تمامی قسمت های وجود لیزند میرود که این انزودی حجم مایع سبب دفع مقدار زیاد ادرار نیز میگردد گرچه علت این ارتباط تا به هنوز معلوم نیست مگر دو نظریه تا به اندازه درین مورد روشنی میاندازد.

برقاریک نظریه مایع مذکور فشار اطراف لوله های کرده ها را بلند میبرد و در نتیجه مقدار کم آب و مواد متحل از طریق لوله های جذب میگردد و مقدار زیاد آن بشکل ادرار از طریق لوله های جمع کننده عبور میکند.

به اساس نظریه دیگر زیاد مایع خالیگاه بین سلول ها به کدام طریقی همودا ینمیکه گلو مریولر کرده ها را تغییر میدهد که در نتیجه مقدار فیلترات گلو مریولر و سرعت تولید ادرار بلند میرود.

تنظیم حجم مایع داخل حجروی :- هر حجره حجم داخلی مایع خود را تنظیم میکند. حجرات از مایع خارج حجروی الکترولیت ها و عناصر ضروری را به مقدر پیشبرد فعالیت های داخلی خود جذب میکنند الکترولیت ها در اثنای عملیه جذب توسط فشار اسموتیک یک مقدار آب را بداخل حجرات بحرکت میآورد.

به نسبت تعادل فشار اسموتیک که بین مایع خارج حجروی و داخل حجروی حکم فرماتسده حفر های مایع دائم نگهداری میشود. حجم مایع داخل حجروی متناسب است با جذب الکترولیت ها و عناصر معدنی که توسط اعمال متابولیکی حجرات داخل آنها میشود. در تنظیم مایع داخل حجروی برعکس مایع خارج حجروی کرده ها مستقیماً دخالت ندارد باوجود این هم بصورت غیر مستقیم کرده ها در نگهداری عناصر ضروری و اختصاصی در مایع خارج حجروی و تنظیم آن کمک میکند.

تنظیم عناصر معدنی مایع خارج حجروی :- علل اصلی تنظیم عناصر ضروری در مایع خارج حجروی معلوم نیست اما در مورد بعضی عناصر از قبیل ایون H و سودیم کلوراید و دیگر عناصر تا اندازه ی میخالیکیت آن واضح شده است که ذکر آن به تشریح قواعد عمومی نگهداری غلظت نورمال مواد متحل در مایع خارج سلول خدمت بنماید.

تنظیم تعادل قلوئی و تیزاب وجود :- تنظیم تعادل قلوئی و تیزاب وجود عبارت است از تنظیم غلظت ایون H در مایع وجود که در صورت بلند رفتن غلظت ایون H مایع تیزابی و درعکس آن قلوئی میشود غلظت نورمال ایون H وجود PH میباشد یک کمتر از 7.4 محیط تیزابی و زیادتر از آن قلوئی میباشد سیستم تنظیم کننده تیزاب و قلوئی وجود طوری مجهز گردیده که PH مایع خارج حجروی را قریب

7.4 نگهدارد. تعاملات کیمیای تمام حجرات بدن ارتباط خاص با غلظت ایون H مایع خالیگاه بین حجرات و با مایع خارج حجروی دارد از این جهت باید که تعادل تیزاب و قلوئی وجود تنظیم گردد.

تنظیم تعادل تیزاب و قلوئی توسط مواد کیمیای بفر :-

تمام مایع وجود مواد بفر تیزاب و قلوئی دارد و عبارت است از مواد کیمیای که به آسانی با تیزاب و قلوئی ترکیب گردیده و با مایع وجود علاوه میشود و از تغییر PH وجود جلوگیری میکنند یکی از مواد بفر عبارت از ایون های کار بولیت (HCO_3) میباشد و در تمام مایعات وجود موجود میباشد. بفر های $1-2$ بولیت بشکل مخلوط HCO_3 و H_2CO_3 میباشد. هرگاه یک تیزاب قوی باین مخلوط اضافه شود بزود ترهن فرصت با ایون های کسار بولیت ترکیب گردیده کار بولیک اسید را میسازد. کار بولیک اسید یک تیزاب ضعیف بوده که بدینوسیله سیستم بفر وجود یک تیزاب قوی را به تیزاب ضعیف مبدل میسازد و از تیزابی شدن قوی جلوگیری میکند. از طرف دیگر اگر یک قلوئی قوی باین مخلوط اضافه شود قلوئی مذکور با H_2CO_3 یا کار بولیک اسید ترکیب گردیده آب و یک نمک بای کار بولیت خنثی را تشکیل میدهد. تنزیل تیزاب ضعیف و انزودی نمک بای کار بولیت خنثی به سختی بالای غلظت ایون های درون مایع وجود تاثیر میکند. طوریکه دیده شد مخلوط بفر بای کار بولیت و کار بولیک اسید مایعات وجود را هم از تیزابی و هم از قلوئی زیاد محافظه مینماید.

مواد بفر مهم دیگر عبارت از ایون فاسفیت و بفر پروتین میباشد که مخصوصاً از نقطه نظر نگهداشتن غلظت نورمال هایدروجن در مایع داخل حجروی مهم میباشد.

تأثیر عمل تنفسی در تنظیم تعادل تیزاب و قلوئی وجود :- کاربن دای اکساید بطور دوامدار در نتیجه عمل متابولیزم در تمام حجرات بدن وجود میآید. کاربن دای اکساید حاصله با آب یک جا شده کار بولیک اسید را میسازد از یک طرف اگر در اعمال استقلابی غلظت تیزاب مایع وجود بلند میرود از طرف دیگر وظیفه عمل تنفس اطراح مقدار زیاد کاربن دای اکساید میباشد. بطور عادی تنفس برای اطراح کاربن دای اکساید حاصله کفایت میکند اگر عمل تصفیه ربوی از حالت عادی تنزیل کند مقدار کاربن دای اکساید و بالتیجه کار بولیک اسید و یا غلظت هایدروجن وجود بلند میرود و در صورت بلند رفتن عمل تصفیه ربوی مقدار H_2CO_3 وجود و یا غلظت هایدروجن تنزیل میکند. بنا بر آن طوریکه دیده شد تعادل قلوئی و تیزاب وجود باز یاد شدن و با کم شدن عمل تنفس تغییر فاحش میکند.

کنترل عمل تنفس توسط غلظت هایدروجن مایع وجود :- غلظت زیاد هایدروجن مرکز تنفس را در

دماغ تحریک نموده عمل را شدید میسر زد بر عکس تنزیل غلظت هایدر و جن در مایع وجود مرکز تنفسی را کمتر تحریک نموده که در نتیجه عمل تنفس از حالت اصلی کمتر میشود یعنی تاثیر ایون هایدر و جن بالای مرکز تنفسی بصورت اتوماتیک PH وجود را ثابت نگه میدارد.

تنظیم تعادل تیز آب و قلوبی توسط کلیه ها:—
یکتعداد تیز آب ها از قبیل کاربونیک اسید فاسفور یک اسید سلفوریک اسید، یوریک اسید و غیره که در نتیجه اعمال استقلابی حجرات بوجود آمده و داخل مایع خارج حجری میگردد توسط گروه های بصورت قوری اطراح گردیده و از بلند رفتن غلظت هایدر و جن جلوگیری میکنند بصورت نا در مرکبات قلوبی زیاد تر نسبت به تیز آبی داخل مایع وجود میگردد که آنها در نتیجه دخول مرکبات قلوبی ذریعه غذا و با ادویه میباشند.

میخانیکیتهای تنظیم تیز آب و قلوبی وجود ذریعه گرده ها:— گرده ها تعادل تیز آب و قلوبی وجود را به سه میخانیکیتهای مخصوص تنظیم میکنند:

۱- جذب ایون هایدر و جن:— حجرات بشری لوله های گرده ها قدرت جذب ایون هایدر و جن را دارد. در زمان بلند رفتن غلظت هایدر و جن مایع خارج حجری یک مقدار آن که اضافه از حد معینه است ذریعه لوله های گرده جذب گردیده و با تمکیات مختلفه یک جا شده تیز آب های ضعیف را تشکیل میدهد. نمک مهم و وافر که با هایدر و جن یک جا میشود عبارت از سودیم اسید فاسفیت Na_2HPO_4 میباشد. و قتیکه به فیلترات گلو مریلر داخل میشود با H_2O یک جا شده Na_2HPO_4 را تشکیل میدهد. ایون Na سودیم که بدین طریق بر طرف میگردد و دوباره جذب حجرات بشری لوله های گرده گردیده داخل مایع خارج حجری میگردد بدینوسیله افزودی غلظت هایدر و جن توسط سودیم تعویض میگردد.

۲- تشکیل امونیا:— اگر مقدار هایدر و جن از حد معینه زیاد تر باشد و ذریعه تمکیات مخصوص خنثی نشود ذریعه امونیا که توسط لوله های گرده افزوده میشود خنثی میگردد و بدن را از غلظت زیاد هایدر و جن نجات میدهد. لاگفته نمائیم که امونیا از بر طرف شدن گروپ امینو بعضی امینو اسید ها بوجود میآید.

۳- اطراح بای کاربوئیت ها:— طبقه سوم که گرده ها تعادل تیز آب و قلوبی وجود را نگه میدارد عبارت از اطراح بای کاربوئیت ها توسط گرده ها میباشند. این عمل وقتی صورت میگیرد که قلوبی عضویت از اندازه معینه زیادتر گردد. هم چنین لوله های گرده ها مقدار زیاد کلورین را جذب میکنند، کلورین جذب شده با کاربونیک اسید تعادل

نموده باعث تولید هایدر و کلوریک اسید و ایون بای کاربوئیت در مایع وجود میگردد تیز آب نمک تیز آبت وجود را بلند میبرد در حالیکه ایون بای کاربوئیت ها سودیم اطراح میگردد. بدین ترتیب اطراح بای کاربوئیت حالت قلوبی وجود را با بر طرف کردن سودیم درست نموده و در عین زمان غلظت ایون هایدر و جن را بلند میبرد. بطور خلاصه میخانیکیتهای تنظیم کننده تعادل قلوبی و تیز آب توسط گرده ها هایدر و جن را در اثنای رفتن غلظت ایون هایدر و جن و یا رسیدن PH به ۷، ۳ بر طرف میکنند. در مقابل در اثنای بر طرف کردن ایون سودیم و تقلیل ایون H هایدر و جن غلظت ایون هایدر و جن را بلند میبرد.

تنظیم غلظت ایون سودیم در مایع خارج حجری:—

سودیم از جمله وافر ترین الکترولیت ها میباشند که در مایع خارج حجری وجود دارد و غلظت آن توسط قشر عذبه فوق کلیه و لوله های گرده به طریق ذیل تنظیم میگردد در زمان تنزیل غلظت سودیم در مایع خارج حجری قشر عذبه فوق کلیه مقدار زیاد هورمونی را موسوم به آلدوسترون افزوده میکند. به اثر تحریک این هورمون لوله های گرده مقدار زیاد سودیم را از مایع قسمت داخلی خود دوباره جذب میکنند. در نتیجه مقدار نسبتی سودیم در مایع خارج حجری بلند میروند. به مجرد رسیدن غلظت سودیم به حالت طبیعی افزوده قشر عذبه فوق کلیه تنزیل میکند و در صورت ازدیاد غلظت ایون سودیم از حالت طبیعی افزوده آلدوسترون بصورت کلی قطع شده از جذب ایون سودیم جلوگیری میشود.

تنظیم الکترولیت های دیگر در مایع خارج حجری:—

لوله های گرده قدرت تنظیم الکترولیت های دیگر را در مایع خارج حجری نیز دارد این الکترولیت ها عبارتند از پوتاسیم، منگنیم، کلسیم، کلوراید، بای کاربوئیت، فاسفیت و غیره.

تنظیم غلظت پوتاسیم بر عکس ایون سودیم توسط آلدوسترون صورت میگیرد کلوراید و بای کاربوئیت توسط گرده ها ذریعه عمل تعادل تیز آب و قلوبی تنظیم میگردد یعنی در صورت بلند رفتن تیز آبت وجود بای کاربوئیت دوباره جذب میگردد و کلورین اطراح میگردد از طرف دیگر در زمان بلند رفتن قلوبی مایع خارج حجری کلورین جذب شده و بای کاربوئیت اطراح میگردد. تنظیم غلظت کلسیم، منگنیم و فاسفیت بصورت صحیح معلوم نبوده اما تا اندازه ای واضح شده است که غلظت زیاد ایون های مذکور در مایع خارج حجری لوله های گرده را به اطراح مواد مذکور تحریک میکند در صورت تنزیل غلظت ایون های مذکور لوله های گرده به جذب دوباره آنها تحریک میگردد. ختم



مخابرات عصری از ما

چه میخو اهد ؟

ماور آن توجه لازمه بعمل میاید. برای اینکه قطعات اجرای حرکات محار بوی را بحسن صورت پیش ببرند باید برطبق کادر از تمام وسایل وسایط و مالز مه تخنیککی تکمیل باشند و جهت استفاده و بکار بردن وسایل و وسایط تخنیککی باید بصورت ماهرانه آنرا استعمال کرده و از نگاه علمی بتمام اساسات آن وارد باشند و صاحب منصبان در استعمال و بکار بردن وسایل مذکور احضارات کامل داشته باشند و اقراء تحت امر خود را در مورد استعمال آن خوب برسانند فراموش نباید کرد که احضارات اختصاصی ما لزمه تخنیککی از مه کرده اضافه تر به رهبری و رهنمائی صاحب منصبان

برای اجرا نواع راکت ها ، توپچی ، یا کتیف ، دستگاه های بی سیم و جنریتراهای برقی مورد استفاده قرار دارد. همچنین وسایط نقلیه موتوری در رساندن وسایل مادی نقش عمده را بعهده داشته و دارای قابلیت مائور خوب میباشد. بهمین نسبت است که وسایط نقلیه موتوری در قطعات (جزو تام های بزرگ) اردو وظایف خیلی مهم و اساسی را بعهده دارند و در اوقات بحرالی بصورت دوامدار وسایل مادی را به قوامیرسانند بهمین سبب است که بسیاری از فابریکات صنایع به تولید وسایط نقلیه موتر و هرزره جات آنها مشغول بوده و جهت بهبودی جنس قدرت و قابلیت

قوای مسلح مراحل عالی را در ساحه سلاح تخنیکک و موتور ریزه شدن اردو بپموده میتواند امروز وسایل تخنیککی به پیمانله بزرگی انکشاف لموده و تغییرات بزرگی را در ساحه تسکری پدید آورده است. اکنون وسایط و مالز مه زیاد تخنیککی مورد استفاده قوای مسلح قرار داشته و توسط آن نظام محار بوی قواء تامین میگردد. قوای که سابق بنام پیاده باد میشد امروز جای خود را بصورت مکمل بقطعات (جزو تام بزرگ) موتور ریزه داده است. بعین ترتیب قطعات توپچی نیز بزرگه وسایط موتور ریزه جرشده و یا حمل میگردد. وسایط موتوری عراده دار و زنجیر دار



راکت های رهبری شده غالباً سرنوشت مجاریات را تعیین مینمایند

احتیاج دارد تا ایشان مادونان خویش را بصورت دقیقانه از صورت بکار انداختن و فعال نمودن وسایط مذکور آشنا بسازند. تا ایشان وسایط مذکور را بسهولت استعمال بدانند.

صاحبمنصبانیکه جدیداً از وسایط علمی نشئت میکنند تنها اشتراك آنها در تطبیقاتها کافی نبوده بلکه علماً و عملاً در استعمال و بکار بردن وسایط تخنیکي ملکه و مهارت حاصل کرده و خود را بان وارد بسازند. از وضع مجاریات امروزه آگاهی حاصل کنند و از صورت استعمال وسایط موثر تر در ترمیم آن در جریان مجاربه و زمان حضر از خود ابتکاری نشان بدهند.

احضارات آینده صاحبمنصبان عبارت از استعمال وسایل و وسایط تخنیکي در ساحه عمل و بشکل اختصاصی میباشد. که این اجراء از راه پراکتیک در صحنه تطبیقاتها مسیر شده میتواند. آنهایکه در صحنه عمل و در ساحه تطبیقاتها اشتراك دارند و دقیقانه اجراءات میدارند از صورت استعمال وسایط تخنیکي ملکه و مهارت حاصل کرده و درائناً مجاربه به هیچ یسک مشکلاتی بی تر نمیخورند و وظائف محوله را طور ما هرا له پیش میرند. استادان و معلمین همیشه وظائف سنگین آینده صاحب منصبان را در نظر داشته و پروگرام درس نظری و عملی آنها را طوری عیار میسازند تا ایشان وسایط تخنیکي را بخوبی استعمال کرده و عوارض آنها را بصورت ترمیم خفیف و وسط مالزمه وسایط تخنیکي را در اراضی پیش ببرند.

بهمین نسبت است که درائناً درس ماشینها را فعال ساخته چگونگی فعالیت و بروز عوارض را بمحصلین به تفصیل میآموزانند.

در زمان موجوده در ساعات درس های عملی مداومین از ترمیم خاله های درسی، لابراتوارها و پارکها باز دید کرده و به بسیاری از وسایل خود را وارد میسازند طوریکه وسایط اختصاصی

خود را خودشان فعال ساخته امور کنترول و معاینات را بالای آن اجرا بدارند.

محصلین بدوره ستاژ خود از آن قطعات دیدن میکنند و بان مالزمه خود را وارد میسازند که بعد از ختم تحصیلات بوظائف مذکور گماشته میشوند بهمین نسبت است که در دوره ستاژ بموضوعات نهایت علاقه گرفته دلچسپی و دلگرمی از خود نشان میدهند و حتی قوماندانان قطعات را بنقاطی متوجه میسازند که آنها هنوز بان موضوعات برخورد نکرده اند.

در روزهای تطبیقات موضوع که خیلی اهمیت دارد بر طرف کردن عوارض مالزمه و وسایط است. ازین رهگذر آنها نیکه سلاح، مالزمه و وسایط را استعمال میکنند ما لزمه فالتو و اضافی ترمیمی را با خود داشته و بمجرد بروز عوارض ترمیم و رفع نواقص آن میپردازند. علاوه بر صورت افتتاح و بکار انداختن و رکشاپ های ترمیمی و جمع آوری آنها با عمل اجرا میدارند. و اجرای ترمیمات را در احوالات مختلف مجاربه پیش میبرند و امتحان حقیقی آنها عبارت از اجرای ترمیم و اصلاحه مالزمه و وسایط در ساحه تطبیقاتها میباشد. ازین که سلاح و وسایط تخنیکي تغییر خورده میروند.

مسئله استعمال و بکار بردن سلاح، تخنیک و وسایط نقلیه مشکل میگردد. و برای حل این موضوع اجرای تطبیقاتها و استعمال وسایط مذکور خیلی با اهمیت است. که از یکطرف در استعمال وسایط مهارت و ملکه حاصل گردیده و از جانب دیگر افراد صاحبمنصبان سپورت مین بیار آمده و قدرت فزیکي، آنها بلند میروند.

هرگاه صاحبمنصبان و خوردضایبان در استعمال سلاح مالزمه و وسایط نقلیه مهارت و مهارت کامل داشته باشند و بزمان کم افراد را باستعمال بکار بردن آنها وارد ساخته و بصورت سرعت لازمه احضارات مکمل مجاربه بوی گرفته میشود.

انکشاف امور عسکری از صاحبمنصبان و منسوبین اردو خواهان است که مادونان خویش را با استفاده از میتودهای جدید بصورت و بزمان کوتاه برای اجرا و انجام وظایف محوله برسانند و جهت پیشبرد این امر سهولت هائی از قبیل تعلیم نامه، اثرات، میدان های تعلیمی، درس خالدها، و رکشاپها و سائرها برای شان فراهم گردیده است تا با استفاده از آنها بتعلیم و تربیه ادامه داده و جهت اجرای وظایف مجاربه ای احضارات کامل داشته باشند.

ختم

د افغان اولس قیام



انگریزانو په (دکه) کې د یوې جگړې په ترڅ کې و لخوا کولای چه پوره موفقیت ترلاسه کړی ، او هغه تعرضی پلان چه د کابل د لیبولو د پاره یې منجولی وو ، شنډ شو . د دغه پلان په شنډولو کې آزادو قبائلو ډیر ستر رول ولوباوه دافریدو یوې برخې خلکو لا د (سی) د میاشتی په لمړی نیمايي کې د اشغالګرو په ضد فعالیت شروع کړ او « جهاد » یې اعلام کړ . افریدو دمی ۱۵ او ۱۶ د انگریزانو په چاونهو باندی حملی وکړی که څه هم دغه حملی په څټ ووهلی شوی خو بیا هم ددی سبب شوی چه دخیبر یوزیات شمیر وسله وال چه د انگریزانو له خواد اجیر په ډول استخدام شوی وو اوزیاتره یې افریدو ، د قیام کونکو په طرفداری راواوینتل دخیبر وسله والو افرادو دانگریز له اردو څخه په څټ تیتیدو پیل وکړ چه په دی ترتیب سره یې له ځان سره وسله او تجهیزات هم یووړل .

دانگریزانو عسکری حکمداران مجبور شول چه د موصلاتی ښکونکی ساتنی د پاره خپل منظم قطعات موظف کړی او دخیبر وسله وال ټولگی منحل کالندی د انګلیسی عسکری متابعو له قوله دخیبر د موصلاتی خطوطو دساتنی دپاره بالاخره پوره دوی پیاده فرقی او یو زیات شمیر د سپرلی جزو تاموله موظف شوی و .

دانگریزانو قوماندانی مجبوره شوه چه دجلال آباد په استقامت له تعرض څخه صرف نظر وکړی ځکه ددغه قوماندانی ترلاس لاندی اته کښد کوله اودوولس د سپرلی ټولی موجود و انگریزان په دی عقیده شول چه په دغه استقامت تعرض کول به ایجاب وکړی چه د ډیرو اوږدو موصلاتی کړنیو دساتنی دپاره باید زیات شمیر قواء موظف شوی نو اوهراسیون ته دوام ورکول به غیر ممکن وی .

دسی دمیاشتی په نیمايي کې دافریدو په تعقیب دانگریزانو په ضد لور وږوړو قبائلو په عملیاتو پیل وکړ دافغانستان اوهند دسرحد په اوږدو کې له خیبر له نر بلوچستان پوری عمومی قیام برپاشو هغه پښتا له سربازان چه د (ملیشه) په نوم دانگریزانو له خواد اجیر په ډول سرحد په ساتنه موظف شوی و تقریباً په هرځای کې له وسلی سره د قیام کونکو افغانانو په خوارا او پښتل دخیبر په علاقه کې دافریدو فعالیت شدت وموند او ددوی په طرفداری ارکزی هم ورودلکیدل . د اوسپنی هغه خط چه د خیبر گذرگاه یې له پنجاب سره وصل کوله ډیر سخت تخریب شو دغه ټول شیان له یواځی دانگریزانو عمیق تعرض دانکشاف مانع کیدل ، بلکه دپوی زبانی مو دی دپاره یې په جدی توګه سره دانګلیسی قواو استقلالیت سلب کړی و ، او موقع یې له ورکوله چه

انگریزان له خیبر څخه د وزیرستان جبهی ته انتقال اجرا کړی . که چیرې قبائلو په عام طور سره په دغه قیام کې اشتراک کړی وای نو دانگریزانو دپاره به لا ډیر خطرمنځ ته راغلی و اما ځینو قوی قبائلو په دغه قیام کې گډون و لکړ او له همدی کبله د قومولو او قبائلو په منځ کې الشعاب او لفاق تولید شو او بالاخره له یوې واحدی اداری څخه محروم شول . همداراز ددوی د عملیاتو په آغاز او انجام کې کور د پناسیون موجوده و . هغه قبائل چه د خیبر د گذرگاه په شمال کې اوسیدل او هغه څوک چه د پښتور په وادی کې باله وه اکثرأ له دغو قواڼو څخه په ډډه پاتې شول . مثلاً د (صوات) او (ډیر) یوسفزی چه دمحلې قیودالانو په تحریک دکلونو کلونو په د پښتو او جنګو په خپل منځ کې سره اخسته و ، په دغه قیام کې له گډون څخه یې برخې و . د غروموندو دافغانی منظمو قواو له ټولگیو سره په (گنداب) د تعرض شروع وکړه ، مگر د هیوادی سیمی موندنه یواځی له دغه تعرض څخه منصرف شول بلکه د غروموندو او افغانی منظمو قواو ته یې اجازه ور لکړه چه د دوی له ځمکو څخه تیر شی .

د افغانستان د منظمو قواو د خپلواکۍ دپاره د حربی عملیاتو په تاریخ کې تر ټولو زیاته مجلله صفحه د جنرال

محمد نادر خان د اوهراسيون په وسيله ليکلي شويده. جنرال محمد نادر خان په دې موافق شو چه دمنظمو قواو او قبائلي ليکرو ترمينځ په کامل او مطلق طور سره مشترکه مساعی او کورديناسيون برقرار کړی. دا طرز حرکت البته داسی متراتېژيکي اهميت درلود چه دخپلواکي دجنگ انجام ئی تثبيت کړ.

دغزالي او خوست د سيمي د قواو د گروپ قوماندان جنرال محمد نادر خان له خپلو ورونو ثناولي خان او ثنا محمود خان سره د اپريل په ۲۴ (۱۹۱۹ کال) له کابل څخه دجنوبي ولايت په لور روان شول. محمد نادر خان خپلو و قاندارو منظمو ټولگيو ته امر وکړ چه دگردیزخواته حرکت وکړی او جنرال پخپله ترمخ روان شو چه دجنوبي قبایل او اقوام دخپلواکي دجنگ دپاره راوپاره وی. د اپريل په ۲۷ دسفید کلا ته چه له التور څخه دري کروه (تقريباً ۱۸ کيلو متره) لوی ده، ورسیدل. په دغه محای کې دمنگلو او د شاوخوا نورو قومونو خلک سره راټول شول او له جنرال محمد نادر خان څخه یې د لمړي محل دپاره دراتلونکي «جهاد» په باره کې معلومات حاصل کړ.

دخپلواکي دمقدس جنگ خبره ږی خواته خپور شو او په آزادي مين افغانانو د دې خبر ډېر تود هرکلی وکړ.

د اپريل په ۲۷ کله چه محمد نادر خان گردیز ته را ورسیدلو په همدغه شپه یې د قومونو او قبائلو مشرانو ته (منگل ، احمدزی ، محدران ، محای اولور) بلنه لیکوله ورواستول اوله هغوی څخه یې غوښتنه وکړه چه له خپلو افرادو سره یو محای گردیز ته راهی او خپل پخوانی اختلافات اودیمنی عجالتاً یوی خوا ته کړی اوسمدستی دخپلواکي په ملدس جنگ

کې فعاله برخه واخلي. له دري ورځو څخه وروسته د قومونو ډلي گردیز ته راستون شوی. دجنرال محمد نادر خان پرلسیب داوه چه په هر قام کې به یې جرگه جوړوله او په دې جرگه کې به یې خطاب کاوه چه دمقدس جنگ تر ختمیدو پوری باید خپل ذات الیبنی اختلافات پوی خوا ته شی ، او بیا به یې له جرگي څخه داسی په «قسم» سره تائید شوی تعهد واخیست چه گويا دوی به له نورو قومونو او قبائلو سره یوځای په ملی قیام کې برخه اخلي. جنرال محمد نادر خان همدارنگه آزادو قبائلو ته خطونه واستول اوله هغوی څخه یې وغوښتل چه دمشرک عمل دپاره محان تیار کړی .

جنرال محمد نادر خان خپل قوتونه په دري برخی تقسیم کړل ، یوه ډله یې خپل ورور شاه محمود خان چه په محایو کې و ، وسپارله اوله ډله یې دارگون په سیمه کې چه دوزیرستان سره یوځای کیدل شاه ولی خان ته وسپارله ، (دریمه برخه ده پخپله قومالده کوله) .

د حرکاتو د احضاراتو په غرض جنرال محمد نادر خان دمی په ۱۹ متون (خوست) ته ورسید اوله متون څخه یې حرکات آغاز کړل . دوی په ډیر

سرعت سره صعب المرور معبروله اشغال کړل اودمی په ۲۱ دهند او افغانستان سرحد څخه تیر شول . دمی په ۲۳ دمحمد نادر خان قوا ء سپینوام ته نږدی شوی (سپینوام داسی محای وی چه څو غرنیو لارو په تقاطع کې پروت دی او په مساوی مسافه له بنو ، ایداک او تل څخه واقع دی) .

کله چه سپینوام اشغال شولو جنرال محمد نادر خان د تل پخوا د غروله لاری څخه روان شو او دا هغه لار وه چه دانگریز د عسکری ما هرا لو په عقیده د پیاده اردو د تیریده و د پاره غیرقابل عبور گنل کیدله ، جنرال محمد نادر خان له دغی لاری څخه له تنها خپل منظم پیا ده قواو قبائلي ټولگي د می په ۲۶ تل ته ورسول په بلکه د طو پچی ټولگي یې هم ورسره تیر کړل د طو پچی درنه و سله په حیوانا تو با ندی یو وړل شوه او دا کار په دې ممکن شو چه په افغالی منظم اردو کې داسی د طو پچی بطریبی موجودی وی چه په فیلالو بالندی وړل کیدی .

له غر و لو څخه د طو پو لو سره یو محای تیریدل د انگریزانو دپاره فوق العاده غیر مترقبه کار ښکاره شو اود افغانانو دپاره یوسترتا کتیکی





قوای زره دار در محاربات امروزی نقش قاطع را بعهده میگیرد

موفقیت و بلل شو. تل ته دور وتلو
به حال کی افغانا لودا باسین به وادی
کسی محالته لار خلاصه کره .

د جنرال محمد نادر خان د قوا
و تعرضی چه به سرحدی سیمه کی
اجرا شو او بیا د قتل خواته و روخو
مخیدل ، وسترا تیژی له لحاظه لادیر
اهمیت در لود او د جنگ په لئا تیچو
بالدی بی فوق العاده تاثیر وا چاره
په وزیر ستان کی د سرحدی
ملیسه اجیرو عسکرو یو گروپ د
افغانستان په خوا راوا ویتل او
دا حرکت ددی سبب شو چه د
(وان) مستحکمه موضع په سرعت
سره اشغال شی. دمی په ۲۱ د افغانستان
منظم قوتونه چه د جنرال محمد نادر خان
تر قوماندی لاندی دا آزاد و قبائلو
په سیمه کی ښکاره شول ، ددی
سبب شو چه د قتلو قبائلو خلک ملی
قیام ته تحریک کړی او دا کار
په همغه ورځ په وزیرستان کی شروع
شو انگریزان مجبور شول خه دښو
گومل او باسنی توچی په خط باندی
واقع شوی ټولی قانی او چونی خوشی
کړی .

له ملیسه او د انگریز او هغه له
اردو څخه د افغانانو گریز بیخی
عمومیت پیدا کړد وزیرو ، افریدو
او ارکزو بشپړ جزو تاسو نه
محمد نادر خان ته راتلل او انگلیسی
وسلی او تجهیزات به بی هم له غان
سره را وړل ، او افغانی سبه سالار
ته به بی داسی اعلان کاوه: موږ
د سبه سالار امر ته تیار یو او پوره
متابعت بی کوو .

دمی د میاشتی په ۲۶ او ۲۷ نیټه
مجاهد ښو د توچی په کوزه وادی
کی ټولی انگریزی چا ونی اشغال
کړی . د دغو چاواویو محافظین او
وروسته پاته ملیسه په ټولو محایو کی
مجبور شول چه عقب نشینی وکړی
ددی قیام په نتیجه کی په وزیرستان

کی تر شلو ذرو سر با زالو پوری چه
دوزیرو ، مسعود او دورو په
قبائلو پوری مربوط و ، د انگریزانو
په ضد اقدام لاس پوری کړ .

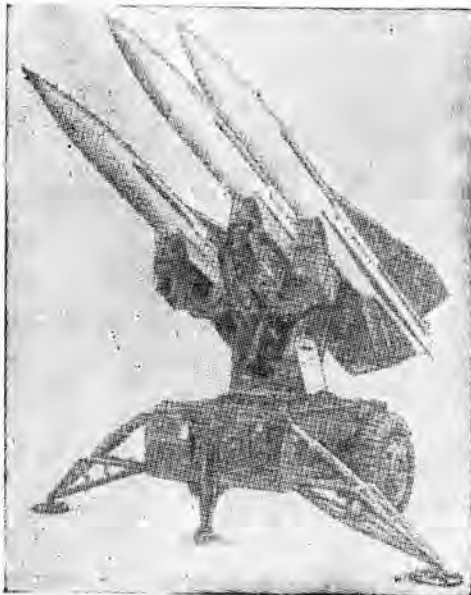
د انگلستان د تاریخ حرب
ماهر الوهه رشتیا سره دا اعتراف کړیدی
چه جنرال محمد نادر خان د خپل هغه
مارش په وسیله چه د قتل په خوا بی
اجرا کړ ، په دی موفق شو چه دا
لگلیسی قوا وه هغه پر مختگ مخه
و نیسی چه د جلال آباد په خوا بی
په نظر کی نیولی وو . د قبائلو
د قیام په نتیجه کی معلومه شوه

★ ★ ★ چه دانگریز دار دو زیاتره جزو تاسولو
د قتل سرحد په اوږدو کی له خپیر
له تر بلوچستان پوری محای په محای
توقف و کړ . غرنګه چه افغانی
قبائلو یوی برخی لانور . هم انتظار
حالت ساته ، نو انگلیسی قوماندانی
په عجله سره خپل فعالیت زیات کړ
مخکه داسی خوف ور سره پیدا شوی
وو ، چه د انگریز د اردو ناکامی
به ددی سبب شی چه له مجاهد نیو
سره به لور عسکری افراد مسلح شی
نوله دی کیله انگریزانو د قتل په
غرض نور قوتونه هم ولیږدول

د تحول او

پرمختګ

پیری



ډولوع ننی عصری را کتونه

باندې محالوله مشغول نګړی . په دغه وخت کې دو پګالو سازش د متوسطې طبقې سره داسې لار خلاصه کړه چه دنابلېون دجګړو تر پایه پوری ئی کوم تغیر رانه وست .

په اتلسمه پېړی کې لسبت انگلستانو ته په فرانسه کې د لویو افکار و اوعقاید و فشار ډیر زیات و و رښتیا دا ده چه په فرانسه کې انقلاب یو محل ومنیځ ته لدی راغلی بلکه یو لسل پخوا پېش بینی شوی و او خلک هم پوهیدل چه په خطر کې ژوند کوی .

نو پدغه اساس داسې فعا لیتو نه شروع شول چه د پخوائی ژوند سره ئی هیڅ برابری نه درلود . مذهب په ډیر بهر حمانه وضعیت سره د تنقیدلا لدی راهی حتی تردی اندازی پوری په مذهبی امورو باندی حملی کیدلی چه نه د انقلاب غځه تر مخه او نه وروسته شوی دی . دنویو افکار وغوښتونکو د اشرافو طبقاتی امتیازاتو وړ کول قضائی دستګاوی ، حکومتی شی ، د جامعی اقتصادی بنسټ اصلاح کول دا ټولی داسی مسئلی وی چه هغوی د لوی نظر غوښتنی وی .

زمانه د عقل او استدلال زمانه شوی وه . فیلسوفانو منطقی انتقاد خپله وسله ګڼه او اعلام ئی کولو چه آزادی پخپل ذات کې ښه ده او قیودات بد او مضر دی . په همدا ډول فیلسوفانو او نورو پوهانو داسی بیانیی کولی هر هغه شی چه دژوندون د آزادی اواره محدود ټیوله راولی هغه باید له مینځه ولاړ شی . پدغه لار کې هغوی د هیڅ ډول فداکاری غځه دریغ و نکړ . حتی ډیر محترم تشکیلات او سازمانونه هم د فیلسوفانو د تجاوز کولو غځه پاتی نشول . فیلسوفانو ګرده دا کاد میو علمی مواد دپوی تبلیغاتی دستګاه په غیر را وستلی و و لمانښونه ئی د مبارزه و وسلی ګرځولی وی . اگر چه تردی وخته پوری حکومت کولی شول چه مخالفین بندیان

په اتلسمه پېړی کې دلېبرال فکری تحولو لومړ کز فرانسه وه . په فرانسه کې دهغو طرحه شو پو مسائلو حل ته ډیر زیار پکار و . په فرانسه کې تغیر او تحول ته احتیاج د هر لحای له زیات و . په انگلستان کې تر یوی اندازی پوری دلېبرالسیم د تکامل د پاره فکری زمینه مساعده وه هلته په محدود ډول د غوښتونکو کسانو لپاره مشروط حکومت تشکیل شوی و او داسی فرصتو نه ئی منیځ ته راوستلی و چه ساری ئی د هیڅ یو اړ و پایی هیواد په نزد کې نه و و په انگلستان کې سیاسی اند پشی د او یا کالو په او ژدو کې چه د فرانسې په انقلاب سره تمامید لی دلاک د فلسفی په اساسی ټکو سره ئی ټینګوالی پیدا کړ و چه مادم سمیت هم هغه ټکو ته اشاره کړیدی .

د بورک په نظر کې لوی مطلبونه پیدا شوی و چه تر ټولو ډیر جالب او تازه هغه تماثل د محافظه کاری خواته وو هغه زیار ایستلو چه خلاق دغه ټکی ته متوجه کې نور انقلاب ته ضرورت نشته د دی په لحای چه د لوی انقلاب لپاره وخت ضایع شی لازمه ده چه د موجوده اصول ټکی ټینګک وسائل شی ، پراپش او پرستلی یواځنی مخالفت او پېشنهاد چه وکړ هغه دا و و چه باید د موجوده وضعی لپاره مشروع حقوق وغوښتل شی چه البته دغه اصل په ضمنی توګه سره ومنل شو . هغوی د امریکا د انقلاب سره محالو له همقدمه کړل اماد نو یو افکار و نښه پکښی نه بریښیده نو په همدا سبب هغه کسان چه دهغو مخاطب وو دمنلو وړوله ګرځیدل که په ښکاره ډول و ویل شی د الکایسانو هر یوسړی که په جګړه کې هم و بیا هم په هو سانی سره ئی ژوند کولو د هر غه نه زیات باید د هغو اصولو او دستګا و په پاره کې چه تسلط و ر باندی لری فکر و کی په ډیر و وړو شیانو

او یا به دار و محوروی مگر به جامعه کن بنه یتوب افتخار بلل کیدلو . اگر چه گلیسا گالو به همدا وخت کی کولی شول چه فیلسوفاتو تقبیح او بدی و گنی مگر ارویدلکو ته دغه موضوع گائی نوی مسخری گنل کیدلی لوی جامعه داسی جامعه وه چه پخوانی عنعنات اور واورو ترشا غوربحول محکه چه هغه ئی دجامعی داحتیا جاتو دهور کولو لپاره منامب له گنل . حتی ددغی مفکوروی مخالفین دلیرید و به حال کی و حتی هغه مخالفین چه پخوانی دلوی مفکوروی به مقابل کی مبارزی او فعالیتو له کول هغوی هم به شک کسی و لویدل او خپل اعتماد ئی له لاسه ورکړ به اتلسمه پیری کی نوردزازه اصول جوړولکی دایشلواو مازارن به غیرله پیدا کیدل چه یو بل بیاهم به افرادو باندی بسط او تسلط ولری حتی دکلیر به شان کوم سړی له و چه به اداری دستگانه کی نظم او مطلقه باندی راولی زور اساس او یا بنسټ له دی سببه له مینځه ولاړ کولکی به هغه وخت کی چه تنقید ور باندی لیول کیدو اعتراف ئی کولو .

کله چه مالزاب چه د شاهی کتابخالی ریاست ئی به غاړه درلودیو دایرة المعارف ئی دجان سره ساتلی وؤ چه دزازه نظام دمحو کولو مظهر وؤ به حقیقت کی به دی وسیله سره دلوی خواستونو به تعقیب سره به ناتوانیدلونی اعتراف وکړ . ددی زمالی فیلسوفان به باره ئی داسی فکر باید و نکړ ای شی چه دمشخصو او یو ډول عقیدو غښتنا ن وی . د هغوی نفوذ او تاثیر به خلقو کی تیت او پراگنده وؤ هغه څه چه ولتر غوشتل البته دروسو دار مالداو غځه ډیر لری وؤ . دتورگ-و او فیزو کرائو به مینځ ئی هیڅ ارتباط موجود نه وؤ . اگر چه هلباک او هلوتیوس دولت لظرنی تعقیبولی مگر د هغوی روش اولار دولت سره ډیر اختلاف درلود . دولت لپاره تل انگلستان دالهام سر چشمه وه .

اما دواوسو هلباخ لپاره د انگلستان اوضاع دا خطرانی بنه لرله . به عین حال کی ددغو جریانو په دوام کی ددیدزو افکار او یادولنیکه متافزیک مسائل به اجتماعی مسایلو کی بحای نیولی و نشوای کیدای چه به غلو رو لرگیو کی خولدی پاتی شی . اتلسمه پیری د فکری بی نظمی او اغتشاش پیری وه خلقو نا رضایتی احساسو له اما به ښکاره ډول نه پوهیدل چه ددی علاج به به څه ډول وشی .

مگر خلک پوهیدل چه آزادی غواړی اما له پوهیدل چه مقصد له آزادی غځه څه شی دی .

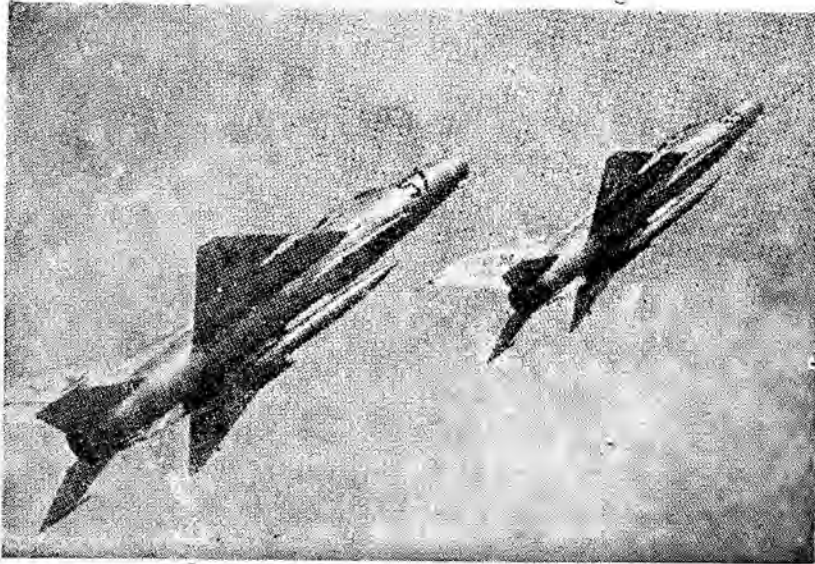
لوی عقیدې ډیرو مقاومولو سره مخامخ شوی . مذهب البته دلویو عقیدو به مقابل کی دفاعی جبهه در لوده اودفاع ئی هم فعاله او مثبت وه . کله به چه نوو مفکوره لرو لکو کومه فکری حمله کوله دمقابل لوری به هر هغوی باندی شل حملی اجرا کیدلی غنی دمخالفینو دجملی غځه داسی کسان وچه فوق العاده مهارت ئی

به هغه حصه کی درلود . قران ، برژیه ، گله کشیش او موروی او کیل هوازی ددغو کسانو دجملی غځه له و وبلکه بالیسو به لویو افکارو باندی داسی سختی حملی کولی چه حتی به یوه لمانه پشنامه کی چه دفیلسو قالو اثر به نوم یا ددیده ښکاره کړه . لودا کسان لکه رو سوو لکر ددی به لحاظ چه د مذهب غځه مدافعه کوله دجان لپاره غت افتخار بللو . هار دی وژمان سو رو داسی پشی چه نو یو افکارو به متدینو خلکو کی هیڅ تاثیر نه درلود . اگر چه خرافات بدگنل کیدل اما اعتقاد به معجزه او کرامت باندی زیاده موجود وؤ .

قضیه به همداغای کی تمامه نشوه هغه ادبیات چه دسیاست به نری کی باقی پاتی شول د هغو افکارو او نظریو لرو لکی وچه بریالی شول او نومونوته ئی چه لیدل کیری هغه کین اړخ ته مربوط وؤ دادی هم پاتی له وی چه طرفوردو پوری به ۱۷۷۰ کی د داسی قدرت غښتن وؤ چه هغه وکړ ای شول خپله سیاسی او اجتماعی لغتنامه دنویو افکارو در دولو به باره کی ولیکی او قدرت ئی تردی غا به پوری وؤ چه هغه به ډاگه ولیکل چه آزادی به د اجتماعی نظم به خرابوالی سره تمامه شی .

دا باید په یاد وی چه پخوانی اخلاق له یوی خوا د حکومت ډیر قوی باز و او له بلی خوا دجامعی یوه لویه برخه چه به زارو رسوسو پابندو سخت حما به کیدل ، بالاخره داسی وخت راورسید چه هغو کسانو چه به هیڅ نظر سره دنوی تحول او فکر طرفداراله و بیاهم نو یو عاداتو او رسو موته ئی غاړه کیښودله به دغه وخت کی ټولی وعظی دافسوس غځه ډکی وی چه ولی مذهبی اموراتو ته غاړه نه کیښیردی . نور خلکو دستمندانو مرستی ته احتیاج له درلود او فکرنی کولو چه امکان لری د هغوی فکر او روح دخپل ثروت او مکتنت لهخوا تهدید شی . فقر او ملنگی نور خپل قدسیت او پاکوالی له لاسه ورکړی وؤ او بحای د پیسو ټولو لوته پریښود . جابلبی زیاته شوه دخپل موقعیت غځه به لری کی ئی رضا پت نه درلود د پیسو ډبه لاس ته را وستلو لپاره ئی دهر ډول کار غځه استفاده کولو اود دوی به نزدکی هیڅ پوهی بوله پیسو اعتبار نه درلود .

بابا کروازه له دی جبهه شکایت کو او چه به دغه ور محو کی ولی خلک گرده وخت د پیسو به جمع کولو مصروفی . آیا ددی دپاره کوم فرصت لری چه ووائی چه زه عیسوی یم . دا کله چه به هغه وخت کی به ټولو معظو کی را توصیه کیده چه باید نور بشری کار وله به هیره کی . هوشیار روحا لیون لکه لیگر او هیاسینت دوگا سکه به دغه باره کی ئی ډیر کتابونه ولیکل که چیری به تجار ت کی داسی لار غوره شی چه روح به خطر کی اچوی هره گټه چه ددی لاری له په لاس را شی حاصل به ئی ډیر لیری . او هغوی به هیله ل چه زیار ایستل



نئی مودرنی الوتکی چه په جگړو کېښي زښته زيات فعاليت کوي

نئی گټه نلری مخکه کرده پوهیدل چه دغه اخلاق ښوونکو غورځونکی اوس نشته. دغه خبر وغه تاثیر له درلود هرچاته معلوم وو چه دا هغه کسان دی چه حورا او غریب غوښی او وینی نئی خوړلی دی. هېڅ چا مذهب ته توجه نه کولو. یوله منقیدلو څخه وایی چه هېڅ یو بانکدار او باېل سوداگر نشته چه په عین بی احمالی کی تر حضرت او روحانیون او حکمای الاهی ښه معلومات ونه لری امام سوداگرو له نظره د موضوع په داداوستد پوری اړه نلری. یوله حقوقدانانو څخه وائی چه الاهی حکیمان داسی استدلال کوی چه باید سوداگرو هغه معاملی چه دیور پر اساس دی وتری اما هېڅ امکان نلری هغه معاملی چه گټه ونه لری په جامعه کی تنظیم راولی. او که په دایول وشی البته ټوله جامعه به له مینځه ولاړه شی. هغه نویسنده گانو چه له مذهب څخه نئی طرفداری کوله نا کام پاتی شول مخکه چه هغوی د هر سوال په جواب کی عاجز پاتی شوی و.

ارشوک دولیون داسی لیکي: زما مذهب دادی چه ترغو می په دغه جهان کی سعادت په لاس لهوی راوړی دغی دنیا په فکر به هېڅ لشم. لښه داچه د تجارت او مذهب په مینځ کی ډیره سخته جگړه لښتی وه منوا و هغه الاهی اصول او اساسات نئی غوښتل چه د قرون وسطی افکار وسره برابرې و نلری بلکه دا احتیاجاتو سره مطابق وی اما په مقابل کی نئی کلیسا دا خبره له منله. په دغه ماجرا کی مهم ټکی دا وو چه هغه شیان چه کلیسا گانو له منل فیلسوفانو پخوا اعلان کړی و که چیری دغو ټکوته وایدل شی نو پری پوهیدلی شی چه دولت ارزشت دخلکو په لزد کی ډیر زیات و. دولت فلسفه د ملکیت په اساس باندی ولاړه وه او دا هماغه نظریه (مردشریف) دوامی کلمی په معنی دی. ولتر دا اقتصاد ارزښت باندی ډیر ښه پوهیدو له دی جهمته آزاد نئی غوښتله ترڅو چه ددی لاری امتیازات په لاس راوړی.

لیکولکی وائی چه زما منظور داندی چه داتلسمی پیری فلسفه یوازی دولت په مفکوره باندی منحصره وه بلکه وایم منځنی طبقی غوښتی چه هغه هم دمدلی آزادیو څخه عبارت وی دولت مفکوری څخه الهام اخیستی شوی و. صادقانه مذهبی علاقی نئی پر هغه باندی زیاتی کړی. منتها مذهب نئی په محدوده قلمرو کی وساتلو. دغی منځنی طبقی ددغه اقدام څخه دوه هدفه درلودل:

لیری درجه هغه معاملی چه دغو سراپو سر چشمه وی مذهب په هغه کی باید مداخله وکړی.

دوهم درجه غوښتل نئی چه د مذهبی اصولو او اساساتو سره برابر دکارگر اوزیاریستولکی طبقه پخپل حمای وساتی یعنی منظور نئی دا چه منځنی طبقه په ښکاره ډول خپل کار وکړای شی. مخکه هغه پوهیدلو چه که چیری دپوی طبقی

افراد له هر شی څخه محروم وی باید هغوی ته تسلی ورکړ شی محروم و طبقو ته اجرور کول نئی بټی لری ته حواله کول او ویل به ئی چه په دغه دنیا کی هر څو مړه که مشکل کار وکړی او زیار و باسی البته دلی دنیا د هوسانی سبب به مووگرخی دولت دغه اشاره ددی دپاره وه چه له مذهب څخه دلوی د نظم دساتلو دپاره استفاده وکی اما په حقیقت کی ددغه مفکوره اولظرنی موجوده دلیاته و البته د هغه په ټول عمر کی دغه مادی مفکوره دبحان سره ساتله.

دغینو کسانو په نظر کی بلکه با دییه مذهب ډیر لوړ اهمیت درلود. په اتلسمه پیری کی د مذهب او اخلاقو په منځ کی د مفکورو له نظره ډیر غټ توپیر موجود و. هغه کسان چه شتمن و هغوی د مذهب سره چندان علاقه نه ښودله او هغه کسان چه فقیر او بیچاره و د هغو اجتماعی سازمان او سلکت یواغی مذهب و موجودیت نئی د نظم ساتلو دپاره شرط گڼلو او په هر حال کی نئی گټور شمیرلو. اما دگټی مفهوم نئی په مختلفو طبقو کی یوشانی نه و. البته دغه موضوع یواغی په فرانسې پوری له وه ترلی بلکه په آلمان، انګلستان او امریکا کی هم همدارنگه وه.

هالامور، بیسپ و ستون، جولاقان ادوارد حتی کالت دغه گړدو کسانو دولت سره مقابله درلوده او هر یو ئی په همدا ډول دجامعی په تشکیل مصروف و. د هغه وخت په ادبیاتو کی په قطعی ډول د باور هم موجود و چه کیدای شی چه دلیوتن دلظر بی سره سم په فزیکي عالم کی یو غیر الاهی حکومت تشکیل شی.

پوهان اولور سوداگر ډیر ژرو پوهیدل چه د انګلستان محیط چه دلویو ثروتولو لرونکی دی کاملاً یو طبیعی محیط دی. باید دهرسری مال د تعرض څخه مصنون بی، تجدیدی مالیی او پخپل



داهم د عصری وسلو یوه بله نمونې

کې د اېره المعارف لوی اقتصادي اوسياسي حقايق تائيدول مگر بيا هم په سازش او تفاهم په ټولو مخامخولو کې دنفرت الگيزي بې عدالتي ډېروردگار او انسان به نظره پېژندلې شوي وه . البته دغو مطلبونو زياتره له غېر مستقيمي لاري تاثير اولفوذ کولو اسانفوري تاثيري له درلود .

د ۱۷۱۵ او ۱۷۸۹ کيلولو په مېنځ کې د فرانسې خارجي تجارت خلورچنده شوي امدادي واقعيت تاثير دروانوفکرونو په مقابل کې لکه غرنلکه چه دستگاه موجوده روشونه دغو لپاره يوه ستره موانع وه بيا هم ډير ليرؤ معموله نظارتونه چه دستگاه له خوا کيدل تريوي الدازي پوري ډير مختک لپاره ئي ليو له .

بورژ و ايان د ثروت په ټولولو بوختؤ اوليدل به ئي چه راحت غوښتولکي اشرافيان اوروحانون مرفه هم ددوي په دغه حصه کې کم لږي حتى هغوي دغه ټيکي ته ورسيدل چه روحانيون او اشراف سربره پردي د ثروت د جمع کولو مخالف لږي بلکه د هغوي دوروستي هدف رسيدلو ته هم ورسره مرسته کوي . ولتر بورژ و ايانوته وروښودل چه د مخالفينو آزار اوشکنجې باعث شوي دي چه همسايکالوله گټې پوسې اوغانوله ثروتمند کړي غرنلکه چه بورژ و ايانوته نوي اخلاق وروښودل کيدل . تقر بيا هماغه پخواني وعدي وي اگر چه دغه اخلاق پخوانيو وختونو کې منعؤ مگر بيا هغوي ته په واک کې ورکړ شو . نو په دغه ترتيب سره بورژ وازي ددوولپارو په منځ کې موقعيت درلود او لپاره وه چه دستلهم فلسفه مني اوداچه د آزادي فلسفه وټاکي . ډېورژ وازي دمړک انکېزه چه لار ئي لځاته التخاب کړه ډيره آساله وه .

سرمداخلي چه دجامعي لپاره ډيري مضرې دي له منځه يوسي اما په مقابل کې فردهم نه بايد غه شي چه غواړي دهغه ويلوته لځان مجبور وگټي البته د بعضي کسانو په باره کې ډيري لگرايي موجودي وي لکه دجاهه ها ، يورک جه ولتر هغوي ته دنجيبې لوم وړ کړي وه صرف نظر له داسې مستثنا تو فرديا هم بايد آزادوي ترغو وکړاي شي غه سوداگروي او غه ولتر په ادبياتو کې بايد لاس وري چه دهغه په سه وسيله هغه شي چه غواړي په باره کې ئي تبليغ وکړي . نور بايد مذهب فرديته آزادي وړ کړي بلکه نور غه وخت تير شو يدي چه هوشيار خلک دمفيد او موثر وجدان او په آزاد ډول فکر کولو کې زجر اوشکنجه وويني . فرديايد د فالون په چوکات ژوند وکړي اوداچه دهغه ژوند د ناوړه هوسولو له خواتهديد شي . همدا سبب وچه وروسته له منتسکوو غځه گرده نيکولکي په ډيري علاقتي سره دمشروطه حکومتولو غځه طرفداري کوله ترهغه مخايه پوري دوام وکړ چه سوداگرو د اکسان بلکه داد گراند پيدا کړل چه ويل به ئي « هغه اشراف چه ه تجارت غځه لري گړخي مملکت ته خدمت نه کوي » .

د سوداگرو او نورو خلکو د پوهولو دپاره بولسرف ډير زيار ايستلې و چه هغوي دپوهوالي ضرور غځه خبر کړي له بلې خوا دراقتصادي علما وله آثارونه هغوي استفا ده کوله او يوه سول چه هواد ددغه زاره او وروسته سيستم غځه غوسره تکليف ويني که اوس هم غځي کسان پيداشوي واي چه کرته مقدمه شميرلي واي لوهغوي به د ولتر او گاليالي توصيه د سوداگرو په مخصوص کې تاثير کړي واي . مشهورو حقو قندلاو دپه واليو آثارو غځه ډير دلائل جمع کړل چه د هغو د جملې غځه خانم ستاهل داسې وويل :

« په فرانسې کې استبداد نوي شي دي دحالي چه آزادي دپخوا نيوسنتو غځه دي » نو لوسو دا گرو هم ددغو شيالو په خصوص کې بلکه دمجموعه قوا لينو هماهنگ کيدل دوشيانه مجازاتو وړ کول د حکومتونو امتيازوله په کار کې په افراطي ډول داقتصاد علمه واولورو قيلسپ فالوله آثارو غځه زده کړل ولتر سوداگرو ، در مصرفونه په کرله او نورو داسې شيالو چه دجامعې درقاه دپاره مفيد وي وسي غوسره به ښه وي . اگر چه کليسا د بلي دنيا دعزت غځه خبري کولي مگر په مقابل کې ئي شپږ جلدؤ دائره المعارف چه د تجاروله خوادتقدير ورگړيدلي ؤ دعلم او تجارت ډير مختک او ډير مختک لږدي رابطه ئي د هغوي سره بهانو له ، سو داگرانو ددائرة المعارف غځه هغه لهجې چه دهلم اومنطق ډير مختک غځه په لاس راغلي وي زده کړي .

د سوداگر طبقې کله چه په دايه المعارف کې مذهبي مباحثي اوجگړي وليدي لودمذهبي اصولو او ډير مخ تگ اساساتو په مقايسه شروع وکړه . سوداگر دغه ټيکي ته ورسيد چه دايه المعارف په عجببه توگه دپخواني دوران غځه لځان آزاد کړيدي په ډير هوشيارې سره ئي په نيودالي اصول بالدي حمله کړې ده په ټولو مواردو

یکی از بزرگترین عوامل ایجاد کمپلکس و عقده تأثر در افراد مختلف ریزش موی سر و بخصوص ابرو و مژه است این عمل دو بار در سال همزمان با جواله زدن و شادابی درختان در بهار و مقارن با پائیز و خزان طبیعت اتفاق می افتد و سبب آزرده گی و ایجاد حالت عصبی در افراد میشود ، و در حقیقت بزرگترین اشتباه مبتلایان همان حالت اوسیدی و پأس آلهامت که سبب تشدید بیماری میشود .

بیماری عبارتست از ریزش مو که دیگر بجای آنها سو در نمی آید . ریزش مو اگر در روز بیش از ۳۰ تا ۴۰ تار باشد غیر طبیعی است . همچنین اگر بجای موهای ریخته شده موهای بی مقاومت و کوتاه برود باز هم طبیعی نیست . اینها علائم وجود بیماری میباشد گاهی اتفاق می افتد که ریزش مو یک علت معمولی داشته باشد مثلاً بیماریهای التهابی ، مسمومیت و عمل جراحی ولی بطور کلی ۹۰ فیصد موارد علل موضعی دارند یعنی وجود چربی زیاد در سر یا فراوان بودن چربی که بر اثر ترشح از غدد چربی پوست میباشد .

اولین علائم و نشانه های بیماری در سنین بلوغ ظاهر میشود

میباشد که سبب تغذیه بهتر پوست سر و موی سر میباشد . باید دالست که تأثیر حالات خبسی و بخصوص (مردی) در آن مورد حتمی است و فقط مردانیکه در سنین بلوغ هستند به طاسی کامل مبتلا میشوند به نحوی که کف سر شان در خشان و آئینه وار میشود . در مورد زنان عقیم دیده شده است ولی منجر بر ریزش کامل موی سر و صورت نشده و کاملاً طاس نگردیده اند . جلوگیری از ریزش مو ، موضوع تازه ای نیست و از زمانهای قدیم صدها نوع محصول از فضولات حیوانات گرفته تا انتورید را به صورت محلولهای مالیدنی برای جلوگیری از ریزش مو توصیه کرده اند و حتی در لوشته های هیپوکرات طبیب چهار قرن قبل از میلاد به این موضوع اشاره شده است .

پروفیسور اد وین سیدی که مدت ده سال است روی این مسئله تحقیق میکند باین نتیجه رسیده است که شامپوها و سر شوهای گوناگونی که به عنوان جلوگیری از ریزش مو توصیه میشوند هیچک تأثیری بر سر لوشت آن ندارند . ریزش مو که از نظر طبی آلوپسی میگویند در زبان یونانی به نام روباہ است و اما اینکه چرا از این کلمه استفاده شده است باید بگوئیم که بنا بر یک

ریزش موی سر

تتبع و لکارش دکتر قمرالدین اکسیری
امر مشاهده روغنوتهای اردو

عقیده قدیمی روباہ دچار بیماری میشود که در اثر آن تمام موهای خود را از دست میدهد و باین جهت نام بیماری ریزش مو ازین جانور گرفته شده است .

در موقع ترس و یا هیجانات عصبی ، عضلات موها منقبض شده و موها راست میشوند و اینکه میگویند فلانی از شدت ترس موهایش سیخ شد کاملاً حقیقت داشته و در نتیجه القیاض عضلات راست کننده موها میباشد . در انسان اولین مرحله پیدایش مو در سومین ماه زلدگی داخل رحمی است که موها بر پشهالی جنین میرویند اما ظاهر شدن آن از روی پوست تا هفته بیست و هشتم حاملگی طول میکشد و در هفت ماهگی این موها شروع بر ریختن میکنند . دومین مرحله ریزش مو در هنگام زایمان میباشد که موهای نوزاد شروع بر ریختن میکنند و به عقیده متخصصین علت آن قطع کامل هورمون های مادری میباشد . بعد از آن سر نوشت موهای انسان مشخص بوده و تا هنگام مرگ مرتباً این مراحل تکرار میشود . در مرحله اول یا مرحله رشد تجمع سلولی در ریشه سبب رویش موها میشود و باین ترتیب موها بوجود میآیند این مرحله سه سال طول میکشد در مرحله

و موهای سر و صورت با شدت هر چه تمامتر شروع بر ریزش میکنند . پیشرفت ریزش موی سر متفاوت است ولی بطور کلی میتوان گفت که بیماری در افراد مسن نادر است و تمام کسانیکه بطاسی کامل گرفتار شده اند کمتر از سی سال داشتند . ریزش مو در تمام مراحل بستگی کاملی بایندی وضع تغذیه یا سلامتی ندارد بلکه اشخاص زیادی دیده شده اند که مبتلا به سرطان های پیشرفته هستند ولی موهای فراوان و سالم دارند و بالعکس اشخاصیکه گرفتار طاسیهای زود رس شده اند از سلامتی کامل بدن برخوردار بودند . ولی گفته شده است که در موارد شدید و سریع معمولاً یکنوع عامل چرکی سبب پیدایش آن بوده است زلها از این بیماری مصون نیستند بلکه فقط تعداد آنها بر مراتب کمتر از مردان است و بطور کلی بطاسی کامل مبتلا نمیشود و این موضوع همیشه مورد سوال بوده است . دلایل فراوان برای مصوئیت نسبی موجود است طبق نظریه متخصصین این بیماری یکی از مهمترین دلایل کمی ابتلاء زنان ، طرز کار دستگاهها و غدد تناسلی آنهاست و نکته دیگری که اهمیت آنها کم نمیباشد گشش عضلات پشهالی و جلو سردر دوره بلوغ

دوم رشد موها بمدت سه هفته متوقف شده و پس از آن مرحله استراحت است که سه تا چهار ماه طول میکشد. در مرحله دوم رشد موها بمدت سه هفته متوقف شده و پس از آن مرحله استراحت است که سه تا چهار ماه طول میکشد و این مرحله با مرگ مو و پیازی آن مشخص میباشد. در این مرحله پیازی از پت جدا شده و در عرض ۶۰ تا ۹۰ روز تمام موهای مرده از سر جدا شده و بخارج ریخته میشود. و باین ترتیب در حال عادی همه روزه در حدود بیست تا چهل مو از سر ما کم میشود. میتوان گفت که اگر هر روز در حدود چهل عدد از موهای کسی بریزد این امر طبیعی بوده و نباید سبب ناراحتی فکری گردد.

سه مرحله رشد، توقف، ریزش تا آخر عمر انسان مرتباً و مرتباً تکرار خواهند گردید.

رشد موها با غلظت زیادی بستگی دارد. مثلاً رویش مو در تابستان زیاد و در زمستان کم است و این بعلاوه اختلاف درجه حرارت میباشد، و باز از نظر جنس نیز فرق مینماید، و رویش مو در زنها بیشتر است، سن انسان در رویش مو دخالت دارد حداکثر رشد موها بین پانزده تا سی سالگی بوده و از آن به بعد کم شده و بعد از پنجاه سالگی به حداقل میرسد. متخصصین از نتیجه بررسی های خود به این مفکوره اند که هشتاد و پنج درصد از موهای انسان همیشه در حال رشد بوده و یک درصد در مرحله توقف و چهارده درصد در حال مرگ میباشد و از اینجا میتوان فهمید که در انسان برخلاف بعضی از حیوانات که مویشان یکباره میریزد ریزش مو تدریجی بوده و به عبارت دیگر، در حالیکه یکدسته از موها در حال از بین رفتن میباشد، دسته دیگر مرحله رشد را می گذرانند و به علاوه این نسبت با سن انسان فرق میکند با این معنی که در سن کودکی اکثریت با موهائی است که در حال رشد میباشد و بر عکس به هنگام پیری به نسبت زیادی اکثریت با موهای در مرحله ریختن میباشد. مثلاً در سن دو سالگی تنها پنج درصد از پیازی های مو در مرحله مرگ میباشد، در حالیکه در سن پنجاه سالگی پنجاه درصد از پیازی موها در مرحله توقف و مرگ میباشد و باین ترتیب در این سن هر انسانی یعنی از موهای خود را از دست داده است.

برای پیدا کردن علت ریزش مو، معمولاً از ده لقطه مخنّف سر نمونه بر داری کرده و آن را مورد آزمایش قرار میدهند و با این ترتیب میتوان به علل ریزش مو پی برد تشخیص مو بین موهای سالم و بیمار تقریباً آسان است، زیرا در تحت میکروسکوپ، موی سالم با ریشه هر رنگ و دارای دو غلاف بوده و بر عکس موهائی که قدرت زندگی خود را از دست داده اند، به کلی فاقد غلاف میباشد. علت ریزش مو سر زیاد است و از آن میان میتوان سن، جنس، نژاد و زندگی جدید و امروزه را نام برد.

یکنوع ریزش مو بتمام پلاذ وجود دارد که در آن قسمت کوچکی از پوست سر به شکل دایره موی خود را از دست

داده و بر عکس ریزش موی منتشر که به تدریج منجر به طامی سر میشود، قابل برگشت بوده و کاملاً بهبودی مییابد این نوع ریزش موی لکه ای در همه سنین و حتی در کودکی نیز دیده میشود که علت آن تاثیر روان بر جسم بوده و میتوان آن را با زخم معده مقایسه کرد. زخم معده بیمار است که در اشخاص مضطرب و هیجانی دیده میشود و امروز معلوم گردیده است که عوامل روانی در کار دستگاه اعصاب نباتی اختلال در اثر عوامل روانی در کار دستگاه اعصاب نباتی اختلال بوجود آمده و عروق اطراف ریشه مو منقبض شده و تغذیه آن مختل میگردد عامل دیگری که در ایجاد پلاذ دخالت دارد عفونت موضعی است و لذا باید بدنبال عفونت های نقاط مختلف مانند دندان، لوزه و بینی و سینوسها گشت. اغلب عفونت اولین دندان و عفونت دو مین آسیاب همان طرف پلاذ شقیقه ها و پس سر و عفونت سومین آسیاب پلاذ ناحیه پس سر ایجاد مینماید. عملاً نیز دیده شده است که در آوردن کیسه های دندالی سبب بهبودی ریزش موی لکه ای حاصله از آن گردیده است. این پلاذ ها اغلب مربوط به عفونت های مزمن دندان های همالطرف میباشد. گاهی پلاذ در اعضا يك خالواده دیده میشود و این بیشتر در خالواده هائست که دچار افسردگی و با سایر اختلالات عصبی و روانی میباشد.

در مان جلدی پلاذ مالیدن الكول پیروی و ماساژ آن ناحیه بمنظور گشاد کردن عروق آن و تامین تغذیه آن ناحیه است تزریق دواهای توسع دهنده عروق و ترکیبات کورتولی در موضع جزو درمانهای روز مره میباشد. که این عمل خطری ندارد و باوجود این در پلاذ های ناحیه شقیقه ای، پیشانی گاهی تزریق موضعی کورتیزون سبب اختلال در عمل اعصاب جسم میگردد. گاهی عروق ناحیه شقیقه ای پیشانی با شریان چشم ارتباط مینمایند و باین جهت تزریق کورتیزون سبب آسیب چشم شد. و در يك مورد کوری نیز دیده شده است بطوری کلی در هر موردی نخست باید بدنبال عفونت های موضعی بوده و ضمن مبارزه با آن از ترکیبات مسکن اعصاب نیز استفاده کرد و یا به روان درمانی مبادرت کرد روانشناسان اغلب از زوان در مانی کسانی که بنا باظهار خودشان صبح از خواب بیدار شده و متوجه شده اند که مو بر سرشان نمالده نتایج عالی گرفته اند.

از بین شوکها شوک روانی بیش از همه ایجاد ریزش موی زود رس مینماید و اغلب ده تا پانزده روز بعد از شوک ریزش مو شروع شده و گاهی شدت آن پهنی است که منجر به طامی کامل سر میشود. عواقب این نوع ریزش مو خوب نمیباشد. بر عکس ریزش مو در اثر بیماریهای عفولی و با خوردن بعضی از داروها خوب بوده و اغلب این ریزش موی موقط شده و ریزش مجدد آنها شروع میشود. دوروالشناس شرح حال عده زیادی از اشخاص دچار ریزش مو را به چاپ

رسالده اند که واقعاً در نوع خود بسیار جالب بوده و در طی آن به تاثیر روان بر ریزش مو اشاره شده است. در يك مورد شرح حال مرد جوانی است که دو هفته بعد از اولین وعده ملاقات با يك دختر، موهای سرش شروع به ریختن کرده است مورد دیگر شرح حال کودک پنج ساله است که درین سن هنوز سخت معتاد به پستانك بوده و مانند بچه های چند ماهه شیر را با پستانك میخورد است. اما درزندگی کودک واقعه ای رخ میدهد که وی مجبور میشود از پستانك دست بردارد زیرا پدر کودک مجبور میشود که کودک خود را از پستانك جدا سازد. پانزده روز بعد از این جریان موهای کودک شروع به ریزش کرده و در عرض مدت کوتاهی کاملاً طاس میگردد. باید دانست که ریزش مو تنها در اثر حوادث عشقی و یا محروم شدن از پستانك نمیباشد و روانشناسان شاهد موارد مختلفی بوده اند مثلاً ریزش موی سر سر بازان در جبهه جنگ، تولد کودک دیگر که محبت پدر و مادر را به خود اختصاص داده و سبب ناراحتی کودک اول گردیده است و یا جدا شدن از يك موجود عزیز برای کودک مانند مادر و گاهی حتی يك حیوان خانگی! بهر حال روانشناسان عقیده دارند که بین ریزش موی سر و روان ارتباط وجود دارد. اما اینکه چگونه يك اختلال روانی سبب این امر میشود، مشخص نگردیده است. چنانچه ریزش موی زلنها که بعد از حاملگی پیش میآید نیز روانی میباشد اگرچه تاثیر هورمونها در این حال غیر قابل انکار میباشد ولی مسئله روانی را نیز نمیتوان نادیده انگاشت.

بیماریهای عفونی در درجه دوم اهمیت قرار دارند اما علت روانی آن در درجه اول اهمیت است. بیماریهای تب دار مانند تیفوئید، گریپ و گلو درد چرکی، همه میتوانند سبب ریزش مو گردند. سابقاً که تیفوئید پامحرقه شیوع داشت طاسی سر علت این بیماری زیاد دیده میشد و اغلب دوماه و نیر بعد از بهبودی بیماری، موی سر شروع بر ریختن میکرد. اما در عصر حاضر این بیماری به نسبت کمتری دیده میشود، و بعلاوه در همان مراحل اولیه بیماری قابل درمان میباشد تردیدی نیست که کم شدن بیماری حصبه به علت رعایت بهداشت بوده و لوله کشی آب و پاستوریزه کردن شیر جلوگیری از بیماری را گرفته است. بیماری دیگری که باعث ریزش مومیشود و کمتر کسی از آن اطلاع دارد، سفلیس درجه دوم است و تقریباً در هفت درصد اشخاص که دچار سفلیس درجه دوم گردیده اند، دیده میشود. در این حال همراه با علائم جلدی دیگر ریزش موی سردیده میشود و این ریزش موشدیده منتشر بوده میتواند. ریزش موی به صورت طاسی کامل نبوده و تکه تکه میباشد. همراه با ریزش موی سر مژه ها نیز میریزند و اغلب نصف خارجی ابروها نیز موی خود را از دست میدهند. علت دیگر ریزش مو استفا ده از دواهای مختلف میباشد و بسیاری از دواها مسئول قسمتی از

ریزش موی سر میباشد. از بین آنها میتوان از آنتی بیوتیکها که امروزه مصرف زیادی در علاج بیماریهای عفونی پیدا کرده اند، دیورتیکها یا زیاد کننده های ترشحات کلیه و ادرار که در ورم بدن به علت بیماری قلبی و سایر بیماریها بکار میرود و همچنین دواهای که خاصیت لاغر کننده داشته و در مورد اشخاص چاق مصرف میشوند و نیز هورمونها که مورد مصرف زنها میباشد نام برد. در مورد اخیر یعنی استفاده از هورمون باید واقعاً به زنها هشدار داد. تا شهر هورمونهای مردانه در ریزش موی سر غیر قابل انکار بوده و طاسی مخصوص ایجاد مینماید که در آن موی قسمت بالای سر و بدن دو شقیقه میریزد، اما تاثیر قرص های ضد حاملگی که جزو داروهای هورمونی میباشد، در ریزش موی سر کاملاً مسلم نگردیده و جای بحث میباشد. با وجود این اخیراً در مجله پزشکی و طبیبی به پنج مورد از ریزش موی سر حاد بوده اما در مواردی نیز ممکن است سیر مزمن پیدا کند با وجود این ریزش موی سر مزمن يك نوع بیماری مخصوصی است که علت و اختصاصات و پیشرفت آن بر حسب جنس یعنی زن یا مرد بودن فرق مینماید. در مردها ریزش موی سر مزمن را اغلب به شوره سر نسبت میدهند، اما در حقیقت شوره سر مسئولیت زیادی در این امر نداشته و علت آن بیشتر ارثی یا مربوط به هورمون میباشد. هورمونها موادی هستند که بوسیله غدد داخلی بدن ترشح میشوند، و در حقیقت اطلاق کلمه ارثی هورمونی به این نوع ریزش موی سر که با دوره های شدت و ضعف خود بالاخره منجر به طاسی میشود، بیشتر مورد قبول میباشد تا مشوره سر. این نوع ریزش مو همیشه يك شکل بخصوصی دارد که کاملاً مشخص میباشد و این پیدایش نقاط دایره ای شکل بدون مو و عقب رفتن تدریجی موها از خط پیشانی است که بالاخره به قله سر رسیده و آنگاه به تدریج موهای سر ریخته و تنها موی شقیقه ها و پس سر باقیمانده و محیط قسمت طاس را احاطه مینماید. باین نوع ریزش موی سر هیچ کراتی میگویند که هیچ کرات آنرا ذکر کرده است. هیچ کرات که بحق میتواند او را پدر طب لقب داد، طبیب یونانی بوده و در چهار قرن قبل از میلاد میزیسته و چون خود دچار این نوع طاسی سر گردیده بود، علائم آنرا کاملاً شرح داده است. این نوع ریزش موی مزمن که مبتلا به اکثریت میباشد، به سه دسته تقسیم کرده است: ریزش موی شدید که از سن شانزده تا هجده سالگی شروع شده و هر روز بطور متوسط ۲۰۰ تا ۴۰۰ مو از سر کم میشود. و در سن بیست و پنج سالگی منجر به طاسی کامل سر میشود. اشخاص جوانیکه علیرغم سن کم خود موهای خود را از دست داده اند از این دسته میباشدند. ریزش موی متوسط که از سن بیست و سه تا بیست و پنج سالگی شروع و هر روز در حدود ۳۰ تا ۵۰ مو میریزد در سن ۴۰ تا ۵۵ سالگی منجر به طاسی کامل میشود. . . و بالاخره ریزش موی خفیف که از ۴۰ سالگی

سخنانه حضرت علی (ک)

آنرا که در کشا کشا کش زندگی با شاهد مقصود هم آغوش شد از مرگ باک نیست زیرا بد نیال باز مانده آه نمی کشد و بخاطر نا کسامی خویش اهک نمی ریزد .

بدان آزاده مرد درود فرستم که در بیم و امید کار کنند و هرگز از پیشروی باز نماند .

بهشت زیبا که جز آغوش دوست و برای محبوب جای دگر نیست آن جان را می پذیرد که در هوای جانان یک لحظه آرام ندارد و یکدم قرار نگیرد .

موضوع بوده و میدانند که حاملگی تا چه حد در جلوگیری از ریزش مو موثر بوده و این وضع تا آخرین روز حاملگی باقی اوده و بعد از زایمان ریزش مومجدد شروع شده است باید دالت که ریزش مودرزنها را نمیتوان با کیفیتی که در مردها دیده میشود مقایسه کرد زیرا که زنها هرگز باین علت طاس نمی شوند اما کم پشت شدن موها و عقب رفتن خط پیشانی و پیدایش لواحی کوچک بدون مو دلیل بر ریزش مودرزنها میباشد . علت دیگر ریزش مودرزنها استفاده از مواد محرک و مضر کمیاب و تحریک پوست سر میباشد . مانند استفاده از مواد رنگ مو و بیگودی . این نوع ریزش مو با ازین بردن علت استفاده از مواد تقویت کننده مو بهبودی مییابد علت دیگر ریزش موروالی میباشد ، متاسفانه وضع زندگی امروزه طوری است که زمینه آنرا بیش از پیش فراهم مینماید . مانند اختلافات خانوادگی بر خوردهای زن و شوهر ، ناراحتی های مربوط به کار در خارج از منزل و شغلی . بهر حال زنی که مجبور است هم در خارج از منزل کار کرده و هم امور خانوادگی خود را بچراغ خاند ، چه از نظر جسمی و چه از نظر روانی تحت فشار قرار بگیرد و لمیدانند چه کند این نوع ریزش مومحتاج روان درمانی بوده و هر نوع درمان موضعی بدون اثر خواهد بود . با توجه به مطالب بالا میتوان فهمید که ریزش مو موضوع مشکلی بوده ، و درمان آن باید با توجه به علت ایجاد آن صورت پذیرد . درمانی که امروزه برای ریزش مو انجام میگردد ، درمان تسکینی است که همراه با درمان های موضعی مانند مالیدن مواد محرک و ویتامین های قابل جذب در سطح پوست سر میباشند . در مورد هستشوی موی سر عقاید مختلف است ، بعضی ها عقیده دارند که باید هفته ای چند بار موها را شست و برعکس عده ای اظهار نظر میکنند که شستشوی زیاد سیلان چربی را زیاد کرده

شروع شده و هرگز منجر به طاسی کامل نمیشود ، باین ترتیب میتوان فهمید که بین ۱۶ تا ۲۵ سالگی است که سرلوشت موها معلوم میگردد . زیرا آنهایی که در آینده طاس میشوند موی سرشان در این سن شروع بر ریختن مینماید . باید دالت که نژاد در این مورد نقش بزرگی را بازی مینماید . بدین ملحوظ ژاپولی ها به ندرت طاس میشوند . آنها اغلب موهای زیبا و محکم داشته و هر رشته مو از محکمی به مقبول سیم میماند . نژاد سیاه لیز موی محکم و هر دو ام دارد ، با وجود این سیاهالی که به امریکا مهاجرت کرده اند ، در اثر تغییر آب و هوا این مزیت نژادی را از دست داده و زود طاس میشوند .

علل ریزش مو در جنس مرد زیاد است و از آن جمله نقش هورمونهای مردانه و ترشحات بیضه ها غیر قابل انکار میباشد هیپوکرات در ۲۴ قرن قبل از این ، باین موضوع پی برده و اشاره می کند که خواجه هارگز طاس میشود و در نوشته های ارسطو نیز باین نکته برخورد میکنیم که زنها و بچه ها هرگز طاس نمیشوند . از نظر طبی لیز ثابت شده است که بعضی حمل و بیرون کشیدن بیضه ها «مثلا در سرطان بیضه» ریزش مو فوراً قطع میشود . از تمام این مطالب میتوان فهمید که هورمون مردانه در ریزش موی سر نقش اساسی دارد . بعضی از متخصصین جلدی عقیده دارند که این نوع ریزش موی سر مربوط به هورمون نبوده و بلکه به تحت تاثیر قرار گرفتن ریشه مو موم هورمون مربوط میباشد . آزما پشی نشان داده که بتجویز هورمونهای مردانه آندر و جنها آن را تشدید کرده و بر شوره سر میافزاید . در حالیکه در آوردن بیضه ها با عمل جراحی از شوره سر جلوگیری مینماید از نظر عصبی نیز تحریک عقده های عصبی گردنی بر سیلان چربی در پوست سر تاثیر داشته و آن را زیاد میکند و بر عکس بادوهای کسم کننده عمل اعصاب نباتی سمپاتیکی ، شوره سر از این منورود . مثال بارز در این مورد بیماری عصبی بنام پارکینسون میباشد . بیماری که بعلت این بیماری تحت درمان باداروئی بنام «ال دوها» قرار میگردد بزودی متوجه میشود که سیلان چربی در پوست سرشان کم شده و از دست شوره سر خلاص شده اند . تاثیر این دارو بر شوره سر کاملاً مشخص بوده اما چون این دوا عوارض زیادی بوجود می آورد . لذا نمیتوان در مورد شوره سر از آن استفاده کرد . ریزش مو لیز درزنها تنها یک علت نداشته و عوامل زیادی سبب آن میباشد . مانند اختلال در عمل غدد داخلی و علل مکانیکی و ضربه های روحی و اختلال روالی و باز بیش از همه ارتباط بین هورمونهای مردانه و زنانه اهمیت دارد . در هنگام حاملگی ازدهاد هورمون زنانه یعنی استروژن عمل دیگری را خنثی کرده و ریزش مورا متوقف مینماید . اکثر خالمنهایی که از ریزش موی سر خود شکایت دارند ، متوجه این

و به علت تحریک مداوم ریشه موجب ریزش بیشتر میگردد. بهر حال، به عقیده اینجانب بهترین راه دوری کردن تمیز لکاها داشتن پوست سر میباشد. با شامپو و یا صابون شستودادن، آبکشی کردن کامل و رعایت نکات بهداشتی میباشد باید پوست سر همیشه تمیز باشد تا از اثرات بد چربی سر که باعث خفگی موی سر میگردد جلوگیری شود. یکی از روشهای بسیار مفید برای دوری از ازدیاد چربی سر ماساژ دادن طولانی و مداوم صبح و عصر موی سر برای تسریع جریان خون در سطح پوست سر میباشد. این ماساژ باید محکم و طولانی و در حدود دقایقه در هر مرتبه میباشد. سپس برس زدن موی سر با دقت خاصی نیز لازم است کسائیکه موهای زبر دارند باید بیشتر از دیگران موهای خود را شستشو دهند. سر اگر با شامپو شسته شود بهتر از شستشو با صابونهای معمولی است ولی صابونهای گوگرد دار بهترند. برای موهای معمولی یا خشک شستشو هفتگی با شامپو کفایت میکند. انتخاب شامپو تنها نباید با نوع و جنس موی سر ارتباط داشته باشد بلکه کیفیت آب شغل اشخاص و آب و هوا نیز درین انتخاب موثر است. شستشو شامل دو مرحله است: مرحله اول موقعی است که موی سر را مرطوب کرده و پوست سر را با شامپو ماساژ میدهند بدون اینکه کف تولید شود. مرحله دوم شستشوی کامل و آبکشی دقیق موی سر است در هر حال محلولی که برای شستشو بکار میرود، باید متناسب با وضع مو باشد. محلولهای گوگرد دار برای موهای چرب و محلولهای مخصوص برای موهای خشک. برای تقویت ریشه مو گودرون یا نظران بهترین دارو بوده اما متاسفانه بدبو و ناراحت کننده میباشد. ویتامین های گروه «ب» بخصوص «ب_۵» بیوتین و آمید پالتوتینک مصرف دارند که بهتر است بطریقه

تزیینی از آنها استفاده شود. باید بگوئیم که تمام این درمانها اگر بی اثر باشند اثر کمی بر ریزش مو خواهند داشت و هرگز نباید از درمان های امروزی انتظار معجزه را داشت. از بین تمام طرق داروئی تنها یکک درمان در سالهای اخیر بعنوان یکک درمان کامل شناخته شده است و آن پیوند مو میباشد. با پیدایش این طریقه هر نوع درمان جراحی که سابقا معمول بوده منسوخ گردیده است در این طریقه از پوست سر قسمت های پس سر را برداشته و در جلوسر پیوند می کنند. هر قطعه از این پوست ۳۵ ملیمتر بوده و دارای تعداد زیادی موم میباشد. در یکک جلسه میتوان یکک پیوند انجام داد و عمل اغلب بیش از یکنیم ساعت طول نمی کشد. و اگر شدت طاسی زیاد باشد میتوان ماه بعد پیوند دیگری انجام داد. باید گفت که این طرز درمان تنها برای طاسی سردها مفید بوده، و هرگز نمیتوان با این طریقه پر پشتی موها را که زلها انتظار دارند ایجاد کرد و بالاخره این طرز درمان کاملی نبوده و باید راه معالجه طبیی ریزش مو را پیدا کرد و برای همین منظور است که متخصصین میکوشند به اسرار موقوف یابند. رنگ موی سر بستگی بماده رنگین سلولهای مودارد. این مواد دو نوع هستند: موادرنگی منتشره در سلولها که مخصوص موهای زرد و قهوه ای روشن است موادرنگی که بصورت دانه های مجزا در سلولها قرار میگیرند و مخصوص موهای تیره و سیاه است. رنگ موی سر بستگی بمقدار موادرنگی و طرز قرار گرفتن آنها دارد، دو نوع موادرنگی میتوانند با هم در یک سلول قرار بگیرند. و در این صورت رنگ موی سر بستگی بطریقه اختلاط دو رنگ دارد سفید شدن رنگ موی سر بعلا جالشین شدن حبابهای موادرنگی سلولهای مو و بجای موادرنگی میباشد.

رهگذر اراده او هستند چون درست به آنها نظر شود هیچ تفاوت با کلمات مکتوب او ندارند.

قانون برای آن وضع میشود که بدکار را محدود و مجازات کند.

آدم عاقل و خوب به قانون همچون یک راهنما نیازی ندارد بلکه قانون برای او صبری در مقابل بدکاری و ظلم دیگران است اگر هیچ قانونی در جهان وجود نمیداشت اینگونه مردم با ادب و منظم زندگی نمیکردند. (فلنهم)

برای آدمیان غیر ممکن است که بدون پند و قانون و توجه به اندیشه عدالت و شرف حتی یکدیگر را بشکنند جنگ نیز مانند صلح برای خود قوانین دارد. (هیوم)

ولتر گفته است که: «من همیشه دوبار بخانه بخواب شده ام یکی آنوقت که در دعوائی پیروز شده ام و دیگری آنوقت که در دعوی شکست خورده ام».

قوانین طبیعت راههای هستند که قانون نگهدار بزرگ مقتدر جهان از طریق آنها عمل میکند هیچ اثری ندارند جز اینکه

افکار بزرگان

دپار تیز انانو

دخبر رساني نه تر هنر مندي پوري

په سيمه كې دپار تيزالانو فعاليتونه ډېر زيات پيل شول او ۱۹۴۱ كال په اخير كې دپنځويشتو پتوهار تيزوالي گرو پونو ليخوا داغېر چه مړد وي نازي قدرت وچت شو .

شما تكوف هم د دغو گرو پونو قومالدان و ټاكل شو او لينا يې خبر رساله وټاكله .

كله چه د مسكو د سيمې چگريز فعاليتونه ډېر شديد شول دغو گرو پونو گرده هغه پلونه چه دشمن مخني استفاده كوله تخريب او دشمن د حمل او نقل وسايط چه په هغه كې به تجهيزات او نور چگريز مهمات وړل هغه به يې هم له مينځه وړل . لينا په ډېر جسارت سره هر گړي دغه ټكي ته متوجه وه چه دشمن په باره كې بايد ډير ښه معلوماتونه په لاس راوړي ددي منظور لپاره ئي دداسي پلو غځه استفاده كوله چه حتى دشمن به ابريالي نشو چه هغه وپيژني چه د كوسې ډلي ده او مخه فعاليت اجرا كوي . لينا دومره زړنگه او چالاكده چه دشمن دهر يو نفر سره به چه مخامخ كيده هغه به ئي دداسي ترتيب ډير سره غلو لوجه دهغي په باره كې به د فكر كولو موقع ورته له پاتې كېده .

د ۱۹۴۲ كال دجنوري په مياشت كې كله چه دشورويانو پراشوتيان دزنامنيكاهه سيمه كې پلي شول دهغوي په مرسته پارتيز انانو كولي شو چه غلورويشت كلي دشمن غځه بيرته وليسي او دهغوي ور مخني ژولد بيرته عادي حالت ته راولي او په خپلو كارونو

دهغه كال دنومبر مياشتي يوه شپه شما تكوف چه دزنامنيكاهه سيمې د كومتې سكرترو او په عين حال كې دهغوي دقامل پخواني دوست هم و دهغوي كورته دمان دپتولو پاره لنوت . شما تكوف په دغه وخت كې ناروغ و د لينا مور تر هغه وخته پوري چه هغه روغ رمت شو دهغه خدمت ئي كولو .

لينا هم په دغه وخت كې دغه ټكي ته متوجه شوه چه په اشغال شوي سيمه كې گيره پاتې شويده او په عين حال كې دخصوصي او خطر لاندې لپاره كمارل شويده . چه البته دغه وظيفه كمتي ليخوا چه شما تكوف ئي سكرترو وسپارله شوه . شما تكوف تر هغه وخته پوري چه په دغه كور كې و د ډير و خلكو سرد ئي په پټه ولېدل د هر ليخوا په باره كې ئي دهغوي سره خبري وكړي شما تكوف هغه وخت چه دپوي ډلي سره به وغريولو لوبه سمه سي تري تم شو دپلي ډلي سره به ئي بل غاڅي كې په خبر وپېل وكړ . لينا هم په ډيري مړالي سره دشما تكوف سره مرستې شروع كړي . خبرونه به ئي د راديو په وسيله په پټه خپرون او دشپي ليخوا به ئي په دېو الوتو اعلاميې لصبولي . لينا ددي لپاره چه دشما تكوف فعاليتو لود اجرا لپاره ښه زمينه په ډيري چټكتيا سره مساعده كې يوه شپه هم قراره له كښمنسته دپو كلي له بل كلي ته په پټه تلله مهم خبرونه او معلوماتونه به ئي جمع كول او په ډير ښه ترتيب به ئي هغه بيرته شما تكوف ته سپارل . په همد اوخت كې دسمولنيسك

وروسته له هغه چه نازيانو د ۱۹۴۵ كال په دوبي كې ماتي وخوره د گالا بوكالسر لپور دي درسيدن ته په يو كوچني شمركي پرانستل شو كله چه يو دېكلو غټوستر گولرونكي پدغه دستېچ په سربيكاره شوه تماشاچيان دهغي په ليدو سره حيران پاتې شول غكه چه دغي پيغلي ډير ښه اندام وپښتان او قد ئي درلود او د لينا اسكووا په نوم ياد يده . اگر چه په لمړي مرحله كې چه دستېچ په سر پورته شوه تر پوي اندازي پوري وارخطا پېكار يده مگر كله ئي چه داوازه ويلو شروع وكړ ډار او بيم تر ولاړ او ډير ډاډه پېكار يده .

دغي پيغلي پخپله ژبه داسي خور او خولد وړ او از درلود چه دپولو حاضر بنو زړونه ئي د او از په اړويدو سره يوړو . كله به چه دغي پارتيزاني خبر رسالي پيغلي ته كتل كيدل داسي خوشحاله بريښده چه سړي به فكر كولو چه دگردي چگري په موده كې ئي هېڅ خفگان نه ليدلي .

نيصه داسي وه كله چه د لينا اسكووا كور چه دسمولنيسك په سيمه كې و ، د ۱۹۴۱ كال د اكتوبر په مياشت كې د نازيانو ليخوا اشغال شو هغه پدغه وخت كې دپارلس كلنه وه . دهغي پلار چه غنگلوان وه درضا كارالو په ډله كې كله چه چگريه وليښته داخل شو او وروسته بيا هغه كومه پټه په لاس راغله سړي او ژولدي ئي تري تم شو لينا دخپلي مور او غوالي خور سره پاتې شوه .

بالدی شروع و کړی لينا کله چه
پارتيزانانو دکليو په ليوو شروع
وکړه داسی فعالیت ئی کولو چه د
پارتيزانانو لمخنی مشکلات دهغی په وسیله
په ډیری آسانی سره حل کیدل. داسی
لاری چاری ئی سنجولی چه دشمن ئی
دپته مجبورولو چه دپارتيزانانو په
باره کی بازی و خوری .

هغه ډله (چه سردوی لایزم) شعاری
ور کولو خپل فعالیت ته ئی دوام ور کړ
او ورځ په ورځ ئی قدرت زیاتیدلو
او بالاخره دیو (پارتيزانی غنډ قوت
ئى پیدا کړ او وروسته ئی په جگړه وپیل
و کړ دشمن ئی د داسی بدبختیوسره مخامخ
کړ چه تر ابله به ئی د هغوی میرانه او
دلینا همت او غیرت په هیره نشی .
یووخت شما تکول نینا وغوښتله وورته
ئى وویل چه د زخمیانو لپاره بوغه آواز
وواپه ځکه چه هغوی غوسه چه ډوډی
ته احتیاج لری په همدغه اندازه د آواز
او ریدلو ته هم ضرورت لری. بیا وغو
کاله وروسته یو د پارتيزانانو له
جملی ورته ولیکل چه زما به هغه گړی
هیڅ به هیره نشی چه تا آواز ویلو او
داوریدو لکوله خواچک چکوه باران
استقبالیدلو . رښتیا دستا آواز دومره
خوږ و چه په حقیقت کی د زخمیانو
جگړی د دوام ور کولو لپاره ډیر لویه
مرسته وه .

د پارتيزانانو هر یوه ته هغه د
غیرت او هېواد پالن احساس په لحاظ
دومره گرانه وه چه پوشیه به ئی
هم له خولی نه اچوله . شما تکوف د
وغوښتل چه هغه د پېژندگلو لپاره یو لمخ
مسکوته ولېږی او لوړو مقاماتو ته
ئى معرفی کړی او د مستقیم ارتباط پانډه ئی
په لاس ور کړه مگر ډیر وروسته له وخته
دا کار و شو ځکه لوسری الوتکه د دشمن
دجک خولوتو هو او له خوا وغورغول
شوه او دوهمه ئی هم په همدالارولاره
مسکوته ونه رسیدل نینا پاتی شوه مسکوتی
ونه لید په همد اوخت کی العالانو
ډیری سختی جگړی د پارتيزانانو په

مقابل کی شروع کړی پارتيزانان ئی
مجبور کړل چه ځنگلونه وتښتی او د
هغوی ښځی په کلیو کی تیت او پرک
کړی .

نازیانو ددی لپاره چه په آبنده کی
بیا هم دغه خلک په لاس نشی اوزمولی
د فعالیتولو د اجرالپاره خنډونه پیدا کړی
نو ئی تصمیم و نیو چه هغه کسان چه
د قدرت غښتان دی هغوی گرده ددی
لمخای لری کړی او جرمنی ته ئی ولېږی
چه دهغوی په جمله کی لينا او دهغی
فامیل هم داخل و هغوی گرده د
ارستانت شرنه ولېدل او د پتاتو
په کر نه وی بالدی د غلامالویه
سار کیت کی هر یو نفر ئی په پنځلس
مار که خرڅ کړ . لينا تقریباً
دیو کال لپاره ئی د زیندارنو کړی
وکړه البته په دغه موده که ئی ډیر
زجر ونه ولیدل . دسپارداغ غنډ تر
تپاره ما شام پوری به ئی کار کولو او
په مقابل کی به ئی کافی ډوډی نه
ور کوله وجود ئی دضعیفیدو په حال کی
وېوالمخنی شی چه هغه د تقویه کیدو په
حال کی دوهغه هم د وطن د آزادیدلو
او بریالیتوب احساس و. لينا هغه کور
چه د غلامی ژوند ئی پکښی کولو تل
دپاره به ئی په مجلسونو کی یادولو او
ویل به ئی چه هغه کوته چه ما پکښی
ژوند کولو غاروی به هم پکښی نه
اوسى مگر ما قول دغه دېرونه او
تکلیفونه یوازی د وطن د آزادی په هیله
په لمخه منل . شورویان پرمخ ولاړل
دنازبالوماتی شروع شوه دخپل سرحد
غځه په ډیری چټکتیا سره د دشمن په
خاوره کی ننوتل ترڅو چه بریالیتوب
حاصل شو لينا دخپل هیواد په پوری
مخوالان په مترگو ولیدل .

کله چه هغوی دخپل هیواد په لوری
بهرته روان شول غوښتل ئی چه خپلو
کورو ته لمخونه ورسوی یوچا پدشهاد
و کړ چه یو کالسرت دخوبی دپاره باید
ژر تر تپ کړ شی.

وروسته د کالسرت د اجرا کیدو
غځه نینا دعوت شوه چه دکال تیم روسکی
فرقه چه درسیدن ته ډیردی لمخای په لمخای
شوی وه هلته پاتی شی اود کالسرتونو
په اجرا کولو کی برخه واخیلی. هغی
دغه پدشهاد په ورینه ډانډه ومنلو .
وروسته لينا دکالسرت د ډلی غځه
وشحیرل شوه اما داچه هغه په لیکه له
پوهیده دارویدو غځه ئی کاراخیستلو
ترڅو یوه ماهره هنرمنده وگرځېد له
۱۹۴۵ کال په دوی کی لينا دهغی
فرقی سره په لمخای د کور په لوری روانه
شوه کله چه خپل کور ته ورسیده د ډیر
خفگان سره مخامخ شوه ځکه چه دهغوی
کور لږ بدلې او تخریب شوی و تقریباً
د هر یو فامیل غځه یو یو تن ضایع شوی و
چه په دغه جمله کی د لينا په لار هم داخل و
په معنی هغه په دغه جگړو کی مړ شوی و
لينا لری لمخه ددی لپاره چه لیکل
اولوس ل زده کړی لویه مکتب کی ئی
لمخه داخل کړ . لمخموده وروسته چه
تر یوی اندازی پوری په لوست اولیکه
اوپوهیده لوبیائی د موسیقی په کورس
کی ئی لمخه داخل کړه په همد اوخت کی
هغی تر مځه چه د موسیقی په کورس کی
لمخه داخل کی دشما تکوف سره ئی ولیدل
هغه هم هغی ته یو کارت ور کړ اود
موسیقی کورس ته ئی معرفی کړه چه
دا هغه لچلی ده چه د وطن د آزادولو د
د فعالیتونو په وخت کی د پارتيزانو
سره په لمخای او غننگه په غننگه ئی په ډیری
میرانی سره فعالیت کولو .

کله چه لينا په کورس کی داخله
شوه او په لمخه کنسرتونو کی شی برخه
واخیسته گردوته دهغی ذکات او
پوهه ښکاره شوه وروسته د یوی مودی
له تولوته معلومه شوه لکه غرننگه
چه د پارتيزانانو د فعالیتولو لپاره د
خبرولو په تولو کی ئی ډیر مهارت
درلود په موسیقی کی هم دومره ماهره
وه چه په ۱۹۵۸ کال کی د جینوا په
شهر کی کله چه د موسیقی مسابقه اجرا
کړ شوه د بین المللی جائزی په اخیستلو
سره بریالی شوه . (په درص ۴۵)

سندك پياده در محاربه تصادفي

مترجم: تورن محمدامين « وردگك »
معلم تكنيك

قرار اتخاذ می کند . که در نتیجه قوماندان كندك شكل نظام رفتار ، مفكوره فعالیت در خطوط تصادفي احتمالی بدشمن و انقسام قوا و وسایط ار تشییت می نماید .

البته با رسیدن معلومات كشف جدید پلان فعالیت مشخص و صحیح تر ساخته میشود . ولی اگر قوماندان صرف با تصادف بیشترین پیشدار بدشمن به اتخاذ قرار سبادت ورزد و بعداً تکرار به تعدیل انقسام قوا و وسایط اقدام نماید ، این طرز فعالیت قوماندان بجز ضایع شدن وقت چیزی دیگری نیست كندك پیاده قاعدتاً در محاربه تصادفي به نظام محاربه بوی که به اساس آن نظام رفتار اتخاذ شده به محاربه داخل می شود در اثنای رفتار قوماندان بصورت دوامدار و وضعیت را تدقیق می کند و معلومات جهت این کار توسط كشفیكه وظیفه دارد بادشمن در زمان معین تماس حاصل ، قواء و وسایط آنرا تشییت کند تهیه میشود

كشف در تمام ساحه فعالیت جزو تاسمهای مادون به استقامت پیشرو ، جناح ها و همچنین وقتیکه فعالیت بیکه مسافه زیاد از قسم کلی اجرا میگردد در استقامت عقب نیز تنظیم و اجرا میشود . بیکه كندك پیاده موثر دارم معمولاً بیکه قطار كشف را که به اساس ترصد فعالیت نماید جهت تدقیق كشف استقامت خطر ناك ترین مؤظف می سازد قطار های كشف در تحت هرايط مساعده مواضع کمین را بمقصد امحای عناصر

قرار محاربه تصادفي در اثنای تنظیم و پلان گذاری رفتار از طرف قوماندان كندك اتخاذ می شود . که در اینصورت طبعاً معلومات درباره دشمن جهت اتخاذ قرار خیلی ها کم بوده . ولی قوماندان بصورت عمومی در باره موقعیت و کرکتر فعالیت دشمن معلومات خواهد داشت ، که به اساس همین معلومات قوماندان میتواند مناطق احتمالی تصادف را با قوا ی مستر و عناصر امنیت دشمن تشییت و تعیین کند و با نتیجه حدس زده میتواند که قسم کلی دشمن در کجا خواهد بود بنا بر تدقیق اراضی از روی خریطه بغرض متقابل با قسم کلی دشمن در منطقه تشییت شده از روی خریطه

محاربه تصادفي در اثنای انكشاف تعرض ، دفع و طرد هجوم های متقابل دشمن ، در اثنای تعقیب ، تعرض مقابل در مدافه و در بعضی حالات دیگر واقع شده میتواند . ولی اکثر آ محاربه تصادفي در اثنای رفتار رخ میدهد . موفقیت در محاربه تصادفي بیطرفی است که اولتر بدشمن تماس حاصل نظام محاربه بوی را اتخاذ و به سرعت به تعرض گذشته تا اثر آتشفهای توپچی و دیگر سلاح هارا بدشمن وارد بسازد . بیکه كندك در رفتار در صورت احتمال محاربه تصادفي بحيث مفرزه پیشرانده شده بصفت پیشدار مؤظف شده و با در قسم کلی غند فعالیت میکند .



در اثنای احتمال محاربه تصادفي ، قوماندان قطار كشف معلومات را در خصوص دشمن به قوماندان كندك راپور میدهد .

خورد کشف و امنیت دشمن تأسیس می کند. مگر وظیفه اصلی شان به قسم کلی دشمن که به استقامت کندک حرکت می کند حاصل کردن تماس و درباره آن بدست آوردن معلومات است.

البته قطارهای کشف به تنهایی نمیتوانند معلومات کافی در خصوص دشمن برای قوماندان کندک تهیه کنند به همین منظور توسط عناصر امنیت نیز کشف اجرا کرده می شود. علاوه بران قوماندان کندک معلومات رادر خصوص دشمن و وضعیت آن از عناصر ویا جزو تاسمهای کشف قوماندان مافوق مستقیماً اخذ می کند.

عناصر امنیت در محاربه تصادفی رول مهم داشته وظیفه آنها نه تنها مانع شدن تعرض ناگهانی دشمن است بلکه جهت امحای عناصر کشف و امنیت دشمن آماده بوده و بالای جزو تاسمهای پیشترین دشمن به سرعت تعرض نمود خطوط مساعدترین را ضبط و اشغال نموده و به این ترتیب اتساع و البساط مالور و تعرض قسم کلی را مستمری نماید.

ترتیب فعالیت عناصر امنیت به قوت کرکتر فعالیت دشمن، قوت پیشترین پیشدار و وضعیت اراضی مربوط است طور مثال: در اثنای تصادف به عناصر خورد کشف و امنیت دشمن تولی که بحیث پیشترین پیشدار فعالیت می کند عناصر مذکور را به سرعت آماده به اجرای وظیفه محوله خود ادامه می دهد.

وقتا که به قوای متفوق دشمن تصادف می کند پیشترین پیشدار وظیفه دارد یک خط مساعد را به جبهه فراخ، بصورت جسورانه اشغال، دشمن را توسط آتش تمامی انواع اسلحه تحت تاثیر قرار داده و شرایط مساعد را برای اتساع و البساط کندک و داخل شدن آن به محاربه تامین می نماید.

و قتی که پیشترین پیشدار، بدشمن تصادف نمود. قوماندان کندک به

سرعت بطرف آن حرکت کرده وضعیت را تدقیق و بمقصد حمله فعالیت پیشترین پیشدار و همچنین اتساع و البساط و داخل شدن قسم کلی بمحاربه به جزو تاسمهای توپچی تحت امر وظیفه می دهد.

و بعضی اوقات ترجیحاً قسمتی از توپچی به خط فعالیت پیشترین پیشدار حرکت کرده جهت اجرای الداخت دور کتف به موضع مربی داخل می شود.

د پار تیزا فانو . . .

(بقیه صفحه ۴۳)

تیناته به قل دچگری دوخت ملگی راتلل اوسوغاتوله بهئی ورکول هر چاچه به دهغی سره تماس نیولو دهغی منطق، لورسورال او الیرجی ته به حیران پاتی کیدل.

کله ئی چه میره و کرد دهغی مرابطه د موسیقی سره قطع شوه نخکه چه دهغی میره اجازه نه ورکوله چه دستیچ به سرودربری او او از ووالی وروسته خبره دپته ورسیده چه نیناپوازی دخولی پننه کلنی لورسره یولغای به مسکو کی پاتی شوه.

مغه وخت چه شماتکوف دورستو سلگیو د وعلو به حال که و دائی وویل چه اینا به دیرینه آینه و لری نخکه چه هغه دیرینه ذکاوت غشبنته ده نیناپه ریتیا سره هر کارئی چه کپی یده دلورو خلکولخوا دیرینه نقدیر شوی اینا عجیب خصوصیتونه درلود کله به چه ئی وخت درلوده آشپرخانه کی به پی کالی پاکول، ددوبی به موسم کی به اکثر دیوی بحری ساحل ته تلله او هلته به آرامه کبینه استه دآینده دپاره به ئی ژورفکر کولو بالخاصه دتیر وخت دچگری فعالیتونو به باره کی به تل دحان سره مشغوله وه لیکه یوسیاستمدار چه تل دخیل هیواد دگردو مسئولیتو نو به باره کی دحان مشغولوی دا به هم به هغه غیر د فکر کولو به وخت کی بنکاریده.

قوماندان کندک در قرار خود مفکوره فعالیت (ترتیب امحای دشمن) را مشخص می سازد و همچنین استقامت ضربه اصلی شکل نظام محاربه، وظایف جزو تاسمهای مادون تحت امر وحمایه، محل قومانده و ترتیب اشغال آنها در جریان محاربه تعیین می کند.

در اثنای اتخاذ قرار قوماندان کندک شدیداً می کوشد که ضربه را با قسم کلی خود در لحظه اولین محاربه تصادفی بدشمن وارد بسازد. بنابراین کندک نظام محاربه خود را بیک خط و یک احتیاط که قوه آن از یک بلوک کمتر نباشد اتخاذ می کند.

با اتخاذ قرار قوماندان کندک وظایف محاربه را بجزو تاسمهای مادون ذریعه دادن هدایات مختصر محاربه تعیین می کند موضوعات فوق در اثنای گرفتن نظام محاربه کندک باید اجرا شود. و به همین ترتیب همزمان با رسیدن جزو تاسمهای مادون بخط اتساع و البساط و داخل شدن بمحاربه وظایف محاربه از طرف قوماندان تا به سوبه قوماندان بلوک باید تعیین و ختم شده باشد.

در عین زمان قوماندان کندک مساعی مشترک را (موضوعات اصلی تشریک مساعی را در خط احتمالی تصادف بدشمن را در اثنای ترتیب و تنظیم و پلان گذاری رفتار). تنظیم می کند. و قوماندان به تشریک مساعی جزو تاسمهای مادون و استعمال موثرانه تمام وسایط آتشدار دقت خاص معطوف می گرداند قوماندان ترتیب فعالیت پیشترین پیشدار را تعیین و جهت حمایت آن به توپچی هدایت داده و بعداً فعالیت قسم کلی را نیز مشخص می سازد. و همچنین ترتیب تقرب جزو تاسمهای مادون با وسایط تقویه آن بخط اتساع و البساط موضوعات تشریک مساعی یا تا نکها، پیاده موتردار، همجواریها (اگر موجود باشد)، منطقه برای توپچی جهت مانع شدن تقرب دشمن از عمق و همچنین جهت ستر جناح ها تعیین می نماید.

اشارات تشریکه مساعی بجزو تامهای
مادون قبلا در صفحه اخبارات رفتار
داده می شود. با شروع محاربه تصادفی
در دادن اشارات مذکور باید دقت
خاص مبذول گردد.

در صورتیکه کندک بالای دشمن
تعرض نماید، قومالندان امکانات وارد
کردن ضربه را ذریعه جزو تامهای خط
اول و امحای تخنیک محاروبی و نوای
جاندار دشمن را ذریعه آتش جستجو
می کند.

اگر دشمن بشکل قطار رفتار فعالیت
می کند، بسیار مفید است که تعرض
به استقامت سر قطار و یا آخر قطاران
اجرا شود. و در صورتیکه در حال
اتساع و انبساط باشد و یا اتساع را
ختم کرده باشد ترجیحاً بجناح و یا عقب
نظام محاروبی آن باید تعرض کرده
شود.

جزو تامهای کندک که به صفت
مفرزه پیشرانده شده فعالیت می کند
بخطوط تعیین شده به سرعت ممکنه
حرکت کرده گروپهای خورد دشمن
را به سرعت امحاً و به اجرای وظیفه
به استقامت تعیین شده ادامه داده و خط
تعیین شده را طور سر یعانه اشغال و
آلرا الی مواصلت قسم کلی محافظه
می نماید.

در محاربه تصادفی یک آتش منظم
تمام انواع اسلحه رول مهم و قطعی را
در امحای دشمن بازی می کند. و چیزیکه
باید به مرحله اول امحاً شود تا نکها،
زره پوش ها، توپچی و دیگر سلاح های
ضد تانک دشمن است.

در صورتیکه دشمن در اشغال خط
تعیین شده نسبت به کندک تقدم حاصل
کرده باشد و کندک در اثنای حرکت
به تعرض مواجه شده و خط تعیین شده
از طرف دشمن اشغال شود. بارخ دادن

چنین وضعیت بر علاوه اینکه جد و جهد
جهت ضبط و اشغال خط تعیین شده سودمند
نیست، در عین زمان دشمن فعالیت های
خود را توسط قوای متفوق بشدت پیش
می برد، درین حالت کندک خطوط
مساعد را جهت اجرای محاربه قطعی
اشغال و در نتیجه امنیت اتساع و
انبساط جزو تامهای قسم کلی را تامین
می کند.

اندهوشته های بزرگان

XXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXX

در آن هنگام که قلب چشم را
نابینامی خواهد دیگر چشم چیزی
نمی بیند آرزو و اشتیاق حقیقت را
می پوشاند همانگونه که تاریکی زمین
رامی پوشاند. (سنکا)

زودتر از آنکه زبالش ضرری
برسالد چشمش آنرا درمان میکند.
(ل. ا. رلدون)

هریکوهی که از روح سرچشمه
بگریه هاله ملایم آن در چشم نمودار
میشود و اگر قلب نهالکاه چنانی
باشد چشم لاجرم راز قلب را افش
میکند. (ف. سندرز)

آلها که نیکی میکنند عمر جاویدان
بدست می آورند وقتی نیکی می کنید
ندمی بسوی بهشت بر میدارید.

هر روز که توفیق کاری بدست لیاوری
آن روز را بیهوده گذرانده ای.

احسان دوائی است که بیماری
دل را شفا میدهد و وجود را آسوده
و سودمند می سازد.

هر بلا دیده و فتنه رسیده ای را
باید ملامت کرد.

آلچه موجب آمرزش گناهان
بزرگ میگردد بفریاد ستم دیده و
در مانده رسیدن و اندوهگین و غمگین
را شاد و خرسند ساختن است.

کندک پیاده موتر را ریکه بهیث
پیشد از فعالیت می کند، تا نکها و
جزو تامهای موتر دار مادون آلرا
تعقیب نموده و در اثنای تصادف بدشمن
بصورت ماهرانه با استفاده از اراضی
و آتشیای توپچی به استقامت مساعد
بصورت پیاده و یا بشکل ارکاب شده
بالای زره پوشها اتساع و انبساط نموده
و بمقابل قطار های رفتار قسم کلی دشمن
در راه رفتار به تعرض پرداخته و آنها
را ذریعه آتش و فعالیت های فیصله
کن و شدید امحاً با اتساع و انبساط
و داخل شدن قسم کلی را به محاربه
تامین می نماید. خط اتساع و انبساط
حتی ممکن نزدیک بدشمن طور ریکه
تقرب جزو تامها را ستر و اتساع سرعاً
کندک را به نظام محاروبی تامین کرده
بتوالد تعیین می شود.

در صورتیکه قوای فایق دشمن
مانع اتساع و انبساط کندک پیشدار
شده و میخواهد تعرض نماید کندک
توسط فعالیت های اکتیف و فیصله کن
در یک جبهه فراخ ذریعه آتش تمام
انواع اسلحه تعرض دشمن را توقف
داده و شرائط مساعد را جهت اتساع
و انبساط قوت های تقرب کننده قسم
کلی دوست تامین نماید.

اگر دشمن به ترتیب و تنظیم مدافعه
اقدام نماید، کندک با قسم کلی خود
از حال حرکت به سرعت، بالای آن
تعرض و مانع اشغال خط مساعد گردیده
نظام محاروبی دشمن را شق و آلرا
بصورت پارچه پارچه امحاً نماید موقتیت
در محاربه تصادفی ذریعه فعالیت های
شدید و تعرضات سریع با استفاده اعظمی
از آتش تمام انواع اسلحه و همچنین
کنترول متین و دوامدار جزو تامهای
مادون تامین می شود.

د فلسطین بـی کوره ولس

خلورمه برخه

شهید کمال عارف چه همدان داسرائیلی غارتگرانو له خوا هغه اودهغه کورلی په یو عالم زجر ، شکنجه او بیشرمی سره سره شول ، تل به ئی زموږ د کلی نژدی اولری خلکو ته داسرائیلو له خوا راتلونکی خطرات اوزیانوله یتکاره کول ، لیکن زموږ خلک بیشانه ساده ؤ ټولو ته دهغه خبری ټوکی اوتکالی معلومیدلی . اوهم یو تعداد خود غرضو خلکو به چه

خواصلی موضوع داده چه یوه ډله د کورولو دخوشی کولو او فلسطین څخه د کوچ کولو طرفداره ده اوبله ډله چه اکثریت ئی هم درلود . په خپلو کورونو کښی دهاتی کیدلو اودوطن څخه ددفاع کولو طرفداره وه . په نتیجه کښی موبه گله سره فیصله وکړه چه هېڅ څوک کورنشی خوشی کولی اودمرگه پوری باید په پوره میړانه اوزرورتوب سره د کورو څخه دفاع وکړی . په همدی مناسبت کمال عارف داسی وینا کړه :

سره ددی چه مو لیر واحد ه جبهه نه لرو ، د فلسطینیا نو په منځ کښی د نظر یوالی هم نشته ، یو کلی دبل کلی نه اویر گا ولهی دبل گا ولهی د حال څخه خبر نه لری ، یو که د لوری سر ی بل پری چورت نه خرابوی ، که یو عرب د غلیم له خوا شرمول کیږی بل ورپوری خالدی . که څه چه ما په دی برخه کښی خپلو وطنوا لو ته هر څه ډیر څه وویل خو د بیعنا لو په مو لیر کښی دبی اتفاقی داسی کرکړی و ، چه ما و له کړی شودانیت اوهرک اولسی یوی واحدی مفکوری ته راغونډه کړم . دهمنالو زمو لیر دخلکو څخه خو تنه په ډالرو اوپو له نوواختل اوبیر ته ئی زمو لیر پرضد ، دملیت پرضد

هم ها که کړه ، خوشی غلی غولدی شو بیاتری مو لیر پوښتنه وکړه :

چه کا کا ! ته اوس په خپلی کلی باندی داسرائیلی برغلگرو دبرید اوتعرض کولو کیسه وکړه !

عمر کا کا چه ستونی ئی ډک ډک کیده غاړه ئی صافه کړه اوپه دی ډول ئی دخپل د عملی تیرشوی حال په ویلو شروع وکړه .

بیکاشه اسرائیلی الوتکو زمو لیر د کلی په شاوخوا الوتتی وکړی اودلیکل شوو هاتو په واسطه ئی زمو لیر د ملگور څخه وغوښتل چه سر له صبا څخه خپل کورونه خالی کړی اود فلسطین دخاوری څخه ووغی ، هر هغه څوک چه دغه اسرته غاړه کښی له پدی اوداسر څخه سرکشی وکړی د ډیر سخت کړاو او عذاب سره به مخامخ شی .

مو لیر ددی اعلان دا وریدلونه وروسته د ساختن په لمانځه کښی په دی برخه کښی دخپلو کلیوالوسره مشوره وکړه ، دخبرواترو په وخت کښی هرچا هرچه ویلی زمو لیر خبری او پدی شولی چه په دی وخت کښی دکمال عارف له خوا یوا ستادی راغی مو لیر ټول ئی خپل کورته دجلسی اومصلحت کولو دپاره وغوښتی ؤ . مو لیر ټول هلته ورغلو ، هلته هم هرچا هرڅه ویلی

داسرائیلو له خوالی طلاگانی اخستلی په کمال عارف د کفر حکم کاوه هغوی به تل دده پرضد پروهاگندی کولی اودی به ئی داسلامی ضد اعمالو په تور تورن کاوه .

ن هرچا په پخپلو رڼو سرگړو لیدل چه کمال عارف د فلسطین واقعی بچی ؤ خوشی پری دوطن داخلی او خارجی غلیمانو تورلگاوه . که څه چه دا دستعمار شوم اولاولی خصلت دی چه دوطن پراسیلو اوریشیتونوزامنولاروا توروته لگوی او په رنگارنگک چالولو او دسیسو سره ئی دوگړو په نظر کښی بد معرفی کوی .

لنډه داچه ان زمو لیر کلی په وینوا بلی السانی وینو کښی ډوب شوی ؤ چه انبی او لبانی ئی همدا اوس تاسو ولیدلی ، ان زمو لیر په کلی بالدی له هری خوا څخه دغم اوماتم باران وریده ، یوه خوا پاک اوبی گناه ماشومان سره پیکری اولاس پریکړی پراته ؤ . اوله بلی خوا غمغان لراوښتی په چرو ، بچوانو ټوټی ټوټی او سوری سوری غزه دلی ؤ دوینو بهیرتری روان ؤ : ویلی شم چه په دوسره لوی بشری جهان کښی هېڅکله دوه رسته راجعه نه ده شوی عمر کا کا سور او اوږد اسویلی ؤ ویست سترگی ئی وچی کړی ، پوزه ئی

د عربیت هر ضد او حتی د انسانیت هر ضد استعمال کړل. که څه هم دغه ډول خلکو ځانونه په مذهبي او ملي سويه رهبران بلل، يابي خبره (ناآگاه) او يا په يوه شوي (آگاهانه) توگه د فلسطين په ضد د يهود پالوسره و دريدل او د فلسطين اصیل اوصاف دغه بچي ئي په رنگالک تورو نوتورن کړل. عام خلک ئي ډيري لښوول چه د دغه اصیلو او وطن پالونکو بچو غير ته غوړوليسی او يا ډيري راغولنه شی، په هر صورت هر څه چه تير شول مو لير خپل ملي دښمنان او وطن خرغو لکي ټکان و پيژندل خو وخت دوخته تير شوی دی اوس نشو کولی د يهودی پر څلگر غلیم مقابلې ته ودرېږو.

زما ارزوستاسو دپاره د هوسا او شرفانه ډک ژوند گټل ؤ، ما غوښتل چه فلسطين ازاد او فلسطينيان و هر ډول ديمکر اتیکو حقو نو غځه گټور وي. لیکن يهودی استعمارگران او دهغوی غربي دوستان هم ښکله زمو لير دارزگانوسر موافق نه دی اوس به پوهیږو چه د فلسطين او د فلسطين دبی پناه او بی نوا اولس ازادی او انساني حقوق پایمال شوی او کپړی.

د نړی زیات قامونه اوس زمو لير تماشا کوی. څوک د رحم او څوک د کرکي په نظر زمو لير د مبارزو غارله کوی. اسرائیلی تجاوزکو و نکي په مونز سره اوریز مریز کړی خو زما عقیده داده چه حتماً به يوه ورغو نو که ډیری لری هم وی د فلسطين ولس د داخلی او خارجی ځایمالو څخه نجات او خلاصون وموسی، لودوی به یوزره او یولاس را پورته شی، دا اسرائیلی ناولی او کثیف سامراج (استعمار) تارو بود (تنسته او بوده) به د تل دپاره څیري کړی، خپل ورتوب اولیاقت به لږ یوالوته په ثبوت ورسوی.

زمو لير ولس لومړنی او یو اخیښی اولس نه دی چه داستعمار او خلکو د دښمنانو له خوا ورسره لار وړه او غیر انسانی سلوک کپړی، بلکه اسیا،

افریقا، لاتیڼه امریکا او نور ډیر قامونه شته چه داستعمار گرانوله خوا ورسره دېدونه بد او دشرم نه ډک رفتار کپړی.

بالاخره به د نړی ټول محکوم ولسونه اوزمونز غربي ورو نه متحد شی او ترغو په جهان کښی د زور گیرانو او تیری کولکویو لفر موجود هم وی خپلوا ستعماری ضد مبارزو ته به دوام ورکړی. ازارول شکنجه، قتل او قتل باید هیڅکله مستعمره ولسونه عذر اوزاری ته مجبور نه کړی، دوی باید په جگه غاړه او هسک سر مرگ قبول کړی لیکن د غلامی د شدم لډک ژوند ته غاړه کښی نه پوی، زما وروستی لیصله داده چه د کور و وطن او قاتوبی پری ښو دل، ټیټوالی او ذلت دی د ټیټ ژوند څخه په خپل کور کښی د غلیم په لاس مرگ افتخار بولم.

عمر کا کا غوښی غلی شود، شپه وه او مونز زما هم لډل له، وچین گیری او کړیدنی کا کا مخ له ښکارده خوښائی چه دده له سترگو څخه به اوښکی غځیدلی، لځکه ده خپل دسما لکی سترگوته پوړی، سترگی ئي وچی کړی او بیائی په دی توگه خبروته دوام ورکړ.

مونز هیڅکله په دی فکر کښی نه ؤ چه اسرائیل به گوندی دومره بیساری ظلموله او تیری پر مونز روا او بولی شپه مو آرامه تیره کړه سها رمال مو، غارو پورته وایښه او گپاه هم وکړه، صبا لاری مو وکړل، نژدی غرمه وه چه لحنی اسرائیلی الوتکی د کلی په قضا کښی را ښکاره شوی، دی الوتکو هیش ډول ښه ونه غورغاوه بیرته ستنی شوی زمو لير په زړو کی تیره شوه چه څه اسرائیلو یوه خبره و کوله او په ریښتی به پر مو لير کوم تیری ولکړی مو لير په دی خبره لږ همد لو چه دغه الوتکی د کشف او معلومات اخستلو د پاره راغلی وی، دی الوتکی زمو لير اولس کنلو چه نه کورولو څخه تللی

دی که نه دی تللی.

یوه گړی وروسته مو بیا الوتکی ولیدلی چه له مخکینو الوتکو څخه په چکټیا روالی وی، هودغه لعل الوتکی درنی بریښیدلی، د سرگ بوی تری خوت، او د مخکښی ډلی الوتکی په څېر بی ضرره تیری نشولی. درسید ورسره سم ئي د کلی په منځ بومونه غونگار کړل، دښکيو، کوچنی ماشومالو اونور وواوزونه او ژر اگالی پورته شوی. دوی هسی بله ډله الوتکی راغلی هغوی هم په ډیری چالاکی سره بمونه وغورځول دهغوی د بمونه په اثر هم غو کورونه وړان او محو تنه بی گناه انسانان شهیدان شول، دریمی ډلی الوتکو هم بمباری وکړه، او بیرته خپلو هوانی ډگرو لو ته ستنی شولی، هیچا ددوی د الوتکی یا دمرگ استازو سره مقابله نشوه کولی، لځکه راتللی قتلونه ئي کول، کورونه ئي وړانول او بیرته بیله کوم تاوان څخه خپلو هلوته ستنیدلی.

د دریمی ډلی الوتکو څخه وروسته غوښت ساعت د غلیم الوتکی را نغلی، اکثر ښځو خپل ماشومان غیر کښی نیولی ؤ او د کلی جومات ته روانی وی، نارینه هم هلته روان ؤ. ما هم خپل یو کوچنی نمسی دغاړه سره جومات ته بوتله، زمو لير جومات دوه خونې درلودلی یوه دېلی هسی پرته وه، تور سری او واړه ماشومان چه له میندو څخه نه بیلیدل له خپلو سیندو سره دننه کوته کښی ناست ؤ، دننه خوله د ماشومانو او تور سر و څخه ډکه وه دېښی کښی دلو لځای په کښی نه ؤ. دشور ماشور، ژر او چغو څخه قیامت جوړو، زه ورښکاره شوم له هغو څخه سی وغوښتل چه شور او زوگ کم کړی ماشومان آرام کړی. لیکن چاته وائی، ماشومالو ویره لیدلی ده، هر یوه غوښتل چه دمور دلن لاندی لځان پټ کړی، کومی مور چه هو اخی یو ماشوم درلود هغی خپل وړو کی د لحنی لاندی غلی کړی ؤ. خو کومی بلې چه دوه یادری کمکیان وړو کی لرل هغی نشو کولی

چه ټول دېوی لمنی لاندی پټ کړی نو
 ځکه ئی زوگه او چغی پورته وی او
 جومات ئی په سراخستی ؤ، هغوی د
 مور په لمن له جوړېدل یوه ویل دی
 اوبل ویل هغه پټ کړه. په هر صورت
 دغه ژړولکې او دردونکې صحنه د
 لیدلو وړانه وه، انسانی عواطف ئی
 راپارول او بشری زړه ئی په درزا
 راوست. ماته هم ژړاراغله، دهغوی
 پسې می دروازه وتړله بیرون جومات
 کښی کیناستلم. زما لمسی هم غږینتل
 چه ځان په څه شی کښی پټ کړی،
 هغه می هم دخپلې قدینې لاندی پټ کړ.
 په جومات کښی لادوړولو یو شور
 اوزوگک علی شوی نه ؤ چه دالوتکو
 هپیتاک غرار مو ترغور شو، ټول علی
 شول، چوپه چوپتیا په هر چا راغله،
 دالوتکو دی مرگونې غږسپار زموږ
 وینی په رگونو کښی وچی کړی،
 ټول له حرکته پر بوتل. دښخوا و
 ماشومانو کړیکوچه شو شیبی مخکښی
 ئی دجومات څخه دښخو حمام جوړ کړی
 ؤ، اوس ئی خولی په امبورنه بیرته
 کیدلی، د غم ساعت ؤ، دغه محل
 بعباری کښی چه ؤ موږ په بی اوا اولس
 وشوه دلومړی محل دپاره یونم زموږ
 دجومات دښخوا او ماشومانو په کوټه
 راولویده، څه ناملغال څه شور او
 زوگک، څه دوری او ورپسې دوینو
 څه بهیر جوړشو، خو دقیقې خو دگرد
 او دوړو نه امله زموږ اود ښخو په
 کوټه کښی هیڅ شی په سترگو نه
 ښکاریده موږ له کوټی بیرون ووتلو
 خوچه دوری کمی شولی. بیرته دتور
 سرو او ماشومانو کوټی ته ورغلو.
 ومولیدل چه ماشومانو دماهیالو (کیالو)
 په غږ په خپلو وینو اودخپلو میندو په
 وینو کښی پرتیدلی د ماشومانو په
 ښکلو اوسپینو مخولو بالندی دوری
 پرتی او وینو په کښی لښتی جوړ کړی
 دکوټی بل اړخ چه چت ئی رالویدلی
 ؤ هلته خو ټول ماشومان او تور سړی
 دخاورو لاندی وی، دذگهر ؤ او
 فریادونو اواز ئی اوریدل کیده، زما

خودلاسه څه نه کیدل خو نورو خلکو
 دسرو اوزخمیانورا ایستل شروع کړل،
 ډیر ساعت هلو ځلو نه وروسته زموږ
 خلکو دجومات له کوټی څخه ۲۵ سړی
 او ۳۱ ایودیرش اوزخمیان راولوستل،
 چه زخمیان او ټپیان هم مرگونې ؤ، تر
 څو چه موږ په جومات کښی خپله اټه
 سرته رسوله، ۱۵ ټپیان نورهم پره شول
 چه په دی حساب دسرو شمیر، دغلویشو
 تنو ماشومانو او تور سړو ته چه زیاته
 برخه ئی ماشومان ؤ ورسید. نارینه ؤ
 خپل ماشومان او تور سړی نشوی پیژندلی،
 دټولو په مخ دغم او ویر وښکی جزی وی
 دقوی او ضعیف زړه ځاوند له پیژندل
 کیده ټولو له یوه سره ژړل. ټولو په
 وینو سره ژړل. بلی هغوی حق درلود،
 چاته دوه اوچاته دری او چاته زیات
 سړی پراته ؤ زخمی ماشومانو چه د
 ځانکدن په وخت کښی لاس او پښی
 خوځولی دلیدنکو زړوله چول. ددی
 صحنی اوددی سترې بشری فاجعی تمثیل
 خو مړه صحت دی، نواصله صحنی نه ئی
 څنگه دردواکې وی. دی وخت کښی
 عمر کا کاهه زوره زوره وژړل، موږ
 ټول ناست اوریدونکی هم له ده سره یو
 ځای په چغو سر شول. گردو په کړیکو
 وژړل دی ژړاوانگولا ډیر وخت ونیو
 بالاخره زما پلار غاړه صافه اوسترگی
 وچی کړی اوبیانی داسی وویل: ژړا
 کول او چغی وهل نوره گټه نه لری
 سړی او پټی انسانان په ژړانه ژواندی
 اونه رغیږی. اوهم نشو کولی تش به
 په ژړا او اوښکوتو نیولو سره داسرائیلو
 زړه په رحم راولو. د فلسطین تاریخ د
 غمگینو پیسو او احوادو څخه ډک دی موږ
 به کومی پښی ته ژاړو ددی ټولو
 بدسرخو او غمولو اصلی علت دادی
 چه موږ فلسطینیان هیڅکله په پوره ډول
 دخپل وخت اوزمالی سره په یوه زمانه
 کښی نه یو، یعنی موږ د وخت د
 کاروان څخه تر خت پاتی یو زموږ
 نظر زړو او زموږ خاطر دی تیری
 اوزړی زمالی دخپالونو څخه ډکی
 دی، موږ په داسی حال کښی چه تیر

وختو له موپه یاد کښی دی او دهغی
 دتأثیر لاندی یو. اوسنی زمالی ته گورو
 چه دتحول او انقلاب زمانه ده، دلری
 ټول تغییرات اوبل رنگوالی په سترگو
 وینو په غوړونونی اورو. خو خپله نشو
 کولی څنگه چه بیانی دوخت دغوښتنو
 سره سم ځان اوفکر جوخت کړو. موږ
 لپوهیرو چه کیوبا ولی انقلاب وکړ
 دانقلاب څخه وروسته ئی کوم کاروله
 بشپړ کړل، اوس کومی خواته روانه
 ده، اویاذکر شوی انقلاب په نورو
 وروسته پاتی امریکائی هیوادونو بالندی
 څه تاثیر واچوه. موږ په دی خبره به
 لپوهیرو چه ولی دلری دستر بشری
 کوږ ډیرونه ډیر انسانان په بیساری
 کړ او نو، غدا یونو، لوړو اوبسی
 کوری کښی شیبی ورځی تیروی، او
 دجنتی دنیا څخه ورته د استعمار په
 برکت دوزخ جوړ شوی دی دغه عوامل
 په واقعی اوبسستی توگه پیژندل اوبیانی
 دور کولو د پاره ئی په زړه پوری نه
 سترې کیدونکی مبارزه کول دعصر
 تقاضا ده اوبس. حال داچه موږ په
 داسی وخت کښی ژوند کوو چه اصلا
 دلو موږی وخت سره حاضر نه یه چه د
 عماغه وخت گډرض وری ایجابات
 وپیژندل، که په اوسنی زمانه کښی
 دتیرو وختونو کوم خرقای داستان به
 فلم بالندی وښودل شی، نو څرنگه چه
 فلم زموږ دزړه ذهنیت سره مطابقت
 لری په ډیرووس سره دهغی تماشا کوو
 او که دلوی زمالی دیو علمي اواقعی
 حقیقت سره مخامخ کیږو، دهغه ددرک
 کولو اومتلو څخه کرکه او ډډه کوو
 لسه دا چه زموږی ذهنونه
 دزړو او خرقای فکرونو گدام دی
 دحال په وخت کښی قدم وهو، لهکن
 دحال دزمالی نوی غوښتنی اونوی تاریخی
 پرمخنگونو دتیز څخه عاجزه یو.
 هر هره زمانه کښی دزمالی سره
 حاضریدل اویا دزمالی په ایجاباتو
 بالندی پوهیدل دلری دټولو ملتونو
 او په خاصه توگه دوروسته پاتی هیراد
 ونو دپاره ستر پرابلم جوړ کړی دی.

هیچ نسل نشی کولی دتیری
شوی اوزری زمالی به پوره انقلابی
اومترقی میراث باندی کفایت و کبری
او نه بنائی ددی زرو ستو ته تکیه
و شو . که دغه تکی به وروسته
پاتی تونو او خصوصاً عربی ملتونو
کشی دغیر لانی و ایسولوار و مرو
دی نتیجی ته رسبو و چه دهری اوی
اوتازه پیدا شوی دیدی اوبینی
دغیر نو او کنلو دپاره شواقتی و اویه
زنا کیشی به کار دی ، چه تعصب ،
لله نظری چه دپوهی او بشریت دشمنان
دی به بیخی توگه له منغه یووړل
شی .

استعمار چه دپرو او وړو کلو او
را به دی خوانی زموږ دتیری
تولنی هستی تار و سار کړی او
دپرمختگ هر ډول ارتقائی تکل او
فکرئی شل کړی دی ، دیر نا وړه
فکرونه ئی به خلکو کیشی پیچکاری
کړی دی چه زموږ د عربی ورونو
دزمانی سره د نه سمون او د ترقی
د کاروان غځه ترخت پاتی کیدلو
اصلی علت همدادی . استعماری ډلو
اولسونه به زرو حالو او کیشی ساتلی
دپیر کم کمی او کیفی بدلون اجازه ئی
نه ده ورکړی ، دسولنو کلونو
سیاسی او اجتماعی زاړه و ضعیفونه

ئی پرخلکو تحمیل کړی دی ، دی
وضعیت زموږ د محبتی عربی ورونو
غځه د خود کاری او اتوماتیک
تبلیغاتی دستگاه ماشین جوړه کړیدی
چه د عربو پر ضد تری کار اخستل
کبړی ، قره و د عربو غځه ملاتړلی
غلامان جوړ کړی .

لن چه موږ د دی غیر انسانی
او غیر ملی دسیسو او پروپا کنډو
خرگند تیری او ظلمونه به سترگو
ولیدل اولاً و یونوی . هیله ده چه
د عربو اولس تری به زړه پوری
گټه واحلی ، او د اسرا نیلو ددی
وحشانه اعمالو د کسات اخستلو دپاره
پو لاس او موتی شی موږ ډیر
وکسا لوته به درنده سترگه کتل
ایکن به پای کیشی مو ولیدل چه هغه
زموږ دوستانه بلکه غلیمان وختل
د کوم چادپاره چه موږ د زړه له کومی
عقیده لرله غغوی به عما غه سویه
زموږ سره کینه او تیری کونکی غلیم
سره دمینی او جاسوسی از یکی لرلی
هغوی موږ ته به شانو کیشی زهر
را کړل موږ ئی تیر ایستلو او په دی
حالت ئی اخته کړو . دونه د کلونو
کلونو راهه دی خوا برسوی نینکه
عقیده لرله ، موږ فکر کاوه چه دوی
به موږ پر دواړو جهانونو کیشی

هوسا ژوند ته هدایت کړی ، ایکن ،
په خپلو سترگو موو لیدل چه دوی
ددنیاهه سره پرموږ دوزخ جوړ کړ .
محبتی ئی دغلیم سره یوځای شول او
زموږ دملی لیدل رانو چه خلک ئی
یووالی او وطن پالنی ته تشویقول
په مقابل کیشی ئی داسی د زهروله ډک
تبلیغات شروع کړل ، تا به ویل چه
رختینی وطن خرغونکی او حائنان
دی ، دعامو خلکو تری کر که پیدا
شوه او بیا هیچانده غوی خپروته غوږ
نه کیښود ، هغه ؤ چه دائی نتیجه
شوه ، باقی دی لایخیر وی .

له دی وروسته عمر کا کا بیا
خپله خبره وینوله او داسی ئی وویل :
دجومات به مخکیشی دپیشماره مرو
او زخمیانو لیدلو ته می زړه طاقت
ونکر کورته واهی شوم ، ما فکر کاوه
چه گوندی کور کیشی ، به غم غلط
کړم خو غم غلطول چیر ته ؤ هره
شیهه نوی نوی غم پرموږ پریواته
د غمونو سلسله روانه وه . خو چه
کورته راورسیدم هلته هم غم خپله
خیمه لکه کړی وه ، دوه نازنین لمسی
اوبنکور می به وینو کیشی لت بت
پراته او ځای په ځای مړه شوی
ؤ . (پاتی لری)

مردمان از آن جهت تنها هستند که جای پل
ساختن دیوار میسازند . (جوزف فورت نیوتون)
قانون سنگر آزادی است حق هر کس را
معین میکند و مدافع آزادی همه افراد است .
(ج . ک . هولاند)
جهل نسبت به قانون عذر خواه هیچ کس
نیست نه بدان جهت که همه مردم همه قوانین
را میداند بلکه بدان جهت بهانه ای است که
هر کس میتواند به آن متشبث شود و هیچ
کس نمیتواند که بگوید که چگونه میشود آن
را رد کرد . (سلدن)

تنهایی

سواد .. !

سواد منحصر به خواندن و نوشتن نیست
بلکه به اندیشه درست است .
سواد سدی است در برابر ظلمات و تیرگی .
سواد جوهر روح و مایه جبروت روان است .
سواد گریز از دبو جهل و آرام یافتن در
حصار خرد است .
سواد بر عقل می افزاید و اندیشه را سهول
می زند .
سواد نور چشم است .

از دانشمندان

بزرگ

کسیکه سیر بخوابد و همسایه او گرسنه باشد به من ایمان نیاورده است. حضرت محمد (ص) شیرین ترین و بهترین دلها دلی است که ریشه آزار دادن هیچ کس را بدان راه نباشد. (ادیسبی)

نام نیک و خوب به مثل پیراهنی است که هیچ وقت کهنه نمیگردد (ادیسبی)

زندگی مانند کودکی است که ما باید به خواب نرویم و باید گهواره اش را تکان داد. (ولتر)

اگر نمی خواهی که در حق تو داوری شود باید در حق دیگران داوری مکنی. (لینکلن)

* کسانی که با کتاب سرو کار دارند کمتر احساس غم و اندوه میکنند.

* وقتی مطالعه میکنیم متوجه گذشت عمر نمیشویم.

* برای زدودن غم هیچ لذتی بهتر از مطالعه کتابهای مفید نیست.

* پایه انسانیت هر یکی نهاد شده است.

* هر روز که توفیق کاری بدست نیاوری، آن روز را بیهوده گذرانده ای.

* وقتی لبیکی می کنی، گامی بسوی بهشت برمیداری.

* آنها که لبیکی میکنند عمر چاودان بدست میآورند.

لهندی

دینیتو دملی ادب لویه خزانه

دتیرو و گنوو په تعقیب

سرتب او تولوونکی : محمد مصطفی «میرزی»

ع

ما دبی لنگو پاری کره و شر میدمه له ماله تیر به وطن سرتربا نوینه جنک ته تیار دشهادت په تمه عینه خزانه عی اړخپل وطن سرور گوینه

عالمه راهی مخ می تور کړی عالمه دا دپښتون ننگ دی عسکر له موره بخشش اخلی عسکرو دار توپک په لاس کښی

غ

که دی دجنک په دکر و کړل غورغونکوته چه ئی زیارت کړی دکیلان ملالی بغونه چه پښتانه پری دغبرت ناری وهینه دتغری غاړه کښی خولشته جتنوله شم به خوشحاله که پرشائی تپ له وینه بی ننگه خلک پښتانه له دی مینه چه په توولگی دجنکو کښی میره شمه

غاړه غری به در قربان شم غازی هر لوره غولدی کښیودی غرونه به ولی نه غتیری غزاته لارمه چه غازی شی غی شو هرکت ئی آشنا راوور غیرت عادت دپښتو دی غیرت کوه غیرتی یاره

ق

چه د وطن شمال می شناختی شور وینه دتورو جنک دی لالی سر قربانوینه چه دسیرانی نوم دی جگه شی هوماسکوله دآزادی باد به دی شناختی خوزوینه

قبرمی جور په لوبو غرو کړی قرار خومه کښینی عالمه قربالی خپل سره کښی ورکړه قربالی کړه وطن آزاد کړه

ک

پکښی پراته دی به عوانان کاږه بریتوله پکښی پراته دی پښتانه د ننگ سپروله داردو غیر دی دجانان مخی ته همه داتور اوربل به له تاجار کره مینه قسم می کړی دپاری لاس درکومه

کابل ته مه وایه چه وران شی کابل ته مه وایه چه وران شی کمس می لنډ و لیسه موری که بریالی له جیکه راغلی که به زلمو کښی بریالی شوی

که په میوند کښی شهید نه شوی

خدای رولایه بی ننگی له دی ساتینه

زه به دا پاکي شودی وله در بشمه په تاحرام دی دسر کو شولوه سروله پروطن جنک دی جانان نه منع کومه (باقی دارد)

که په وطن دی سرور نه کړ که تبتیدلی په شا راغلی که تور اور بل می میرا تیری

د صورت سترگی

که هرغو په سرد خیال دستار زرین یدی
عاقبت به سر بخاورو په بالین یدی
د سلیمان شونډ هم پر یوتل له تخنه
په قوس بالندی په خود زرو زین یدی
دغه پنبی به د خواک شی دچینچوی
چه ئی اوس به شین شین په فالین یدی
په ارمان به خالی لاس ورغنی درومی
که په کور کبئی په هر لور سره اوسپن یدی
په الا بلا که قول د دنیا گنج کومی
په خول زړه داغ په دم واپسین یدی
چه کردار دله د کفتا سره سم نه وی
بش گفتار واره په محان باند لفرین یدی
تاپه زړه کبئی سل خدایان دی کبئولی
راکه وایه سرو چاته په زمین یدی
د غفلت تسوی په ورغ و کشمه چار باسی
خو منت به په کرام الکاتبین یدی
هدایت ئی د معنی په سترگو کوره
د صورت سترگی تر کومه په پاسین یدی
یوقدم که په رشتیا له دنیو واخلی
خدایو و دل قدم ته پاس په علیین یدی
که اسلام د غلغو دادی اوس خوبو په
چه هند وغواندی ټیکه په خپل جبین یدی
زسانی شه تا انصافه را بشکاره شوی
پانیا توله ای په داد و رآخریه یدی
د مچی لاشه هم جوړه ورسره وری
په هر هلق کبئی چه خواړه دالکین یدی
د خوشحال خټک کوم جرم کوم گناه دی
چه په زړه کبئی ئی آهوله آنشین یدی

گنبد های پر نور

از حکیم نظامی



خبر داری که سیاحان افلاک چرا گردند گرد مرکز خاک
درین محرابکه معبود شان کیست وزین آمدن مقصودشان چیست
چه میخواهند ازین محفل کشیدن چه سیجوند ازین منزل برین
مرا حیرت برین آورد صد بار که بندم در چنین بتخانه زلزار
ولی چون کرد حیرت تیز گامی عنایت بانکه بوزد کای نظامی
شوقته برین بتها که هستند که این بتخانه خود را می پریشان
همه هستند سرگردان چو بر کار پدید آرند خود را طلبگار
تو نیز آخر هم از دست بلندی چرا بتخانه ایرا در لیدی
چو ابراهیم بابت عشق می باز ولی بتخانه را از بت چه باز
نموداری که از مه تا ماهیست طلسمی بر سر گنج الهیست
طلسم بسته را بارنج بائی چو بشکستی بزیرش گنج باسی
مبین در لقص گردون کان خیالست کشودن بند این مشکل محالست
مرا باسر گردون رهبری نیست جز آن کاین نقش دائم سرسری نیست
اگر دانستی بونی خود این راز یکی ز این نقشها در دادی آواز
ازین گردنده گنبد های پر نور بجز گردش چه شاید دیدن از دور
درست آن شد که این گردش بکاری است درین گردندگی هم اختیاری است

بلی در طبع هر داننده ئی هست

که با گردنده گرداننده ئی هست



در سرمشق و نمونه نیروئی الاثر
از حد تصور است اگر راست راه برویم
نادانسته به راست راه رفتن دیگران
کمک کرده ایم . « مادام سوچین »
مردمان چشم خود پیش از گوش -
شان اعتماد دارند بنابراین تاثیر اندر زها
کنند و ملالت الگیز است در صورتی که
تاثیر نمونه ها به صورت خلاصه و مؤثر
است . « ستکا »

هیچکس چندان بی ارزش نیست
که چنان پندارد که سرمشقی که به
دیگران میدهد مایه آزادی بخواد
بود . « لورد کلارندن »
یک ساعت که درست باشد چندین
ساعت دیگر را که با آن میزان کنند
درست بکار می اندازد و یک ساعت
غلط بسیار ساعتها را به غلط راه می برد
در باره نمونه های بشری نیز مطلب از
همین قرار است . « دیلوین »

افکار بزرگان

این قطعی است که رفتار عاقلانه
یا روشی از روی نادانی درست مانند
بیخاری که از یک به دیگری سرایت
میکنند عاری است بنابراین چنان باش که
دیگران خواستار معاشرت با تو باشند .
« شکسپیر »

دولت آزادی

خوش است با ننگ بی جانفزای آزادی
 شنو ازین بی محزون توای آزادی
 دیگر برنگ تملق نگردد آلوده
 هر اندلی که پذیرد صفای آزادی
 دران دیار دیگر لاله بوم نم نکند
 چو سایه افکند آلبانجای همای آزادی
 بحال و جادجهان خوشدل است آنکه بعمر
 ندیده است رخ جانفزای آزادی
 دیگر سیاه ننگردد اسیر دست سفید
 در ان دیار که شد باز پای آزادی
 اگر زخون شهیدان کنند گل بی شک
 سر از مهر برارد بنای آزادی
 فدای همت آن پاکبازها کدم
 که کرد جان و تن خود فدای آزادی
 بفر دولت آزادی « استخار » کند
 کسیکه گشت چو من آشنای آزادی
 به بندگی دهد تن هر آنکس که چو من
 ز صدق سر بگذارد بنای آزادی

بشهرین مجازات

خانم بسیار زشتی با ناراحتی از د
 قاضی رفت و تقاضای طلاق کرد .
 زیرا اعداد داشت که شوهرش او را همه
 روزهات و کوب میکند . . .
 قاضی نگاهی بقیافه خانم کرد و گفت
 شما خیال دارید ما شوهرتان را مجازات
 کنیم ؟
 خانم گفت :
 - بله معن طور است !
 - بسیار خوب . . . بنا برین بهترین
 مجازات برای او این است که شما را
 طلاق ندیم !

مردی را که بعد از زن خود امانت
 کرده بود در محکمه معاکمه میکردند
 غارتوال روبه سهم کرد و گفت :
 آقا . . . شما نباید بی ار این دو مجازات
 را قبول کنید . . . یا یکسال تمام در جوار
 مادر زن خود زندگی کنید و یا . . .
 مرد متهم با ناراحتی از جا بلند شد و
 حرف غارتوال را قطع کرد و فریاد
 کشید :
 آفای غارتوال . . . اعدام . . .
 اعدام : من اعدام را قبول میکنم . . .

در عالم همکاری

نیمه های شب بود . زن و شوهری
 روی تخت خوابیده بودند . لاگهان زن
 از خواب بیدار شد و چشمش بدزدی افتاد
 که مشغول و ارسی جیب های شوهرش
 بود . . . بانرس و آهسته شوهرش را صدا
 زد و گفت :

- زود شو بر خیز !
 - چه شده ، و ار خطاهستی ؟
 - یک دزد جیب های لباس را
 حالی میکند ؟
 شوهر روی تخت خواب غلغلی زد و
 خمیازه ای کشید و گفت :
 - ولی این موضوع بمن از تباطی
 ندارد .
 - چطور این حرف را میزنی ؟
 - برای این که همکاری تو است
 خودت چاره سازی کن . . . !

دعوت و توستلونه

که قضاوت کوونکی پیرشی
 او حقیقت به ورک شی . « ایتالیای »
 نیستن « نادار » دغله به مخکبشی
 هم ترانه وایی . « جاپالی »
 دیلمه کوونکو له پاره پیری پلمی
 شته « ترکی »
 رالده ته دغراغ رتاگته نه رسوی
 « العالی »
 قلم له توری نه هم زوروری .
 « انگلیسی »
 حقیقت او سورگل دوازه اغزی لری
 « مراکشی »
 لعی دشيطان دام دی .
 « یوگوسلاوی »

افکار بزرگان

من یقین قطعی دارم که هیچ توتی
 درجهان لعی تواند به پیشرفت بشریت
 کمک کند حتی اگر چنین ثروتی در دست
 قدا کارترین کسانی باشد که درین راه
 کوشش می کنند عبرتی که از افراد
 بزرگ و پاکیزه گرفته میشود تنها
 چیزی است که میتواند رهبر ما به
 پندارها و کردار های نیک باشد بخود
 خواهی می انجامد و از مقاومت آدمی
 در برابر افراطها می کاهد .
 « البرت ایشترین »
 پاکیزگی تواز ضروری که نمونه
 بودن به دیگران میرساند چیزی
 نمی کاهد . « رابرت هال »

دولت و عناصر آن

وقایع جهان

عناصر دولت عبارت از سه عنصر است خاک، نفوس و حکومت.

الف: خاک: خاک مساحتی از عناصر اولی دولت است زیرا تا جمعیت بالای یک قطعه خاک موجود باشد موجودیت دولت ناممکن است هم چنین مساحت برای دولت یک عنصر حیاتی است بوسیله مساحت و خاک است که دولت احتیاجات اولی خود را تأمین میکند از قبیل زراعت، معادن و غیره. سرحدات یک دولت از یکطرف با ممالک دیگر تعیین میشود و اگر در سرحد آن بحری موجود باشد سرحد خود را در بحر آزاد معین میسازد.

از نظر حقوقی مساحت فوق العاده مهم است، زیرا همین مساحت است که بدولت اجازه میدهد قوه عسکری را بوجود آورده و سلطه خود را برهن سازد.

اگر دولت خواسته باشد در خارج خاک خود استعمال قوه بکند این معنی جنگ را خواهد داد.

پس برای استعمال سلطه مساحت مهم است.

دولت از نظر پرلسیب تنها میتواند که قوالتین خود را در داخل مساحت خاک خود تطبیق بکند مثلاً قوالتین ترافیکی در یک مساحت مربوط به خود مملکت است با وجود آن هم بعضی حقوق و قوالتین است که مربوط به شخص میباشد و این شخص حقوق و قوالتین دولت را در خارج دولت نیز برآورد میتواند به عبارت دیگر حقوق قوالتینی هستند که در خارج مساحت دولت نیز تطبیق میشوند مثلاً

موضوع از دواج قوالتین از دواج ممالک در خارج مساحت آن نیز قابل تطبیق است.

مثلاً بکنفر افغان که در خارج میباشد میتوان نظر به قانون افغانی از دواج بکند.

ب: نفوس *population* نفوس: یک دولت متشکل از افرادی است که متعلق بیک دولت هستند به عبارت دیگر تابعیت آن دولت را دارند.

از قرن ۱۹ با نظر طرف پرلسیب های مهمی بوجود آمده که این پرلسیب بین المللی روابط افراد را با دولت آن قایم میسازد که آنرا بنام پرلسیب ملیت ها یاد میکنند. موضوع پرلسیب ها خیلی مشکل است.

با وجود آن بصورت بسیار ساده میتوانیم بگوئیم که یک ملت عبارت از مجموع اشخاص اند که میخواهند با هم زندگی بکنند و با هم منافع مشترک دارند و عنعنات مشترک بین شان موجود است.

پرلسیب ملیت ناهست که جمعیتی ملت را تشکیل میدهد نباید کوشش کند کسانی را که نمیخواهند با آنها هم شوند با خود ضم کند.

چنانچه از این رفتن مستعمرات این موضوع را تا اندازه حل کرد یعنی به جمعیت مستعمره ها اجازه داد به هر ترتیبی میخواهند زندگی کنند.

دایرة المعارف آریانا (ص ۴۲۶) - ۴۲۷ (جلد پنجم) -

۲۹- تالیف حضرت مسیح در ۷ ابریل.

۶۴- آتش زدن شهر روم و کشتار مسیحیان توسط ترون امپراتور روم.

۳۱۲- امپراتور کنستانتین با انتشار فرمان میلان دین مسیح را در روم قانونی ساخت.

۴۱۵- تسخیر روم بدست آلاریک و مرگ او.

۵۷۰- تولد حضرت محمد بن عبدالله (ص) در شهر مکه.

۶۲۲- مبداء تاریخ هجری.

۱۰۹۹- الی ۱۰۳۶- حرب صلیبی اول.

۱۱۴۹ الی ۱۱۴۷ « دوم.

۱۱۹۲ الی ۱۱۸۹ « سوم.

۱۲۰۴ الی ۱۲۰۲ « چهارم.

۱۲۲۱ الی ۱۲۱۹ « پنجم.

۱۲۲۷- تاریخ مرگ چنگیز خان مضمول.

۱۲۲۹- ۱۲۲۸- حرب صلیبی ششم.

۱۲۵۴- الی ۱۲۴۸ « هفتم.

۱۲۵۴- تولد مارکو پولو سواح معروف ایٹالیائی.

۱۱۷۵- شروع حرب صلیبی هشتم.

۱۲۷۱- مسافرت مارکو پولو با قافلانستان و دیگر نقاط آسیا و بازگشت او به وینز.

۱۴۲۹- قیام ژاندارک علیه انگلیس ها و دستگیری او و سوزانده شدنش در ۳۰ می ۱۴۳۱ وی ۱۹ سال عمر کرد.

۱۴۵۳- تصرف قسطنطنیه توسط عثمانیها و پایان جنگ یکصد ساله فرانسه و انگلیس.

۱۴۵۶- چاپ اولین کتاب تورات توسط گوتنبرگ آلمانی مخترع ماشین چاپ.

۱۴۹۲- کشف بر اعظم آمریکا توسط کریستوف کلمب در باورد اسپانیائی.

بعد از میلاد

۱۴۹۸- واسکو دوگاما دریا آورد
پرتغالی بعد از گذشتن از دماغه امید
راه بحری هندوستان را کشف کرد.
۱۵۱۷- مارتین لو تر (۱۴۸۳-
۱۵۴۶) اصلاحات مذهبی را عنوان کرد.
۱۵۲۰- کشف آبنای ماچیلان
توسط فرناندو ماچیلان.
۱۵۳۴- ژان کالون (۱۵۰۹-
۱۵۶۴) دو کترین پرتستان خود را در
باره دین عیسوی منتشر ساخت.
۱۵۶۸- ایوان مخوف تزار روسیه
صدها نفر را با اتهام توطئه برای قتل
ولیعهد اعدام کرد.
۱۶۱۸- جنگ سی ساله بین نوای
کاتولیک و پروتستان در گرفت
این جنگ در ۱۶۴۸ پایان یافت و
طبق عهده نامه صلح وستفالی و الزاس
-بفرانسه واگذار گردید و هالیند و
سوئیس مستقل شدند.
۱۶۱۹- ویلیام هاروی (۱۵۷۸-
۱۶۵۷) دکتور انگلیسی دوران خون
را کشف کرد.
۱۷۵۲- اختراع برق گیر توسط
بنیامین فرانکلین (۱۷۵۶-۱۷۹۰)
۱۷۶۹- توندلایلیون بنا پارت در
جزیره کرس.
۱۷۸۳- جون براذران
مولتکو لیکه اولین بالون را به هوا
فرستادند.
۱۷۸۵- جان فلیچ اولین کشتی
بخاری را ساخت.
۱۷۸۹- ۲۰ جون: انقلاب کبیر
فرانسه شروع شد و در ۱۴ جولای
محبوسین ناستیل آزاد گردیدند.
۱۷۹۱- مرگ میرابو اناطق شهیر
انقلاب فرانسه.
۱۷۹۲- شروع کار محکمه انقلابی
فرانسه ۱۰ سپتامبر، افتتاح کنواسیون

فرانسه و ۲۲ سپتامبر تشکیل جمهوری
اول فرانسه.
۱۷۹۳- ۲۱ جنوری: لوئی شانزدهم
با گیوتین اعدام شد و در ۱۶ اکتبر لیز
سرملکه ماری اتوانت بزیر گیوتین
رفت.
۱۷۹۴- ۵ اپریل: دالتن از لیدران
بزرگ انقلاب فرانسه با گیوتین اعدام
شد و نیز در ۴ جون رو بسپهر سرد
انقلابی فرانسه اعدام شد.
۱۷۹۵- مرگ لوئی هفدهم در
محبس ۲۸ سپتامبر اتحاد مثلث روس
و انگلیس اتریش.
۱۷۹۹- ناپلیون بنا پارت کنسول
اول فرانسه شد.
۱۸۰۲- ماه آگست: ناپلیون برای
تمام عمر کنسول اول شد.
۱۸۰۴- ۱۸ می: ناپلیون امپراطور
فرانسه گردید.
۱۸۰۵- ۱۷ اکتبر: ناپلیون اتریش
را در اولم شکست داد.
۱۸۰۶- ۱۴ اکتبر: ناپلیون روس
را در نیا شکست داد.
۱۸۰۸- فرانسویها در مارج
۱۸۰۸ ماهرید و در اپریل همالسال دوم
را اشغال کردند. ناپلیون برا در شهر
ژوزف را بسلطنت اسپانیا تعیین کرد
در ۶ جولای ۱۸۰۹ ناپلیون اتریش
را در واگرام شکست داد.
۱۸۱۲- حمله ۵۰۰/۰۰۰ نفر لشکر
ناپلیون به روسیه.
۱۸۱۲- شروع جنگ این اتازولی
و انگلستان.
۱۸۱۳- ناپلیون با ۱۸۰/۰۰۰ نفر
اردو اتزولی متحدین (المان-روسیه-
اتریش) در اکتبر شکست خورد.
۱۸۱۴- ۳۱ مارچ: متحدین اروپائی
وارد پاریس شدند و در (۱۱) اپریل
ناپلیون معزول گردید.
۱۸۱۴- ۳۱ می: لوئی هجدهم بسلطنت
رسید روز ۳۰ نوامبر کنگره وین افتتاح
شده و ناپلیون به جزیره الب تبعید گردید.
۱۸۱۵- اول مارچ: برگشت ناپلیون
از جزیره الب به فرانسه و حرکت صد
روزه او (۲۰ مارچ تا ۲۲ جون) ۱۸ جون

شکست ناپلیون در واترلو بعد ازین
شکست ناپلیون بجزیره سنت هلن تبعید
گردید و در ۱۶ اکتبر وارد سنت هلن شد.
۱۸۲۱- مرگ ناپلیون در سنت هلن
در ۵ می.
۱۸۲۲- انقلاب پرتغال و استقلال
برازیل در امریکای جنوبی.
۱۸۳۳- پارلمان بریتانیا رژیم
غلامی را غیر قانونی اعلام کرد.
۱۸۴۸- لوئی فلیپ از سلطنت فرانسه
خلع گردید و در ۲۶ جنوری جمهوری
دوم فرانسه تشکیل شد.
۱۸۵۲- لوئی ناپلیون امپراطور
فرانسه شد.
۱۸۵۳- ۱۴ اکتبر جنگ کریمه
ترکه و انگلیس و فرانسه با روسیه
وارد حرب شدند، روسیه مولداوی
و والاکیا را اشغال کرد. جنگ در
جزیره نماهی کریمی متمرکز شد در ۵
نوامبر ۱۸۵۴ روسها در اینکرمان شکست
خورد. طبق عهدنامه ۳۰ مارچ ۱۸۵۶
کشتی رانی در رود انپو آزاد گردید
و ورود کشتیهای جنگی به بحیره سیاه
ممنوع شد.
۱۸۶۰- یوسف کاریبالدی (۱۸۰۷-
۱۸۸۲) وطن پرست معروف ایتالیائی
وارد سیسیل شد.
۱۸۶۱- محاربات داخلی اتازولی.
۱۸۶۷- ۳۰ مارچ روسها الاسکارا
بمبلغ ۲۰۰/۰۰۰ دالر با ایالات متحده
امریکا فروختند.
۱۸۷۲- فئودالسیم در جاپان منقرض شد.
۱۸۶۹- ۱۷ نوامبر افتتاح کانال
سویز بطول ۱۶۸ کیلومتر از پرت سعید
تا شهر سویز.
۱۸۷۰- محاربه پروس و فرانسه
۱۸۸۲- کشف میکروب سل توسط
کخ دانشمند آلمانی.
۱۸۸۹- برج ایفل در پاریس بنا
گردید طول این برج ۳۰۰ متر است.
۱۸۹۴- ۲۵ جنوری شروع محاربه
چین و ژاپن.
۱۸۹۴- کشف اشعه ایکس توسط
ویلهم کنراد انتگن آلمانی برنده
جایزه نوبل ۱۹۰۱ (هفتمین درص ۵۷)

جنگ جهانی دوم

حرب دول محور و متفقین

۱۹۳۹ - ۱۹۴۵ مدت جنگ جهانی دوم . در جنگ دوم دنیا بدو اردوی متخاصم تقسیم گردید .

۱ - متفقین عبارت بودند از لهستان انگلستان ، فرانسه ، شوروی و ایالات متحده و چین و دول محور که در واقع جنگ را شروع کردند عبارتند از آلمان ، ایتالیا ، جاپان و امار آنها یعنی مجارستان رومانی بلغارستان جنگ جهانی دوم بدو دوره تقسیم میگردد .

دوره اول که از اول سپتامبر ۱۹۳۹ شروع و به آخر سال ۱۹۴۱ ختم میگردد دوره موفقیت دول محور بود و در دوره دوم یعنی از ۱۹۴۳ تا ۱۹۴۵ متفقین سرزمینهای از دست رفته را دوباره آزاد کردند و بالاخره دول محور را وادار به تسلیم بدون قید و شرط نمودند در مرحله اول محاربه آلمان در عرض چهار هفته پیروزی های درخشانی بدست آورده و برترتیم پولیند ، لروژ ، بلژیک هلند ، لوگزامبورگ و سپس فرانسه را اشغال کرد در فرانسه اشغال شده حکومت مارشال پتن در ژوئن ۱۹۴۵ قرار داد متار که جنگ را امضا کرد ولی در لندن حکومت فرانسه آزاد بریاست ژنرال دوگول تشکیل گردید که تا پایان جنگ با دول متفق همکاری نمودند .

هنگامی که هواپیما های آلمانی به بمباران انگلستان مشغول بودند

دولت ایتالیا نیز دو مستعمرات افریقائی انگلیس شروع به تجاوز کرد (۱۰ ژوئن) در قاره افریقا ارتش های ایتالیا و آلمان بقوماندانی مارشال رومل قوای متفقین را تا سرحدات مصر عقب رانده در اپریل ۱۹۴۱ قوای محور کشورهای یوگسلاوی و یونان را در جزیره نماي بالکان اشغال کردند و در ۲۲ ژوئن همین سال حمله آلمان با اتحاد شوروی شروع شد . در ۷ دسامبر ۱۹۴۱ دولت ژاپن حمله خود را به پرل هاربر در بحر الکاهل آغاز کرد و بدین ترتیب دولت امریکا نیز عملاً وارد محاربه بر علیه محور گردید در این هنگام محور در اوج موفقیت های موقتی خود بود در ۲۵ اکتبر ۱۹۴۲ سونتگمری در افریقا حمله را شروع کرد و در ۲۲ ژانویه ۱۹۴۳ به ترپولی رسیده همزمان با رسیدن قوای سونتگمری لکلرک نیز که در ۱۹ دسامبر ۱۹۴۲ از چاد حرکت کرده بود به آنجا رسید در ۸ نوامبر ۱۹۴۳ قوای امریکا و انگلیس در الجزایر و مراکش پیاده شدند در روسیه آلمانها کریمه را اشغال کرده و تا قفقاز پیش آمده بودند در استالین گراد مواجه با مقاومت شدید اردوی سرخ گردیدند و در ۳۱ ژوئن ۱۹۴۳ قوای لازی در استالین گراد تسلیم گردیدند در ژوئیه همان سال اردوی سرخ شروع به آزاد

کردن زمینهای اشغال شده نمود در مدیترانه و تونس بقوای محور ضربه شدید وارد آمد و قوای متفقین در جزیره سیسیلی پیاده شدند . در ۱۵ ژوئیه ۱۹۴۳ موسولینی سقوط کرد و در ۸ سپتامبر ایتالیا تسلیم شد . از ماه نوامبر حمله هوائی متفقین علیه محور تشدید گردید سال ۱۹۴۴ سال برتری جنگی متفقین بشمار میآید درین سال اردوی سرخ قوای ورمخت را از سرحدات شوروی بیرون رانده و به ترتیب کشورهای پولیند رومانی ، چکسلواکی ، مجارستان و یوگسلاوی را از وجود اردوی آلمان پاک ساخت در ایتالیا نبرد ادامه داشت و در ۱۴ اکتبر قوای انگلیس در یونان پیاده شد و دشمن را عقب راندند از وقایع مهم این سال پیاده شدن قوای متفقین در لرماندی (۶ ژوئن) و پروونس (۱۵ اگست) میباشد . قوای متفقین بقوماندانی جنرال ایزنهاور یکمکن قوای مقاومت ملی پاریس تمام خاک فرانسه را آزاد ساختند و سپس الزاس و لورن و بلژیک و هلند آزاد گردیدند در ۱۹۴۵ جنگ در داخل آلمان ادامه یافت . در ۲۶ اپریل قوای متفقین در آلب با اردوی سرخ تلافی کردند در ۲ مه برلین سقوط کرد و اعلام شد که هیتلر خودکشی کرده است موسولینی نیز در ۲۸ اپریل اعدام شد .

وقایع جهان بعد از میلاد

(بقیه ص ۵۵)

۱۸۹۶- کشف رادیو اکتیویته اورانیوم توسط بکرل در پاری ۲۶ تا ۳۰ اگست قبل عام ارا مند بوسیله ترکها .

۱۸۹۷- محاربه یونانیدها و عثمانی ها .

۱۸۹۸- محاربه اسپانیا و امریکا . کشف رادیو بوسیله هیر کوری ، مادام کوری و جرج بمان در پاریس .

۱۹۰۲- افتتاح اولین دیوان عدالت بین المللی در هالنند .

۱۹۰۵- جولای جنگ روس و جاپان

۱۹۰۵- افتتاح دوما اولین پارلمان روسیه و شروع انقلاب .

۱۹۱۱- آتشفشان مخوف فلیپین و قربانی شدن ۳۰۰۰ نفر .

۱۹۱۴- شروع حرب جهانی اول بین متحدین اروپای مرکزی (آلمان ، اتریش ، هنگری) و بعد ترکیه و بلغاریه و (اتحادت) که مرکب از کشور- های فرانسه امپراطوری بریتانیا ، روسیه ، بلژیک ، عربستان ، جاپان ، ایالات- متحده- ایتالیا و پرتغال و چند کشور دیگر علت شروع حرب جهانی اول قتل آرشیدوک فرانسا فرد یناند ولیعهد اتریش و زلش در ۲۸ جولای ۱۹۱۴ در سارایو بوسیله گاو ربلو سربیسپ تروریست صربی بود .

دولت اتریش و (هنگری) بوسیله وزیر خارجه خود در ۲۳ جولای اولتیماتومی در (۱۰) ماده تسلیم صربستان نمود ولی حکومت صربستان ۲ ماده از آن را پذیرفته و در نتیجه حکومت اتریش در ۲۸ ژوئیه بدولت صربستان اعلان جنگ داد و پیر و عمل اتریش آلمان نیز در اول ماه اگست و فرانسه در سوم اگست بروسیه اعلان جنگ داد - حکومت آلمان بیطرفی بلژیک را نقض کرده و وارد خاک آنکشور شد در ۴ اگست دولت بریتانیا باین عمل آلمان اعتراض نموده و بآنکشور اعلان جنگ داد .

۲۶ ژوئیه حزب کارگر در انتخابات انگلستان اکثریت را برد و گلننت اتلی نیدران حزب لیخت وزیر گردید .

۱۶ ژوئیه- انفجار اولین بمب اتمی در آلاموگور دودر ۶ اوت در هیروشیما و در ۹ اوت در ناگازاکی

۳ سپتامبر - سنکا پور به بریتانیا پس داده شد .

۲۳ اکتبر وید کون کیسینک صدراعظم دست نشاندۀ نازیها در ناروی در اسلو اعدام شد .

۱۹۴۵- ۱۰ جنوری اولین مجمع عمومی سازمان ملل متحد در لندن گشایش یافت .

۹- مه ویکتور اما اوئل سوم پادشاه ایتالیا خلع گردید و پسرش بجای او نشست .

۳- ژوئیه جمهوری فلیپین مستقل گردید .

۱۹۴۶- ۳۰ سپتامبر محاکمه سران لازی دادگاه نظامی بین المللی لورم برگ در ۳۰ سپتامبر محاکمه ۲۲ نفر از رهبران لازی را شروع کرد ۱۱ نفر از آنان محکوم به مرگ شدند هرمان گورینگ در ۱۵ اکتبر دوساعت قبل از بدار او بیخته شدن بوسیله زهر در زندان نورم برگ خودکشی کرد .

اسامی ده نفر دیگر که بدار او بیخته شدند بشرح زیر است .

هانس فوانگ و ویلم فریک ژنرال الفرد پوپل ارتست کالتن برنتر رئیس گشتا هوفیلد مار شال کایتل الفرد روزا برگ فرتیس زانوکل ارتور سالیس اینکوآرت بولیوس اشتراپخر و فن رین تروپ وزیر امور خارجه .

متبانی جغابستکاران عربی نیز در جاهای دیگر محاکمه و محکوم باعدم باحبس گردیدند .

۱۹۴۷- ۱۵ مه تصویب دکترین ترومن برای کمک اقتصادی و نظامی به ترکیه و یونان بوسیله کنگره ایالات متحده

بالاخره در ۷ مه تسلیم بدون قید و شرط آلمان امضاء شد جاپان نیز که حملات قوای امریکا ، انگلیس و چین آنرا بستوده آورده بود بتدریج فتوحات خود را از دست داد . و قبلی هین مالزی شنکا پور بیرمانی و جزایر اندونزی آزاد شدند .

۶ اگست یک طیاره امریکائی در هیروشیما بمب اتمی الداخت و سپس در ۹ اوت بمب اتمی دیگری در ناگازاکی بکار برده شد در همین روز اتحاد شوروی با جاپان وارد جنگ شد و منچوری را اشغال کرد در ۱۴ اگست جاپان تسلیم شد و جنگ جهانی دوم خاتمه یافت .

۱۹۴۵- ۱۲ مارچ پیمان صلح بین روسیه و فنلاند در مسکو امضاء شد .

۱۴ ژوئیه الحاق - استونی ، لتوی و لیتوانی با اتحاد شوروی .

۲۰ اوت لئون تروتسکی رهبر سابق شوروی در ویلای خود واقع در نزدیکی شهر مکزیکو مور دسوه قصد فرار گرفت و در ۲۱ اگست در گذشت .

۱۹۴۱- ۷ ژوئیه کشتی های امریکا ایسلند را اشغال کردند .

۷ دسامبر حمله جاپان کشتی های امریکا در پل هارپور .

۱۹۴۴- ۷ نوامبر فرانکلین روزولت برای چهارمین بار بریاست جمهوری امریکا انتخاب شد .

۱۹۴۵- ۱۱- ۳ فوریه کنفرانس یالتا در کریمه با شرکت روزولت چرچیل وستالین در بین کنفرانس قرار شد شوروی علیه جاپان وارد حرب شود .

۱۲ اپریل برزیل در روزولت در اثر خونریزی مغزی در ۶۳ سالگی در گذشت بعد از او معاونش های ترومن رئیس جمهور شد .

۲۸ اپریل دستگیری موسولینی بوسیله پارتیزانها هنگامیکه میخواست به سوی فرار کند .

۲۰ اپریل هیتلر در برلین خودکشی کرد گوبلز و زلش فرزندان خود را مسموم کرده و خودکشی نمودند .



نگاه اجمالی بر مناسبات آلمان و اتحاد شوروی

نویسنده آلمانی: میرمن، گریفین دونهوس

بخاطر تصویب قراردادها :

وسعت خیره کننده یک کشور مقتدر .

در صحنهٔ پرماجرایی اروپا دولت روسیه پس از عرض اندام لئود، هاول زیتنه مؤرخ معاصر معتقد است ، تا سال ۱۷۰۰ عیسوی هرگاه شخصی بخواهد تاریخ اروپا را بنویسد هیچ ضرورت احساس نمیکنند نام روسیه را در آن بگنجانند ، در حالیکه ما آلمانها با همسایه غربی خود (فرانسه) روابط تاریخی هزارساله داریم بمقایسه آن تماس ما با روسها یک زمان کوتاه را احتوا می کند .

اگر ما بتاریخ روسیه آنچه را که آثار و نوشته ها راجع به رژیم جدید اتحاد جماهیر اشتراکی شوروی اثبات میکنند نظر افکنیم تاریخ مناسبات ما با کشور شوروی هنوز هم خلص تر می شود که آغاز این جریان جدید را میتوان سر از سال ۱۹۱۷ شمرد و نیز به نزد آلمان های که بعد از جنگ بین المللی اول (۱۹۱۴-۱۹۱۸) هنوز حیات دارند اوضاع حاضر و بصورت شهر مستقیم و نیز عصر گذشته به شمول جنگ سرد که در خلال دو حرب بزرگ دوام نمود همه را توالی حوادثی می پندارند که در فضای مناسبات دو کشور نمایان گردیده است .

سیر مناسبات ذات البینی طوریکه میان روسیه و آلمان جریان نموده آنقدر پیچیده و پراز تضادها و صفات سیاه و سفید آکنده از عشق و نفرت است که به هیچ قوم دیگر مشابه آنرا نمیتوان یافت .

مردم روسیه از عهد پتر کبیر تا آوان اشتعال جنگ دوم همیشه مقتون و دلدادۀ قابلیت و پرکاری مردم آلمان و مسحور آثار فیلسوفان و موسیقی دانان و مخترعان آن بوده و در عین زمان با توجه عمیق معمای خرده بورژوازی را در آلمان مطالعه میکردند و از سال ۱۹۴۱ نسبت خیالت آنها به ابدیتش و خوف افتادند .

پتر کبیر (۱۶۷۲-۱۷۲۵) نخستین فرمانروای بود که بعد از ۱۶۸۹ استقامت غرب را در پیش گرفت و بنام مستعار پتر

میخائیلوویچ بارتیه خرد ضابط در رأس یک هیأت و گاهی به لباس کارگری برای فهمیدن رمز تمدن و ترقی اروپائیان در قاره ای که هاوینا در مشغول کار و مطالعه شد و بطور ناشناس بدر بار های شاهان راه کشود و میخواست علیه ترکها یک اتحادیه بمیان آرد او بیش از یکنیم سال در غرب پائید و بعد توانست دو تصمیم مهم را بمعرض تطبیق قرار بدهد .

اول اینکه با اشتراک آلمانها (اول با ساکسونی ها و سپس با جلیب پروس ها) با سویدلی ها که آه وقت یک کشور قوی در شمال حاکمیت داشتند داخل پیکار گردید و دوم اینکه در آخرین کنار بحیره بالتیک واقع دهانه دریای نیوا برای مملکت خود یک پایتخت آباد نمود .

وی بعد از ۲۵ سال کشمکش و جدال با شمالی ها همبینه در بار خود را به شهر جدید پتر بزرگ (لنین گراد موجوده) انتقال داد کلتور اروپا را بزور و فشار در قلمرو خود پهن نمود و کشور روسیه را در ردیف ممالک اروپا جا داد .

با اصلاحات و اقداماتی که پتر کبیر بعمل آورد صفحه جدیدی در مناسبات آلمان و روسیه پدید آمد کسه آن آلمانها سهم بزرگی را به عهده داشتند ، اطباء ، افسران ، ماموران و متخصصان صنایع دستی از آلمان بروسیه سیل آسا سرازیر گردید چنانچه در سال ۱۹۱۴ تنها در شهر ماسکو ۳۰۰۰۰ آلمانی مصروف کارود .

در زمان ملکه آنا ایوانووا (خلف پتر) سه نفر آلمانی بدر بار پتر بزرگ وظایف بس مهم را به عهده داشتند مثلا فون بوهرن که از اهل کورلاند بود از باعث صغر سن ملکه تمام زمام مملکت را بدست داشت و اولدن بورگر که از مونیخ بحیث قیبلد مارشال امور نظامی را اداره میکرد و شخص بنام اوسترین پسر یک روحانی ساکن بوخوم که در وقت پتر معاون صدر اعظم و از رجال برگزیده سیاسی محسوب میشد بعد از مرگ او بعنوان آمر سیاست خارجی تمام موضوعات دپیلو ماتیک را رهبری مینمود .



فراق‌ها بحیث آزادکننده برلین در سال ۱۸۱۳ - اهالی با تعجب و خوف از آنها استقبال کردند .

وعقلی تحولات شگرفی ایجاد شد که تأثیرات آن تا ابر و ز ادامه داشته و دوام خواهد نمود، فلاسفه و ادبا و شعرای آلمان از قبیل (هردر شیللر و هانری دهاینه و غیره) به شدت از رویداد های روسیه متحسین شده و در آفریدن چکیده های مغزی خود از آن الهام گرفتند و نیز ادبیات روسیه با نشر آثار تکان دهنده و جاودان لئو تولستوی و داستایوسکی و از طرفی مارکس و انگلس که هر دو از آلمان بودند بکلی تاریخ روسیه را به شکل دیگر تبدیل و تثبیت نمودند.

همچنین در نیمه دوم قرن ۱۹ مناسبات روس و آلمان خیلی دوستانه بود و روس در جنگ کریمیا بیطرف باقی ماند و بعد از سال ۱۸۷۱ بسمارک صدراعظم وقت پیوسته می گوید تا موازله را قائم نگه داشته و از یک جنگ ارو پائی جلوگیری نماید در آلمان امپراتوری اتریش نسبت کشمکش های بالکان یگانه حریف روسیه محسوب میشد و آلمان با عقد پیمان سری (۱۸۸۷) در پهلوی روسیه قرار داشت همینکه بسمارک کناره رفت قرار داد مذکور تمدید نیافت و او ضاع تغییر یافت .

بعد از سنه ۱۹۱۸ هر دو دولت که در جنگ ضربه و خسارات زیاد دیده بودند بطور طبیعی در را پا لئو (شهر کوچک است در ایتالیا) با هم دست اخوت و اتحاد را فشردند مردم شوروی زحمت کشان آلمانی را همچو برادر مینگریستند و هیچ به عقل شان نمی گنجید که روزی از میان آلمان ها دیواله ای بنام هتلر با وجود عقد پیمان عدم تعرض بالای اتحاد جماهیر شوروی به هجوم برخیزد و همان معاهده منحوس (۱۹۳۹) را که هنوز رنگ آن خشک نشده بود پاره نماید.

در عهد زمامداری کاترین دوم (۱۷۶۲ - ۱۷۹۶) تعداد بیشمار مهاجرین آلمانی که اغلب دهقانان بودند در سواحل و لگا رحل اقامت افکندند و در آنجا اراضی را تحت زراعت در آورده باغ ها و فارم ها پرورشگاه های مواشی تأسیس کردند تا آنکه دو صد سال بعد در اثر هجوم هتلر (۱۹۴۱) بالای روسیه به غضب انتفا مجوئی ستالین دچار شدند و او یکم میلیون باشندگان آلمانی نژاد را تیت و پرک ساخت

در ساق نقش عمده و سوثر را در مناسبات دو کشور ازدواج های فامیل های سلطنتی ایفا مینمود و همچو وصلت ها مانند مسایل اید آلوژی خیلی پراهمیت تلقی می شد و اغلب پیمان ها مولود عروسی های سیاسی بود .

مشهورترین ملکه روسیه یعنی کاترین دوم اصلا صوفی آلهات تربست نام داشت که با پتر سوم ازدواج نمود و در عهد او دربار روسیه جایگاه لجبای ژرمانی نژاد گردید اما چون

مادر ملکه از دودمان زومالوف ها بود به لحاظ رعایت احساسات ناسیونالیستی ملت خود لقب رومالوف اختیار نمود و تا موقع انقلاب اکتوبر همین سلسله بالای روسیه حکمرانی میکردند.

اولین همکاری و هماهنگی صمیمانه در مناسبات دو کشور در زمان جنگ های آزادی ممالک اروپا (۱۸۱۳) مقابل ناپلیون بظهور رسید و روسها و پروسها که پهلوی هم در جنگ اشتراك داشتند و همینکه اردوی قهار ناپلیون در استوپه های پهنای روسیه به پروت و گرسنگی و مرگ مبتلا شد تزار الکسندر اول (۱۸۰۱-۱۸۲۵) که همچو مادر کلدن خود کاترین دوم دارای افکار مترقی و آزاد بخوانانه بود در آغاز برای خلق روسیه حقوق زیادی قابل گردید اما بازم مانند جده اش مجبور شد که به طرز مالک الرقابی و مطلق العنانی نامحدود سلطنت نماید و در اخیر سلطنتش زلدانها و تبعیدگاه از یگانگان لبریز گردید و خون های لاحق برف هارا گلگون نمود .

علت العلل اینجه ظلم ها و تساوت را میتوان در وسعت چشمگیر و ناپایداری سرزمین روسیه دانست که بسان سنگ آمیا تمام لبات و روپاهای زعمای خود را خورد و خمیر مینماید . در آن فرصت اتحاد نامیمون سه گانه که عبارت از منافع مشترک ارستو کراسی و بیوکراسی و کلیسا باشد دست بهم داده گلوی ملت را می فشرد امروز نیز ایجابات حزب و اوضاع نابسامان سیاسی و نظامی دنیا در برابر آرزو های لیبرال اثبات وجود نموده است .

مذاحمات آلمان و روسیه ؟ در قرن نهم له تنها نگاه نظامی تعاملاتی بمیان آمد بلکه از نظر معنوی و روحی

عشق و کینه بین دو ملت.

آلمان ها و روس ها بیگانه دو قوم بزرگ اروپا میباشند معذالك انسان متردد شده و میبرد آیا روسیه بقرب تعلق دارد؟ یا چطور؟

سوال فوق يك پرسش قدیمی و دعوی لاینحل است و روشنفکران روسی در قرن گذشته شب های طولانی کلمه های خود را پندانده بالای این مطلب که روس ها (غربی) میباشند بجر و بحث پرداخته اند از اینکه آنها آلمانها را غربی محض می پندارند جای گفتگو نیست و اگر آنها روی مجبوریت گاهی خود را از اقوام شرقی محسوب میداند از هزار سال به اینطرف سرزمین شرقی به نزد اروپائی ها هنوز هم مرموز و اسرار آمیز تلقی می شود.

اصل مطلب اینکه سؤ تفاهات تخمین های نادرست. جملات و تغییرات غلط نتوانست از ارزش تاریخی این دو قوم بکاهد يك سلسله مسایل مذهبی و ایدالوژیك با مختصات عنوانی و رسم و رواج ها و زبان با در نظر گرفتن شرایط مکان و زمان تاریخ مناسبات این دو قوم را تشکیل میدهد.

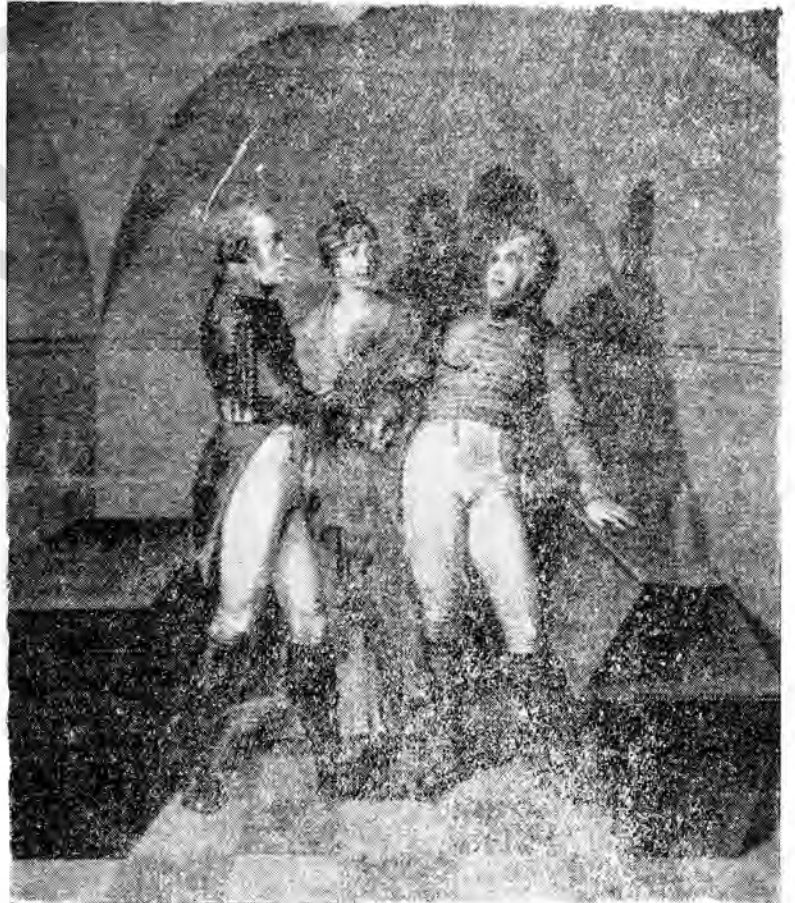
آنها گاهی یکدیگر را از جان و دل دوست داشته اند و گاهی بخون یکدیگر تشنه بوده اند نیش و فرازها را پیموده و همیشه یکی از دیگر انتظار دارد تا روی زمین را بالیکوئی

ها روشن و یا بازشتی ها تاریك و ملوث نماید. آلمانها (بعد اقل در اتحادی آلمان) هنوز هم در عصریکه (تلویزیون و توریزم بمعراج خود رسیده روسیه را معجون مرکی می پندارند که در آن ما جرای راسیوتین و داستان برادران کار اما زوف، قهرمانی گارین و یوتوشنکو، حکایه اناستازیا و فجاجه تزار ایوان مخوف با هم مخلوط گردیده و اتحاد جماهیر شوروی در واقع نمایشگر یکدنیهای رویائی و فلسفه آور میباشند که در آن تفت سما و ارچای و موزیک بالالایکا، ودکا، خاویار، معابد مذاهب مختلف با کلیساهای که گنبدها و ستاره های بهار نما دارند، دریاچه قوو سرود نفاقها با خصلت های خالص روسی انسان را مبهم و والذ خود می سازد.

امروز نیز غالب اشخاص ساده دل در آلمان فکر میکنند که ماسکو و پیترزبورگ و سائبریا بحال سابق باقیست و روسیه يك متر سرزمین بی التماس و وسیع و همیشه برف و برودت و غربت در آنجا حکمفرما بوده اعمال شاقه، ستمکاری، يك شکل حکومت جاسوسی و جا برانه اداره می شود و بالاخره روحیه عبارت است از بلشویزم دارای هرچم داس و چکش و ستاره سرخ ...

این طرز تفکر و فضاوت بیعتلانه از عهد شاعر و حماسه سرای مشهور (درانگ موریتس

بعد از جنگ اول جهانی که فقط آلمانها بلکه تمام کشورهای اروپا و اضلاع متحده اوضاع و کویف را در اتحاد شوروی بنظر شك و تردید میدیدند عدم زبان مشترک، اقوام و طوایف مختلفی که سیاست خارجی آن بر اساس ایدالوژی اوین بنا یافته بود هماهنگی این کشور بزرگ را در کانسرت دسته جمعی ممالک غیر مقدور و انمود میکرد و این سوال که اوضاع چگونه دوام خواهد نمود؟ تا امروز نیز مطرح بحث می باشد. قدر مسلم اینکه اتحاد جماهیر شوروی مانند يك قدرت بزرگ در سیاست و تاریخ جهان يك واقعیت انکارنا پذیر می باشد، حزب، دانش، قوه نظامی، سیستم اداره هر کدام برای پیشرفت و بر آوردن امکانات بهتر زندگی مبارزه میدارند. اینکه تصویب قرار داد های آلمان با اتحاد شوروی و جمهوریت مردم پولیند قدم بهم و فرصت دم بر آوردن را برای تحکیم مزید مناسبات آینده بین ماسکو فراهم کرده است و اکنون که به فصل طولانی و اندوهبار مناسبات دو کشور خاتمه داده شده در فصل جدید امید است آینده بعوض محبت های زود گذر و کینه ها و بی اعتمادی ها هر دو طرف از عقل ساجم و منطق خلاق خود کار گرفته و کاخ دوستی شان بدون خلل استوار تر گردد. و اینک به نوشته (کارل هینس یالسن) همدربین موضوع می پردازیم



نومبر ۱۸۰۵ تزار الکساندر اول و پادشاه پروس فردریک ویلهلم سوم با ملکه لویز بالای تایوت فردریک کبیر بیجان اتحاد بستند سوگند



ستمبر ۱۹۷۱ - بعد از سالها جنگ گرم و سرد نشویند بر ژلیف سکرتر
عمومی حزب کمونیست از ویلی براند صدراعظم اتحادی آلمان در قصر
کرملین استقبال نمود و دوره جدیدی در تاریخ دو کشور آغاز شد

قشون بزرگ نامیده میشد ۱۵۰۰۰ نفر آلمانها تشکیل
میداد بتاريخ ۲۲ جون همانسال امپراطور فرانسه در امریومه
خود خطاب بسربازان نوشته بود :

« نفوذ نامطلوب روسیه از پنجاهسال به ينطرف در مسایل
اروپائی رخنه نموده و میخواهم به آن خاتمه بدهم » .

تخمین ۱۲۹ سال بعد در همان ۲۲ جون و با همان عبارت
ادولف هتلر سه ملیون سرباز آلمانی را جهت برپاداشتن روسیه
بحرکت در آورد و بهمان سرنوشت رسید که ناپلیون به آن رسید
يك خاطره از جنگجویان ۱۸۱۲ :

اینك يك نمونه از اثرات جنگ ۱۸۱۲ : در شرق در فواصل
بعید ستونهای دود بلند است تمام ساحه هموار و بابتوه هامستور
و به شكل خرابه در آمده فضا از باعث مارش سربازان پوشیده
از خاک می باشد گر ما طغیان نموده و قوای ما مناطق روسیه

درلذت ۱۷۶۹ - ۱۸۶۰) هنوز هم
در بعضی مغرها وجود دارد

شاعر مذکور در یکجا چنین آورده :
روصها مردم سرتیر و سلحشورند
اما اکثر خاصیت غلامان خوش باور
ولوده رادارند و بعاند مزدوران و
پیچارگان همیشه به تقدیر و سر نوشت
توکل نموده بارگران زندگی را
بدوش میکشند .

مارکس و انگلس و نیز بعضی
محافظه کاران و سوسیال دیه کرات
ها روسها را طور ایف بربرهای آسیائی
محسوب می کنند .

هتلر آنها را آذخور میخواند و
به قوای اس اس دستور داد تا روسها
را مخلوقات پست تر از نژاد انسان
بدانند و همچنین اذ ناور صدراعظم
سابق اتحاد شوروی رادشمن سر سخت
کلتور و تهذیب آلمان می نگارت .

قتضات ستالین : برهم است که
همچو عقاید سخیف در طرف مقابل نیز
وجو داشت روسیه مهاجرین آلمانی
را چینی و نامیده ملت جرمن را طایفه
نوبدوران رسیده و مردم نادیده و تنگ
نظر می نامیدند که حیات و خصایل متین
شرقی هارا مدام تحقیر می کنند و به
اهانت نمودن شئونات و مقدسات ملل
دیگر میلان دارند .

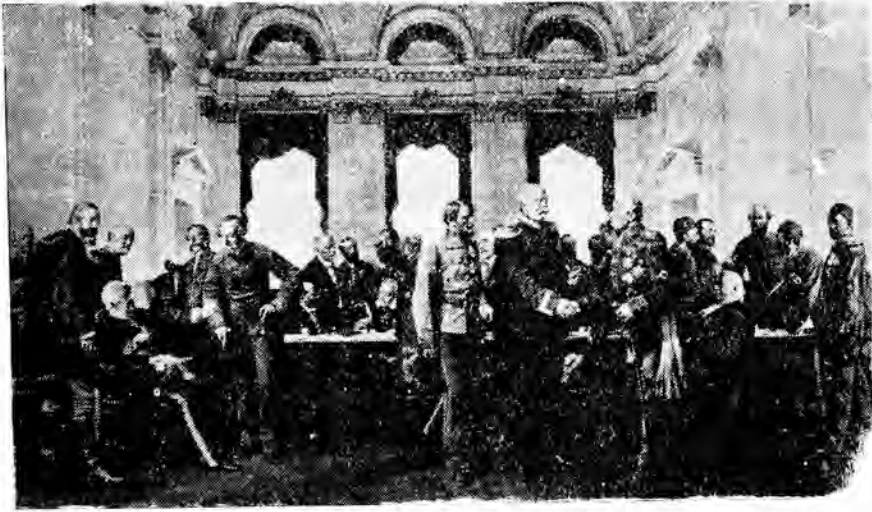
ستالین شخصاً به کرکتر آلمانیها
احترام قایل بود و آنها را مردم صدیق
و امین می پنداشت اما بعد از عهد شکنی

۱۹۴۱ و نبره های تباه کن در او کراین عقیده اش برگشت و
میگفت که آلمانها عبارت از وحشندها دارای یکنوع سادیسیم
مخصوص اند که در برابر موجودیت و بقای بشر کینه توزانه
و بقدرت خستگی ناپذیر عکس العمل نشان میدهند .

بدگمانی و بی اعتمادی مقابل آلمانها همیشه همراهی احترام
و اعتراف به فعالیت و زحمتکشی آنها به اوزات هم در روسیه
طی طریق نموده است که ما تا دوره های قرون وسطی آثار
آنها یافته می توایم یعنی از همان موقع که به صفت سربازان
اجیر و سودا گر و مسیور مذهبی از سواحل بالتیک در پهنای
خاک روس نفوذ نمودند .

بهرمنوال اولین تماس و ملاقات بزرگ این دو قوم در
سال سرنوشت (۱۸۱۲) واقع شد در آن موقع ناپلیون با پنج
لک سپاهی مجرب به ماسکو رسید و این اردو که « گردن آرمه »

۱۸۷۹ - بیسمارک دست سفیر روسیه
 شووالف را می فشارد اما صدر اعظم
 روسیه (نشسته طرف چپ) احساس میکند
 که آنها درین کنگره حق تلفی نموده -
 اند .



افسانوی آنها گوش میدادند آنها قصه میکردند که طوایف
 ویاجوج و ماچوج و نلستیها را که همچو مور و بلخ حساب
 شان به خالق انس و جن معلوم است به چشم سردیده اند
 و هرگاه همه انسانها بایکریگر متحد نشود شاید روزی
 از روزها درصدها سال بعد مورد هجوم و تقامی این مخلوقات
 واقع گردند ... و همچنین بسا انصص دیگر که مورخان شرق
 دریک جمله فیلسوفانه خلاصه کرده اند، می آیند، می سوزند،
 می کشند، میرند و میروند همزمان با اوضاع فوق اهالی
 اقوام آلمانی نژاد نمایندگان عالیرتبه و صاحب منصبان
 دولت تزار را از نزدیک ملاحظه نمودند، جنرال کو توزوف
 قوماندان اعلی و قهرمان روسی طی فرمان جداگانه واضح
 ساخت تا سربازان او در اروپای وسطی نباید به حیث اشغال
 کننده و فاتح رفتار نمایند بلکه باید خود را منجی و آزادی
 بخشای سائر ملل بدانند .

روی همین منظور ابتدا در برلین مردم روی باشقراهای
 (طایفه وی در روسیه) بروتی را میبوسیدند و حتی اسپان شانرا
 مانس میدادند اما بتدریج اشغال کنندگان روسی تحمل ناپذیر
 و به اصطلاح بار اضافه شدند سوار کاران قزاق مزارع
 آباد را مبدل به صحرا ساختند قوماندانان نظامی در شهرها
 با خشولت رفتار میکردند یک نفر بطور گواه چنین نقل میکند .
 «دوستان روسی ما کمتر از فرانسویان اشغالگر نیستند یک
 روسی دو چند یک فرانسوی طعام میخورد و هشت برابر آن
 مشروب می نوشد»

گفته شاعر تو اله آلمان با اوقات تلخی می بوسد، قزاق
 ها ، با شقیرها، مجاها ، کدوواتها، کازوینها، ساملندها و
 سوران سواری نژادهونها از مقابل پنجره ام میگذرد از صبحگاه
 خطرانی متصور است که عاقبتش بخیر باد ؟

به اینصورت اولین ملاقات بزرگ این دولت اثرات تلخ
 و بی مزه در ذایقه های بعدی بار آورد و ازهما فرصت ترس
 از قزاق ها در استخوان آلمانها جا گرفت بعدیکه صلح

سفید را بپیموده و از برابر کلیه های محقرو فلاکت زده دهاقین
 عبور میکند آب چاهای ذخیره قابل شرب نیست پشه ، مگس
 خسک و شپش هاسربازان را که از سبب مارش چبری خسته اند
 اذیت می کند از طرف شب دهاتیان مسلح قابو داده از جنگلها
 شبخون میزنند و هنگام روز قزاق هادر اطراف قوا به چهارنعل
 تاخت و تاز نموده و یاب به دیده بالی می پردازند هرگاه روس ها
 جنگ امایند با وجودیکه سوق و اداره شان خراب است دلیرانه
 پیکار می دارند و همینکه دیرها به غرش می آید تمام راه ها را
 لای ولجن فرا میگیرد و بالاخره نیروها که مثل چینی باهم
 در آمیخته بدروازه ماسکو میرسند و آنکاء جنرال (سرما)
 با بیرحمی دسراز روز گارشان درمی آورد و چون لباس
 زمستانی و نان ندارند آخرین توانائی شان به تحلیل میرسد
 بعد تر به قوای متجاسر و متجاوز ناپلیون خبرهای اندوهبار
 میرسد و آنانیکه زنده مانده اند پیشگوئی یک و اعظم یومرانی
 را بیاد می آورند که گفته بود، در آغاز شاهد پیروزی را در
 آغوش میکشید بعد هیولای برگ شما را در آغوش میکبرد
 روسها شما را در لای پرچم های مجلل دولت بزرگ تان خواهند
 پیچید و همینکه بخوبی ضعیف شدید سرمای نهایت سخت بسراغ
 شما خواهد آمد و عوض دشمن ناخصومت طبیعت مجادله خواهید
 کرد در آخر روسها مجدانه جنگ آغاز نموده، ماندگی و گرسنگی
 همه را از پا در خواهد آورد و تعداد قابل به دوکان خود برگشته
 بدیدار یار و دیار خود نایل می شود .

اینجا و آنجا روسها اسرای از با افتاده جنگ را کشان کشان
 با خود میبردند و آن بدبختان با دیدگان حیرت زده از خلال وحشت
 و فلاکت هاشنگی های مناظر را تماشا میکردند و از غنای طبیعی
 آنکشور مهموت می گشته اسیران سرگشته حال در ساقبریا از
 طرف اقوامیکه بدوی و خیلی ابتدائی بودند با خوشحالی و صفای
 طبیعت استقبال شدند و بعد از سالها دوسه هزار آلمانی که
 بوطن خود برگشتند اهالی و بستگان شان مانند اینکه حیوانات
 عجیب و غریب را می بینند از آنها بدرقه نموده و بداستانهای

وصفای یکصد ساله آنرا ازاله و یا تنقیص مینمود بلکه با افزایش قدرت روز افزون روسیه این رعب و خوف اضافه گردیده و روسها امز چنین درك نمودند که خدمات آنها برای آزادی اروپا بدون پاداش و حق شناسی و حتی موجبات بی اعتمادی هارا فراهم آورده است اما این احساسات و حساسیت های مانع آن نشد که آنها به ادبیات و دانش و فرهنگ آلمان علاقه بگیرند و بسرعت محصلان روس در تالار های کنفرانس و درهای کرسی های خطابه با استراق سمع مشغول شدند و از خوانن جملات و فلامسفه و دانش مندان آلمانی بهره اندوخته و دنیا را بسوی یک انقلاب تکان دهنده کشانیدند .

انقلابیون دریك و اگون ریل آلمانی

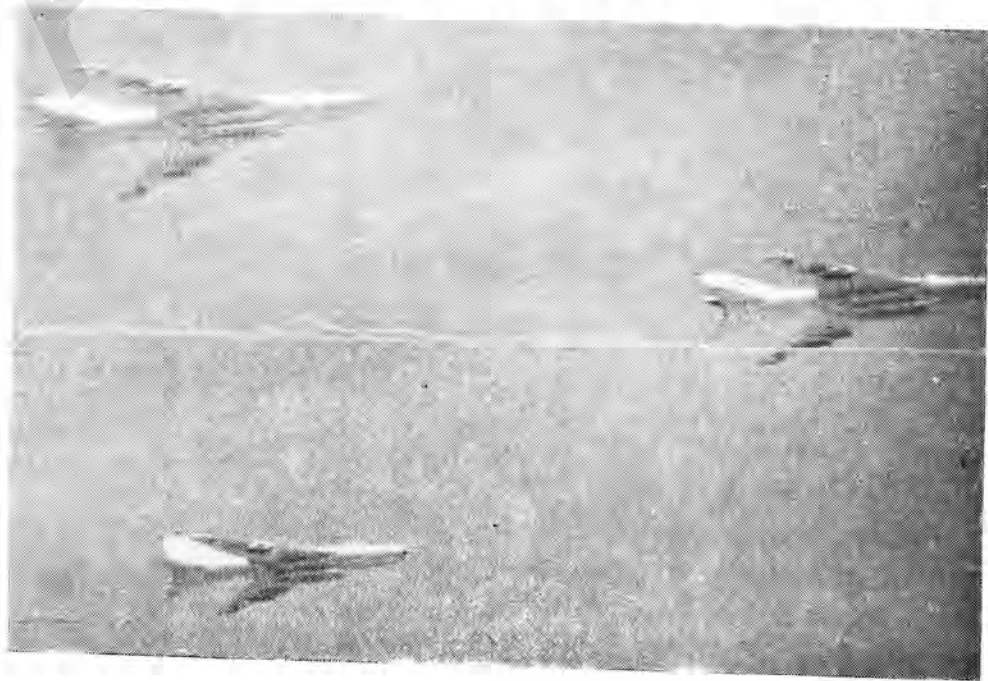
مقدرات سیاسی روسیه و آلمان سر از همین فرصت به یک شکل مشخص جریان نمود و ولی فون کوردلریکی از دوشی های متدین بالتیک که آلمانی الاصلی بود در قلب تزار الکسندر اول آتش پیمان مقدس را شعل و ساخت و شاهان مسیحی دول روسی و بروس و بروس و ووتریس که در حرب فیصله کن لائیزیک سقوط فاتح اروپا و باینده تاج ها یعنی ناپلیون را فراهم ساختند با عقد پیمان مقدس در سال ۱۸۱۵ اتحاد خود را محکم نمودند .

چندین سال بعد بیسمارک صدر اعظم وقت با استفاده از نیات بیطرفانه در بار پتر ز بورگک توانست از ملل مختلف آلمان رایش دوم را بحیان آرد و بایک ضربت موازنه اروپای آنوقته را برهم زد و در نتیجه قرن بعد دولت تزاری روسیه از هم پاشید .

دولت قیصری آلمان با مصرف ملیون ها مارک خلائی در خلال جنگ اول بین المللی جنبش های انقلابی روسیه حمایه کرد و توسط يك داگول سرغیج شده که مخصوص حمل و نقل اموال بود زیر مراقبت هاسباانان نظامی لیتن و رفقایش از بین آلمان برای برها ساختن انقلاب جهانی عبور نمودند .

در آوالبیکه حزب نازی هنوز جوان بود سلطنت طلبان و پناه گزنان روسی مقیم مونخ هتلر را با اعانات نقدی و مالی تقویه می کردند تا عملیات تو طه گران جهان یهود را مقیم بسازد .

دوستی آلمان و روسیه بارها با خون امضاء و مهر شده است در ۱۸۰۷ معاهده دپلودر پروشیا . به سال ۱۸۱۳ ضمن پیکار دول متحد علیه ناپلیدل در لائیزیک ، در سال ۱۹۳۷ ضمن جنگ های داخلی هسپانیا با لوای سرخ ، و در سال ۱۹۳۹ قبل از حمله به پولند .



بك گروه از جت های قوای هوایی اردوی شاهي افغان که در رسم گذشت جشن استقلال امسال اشتراك ورزیده بودند .

قوای هوایی که امروز با طهارات مدرن و عصری مجهز گردیده برای ایفای هر نوع وظیفه حاضر میباشد .

بعد از متار که ۱۹۱۷ - سر یازان
اتحاد شوروی و آلمان با هم رادرا نه
بغل کشی نمودند اما دیرری اپائید به
امراودند و فار دوی آلمان تادریای
نارو اودون پیشروی اوردند .



بیمان بیطرنی بین آلمان و روسیه تعاطی گردید در آنموقع فردر
یک کبیر نفس راحت بر آورده و در حالیکه میدانست معاهده
کاملا صادق نیست بکا ترین دوم ملکه روسیه چنین نوشت
مادام - خواهر گرامی! با رضایت بی پایان قرار دادی را
که با امضای علیا حضرت شما توشیح و بصره رسیده دریافت
نمودم من این صفحه سعادت بخش را یک نقطه تحول برای
تهداب گذاری متاسبات خیلی نزدیک هر دو ملت تاتی میدارم
و از خداوند میخوام تا همیشه جاودان باقی بماند .

مادام! تا جائیکه بمن مربوط است با تمام قوامیکوشم ارتباط
دوستانه ما ادامه یابد و همزمان در قبال آن حاضر از منویات
عالیه شما با طیب خاطر استقبال بدارم «
استقبال و طیب خاطر پادشاه پروس تا وقتی دوام نمود که
بدون اطلاع قبیلی ملکه یکی از همدمان پیشین او بنام (ستانیسلا
و پولیا توفسکی) را به حیث پادشاه پولند انتخاب و حمایه نمود
باساخت و بافت های اتحاد سری علایق مشترک روس و پروس
در مورد سوال پولند تحکیم یافت که این وضع برای سیاستمدار
آن نسل های ما بعد الی اگست ۱۹۳۹ نمونه و سرمشق گردید .
باقیدارد

والی اصل قرار داد های اخیر را باید خاتمه و خشک کننده
در یا های خون دانست .

موقعیکه ادناور صدراعظم اول بعد از جنگ دوم جهانی
از اتحاد شوروی دیدن میکرد خرو شچف بالای میز ملاقات
غریبه و خطاب کنان گفت در اتحاد شوروی هیچ فامیلی وجود
ندارد که یکی از عزیزان خود را در جنگ اخیر از دست
نداده باشد !!

خرو شچف در حالیکه از خشم میلر زید افزود « باید برای
بقای بشر از همه اولتر طرفی جستجو شود تا از یک جنگ سوم
قباه کن جلوگیری بعمل آید » .

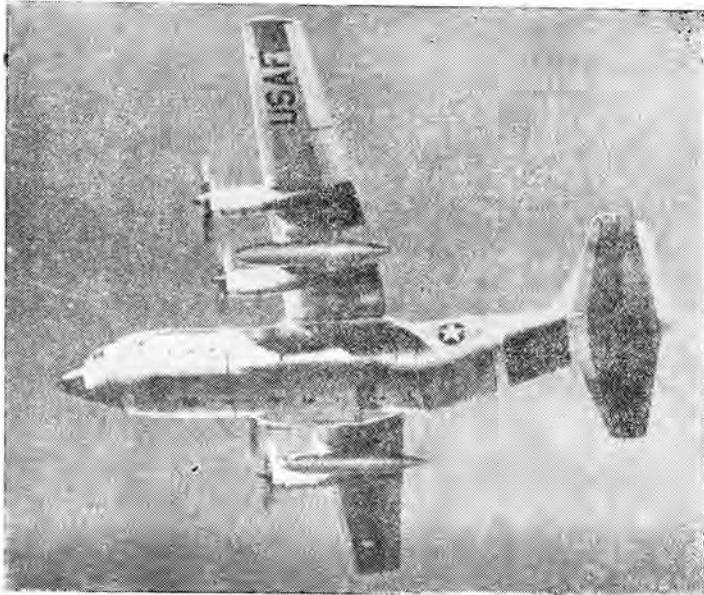
بعد از سالها جنگ گرم و سرد اینکه هر دو طرف آماده
شدند تا منظور اجتناب از تجاوز و کشتار و بخاطر صلح و صفای
دو امدا ر قرار داد های عدم تعرض را عقد کنند که آنرا نیز
پارلمان آلمان تصویب کرد . شرایط و امکانات موجوده برای
بقا و تامين صلح در اروپا ، موجوده البته از هر جهت نسبت
به اولین معاهده صلح که دو صدسال قبل بین دو دولت امضا شد
مساعد تر و مطمئن تر میباشد دو قرن پیش (۱۷۶۴) اولین

- استقلال : با خون بدست میآید و
- با خون حفظ میشود .
- استقلال : مایه دوام و بقای هر قوم
- وملتی است .
- استقلال : وقتی بخطر میافتد ،
- زندگی بخطر افتاده است .
- استقلال : همانند گرانبها ترین
- گوهر ها باید نگاهبالی شود .
- استقلال : از جان گرامی تراست ،
- چه مردم وطن پرست بخاطر آن جان
- را لذا می سازند .
- استقلال : شیراز . بند کتاب آزادی
- و ترقی یک ملت است
- استقلال : بر پایه و طن پرستی
- استوار است .

استقلال

فراغت

حتی یک مثال هم نمی توانید از آدمی بیاورید که به خود
روا دارد که وقت خود را بکشد ، و دچار ملالت و خستگی
نشود .
(جورج البوت)
در این تماشاخانه زندگی بشری ، تنها خدا و فرشتگان
می توانند تماشاچی باشند .
(فیثاغورس)
هرگز فراغت من کمتر از آن وقت نیست که فراغت
دارم ، و تنهایی من کمتر از آن وقت که تنها هستم .
(سکپیوی آفریق بی)
روز های استراحت روز های طلائی است . (سوئ)
فرصت و فراغت رنج است ، اگر چرخهای ارا به زندگی
را بسرداریم ، کشیدن بازان بسیار دشوار میشود . (یالک)
فراغت برای مردان پر مشغله و مشغله برای مردان پر
فراغت ، بسیاری از دردها درمان می کنند . (استرل . سی ثرل)



c - 130 c

طیارات ترانسپورت قوای هوایی اضلاع متحده امریکا



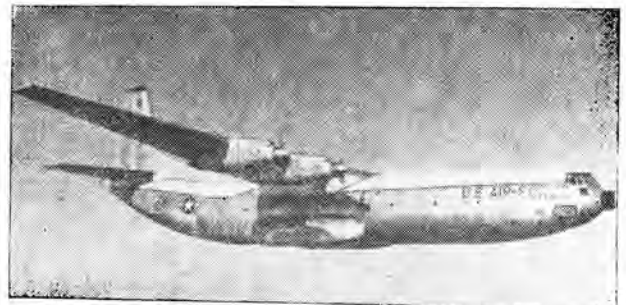
انواع طیارات ترانسپورت قوای هوایی امریکا نسبت به دیگر طیارات زیاد است و سبب آن اینست که از طیارات خیلی سابقه تا حال استفاده میشود که از آنجمله یکی آن طیاره C-47 میباشد که از سال ۱۹۳۰ تا حال در قوای هوایی خدمت می کند طیاره مذکور در قوای هوایی ۶۰ مملکت دنیا به حیث طیاره ترانسپورت استعمال میشود .

طیاره C-5 قوای هوایی اضلاع متحده در سال ۱۹۷۲ ع ۶۵ عدد از این طیارات گول بیکر را در قوای هوایی خود پرواز داد و ۱۵ عدد دیگر در سال ۱۹۷۳ به آن اضافه خواهد شد طیاره مذکور ۲۴۷،۸ فوت طول دارد فاصله بین دو نوک بال آن ۲۲۲ فوت و ۸ انچ میباشد. دارای چهار عدد الچین تور بوفن TF-34 ساخت کمپنی . General elec tric که هر کدام

آن ۱۰۰۰۰ پوند قوه کشش دارد میباشد .
سرعت میعنه طیاره C-5 ۵۳۰ میل فی ساعت است مقدار ۲۶۵۰۰۰ پوند بار را به فاصله ۲۸۷۵ میل نقل داده میتواند و اگر از بار آن کاسته و به مواد سوخت آن اضافه شود ۱۰۰۰۰۰۰ پوند بار را به فاصله ۲۳۲۵ میل نقل داده میتواند. وزن برخواست آن بین ۷۲۸۰۰۰ و ۷۶۴۰۰۰ پوند میباشد. طیاره

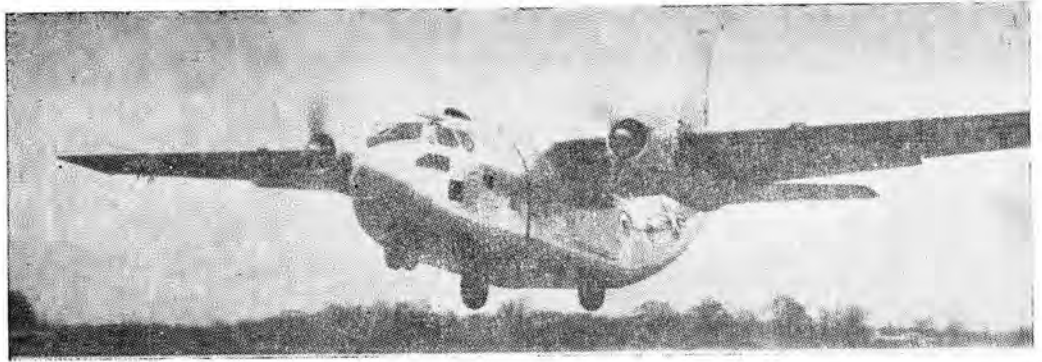
مذکور در قوای هوایی جای طیاره C-133 را که یک طیاره باربر است اشغال نموده است. طیاره C-133 در این اواخر از قوای هوایی خارج خواهد شد .

طیاره C-141 ، طیاره C-141 یکی از طیارات مهم ترانسپورت قوای هوایی اضلاع متحده بوده که اضلاع متحده در بین سال ۱۹۷۲ به تعداد ۲۷۵ عدد از این طیارات را خواهد داشت که از آنجمله ۱۳ کندیگ آن در خارج امریکا متمرکز خواهد شد طیاره C-141 برای حمل کردن پرسونل و بار های خفیف استعمال میشود .



C-133

C-123



میباشد مجهز است طول بدن آن ۱۳۶ فوت و فاصله بین دو انجام بالهای آن ۱۳۰ فوت و ۱۰۰ الچ است سرعت اعظمی آن ۶۰۰ میل فی ساعت ، بعد پرواز آن ۵۰۰۰ میل و وزن برخواست آن ۲۹۷۰۰۰ پوند است .

داخل ستر را به فاصله ۲۲۰۰ میل به سرعت ۵۲۰ میل فی ساعت حمل کرده میتواند . طول بدن آن ۱۱۴ فوت و فاصله بین دو انجام بال های آن ۳۴ فوت و ۵ الچ میباشد و وزن برخواست آن ۱۰۸۰۰۰ پوند است .

طیاره مذکور دارای ۱۴۵ فوت طول و فاصله بین دو اوك بال آن ۱۶۰ فوت میباشد. در طیاره C-۱۴۱ چهار عدد انجن توربو فن به مارک TF-۳۳-۷ نصب شده است که هر کدام آن ۲۱۰۰۰ پوند قوه کشش تولید می کند. طیاره مذکور ۶۰۰۰۰ پوند بار را در یک پرواز به مسافه ۴۶۰۰ میل به سرعت ۵۰۰ میل فی ساعت نقل داده میتواند .

وزن اعظمی برخواست آن ۳۱۸۰۰۰ پوند است .

طیاره C-9 : طیاره C-9 که فعلاً جای طیارات DC-6 و C-۱۲۱ را در قوا هوایی اضلاع متحده اشغال کرده است و در آینده قریب C-9 و بوینگ ۷۳۷ جای طیارات T-۲۹ را در قوای هوایی خواهد گرفت . طیاره C-9 دارای دو عدد انجن جت به مارک 9T8D-9 بوده که هر کدام آن دارای ۱۴۵۰۰ پوند قوه کشش است . طیاره مذکور ۴۰ نفر مریض



C-9

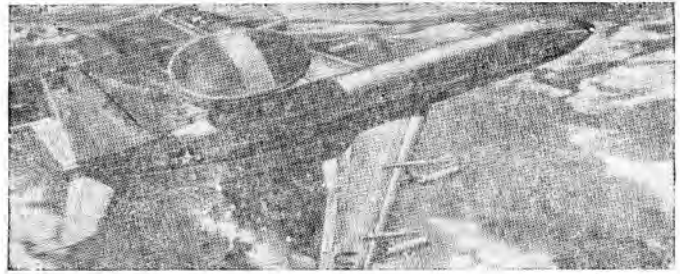
طیاره C-۱۴۰ : از طیاره C-۱۴۰ در امور حمل و نقل پرسونل ، امتحان کردن امتیاشن های کشافی و سیستم مخابره هوایی استفاده میشود . طول بدن آن $\frac{1}{2}$ ۶۹ فوت و

طیاره KC-۱۳۵ این طیاره یک ناکر بوده که مواد سوخت طیارات جت در آن جای دارد طیاره مذکور یک نوع از طیارات بوینگ ۷۰۷ میباشد که با چهار عدد انجن TF-33-9 که قوه کشش هر کدام آن ۱۸۰۰۰ پوند



C-140





طیاره بوینگ ۷۰۷ که دارای هشت انجن بوده
 و از آن به قسم محل قوماندۀ فضائی و استیشن رادار فضایی
 استفاده میشود

اضلاع متعده استفاده میشود طیاره بوینگ ۷۰۷ میباشد که به عوض چهار انجن جیت در آن هشت عدد انجن جیت نصب شده است. طیاره مذکور دارای یک آنتن رادار دایروی که ۳۰ فوت بلندی دارد میباشد. وظیفه طیاره مذکور کشف طیارات دشمن که به ارتفاع بسیار هست پرواز کنند و رهنمائی طیارات بالای آنها میباشد انجن های که در طیاره مذکور نصب شد بنام TF-۳۴ باد میشود و توسط کمپنی *General electric* ساخته شده هر انجن آن ۹۰۰۰ پوند قوه کشش دارد. طیاره Ec-۱۲۱ این طیاره که بنام *Warning star* یاد میشود در ویتنام، کوریا تا یوان، و تا بلند پرواز می کند و وظیفه آن رهنمائی طیارات شکاری به اهداف شان و کشف میباشد. طیاره مذکور بواسطه آلات الکترونیکی که از هوا به خط هوچی من انداخته شده حرکت دشمن و موقعیت آنها در اطراف خط مذکور تعیین کرده میتواند. قواء هوائی اضلاع متعده می خواهد که در آینده قریب حمل قوماندۀ فضائی بزرگتر و مجهزتر داشته باشد که برای این نوع محل قوماندۀ طیارات بوینگ ۷۴۷-۵ و DC-۱۰ مدنظر گرفته شده است. طیارات دیگر که در قواء هوائی امریکا به حیث باربر دار خدمت میکنند عبارت از ۵۴-C، ۹۷-C، ۹۷-C، ۱۲۱ و KC عبارت میباشد که فعلاً در قواء احتیاط هوائی پرواز می کنند.

میشود. هر کلیس با داشتن وزن ۲۵۰۰۰ پوند مسافه (۴۵۰۰) میل طی کرده میتواند!
 طیاره مذکور قدرت حمل ۹ نفر پرسول ۶۴ نفر عمه پراشوتی و یا ۷۴ نفر مریض بستر را دارد، وزن اعظمی برخواست آن ۱۵۵۰۰۰ پوند است طول بدن آن ۹۹ فوت و ۹ انچ و فاصله بین دو انجام بال های آن ۱۳۲ فوت و ۷ انچ است.
 هر کلیس با چهار عدد انجن تروبو پراپ به مارک ۷-۵۶ T مجهز بوده و سرعت نورمال آن ۳۰۰ مایل فی ساعت می باشد.
 از جمله طیارات بار بردار اضلاع متعده که تا حال از آن استفاده میشود طیارات ۷-C و ۱۲۳-C میباشد که در ویتنام جنوبی از آن به حیث طیارات بار بردار استفاده میشود در سال ۱۹۷۲ طیارات ۷-C و ۱۲۳-C و ۱۳۰-C از قواء هوائی آن مملکت اخراج خواهد شده طیاره دیگر که از آن به حیث محل قوماندۀ هوائی در قواء هوائی

طول هر دو بال آن ۵۴ و نیم فوت است طیاره مذکور با چهار عدد انجن جیت ۹۶۵ که هر کدام آن ۳۰۰۰ پوند قوه کشش دارد مجهز بوده ده نفر مسافر را به فاصله ۲۵۰۰ میل سرعت ۵۵۰ میل فی ساعت حمل کرده میتواند و وزن اعظمی برخواست آن ۱۰۰۰ پوند میباشد.
 طیاره ۱۳۰-C = این طیاره در قوای هوائی اضلاع متعده بنام هر کلیس یاد میشود. ۸۰۰ عدد از این طیارات در قواء هوائی امریکا خدمت می کند، ۱۴ مملکت دنیا از این طیارات در قوای هوائی خود دارد هر کلیس برای حمل پرسول و بار به کار برده میشود. در ویتنام جنوبی از طیارات به قسم طیاره بمبارد استفاده میشود که بم های ۱۵۰۰۰ پوند را در جنگل ها پرتاب نموده و برای شست و شوی کوهترها میدان می سازد در علاوه از طیاره ۱۳-C در قواء هوائی به قسم تانکر شفاخانه فضائی و فتوگرافی استفاده



C-7

مطالب بسیار جالب راجع به فوتبال و تاریخچه آن



با معرفی ورزشکاران و تیم های مشهور فوتبال

تتبع و نگارش: تورن میر حسام الدین «مجتبمی»

تخنیک عالی و ظریف تا یک پیمانۀ زیاد این خشولت های ورزشی را از بین برده است .

قراریکه مورخین اظهار عقیده میکنند در نخستین بازی فوتبال که در حقیقت باعث پیدایش فوتبال امروزی شده عوض توپ از کله يك انسان استفاده بعمل آمده. قرار تحقیقات سالهای بسیار دور این سربریده متعلق بیک عسکر دشمن انگلیس بود که در میدان جنگ سربریده آنرا عساکر انگلیسی بیک دیگر توسط هاسی الداختندبا به اصطلاح هاس میدادند. که قرار اظهار نظر مفسرین ورزشی بازی فوتبال از همین جا پیدا شده. از آن تاریخ به بعد علاقه مردم فوق العاده به بازی فوتبال توسط جسم کروی زیاد شد. تا اینکه انگلیسی ها به نسبت عدم برقراری روابط نیک با همسایگاننش که در حقیقت باعث دشمنی و کدورت میگردد بازی فوتبال را بک گناه بزرگ دانسته و به تعقیب آن در قرن چهاردهم دولت انگلستان بازی فوتبال را در تمام کشور غیر قانونی اعلام کرد.

اما برعکس تهودات فوق روز بروز علاقه مردم ورزش فوتبال اضافه تر شد و ورزشکاران زیاد در خفا به بازی می پرداختند. جزا و محرومیت های بشمار آنها را اضافه تر جرئت میداد تا به بازی خود ادامه بدهند. در وقت (جمیز سوم) مطابق قانون وضع شده آن هر مامور و کسبه کار و غیره که به بازی فوتبال می پرداختند بعد از طی کردن دوره حبس می باید در کلیسا و در حضور اسقف بزرگ از کرده خود پشیمان شده و طلب مغفرت میکرد. باوصف این همه تهودات باز هم فوتبال پیروز شده قوانین فوق بلغی قرار گرفته و مردم آزادانه به بازی فوتبال پرداختند .

جمهوریت مردم چین نیز بعد از انگلستان در فوتبال تاریخ

فوتبال با ورزش جهان شمول و همگانی از نگاه کیفیت و سادگی بازی در جهان امروزی طرفداران بسیار دارد که در شرایط کنونی ماهیچ ورزش دیگر را سراغ نداریم که تا این حد در دل های مردم جا داشته و از تماشاچیان بیشتر برخوردار باشد .

طفلیکه براه رفتن شروع میکند اولین مصبر و فیت او را زدن اجسام مختلف توسط پا که میتوان با آن اسم فوتبال را گذاشته تشکیل میدهد. همچنین کهن سالان زیاد نیز وقت فراغت خود را بیازی فوتبال گذشتا لده و به تشکیل تیم های مختلف میپردازند. زیرا فوتبال گذشته از آنکه یک بازی ساده و بسط است. همچنین ادامه آن برای دستگاه ها و اعضای مختلف وجود نیز فوق العاده مثر واقع گردیده و در راه سلامت انسان تاثیر بس بزرگ دارد.

روی گفته های فوق امروز در جهان علاقه مردم باین ورزش کهن با گذشت زمان فزولی یافته و بر تعداد تماشاچیان آن نیز فزولی بعمل میاید. چنانچه در برخی از مسابقات فوتبال در امریکا و اروپا از مدرله فروش تکت ادخال مسابقات ملیون ها دالر عاید دست میاید که این خود بخود از اهمیت و ارزش فوتبال نمایندگی میکند .

در اینجا قبل از آنکه به تشریح مواد با لایر داشته و ورزشکاران و تیم های مختلف ورزشی را طرف تجزیه و تحلیل قرار دهیم بی مناسب نخواهد بود تا در اطراف تاریخچه بسیار دلچسپ و خواندنی فوتبال نیز مطالب سودمند ارائه گردد . اگر تاریخ گذشته را مرور کنیم می بینیم که بازی فوتبال توام با خشولت و حتی ناقص ساختن و از بین بردن برخی از اعضای شامل مسابقات همراه بوده مگر گذشته زمان و داخل شدن

دو تیم مشهور فوتبال
حبیبیه و نجات که معرض
حاصل کردن مقام
آهرمانی پانزده سال پیشتر
سه مرتبه مسابقه کردند
که در نتیجه تیم فوتبال
حبیبیه قهرمانی را حاصل
کرد .



اتحادیه فوتبال در انگلستان کار بزرگی صورت داد که باید فوتبال با (ها) بازی شود و دست زدن خطای بزرگی شمرده شود که رفته رفته درین مورد قوانین تازه و مناسبی تدوین شد. امروز تنها مساله که در فوتبال وجود دارد و قاعده اندازه گنگه میباشد قوانین مربوط به (افساید) است. فوتبال امروزی که ورزشکاران و تیم های مختلف ورزشی به آن میپردازند و تعداد کثیر تماشاچیان از آن دهن می کنند. نتایج زحمات چندین هزار ساله میباشد که بشرائط عالی امروزی رسیده که تخنیک بهتر در راه رسیدن به هدف ورزشکاران را فوق العاده کمک کرده است .

در اینجا باید علاوه کنیم که در عصر موجود فوتبال بازان بدو دسته تقسیم میشوند یکی فوتبال بازان آماتور و دیگر فوتبال بازان حرفه ای . که بصورت عمومی فوتبال بازان مکاتب، فاکولته ها و شوقی ها فوتبال بازان آماتور را تشکیل میدهند. مقصد این ها تأمین صحت و سلامتی ، مصروفیت و تفریح سالم و برگزاری مسابقات رقابتی درین طلاب مکاتب و پوهنشی ها میباشد .

اما گروپ حرفه ای ها آلهائی را تشکیل میدهد که فوتبال زندگی آنها را تشکیل داده و از این راه ، تأمین حیات میکنند کلبها و باشگاه های مختلف جهان برای بدست آوردن این نوع بازیکنان بعضاً مبالغ هنگفت و حتی مراسم آوری را صرف میکنند .

بعضی از بازیکنان این نوع کلب های ورزشی حتی چند صد هزار دلار اضافه تر از باشگاه خود دریافت کرده و در جریان مسابقات بر علاوه این مبلغ پول زیاد دیگری نیز دریافت میدارند که در نتیجه سطح زندگی آنها فوق العاده عالی و دارای پول سرشاری میباشد .

چنانچه (بی له) سلطان فوتبال جهان امروز دارای چندین فابریکه ، کلب های متعدد و یک تعداد پول کافی میباشد که در شرایط فعلی از معاصیه دقیق عایدات اش عاجز میباشد جورج

کهن دارد. قرنهای پیش در سرزمین پهنای چین امپراتوری بنام (هوانگ متین) که از همه چیز بیشتر به سلامتی افراد خود ارزش قایل بود حکومت میگردید به همین اساس بازی (توه کوه) را که یک نوع بازی دسته جمعی و بحال دوگروپ بود اختراع کرد. که در زمین هموار و وسیعی انجام میشد توپچی را که از هشت تکه چرم دوخته شده و داخل آن از پر یا پشم پر میشد. و هر یک از بازیکنان می کوشید تا توپ را از خط مرکز عبور داده و آنرا بطرف مقابل برساند در نتیجه موفقیت نصیب همان شخص میشد. اکثر عقیده دارند که این بازی پدر فوتبال امروزی میباشد .

در آن وقت این بازی صرف به عساکر تعلق داشته و میان توده های غیر عسکری راه نیافته بود. اما بعد از یک مدتی این بازی به جاپان نیز راه یافت که جاپانی ها از خشونت آن بازی تایک حد زیاد کاسته و اسم آنرا (کماری) گذاشته و رنگه مذهبی بآن دادند. که صرف روحانیون و نجبا آن بازی را انجام میدادند هنوز بعد از گذشتن قرنهای جاپانی ها در فصل خزان آن بازی را طی مراسم خاص مذهبی انجام میدهند .

در نقاط دیگر جهان نیز بازی فوتبال بزود ترین فرصت راه پیدا کرد و با انواع و اشکال مختلف بازی میشد. زمانی باهفت نفر مسابقه فوتبال را انجام میدادند که بعد به ده نفر ارتفاع پیدا کرد. البته درین زمان توپ را با دست نیز میزدند. ولی در سال ۱۸۶۲ درین ورزش تحول عمیق پدید آمد و گروهی در انگلستان فصد داشته که الجمن جداگانه بنام الجمن فوتبال بوجود آوردند. این جدو جهد و تلاش بروز ۲۶ اکتوبر سال ۱۸۶۴ شکل گرفت و اتحادیه های فوتبال بوجود آمد روی همین اصل مردم نژاد الکلوساکسون را بوجود آورده و استاد فوتبال جهان میدانند و به همین مناسبت بود که صدمین سال تشکیل سامان فوتبال را جشن گرفته و قیمی از مراسم جهان برگزیدند تا با تیم انگلستان بازی کنند

بست با بی چارل تون، بکن بوئر و امثال آنها را نیز نمی توان کمتر از (بی له) دالست که هر یک دارای بهترین زلدگی می باشد که عاهد موجود آنها از همین راه فوتبال تامین شده است .

خلاصه تب فوتبال حرفه ئی اکثر جهان را فرا گرفته و صاحبان کلب های شخصی با ثبات های شدید و با مصرف مبلغ هنگفت می خواهند بهترین فوتبال بازیان آماتور جهان را خریداری کنند چنانچه همین بی له ، جورج بست، بکن بوئر با بی چارل تون که در بالا از آنها یاد شد همه در گذشته آماتور بودند مگر فعلا در زمره بهترین سرمایه داران کشور شان حساب میشوند .

برای تأیید گفته خود نسبت فوتبال حرفه ئی در اینجا یک گزارشی از کمیته بین المللی این سپورت را ذکر میکنم که خود بخود از اهمیت این ورزش ترجمالی میکند .

سر استاللی روس رئیس فدراسیون جهانی فوتبال روسیه در ۱۹۶۷ در لندن اعلام کرد که مسابقه جهانی فوتبال (جام جهانی فوتبال یا ژول ریمه) که در تابستان ۱۹۶۶ در انگلستان برگزار گردید . از نظر درآمد یا عایدات فوق تصور بود و آمارها را قاسمی را انتشار داد که توجه جهانیان را بخود جلب نمود . که در اینجا مابقی آنرا ذکر میکنیم تا با خواندن آن به اهمیت و ارزش فوتبال بی بریم .

سر استاللی روس در راپور خود شرحه داده بود که ۷۹ فی صد ظرفیت هشت استادیوم در لندن و سه منطقه دیگر ظرف ۲۱ روز مسابقه پر شده بود و روی هم رفته ۷۶۰۰۰ نفر از مسابقات دیدن کردند .

عایدات فروش تکت مسابقات از این بابت به ۵۷۲۳۳۳۲۲ دالر یا چهار صد و چهل و شش میلیون و چهار صد و نوزده هزار و یکصد و شانزده افعالی رسیده که ارقام بالا بخوبی از اهمیت و ارزش فوتبال نمایندگی میکند .

در بعضی کشورهای امریکای لاتین از جمله برازیل فوتبال و قهوه در آن ها کمیت مطلق دارد و شهرت و محبوبیت فوتبال بازان بلند تر از هر شخصیت دیگر میباشد . انگلستان و آلمان غربی نیز دست کم از برازیل ندارد .

البته این تشویق و بزرگداشت مردم از فوتبال بازان قاره آسپار نیز بی تاثیر نمانده و تب فوتبال حرفه ئی نیز کم کم در حال گرم شدن میباشد . و سرصدائی حرفه ئی شدن از هر گوشه و کنار شنیده می شود که شاید بعد از چند سال این جمع و جوش به پایه ممالک اورپائی برسد .

در اینجا باید از فوتبال بادست نیز چند جمله را ذکر کنیم که امروز با یک خشولت مطلق اجرا شده و طرفداران بیشمار می باشد .

در سال ۱۷۲۳ یکی از جوانان مکتب (راگی) موسوم به (ویلیام وب الیسی) که یکی از مکتب مشهور انگلستان بود از اینکه نتوانسته بود توپ را با پا بشمار برساند سخت عصبانی شده و در نتیجه توپ را از زمین با دست برداشته و دوان

دوان بطرف دروازه برده گول نمود . که این عمل او طرف پسند اکثر تماشاچیان واقع شده و اسم این نوع بازی را بازی (راگی) گذاشته که در حقیقت از بازی فوتبال گرفته شده و علاقمندان بیشماری دارد .

بعد از این تاریخ یک پرگندگی عجیبی در فوتبال پیش شد . بطور مثال اعضای در تیم در یک مسابقه ها در جریان مسابقه چندتن آن بادست نیز بازی میکردند . که این دورنگی جهان فوتبال را متأسر ساعت در نتیجه در سال ۱۸۶۳ مسوومین ورزشی انگلستان دورهم جمع شده (انجمن فوتبال) را تشکیل دادند که باین اقدام فوتبال تغییر شکل پیدا کرده و شکل اساسی و باقاعده را بخود گرفت و بالاخره در سال ۱۹۰۴ فدراسیون جهانی فوتبال (که کار آن به اساس تیوری های علمی استوار بود تشکیل گردید که دو سال بعد از آن انجمن فوتبال انگلستان نیز بان پیوست که پس از جنگ جهانی اول از عضویت آن خارج گردیده و دوباره در سال ۱۹۲۴ به آن پیوست .

مهم ترین واقعه تاریخی در فوتبال و حتی عموم ورزش ها مسابقه جهانی فوتبال میباشد که دیگر واقعات ورزشی را تحت شعاع خود قرار داد .

جام جهانی فوتبال که برای رسیدن آن مسابقات در لیسپ و هیجانی برگزار گردید در حقیقت یک کپ یا جامی بود که از طرف یکتفر و رزش دوست فرانسیسی بنام (ژول ریمه) که اصلا اسم اصلی جام جهانی (جام ژول ریمه) میباشد به مسابقه گذاشته و مدت چهل سال مالکک پیشرو جهان برای تصاحب آن تلاشهای پیگیر نمودند تا سرانجام کشور برازیل در سال ۱۹۷۰ آنرا برای همیشه از خود ساخت .

مسابقات جام جهانی که در سال ۱۹۳۰ آغاز یافت بعد از چهار سال یک مرتبه تیم های سرشناس جهان بدورهم در یکی از ممالک پیشرو فوتبال جهان جمع شده و طی مراسم خاص مسابقات را آغاز کرده و با هم دست و پنجه نرم میکردند .

این ممالک در مدت چهل سال برگزاری مسابقات جهانی فوتبال برای یک یا چندین مرتبه به مقام قهرمانی رسیدند .

۱- اروگوای در سال ۱۹۳۰ یا اولین مسابقه به مقام قهرمانی رسید .

۲- ایتالیا در سال ۱۹۳۴ قهرمانی را حاصل کرد .

۳- ایتالیا باز در سال ۱۹۳۸ قهرمان شناخته شد .

۴- اروگوای در سال ۱۹۵۰ برای دومین بار قهرمانی را حاصل کرد .

۵- آلمان در سال ۱۹۵۴ قهرمانی را کما می نمود .

۶- برازیل در سال ۱۹۵۸ برای اولین مرتبه مقام قهرمانی را حاصل کرد .

۷- برازیل در سال ۱۹۶۲ برای دومین بار مقام قهرمانی را حاصل کرد .

۸- انگلستان در سال ۱۹۶۶ برای اولین مرتبه به مقام قهرمانی رسید .

۹- برازیل در سال ۱۹۷۰ برای سومین و آخرین مرتبه مقام قهرمانی را حاصل کرده برای دایم جام جهانی (ژول ریمه) را تصاحب نمود.

بهروزی مرتبه سوم برازیل در سال ۱۹۷۰ داستان جام جهانی فوتبال یا جام ژول ریمه را پایان رسانید و باین مناسبت جشن پرشکوهی در آن کشور برگزار گردید که از عظمت و بزرگداشت مردم آن دیار از ورزش و ورزشکاران نمایندگی میکرد.

در مورد بازی فوتبال بسیار مطالب شرحه داده شد اما از توپ فوتبال ذکر نرفت توپ فوتبال نیز تاریخ بس درازی دارد که در اینجا ذکر مختصری از آن بعمل میآوریم.

عدهای معتقدند که پیدایش توپ فوتبال از فوتبال تاریخ کهنتری دارد. چنین دلیل میآورند که در دوران اولیه بشر با سنگ های گرد فوتبال بازی میکردند. که این امر نیز چندان قابل تردید نیست، زیرا جنس بعضی از توپ اولیه از سنگ بوده است. تاریخ پیدایش توپ نشان میدهد که در زمانهای قدیم سنگ کلوله را بجای توپ امروز طرف استعمال قرار میدادند.

بازی اگرچه باین توپ سنگی در آلودت انجام میشد، مگر عواقب خطرناک را با خود همراه داشت

سپس عوض سنگ از اجسامی مانند استخوان مدورو چوب سوخته سائیده شده استفاده بعمل میآورند.

حرکت پرثر دیگر در راه اختراع توپ نرم تر این بود که با هم بستن الیاف و یا مواد دیگری مانند علف، نی، و برگ درختان توپ درست میکردند که در هر جایی نظر به پیداوار موجود شان به ساختن توپ اقدام میکردند.

بعدها توپهای رادرت کردند که جنسیت آن از پوست و پشم حیوانات بوده و مدت زیادی دوام میکردند.

اما توپ بشکل امروزی که دارای کورولیدر میباشد از

اختراعات قرن اخیر است که دارای محیط ۶۸ تا ۷۱ سانتی متر میباشد و همچنین وزن آن مطابق شرایط بین المللی از ۲۹۶ تا ۴۵۳ تعیین گردیده است.

رنک لباس فوتبال است ها ۱

برای تفریق شدن دو تیم از هم که در جریان مسابقات باید اشتباه تولید نکردد باید رنک لباس اعضای هر تیم دارای رنک جداگانه باشد. همچنین در مسابقات جهانی نیز عین قانون سرعی میباشد یعنی تیم های ممالک مختلف میباشد. که باین اساس تیم های هر کشور دارای یک رنک جداگانه میباشد.

بطور مثال رنک بهر آن تیم انگلستان (سفید) برازیل (زرد) با یخن و دورگردن سبز - ایتالیای (آبی باجیب سفید) از ایرلیند (سبز) - فرانسه (آبی) - اتحاد شوروی سرخ بانوشته زرد - پرتگال (سرخ) - پاراگوای سفید باخط های سرخ - هالیند تاریخی - مسکیسکو (سبز) - یوگوسلاوا (آبی) - اروگوای آبی باحاشیه سفید - مجارستان (سرخ تیره) - سویدن زرد باحاشیه آبی واز اسپانیا سرخ روشن میباشد.

بزرگترین استدیوم جهان

بزرگترین استدیوم فوتبال جهان استدیوم «مار کالامولسپال» در ریو دوزائرو و پایتخت برازیل است که گنجایش معمولی آن ۲۰۵۰۰۰ نفر تماشاچی میباشد که ۱۵۵۰۰۰ نفر بصورت نشسته میتوانند مسابقه را تماشا کنند.

برای تماشا فایتل مسابقه جام جهانی فوتبال سال ۱۹۵۰ بین برازیل وار و گوای در حدود (۲۰۰۰۰۰) دو صد هزار نفر در یک وقت از این مسابقه دیدن کردند که در نتیجه اروگوای در همان سال موفقیت را برای مرتبه دوم کثائی نمود.

بهترین تیم های ورزشی و فوتبال بازان مشهور جهان *

دو تیم مشهور فوتبال
 حربی بوختون و حربی
 بنوولخی قبل از شروع
 مسابقه که در شرائط
 موجوده بهترین تیم های
 فوتبال کشور را هم
 تشکیل میدهند.



در شرایط فعلی برازیل از حیث فوتبال با زن ماهر در صدر قرار دارد اما تیم های فوتبال انگلستان - آلمان غربی - اتحاد شوروی - مجارستان - چکوسلواکیا و گوای و مکزیکه به دست کم از تیم های برازیل ندارند شاید در آینده بسیار قریب آلمان غربی و با انگلستان بتوانند که نسبت به برازیل پیشقدمی کنند .

اما بهترین فوتبال بازان جهان اگر چه تعداد آنها فوق العاده زیاد میباشد مگر با آنها هم برسیل معرفی از چند فوتبال بازان مشهور آن که شاید چهره های آنها تا یک حد آشنا باشد در اینجا نام می بریم که البته در شرایط کنونی حاکمیت میدان های سابقه را در دست دارند و عبارت میباشد از:

بیله سلطان فوتبال جهان - جورج بست - باسی چارلتون با بی مور - اوزه بیو - بکن بوئر - جر زینو - هلدر - یا یسن گرهارد مولر - زیکفرد اشتایدر - هالنس هو برت - فو کتر او بو تو بولین وغیره .

حالا می پردازیم به بررسی قاره پنجم فوتبال کشور اعم از عسکری و ملکی و همچنین معرفی فوتبال بازان سابقه دار و گذشته کشور و چهره های جوان و تیم های ممتاز امروزی .

با وجود آمدن و تاسیس مکاتب معارف فوتبال نیز بین جوانان راه یافته است از چهل سال با این طرف ما دارای تیم های فوتبال بوده ایم که با گذشت زمان بر تعداد فوتبالرها و تیم های فوتبال فزونی قابل ملاحظه بعمل آمده است .

در گذشته ما تیم های از قبل عربی پوهنتون، محمودیه آرهابا داشتیم که میتوانست در میدانیهای جهانی نیز موفقیت های کمائی کند. حتی در کشورهای خارجی تیم های ماموق بوده اند. چنانچه در چندین مسابقه ای که بین تیم های منتخب با تیم های منتخب ممالک دوست از قبیل ایران و هندوستان در کابل در مراسم جشن های استقلال سالهای گذشته انجام شده بود تقریباً بصورت عمومی تیم های ما موفق بوده است .

تیم های فوتبال جیبیانا - پوهنتون و منتخب معارف نیز از تیم های مشهور تقریباً بیست سال پیشتر بود .

فعلاتیم منتخب معارف، منتخب پوهنتون هر دو در صدر تیم های فوتبال قرار دارند همچنین بعضی تیم های آزاد فوتبال دیگر از قبیل (یما) اتحاد اتفاق جوانان پارک پاسیر ستور و تیم نادر شاه مینه هم دارای پلیرهای خوبی میباشد که آینده درخشانی را در پیشرو دارند .

در گذشته تیم فوتبال ح، پ در بین تیم های فوتبال کابل شهرت فوق العاده زیادی داشت و اکثر آ مقام قهرمانی را کمائی میکرد .

در شرایط فعلی نیز تیم منتخب اردو در کشور بی رقیب میباشد بعلاوه از تیم منتخب اردو، تیم های فوتبال عربی پوهنتون عربی و پولنی پوهنتنی تخنیک و پوهنتنی هوای از جمله بهترین

تیم های فوتبال کشور حساب میگرددند. فوتبال بازان ماهر در عسگری و ملکی قرار اظهار نظر چند تن از فوتبال بازان سابقه دار و مسوولین ورزشی در طول ورزشی فوتبال باین شرح بوده است ؟

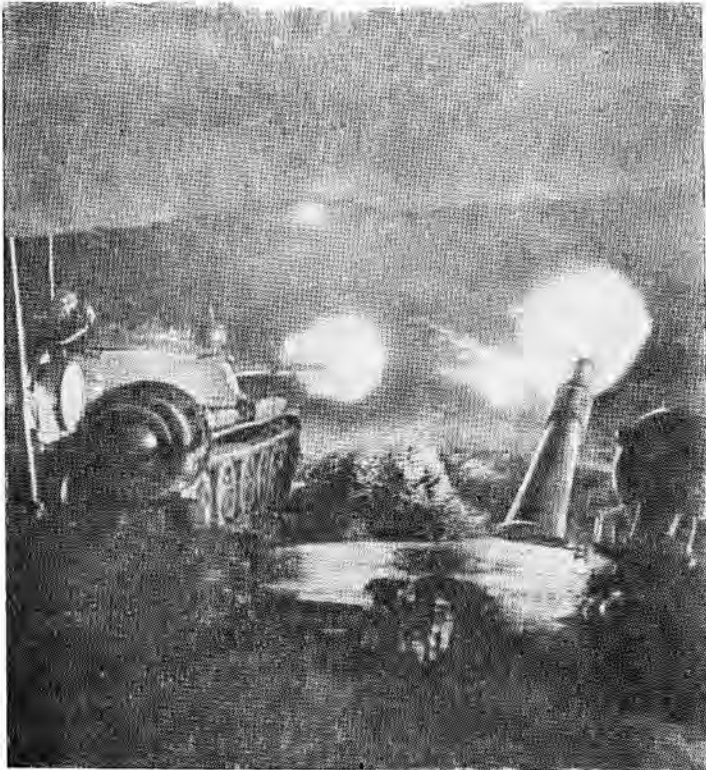
ستر جنرال خان محمد وزیر فعلی و زارت دفاع ملی دیگر جنرال محمد نذیر (سراج) تورن جنرال عبدالروف رسول تورن جنرال سید کریم - مرحوم تورن جنرال عبدالشکور (عظیمی) تورن جنرال عبدالقدیر خلیق - محمد فاروق سراج رئیس اولمپیک و گروال حاجی احمد علی افضل ناصر - عبدالوحید (اعتمادی) و گروال محمد غنی اثر (پفتلی) دیگر وال عبدالحمید - دا کتر عبدالستار (سراج) - دا کتر عبدالفتاح (انجم) - دا کتر محمد اسمعیل (علم) - دا کتر عبدالغفار - پرو فیسور محمد علی مرحوم دا کتر عبدالحق - دا کتر عبدالرحیم ضیائی محمد شعیب محمد سرور (ایوبی) ذین العابدین عثمانی - یار محمد عبدالغفور اثر - سید علی بابا - عبدالقیوم - عابد - محمد حکیم محمد الوری - محمد انور - قندهاری - عصمت - عطاء محمد عبدالرحمن جهانگیر - مولوی محمد صدیق - محمد مهدی معلم محمد صدیق معلم - محمد خلیل (گو تک) محمد طاهر سیفی محمد موسی عظیمی - عبدالغفور کلک - محمد اشرف عقیفی عبدالسمیع (سد و زی) شیر محمد جبار خیل - میا فاروق محمد موسی - حبیب ذکریا - محمد فرید - محمد لعیم سلطان محمد انژلد - محمد حکیم وردک - میرحسام الدین محتشمی - دین محمد - محمد قاسم - بصیر احمد - تازه گل - باشی قربان و عبدالغفور بز از .

فوتبال بازان جوان که امروز در میدانهای ورزشی محبوبیت زیادی دارند عبارت میباشد از نور محمد جبار خیل عبدالخلیل - عبدالله - فقیر محمد - عبدالغفار - عبدالجبار محمد یوسف - عزیز الله - عبدالعزیز - خلیل الله و اکمن عبدالخلیل اورستانی - محمد آصف نظام - عبداللہ منگل عبدالکریم کریمی - محمد اسمعیل فرید - عبدالبصیر - اسدالله محمد ایوب (عثمانی) - شیرین جبار خیل - احمد شاه سعادت (احمدزی) رحمت الله (احمدزی) محمد اکبر بها در که در شرایط فعلی بهترین پلیرهای فوتبال را در کشور تشکیل میدهند .

البته بعلاوه پلیرهای فوق تیم های آزاد نیز دارای بهترین فوتبالرها میباشد که نسبت عدم شناسائی میسر نگردید که اسم همه آنها را در اینجا ذکر کنیم البته بطور مثال از چند تن پلیرهای نخبه و مشهور و جوان پامهر که هفته پیشتر مقام قهرمانی را در فوتبال حاصل کردند نام میبریم مثل فرید - محمد یاسین (ننگر هاری) محمد شمع (کبیر) محمد زمان (عثمان) و یار محمد که اینها در شرایط فعلی بهترین فوتبال بازان ماهر تیم های آزاد را نیز تشکیل میدهند .

ختم

تعرض در شب



فعالیت جزو تاسمهای توپچی در تطبیقات شب

کر کمتر فیصله کن بودن و قابلیت عالی مائورد در محاربات مدرن ، مجادله شدید طرفین برای امجای دشمن با ضایعات اضغری ومدت ممکنه کوتا تمام جزو تاسمهای مادون رامجبور می سازد که فعالیت های محاربوی را بصورت دوامدار در روز و شب ادامه بدهد . شب از یکطرف دلهلی برای کم ساختن فعالیت های محاربوی شده نمیتواند - و از جانب دیگر از تاریکی شب جهت اجرای باحقین ، تزئید سرعت فعالیت و کمائی کردن زمان بصورت اکتیف استفاده می شود .

بنا بر آن برای جزو تاسمها و اجرا نمودن فعالیت های محاربوی دوامدار یک ضرورت واقعی و فعالیت در شب بیک عمل معقولی محسوب میشود .

در شرایط نمودن فعالیت های محاربوی شب با اجرای حرکات در روز شبهاست دارد مگر فعالیت های محاربوی شب اشکال ترتیب و تنظیم و طرز اجرای خاص داشته که باید حتماً بدقت تمام سنجیده شود .

قوت ها در اثنای ترتیب و تنظیم فعالیت های محاربوی به مشکلات قابل ملاحظه مواجه می شود طور مثال در ترتیب و تنظیم محاربه تصادفی جهت اینکه در اتساع و انبساط و شروع آتش توپچی نسبت بدشمن تقدم داشته باشیم ، تنظیم کشف یک امری کاملاً ضروری است تا مافکوره فعالیت ، ترکیب قوتها و سلاح دشمن را بمیدان بکشد . و در اثنای تصادف به آن چیزیکه باید انجام داده شود اجرای یک ضربه شدید و قوی بجناح و عقب دشمن است . چنانچه در یک تمرین تکنیکی کندک پیدا دۀ مولر دار در شرایط شب تحت فرمانده

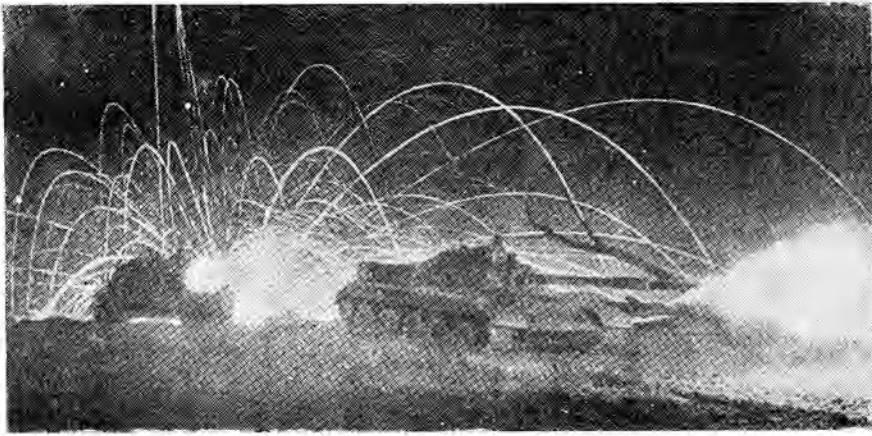
بعضی حالات میتواند تعرض شب دوام فعالیت های روز و یا شروع شق مدافعه دشمن باشد . جزو تاسمها میتوانند مانند شرایط روز از حال حرکت با تقرب از عقب و یا مواضع که مستقیماً بدشمن تماس دارد به تعرض بگذرد .

اگر تعرض شب دوام فعالیت های روز باشد ، اجرای آن بدون کوچکترین تاخیر و یا توقف بمقصد مانع شدن دشمن از تنظیم یک سیستم آتش ، حمایه تنویر ، کمائی کردن زمان و استفاده از شب جهت اشغال احتیاطها و گروپ بندی قوا و وسایط اهمیت خاص دارد .

در همه احوال تجارب ثابت ساخته

جگرن (*N. Koslov*) چنین فعالیت نمود :- بارسیدن معلومات کشف در خصوص مقابل شدن بدشمن قومانده ان کندک فوراً به جزو تاسمهای امتیت رفتار و وظیفه راتمین نمود ، پیشتر بین پیشدار اتساع و البساط و تعرض سریع قسم کلی راتامین و موفقیت محاربه کندک را تصمیم نمود . کندک پیاده پارچه شدن دشمن را تنظیم کرده نه تنها مالع اجرای مالور جزو تاسمهای دشمن شد ، بلکه از اشغال و تحکیم خطوط مساعد آن نیز جلوگیری نمود .

تعرضی شب در وضعیت های متعدد و به مقاصد مختلف اجرا می شود . در



صحنه از تمرینات شب

است که موفقیت در تعرض شب به ترتیب و تنظیم مکمل، احضار اوقات مخفیانه اجرای با صقین و استخدام ماهرانه و مقید قوای و وسایط با لخاصه و سایل حمایه تنویر مربوط است. در صورت امکان احضارات تعرض شب در اثنای روز اتخاذ شده و با شروع تاریکی نظر به وضعیت جزوتامها و فعالیت‌های آینده یکمراهیه دیگر بروی اراضی تدقیق می شود. و در صورت عدم موجودیت وقت و زمان لازمه در روز ترتیب و تنظیم تعرض در اثنای شب نیز صورت می گیرد. طور مثال تورن Buchnev در يك تمرین در شرایط شب چنین اجراء نمود :- در اثنای احضارات تعرض وی لقاط کنترل قابل دید در شب را به استقامت پیشرفت تولی تعین، و زاویه استقامت حرکت را به بلوکها داد و پس طرز تنویر اهداف هجوم و اراضی را تعین و به افراد در باره اشارات مساعی مشترکه که تعریف هدف و علامه شناخت منقابل و همچنین در خصوص مفهوم اشارات روشنی هدايات مکمل و معلومات داد.

در جریان جنگ جهانی دوم عمق وظایف محار بوی در شب به اندازه قابل ملاحظه و قاعدتاً کم بود که کمی عمق وظایف محار بوی به پیمانه زیاد به عدم تکامل وسائل تنویر و حمایه فعالیت‌های شب توسط آن مربوط بود اجرای امور در تعرض شب نسبت به روز فرق می کند، اطعات و جزوتامها باید توسط و مسائل کافی دید شب که برعکس استقامت جبهه قابلیت دید را داشته باشد و همچنین با وسایط مکمل و موثر تنویر شب اکمال و حمایه شود که تمام فعالیت‌های فوق بامزج ساختن آن با سلاح‌های پر قدرت و وسایط موثر دار يك وضعیت فعال را بوجود آورده و سرعت عالی پیشرفت را در اثنای شب محافظه و تا مین می کند.

تمرینات تجرب بوی نشان داده که جزوتامهای دارای تعلیم و تربیه خوب

(بدون صدا) اجرا شده میتواند. مگر اکثر آ چنین تعرضات به مقصد اجرای وظایف معین در استقامت‌های جداگانه پیشترت، در اثنای تهمکه تعرض توسط قوای محدود در شرایط شکل وضعت هوا (دمه و غبار، طوفان برف و باران) پیش برده هود اجرا می گردد. جزوتامهای مادون جهت اجرای حمله ناگهانی بدشمن و دخول مخفیانه به ترکیب آن باید از تاریکی بصورت ماهرانه استفاده از خا لنگاه ها و جناح غیر مستند به موقعیت دشمن در تاریکی نفوذ نمود سرکها را قطع و توسط تعرض ناگهانی محلات سکون، تپه های خاکم و لقاط اتصال سرکها را اشغال و جزوتامهای پیشرفت کننده جبهه را حما یه می کنند.

تنویر اراضی و اهداف در استقامت فعالیت بصورت وقفه دار برای مدت‌های کوتاه یا برای مدت معین بشکل دوامدار صورت می گیرد قاعدتاً تنویر دوامدار در اثنای محار به بمقابل اهداف مسحه و حیاتی و یا دفع و طره تعرض مقابل دشمن تنظیم می شود. و زماناً تمام تدابیر لازمه جهت تحت تاثیر گرفتن موثر وسایطه تنویر کننده دشمن اتخاذ می شود.

میتوانند وظایف محار بوی را در شب به عین عمق که در روز اجرا می کنند انجام دهند. ولی مشکلات محار به شب ترتیب و تنظیم مکمل خاصتاً مساعی مشترکه تدقیق را ایجاب می نماید.

و نظام محار بوی در شب باید طوری تنظیم شود که بدشمن يك ضربه قوی و ناگهانی وارد و وظایف تعین شده شب را در کوتاه ترین زمان ممکنه بدون گروپ بندی مجدد و در صورت امکان بدون داخل کردن جزوتامهای خط دوم بمحار به انجام دهند. جزوتامهای مادون معمولاً ذریعه توپچی، هاوان و عناصر الجنیری، در حالیکه گدک پیاده سوتر دار و تولی ها با تانکها نیز تقویه می شود.

قاعدتاً تعرض بعد از اجرای آتش احضارات توپچی اجرای می شود، در حالیکه میتود تعرض در محار به تصادفی شب کاملاً فرق دارد. چنانچه در جنگ جهانی دوم در بعضی استقامت‌های جبهه در مرحله اول بعضاً تعرضات جهت تاسین با صقین بدون اجرای آتش احضارات توپچی و همچنین بدون استخدام تانکها و وسایطه تنویر شب اجرا شده است در شرایط امروزی نیز چنین تعرضات

(بقیه در صفحه ۸۰)

بازی قرن و قهرمان بزرگ جهان



مسابقه پر سر و صدای شطرنج بین بانی فیشر و قهرمان پیشین جهان بوریس اسپاسکی از مسابقات فوق العاده جا امی بود که تاریخ شطرنج نظیر آن را بخود ندیده و تبلیغات و نشرات در اطراف این مسابقه به مرحله نهائی خود رسیده بود. هنوز چندماه به آغاز مسابقه ایندو قهرمان مانده بود که مسابقه آنها بایک تیراژ درشت در صفحات اول روزنامه های مشهور جهان بچاپ میرسد .

حاصل کرده و مرحله اول مسابقات در خاک آن کشور آغاز گردید . مگر با نهم چانه زدن زیاد بانی فیشر به نسبت پول زیاد قریب بود این مسابقات رایک بار دیگر بخطر مواجه سازد که دفعتاً یک میلیونر بانکدار الکلیسی اعلام کرد .

مبلغ یکصد هزار دالر را به قهرمان این مسابقه جایزه خواهم داد . با این پیشنهاد مبلغ مکتفی فیشر دست از لجبازی کشیده و منتظر سر نوشت ماند . در پنج پیش از آنکه رایج به نتیجه مسابقه ایندو قهرمان چیزی بنویسیم مختصراً اندو را بد و ستاران شطرنج معرفی میکنیم .

بوریس اسپاسکی که دوبار ازدواج کرده (۳۵) سال عمر دارد از زن اولش یک دختر و از زده ساله بنام (تاتانیا) دارد و از زن کنونی اش یک پسر بنام «واسیلی» دارد .

اسپاسکی از ۹ سالگی به بازی شطرنج پرداخته بهمین سبب است که مر بی او (یا کوف راخلین) که سابقه طولانی در شطرنج دارد عقیده دارد که عوض خون در رگهای او چالهای شطرنج جریان دارد .

بانی فیشر علاوه از قهرمان یک بچه لجباز ، بهانه جو و عصبی است . او با جزئی ترین یک پیش آمدی کنترل اعصاب خود را از دست داده و با زمین و زمان قهر میکند و هدولاسزا میگوید .

چهل حرکت را انجام میدادند . با این حساب مدت جریان مسابقه آنها ۲۴ روز را در بر میگرفت .

قبلاً از طرف کمیته جهانی شطرنج پیشنهاد شده بود که این مسابقات باید در دوره دو مرحله دو اوزه دوره ئی انجام میگرفت و در دو شهر مختلف .

بسیاری از کشورهای جهان آرزوی برگزاری این مسابقات را در کشور شان کرده بودند که از جمله پیشنهاد دو کشور یوگوسلواویا و آیسلند از همه جالبتر بود . در وقتیکه سراسر از دو ستاران شطرنج از چهار گوشه جهان انتظار اولین مرحله مسابقه قرن را در یوگوسلواویا داشتند که بانی فیشر بیکنوع از برگزاری این مسابقه شاله خالی کرده و خواهان مطالبه پول بیشتر شد .

دولت یوگوسلواویا نیز از این رویه متاثر نشده و اعلام کرد ما باین مقدار پول پیشنهاد شده بانی فیشر مخالفتی نداریم مشروط بر آنکه امریکا و اتحاد شوروی هر یک مبلغ یک میلیون دلار تضمین کنند که شطرنج بازیان شان در برگزاری مسابقه شاله خالی لکرده و بوقت معین مسابقه خویش را آغاز کنند . اتحاد شوروی مبلغ متذکره را طی یک چک به یوگوسلواویا ارسال کرد اما امریکائیان است که تضمین بدقولی قهرمان خود را کنند .

بدینصورت جریان مسابقه قرن خود بخود از یوگوسلواویا دور شد . تا بالاخره فدراسیون شطرنج آیسلند رضایت دو قهرمان و فدراسیون جهانی شطرنج را

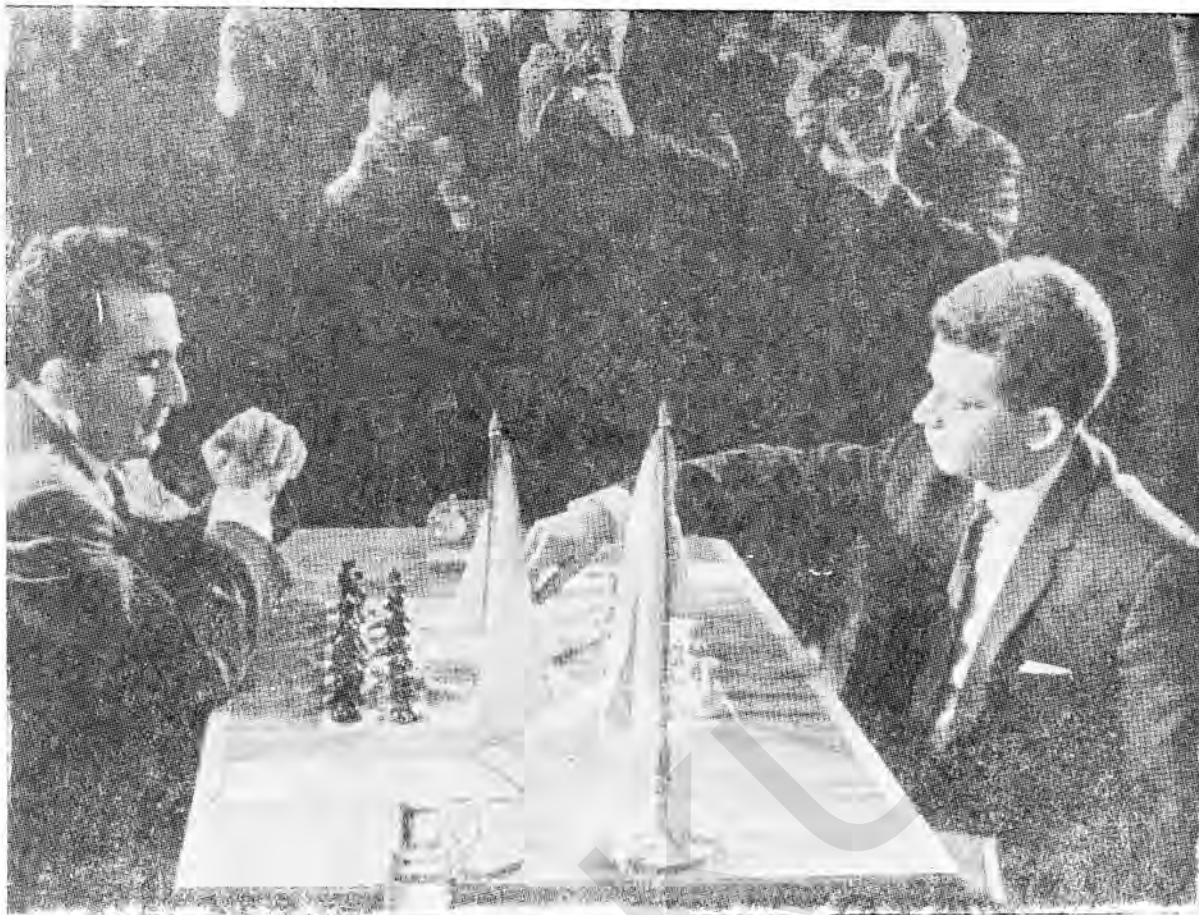
پیش از آنکه در اطراف چگونگی و نتایج مسابقات اظهار نظر کنیم بدوماه قبل بر میگرددیم که آنها پیش از شروع مسابقه در کدام شرایطی بسر میبردند و در اطراف مسابقات آنها کدام تدابیر و ترتیبات اتخاذ میگرددید . و دو ستاران آنها در کدام حالتی بسر میبردند . در یک یا ویکه پایتخت آیسلند دو قهرمان مشهور جهان مقابل هم قرار گرفته و بیکار روی قرن را آغاز میکردند که در حقیقت بیکار اندیشه های متفکر دو قهرمان جهان بود .

امریکائی ها قبل از شروع مسابقه میگفتند بیروزی از قهرمان ما ست در حالیکه روسها میگفتند بوریس اسپاسکی مرد امره اول اتحاد شوروی قهرمان قهرمانان خواهد بود .

خلاصه قبل از شروع مسابقه این دو قهرمان سر و صداهای عجیبی بر پا بود . بنا بر مقررات وضع شده اسپاسکی و فیشر باید ۲۴ مرتبه با یکدیگر مسابقه می کردند که هر مرتبه موفقیت یک امره مثبت برای برنده کفائی میکرد .

فیشر برای بدست آوردن تاج قهرمانی نسبت به اسپاسکی مشکلات اضافه تری را در پیشرو داشت . زیرا برای لقب قهرمانی اطلاق می باید ۱۲/۵ امتیاز بدست می آورد در حالیکه اسپاسکی با مساوی میتوانست تاج قهرمانی را بیکبار دیگر بسر کند .

دو قهرمان امره نوبت می باید دو نیم ساعت بیکار می کردند که باید اطلاق



دو تهرمان مشهور جهانی فیشر و اسپاسکی در حال مسابقه

تایکد حدعصبی میساخت که ژست های او نیز هم در موفقیتش بی تاثیر نبود. این بود نظر شطرنج بازان و جهان ورزش در اطراف فیشر و اسپاسکی قبل از شروع مسابقه در طول مسابقه بعد از هشت هفته مبارزه اسپاسکی قهرمان سابق شطرنج جهان در بیست و یکمین بازی اش با فیشر به شکست خود اعتراف کرده و به شروع بازی مجدد در این دوره حاضر نشد. اگر چه فیشر نیم ساعت بعد از وقت تعیین شده به سالون مسابقه رسید و طرف استقبال کم نظیر تماشاچیان واقع گردید مگر با آنهم درین وقت جزئی ترین یک حرکتی از خود نشان نداده و به موفقیت خویش صد درصد اطمینان داشت. درین وقت چند دقیقه بعد تر از آمدن فیشر چهار استعفای اسپاسکی رسید و تیلیفولی نیز اواز موضوع کمیته بین المللی شطرنج را با خبر ساخت.

فیشر قبل از شروع مسابقه انتقادهای عجیبی میگرفت که این رویه او در شرایط روحی حرف او تاثیر فوق العاده بد وارد میکرد. بطور مثال برای دومین مرتبه مسابقه خود فیشر به اسپاسکی بهانه های زیادی تراشید که بطور نمونه بد کرمختصر آن میپردازیم. ۱- فیشر گفت: باید پیش از شروع مسابقه در رازهای محل مسابقه بطور کلی بروی همه بسته باشد. ۲- سروصدای مردم باید مطلقاً شنیده نشود. ۳- نور سالون مسابقه باید خفیف باشد تا سبب آزار چشم نگردد. بهمین ترتیب بسیار انتقادهای دیگر فیشر راجع به برگزاری مسابقات گرفته بود که قسماً پذیرفته شده. در جریان مسابقه نیز بعضی حرکاتی از خود نشان میداد که طرف مقابلش را

یکی از خصوصیت های او اعتماد بخودش میباشد هر حرکت و پیش آمد بزرگ را خیلی کوچک و لاجرم میدانند او خودش در بنمورد چنین اظهار عقیده میکند: «من بهترین قهرمان شطرنج جهان هستم این را تمام دایم میدانند منتها روس ها برای نگداری تاج قهرمانی شرنج توطئه کرده و آلرا که بمن تعلق دارد غصب کرده اند.»

بابی فیشر ۲۹ ساله این مرتبه دوم میباشد که با اسپاسکی مسابقه میکند. فیشر در سال ۱۹۷۰ در آلمان غربی مسابقه کرد. در آن وقت حتی یکبار هم اسپاسکی اجازه نداد که فیشر او را مغلوب سازد در آن مسابقه که در پنج نوبت اجراء گردید سه نوبت اسپاسکی غالب گردید و دو نوبت دیگر را هم مساوی کردند.

خبر روزی فیشر بر سهاسکی حلقه های ورزش را متحیر ساخت چه شطرنج باز مشهور اتحاد شوروی که از چندین سال مقام قهرمانی را در دست داشت کدام حریف دیگر برای خود سراغ نمیگردد. وهم سوولین شطرنج اتحاد شوروی که از ۲۵ سال با اینطرف مقام قهرمانی شطرنج را در دست داشته هرگز گمان نمی بردند که قهرمان مشهور آنها توسط جوان ۲۹ ساله امریکائی شکست بخورد. اما فیشر تسمیکه در اول ذکر کرده بود در بازی های اول نسبت اذیت کردن کمره های عکاسی و قلمبرداری بازی را با سهاسکی باخت اما با موفقیت در بازی های سوم پنجم ششم و دهم برتری مطلق خود را بالای حریف آشکار ساخت.

بازی فیشر و سهاسکی طبق فیصله کمیته برگزاری مسابقات شطرنج میباید در ۲۴ دور صورت میگیرد مگر به نسبت برتری فیشر و افزودی نمرات او که در دور بیست و یکم به یازده و بیست و هشت نمره رسیده سهاسکی از ادامه بازی خودداری کرد.

فیشر اولین شطرنج باز غربی جهان میباشد که بعد از ماکس هوی هالیندی لقب قهرمانی شطرنج را حاصل نموده است. ماکس هوی در سال ۱۹۴۸ لقب قهرمانی شطرنج را حاصل کرد. اما از آن تاریخ به بعد این افتخار نصیب شطرنج بازان اتحاد شوروی بود تا اینکه بابی فیشر این افتخار چندین ساله را از آنها ربود.

وقتی تاریخ شانزدهم ماه سنبله غرض توزیع جایزه تقدی فیشر محفلی ترتیب شد که در آن علاوه از سهاسکی بیشتر از هزار نفر تماشاچی هم اجتماع نموده بود.

بابی فیشر (۵۳) دقیقه لاوقت تراز وقت معین حاضر شد.

فیشر درین روز به خبرنگاران گفت: پیروزی حق مسلم من بود که شوروی ها آنرا گرفته بودند باید من چند سال بیشتر این مقام را حاصل میکردم. فیشر

از

پیچیدگان

پیچیدگان

اصول

خداوند شخصین آسا نگیر آزاده را دوست دارد .
خداوند از بندگان خود شخصین شیور را دوست دارد .
خداوند تادم و اسپین ، تو به بنده رامی پذیرد .
خداوند کسی را که در مقابل برادران خود هموس باشد دشمن دارد .

خداوند بوسیله نیکی با پدر و مادر عمر انسان را افزون می کند .

خداوند نیکو کار است شما نیز لکونی کنید .
خداوند ملامت را در همه چیز دوست دارد .
خدا با سحر خیزی را برامت من مبارک ساز .
خداوند بنده پر هیز کار و ثرو تمند مهر بان را دوست دارد .

خداوند جوان تو به کار را دوست دارد .
خداوند غیر تمند است و مردم غیر تمند را دوست دارد .
گریه از رحمت است ، و فریاد از شيطان است .

چند سطر دريك شماره آن نشر کرده که بگالم مطالعه آن برای علاتمندان شطرنج خالی از لطف نخواهد بود .

«پورهس سهاسکی قهرمان شکست خورده شطرنج جهانی معتقد است که در مسابقه با بابی فیشر قهرمان شطرنج جهانی امریکائی تاثیرات مرموز خاصی علیه وی بکار رفته است .»

موصوف گفت تصویرا کسیری چوکی که وی در سالون مسابقه از آن استفاده میکرد تاثیراتی را نشان میدهد که غیر قابل توقع است .

وی گفت هنگامیکه دوسین تصویر توسط شعاع ایکس ارچوکی اش گرفته شد چوکی مذکور نا پدید گردید .

سهاسکی به خبر لگاران گفت او فکر میکند تا هنگامی مسابقه با فیشر تحت تاثیرات عجیب جسمی که برایش غیر قابل توقع بود قرار داشت .

موصوف گفت يك چیز مرموزی در سالون مسابقه موجود بود که او را از لحاظ جسمی نا آرام ساخته بود .

سهاسکی گفت: تصویر اولی از چوکی وی يك شی بیجان را نشان داد که تاثیرات جسمی را بروی بار آورده بود . در تصویر دومی شی اولی موجود نبود .

در مورد سهاسکی به خبرنگاران گفت: سهاسکی شطرنج بازمهاری است که دارای استعداد و لیاقت عالی میباشد .

برای فیشر هزاران تیلگرام تبریکه از سراسر جهان مغایره گردید که از آن جمله نکسن رئیس جمهور اصلاح متحده امریکا نیز این موفقیت بزرگ را در ایسلند برای او تبریک گفت

در همین محفل سهاسکی قهرمان سابق شطرنج جهان نیز بسوالات خبرنگاران جواب داده و در ضمن گفت: که در بازی با فیشر بعضی اشتباهات را مرتکب شده ولیز رویه فیشر و با وقت آمدن های او در شکست اش بی تاثیر نبوده است .

در اخیر بیانات خود سهاسکی گفت: فیشر شطرنج بازمهاری است اما در بازی آینده بمقابل من استادگی کرده نخواهد توانست و من یکبار دیگر لقب قهرمانی خود را حاصل کردای هستم .

با گفته های فوق قهرمانان جهان بازی قرن لیز به نفع فیشر خاتمه یافته و او تاج قهرمانی را بسر نهاد .

ببینیم که در آینده موفقیت از کدام طرف شان خواهد بود؟

همچنین در مورد بازی شطرنج بین دو قهرمان مشهور و باخت سهاسکی انیس

د اتومی وړانگو کشف او د رزومتریکی



کنترول

کړی او د مخصوصو تحدیدی (منوعی) لوحو په واسطه هغه شر گند کړی .

۳ - د قطعاتو د تیریدو دپاره په ککړه شوی منطقه کې وروسته له هاکولو استقامت (لار) وپنډل شی دپوی منطقی ککړوالی ته په څه ډول باید قیمت ورکړای شی ؟ ددی امله چه دگامه وړانگو انتشار ه جزو تامونو په پر سونلو ډیره اغیزه کوی ، نو دهغی دمقدار اندازه کول ضروری دی . او دهغی قیاسی واحد رنلنگن ساعت قبول شوی دی . هغه دوزومتریکی آلات چه دهغی په واسطه د تشعشع سویه په رنلنگن ساعت معلومیږی . هغه ته درنلنگن متر لوم ور کړی شوی دی . برسیره پردی یو ډول ساده دوزومتریکی آلات موجود دی چه د مخصوص اندیکاتور (شعر) په واسطه دپوی منطقی رادیو اکتیفی ککړوالی معلومه وی .

معمولا تحدیدی لوحی د ککړی شوی منطقی په سرحدو کې درول کېږی او په هغه کې د تشعشع سویه پینډل شوی وی . د تشعشع مقدار اوسویه باید داسی وپنډل شی چه دهغه وخت او لوړ والی پکښی ذکر شوی وی یعنی تاریخ اوساعت او د محکمې څخه په کوم لوړوالی اندازه گیری شویده په عمومی ډول د تشعشع سویه د محکمې څخه په ۰.۷ متر لوړوالی اندازه اوحسابیږی داځکه چه ۰.۷ متر لوړوالی د محکمې څخه دانسان د قد (وڼی) په تناسب یوه وسطی اندازه ده .

خاطره : د تشعشع مقدار د محکمې پر مخ ډیر او درځومره چه د محکمې څخه جک (لوړ) اندازه شی دا مقدار کمېږی . لوی که په وسطی ډول دپوه انسان د قد په تناسب دا اندازه گیری ۰.۷ متر لوړوالی څخه اجراشی کومه غلطی نه ده .

داراضی موانع (حائل) د وړانگو د تاثیر اغیزه لږه وی په یوه خندق کې دا تاثیر نسبت هواری مېکې ته کم وی . دخندق چدارونه په شر گند ډول درادیو اکتیفی موادو مخنیوی کوی . د محکمې پر مخ غټی غټی لوتی کانی او ودالی په پوره اندازه پورتنی تاثیرات سپکوی .

د وړانگو د کشف اجرا . درادیو اکتیفی موادو د ضرر رسولکیو صفاتو څخه بودادی ، چه دهغی کشف بی له دوزومتریکی آلاتو د موجودیت څخه په بل ډول نشی ممکن کېدای . رادیو اکتیفی مواد زموږ د وجود په اعصابو بی له دی چه هغه حس کړو تاثیر کوی . رادیو اکتیفی مواد داسی انتشار لری چه کشف ئی مشکل دی ، داځکه چه هغه داسی خواص لکه بوی او خوند (ذایقه) نلری ، بله دا چه که هرڅومره یو منطقه ډیره هم ککړه شوی وی خوبیا هم په یو متر مربع محکمه کې دپوه گرام څخه زیات رادیو اکتیفی مواد پکښی نه وی درادیو اکتیفی مواد ددی ضرر رسولکیو خواصو په لرلو سره دالزمیږی چه باید دهغوی کشف په خپل وخت اوزمان په جدی توگه وشی ، دهمدی امله داتومی وړانگو کشف اودوزومتریکی کنترول اجرا د ټولو قطعاتو دپاره پو ضروری کاردی . د لومړیو وړانگو کشف اودوزومتریکی کنترول په اجرا کولو سره په عملی ډول خپل هغه جزو تامونه او قطعات چه په اتومی ککړه شوی منطقه کې فعالیت کوی له خطر څخه بچ کولای شو . د تشعشعی کشف اودوزومتریکی کنترول باید په دوامدار صورت سره اجراشی یعنی ددی کشف د اجرا کولو په وخت کې باید شپه او ورځ کوپښی وشی ، داځکه چه عسکری جنگی فعالیتونه په شپو او ورځو او دپیر وخت دپاره بیانی په داسی محابو او منطقو کې اجراشی چه هغه رادیو اکتیفی ککړوالی ولری او په ناگهانی ډول قطعات دهغی سره مخامخ شی . د تشعشعی کشف په برخه کې باید لاندینی شیان مراعات شی .

۱ - باید محکمې له مخی درادیو اکتیفی موادو په واسطه ککړه شوی منطقه کشف او دهغه د موجودیت په برخه کې خپلو قوماندانانو او آمرینو ته خبر ورکړای شی .

۲ - درادیو اکتیفی موادو په واسطه ککړی شوی منطقی ته درجه ورکړای شی ، یعنی د ککړوالی مقدار اندازه کړی ، او برسیره پردی د ککړی شوی منطقی حدود تثبیت



دامریکی دھوایی قواء ترانسپورتنی الوتکی پویه نواعه

داتومی جاود لو په برخه کی نشوبی نیازه کیدای ځکه چه هوائی کشف په عاجل ډول په لویو مناطقو کی چه قطععات هلته فعالیت کوی او یا به فعالیت و کړی موږ ته معلومات را کولای شی حتی په محینو حالاتو کی موږ مجبور یو چه نوموړی کشف فقط د هوائی وسایطو په واسطه اجرا کړ و مثلاً که د ځمکی سڅ داتومی چاودلو په واسطه زبیت ډیر (په لوره درجه سره) ککړ شوی و او یا د دښمن تر شامنتقی چه زمونږ تر ض په هغه کی متصور وی بی له هوائی کشف بله کومه چاره نشته .

د دوزو د ډیریکي کنترول په اجرا کولو سره کولای شو چه داتومی چاود لو په وخت د تلفاتو مخه ونیسو . لوموړی کنترول په دوه ډوله اجرا کیږی ، یوئی د وړانگو په سبب په ځا ر جی ډول بلئی راديو اکتیفي تسمم . دوزو متریکي خارجي تشعشمی کنترول ددی دپاره اجرا کیږی چه د وړانگو تاثیر په خلقو باله دتعلمی اندازی څخه زیات له وی واقع شوی . په صحرائی شرایطو کی دوزو متریکي کنترول دگامه وړانگی له امله په دوز (قیاس واحدی) سره اندازه کیږی .

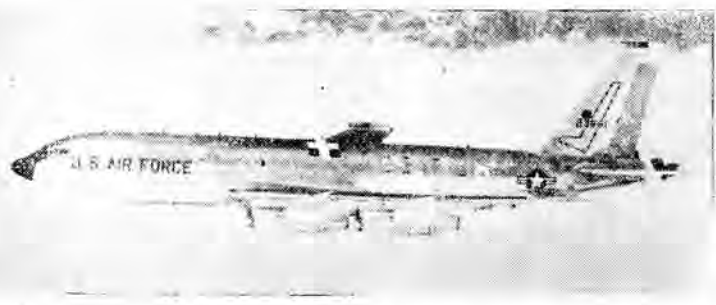
باید په یاد ولرو چه افرادی تحفلی وسایط لکه مخصوص درپشی او یا مخصوص بالا پوش اوداسی لورد گامه تاثیراتو په مقابل کی مستثنی دی . حتی دسربو (سرب) لوحه چه په پنډوالی نی ۷۰۰ سانتي متر وی ، تردو چنده زیات دگامه تاثیر نشی لږه ولای .

له همدی کبله باید کوشش وشی چه په اتموسی ککړه شوی منطقه کی ډیر غزنده کړو او که له دخطر سره به مخامخ شو .

دبیتا وړانگی تاثیر نسبت وگامه ته لږدی . دبیتا وړانگی په عمومی ډول ترپښو (پوتو) لاندی کیږی ، او ډیر میل لری چه دفلزاتو په واسطه جذب شی ، که غدهم دفلزاتو اونی اعظمی ترغولمی متر وپوری وی . بله داچه دبیتا ذرات دیوه ولاړ (دریدلی) سړی دلاس ورغوی په لور والی (سویه) تقریباً لس چنده دځمکی په لسبت کم وی د لوموړو هغلو کنترول په دوه ډوله اجرا کیږی یو ځانگړی (انفرادی) کنترول اود وهم نی دسته جمعی (گروپ هست) کنترول . په انفرادی کنترول کی ټول هغه کسان چه په ککړ شوی منطقه کی فعالیت کوی په یونفری صورت معاینه کیږی .

داندازه گیری په وخت کی باید پورتنی ذکر شوی شیان (ودالی اونور په نظر کی ولیوای شی . تشعشمی کشف دا کشفانی ډلو (پوستو) په واسطه صورت مومی . دا کشفانی پوستی په عمومی ډول هغه مناطقو ته استول کیږی چه په هغه کی دتطعاتو او جزو تامونو فعالیت په نظر کی وی او یا قطععات بالفعل په هغه کی فعالیت کوی او یا ځینو مخصوصو استقامتو ته لږول کیږی په داسی شرایطو کی چه د ککړ تبادر چه ډیره زیاته وی او یا منطقه صعب المروره وی ، د وړانگو د کشف دپاره د ټالکولو څخه استفاده کیږی په موضع گانو او یا ادارتباطو خند قولوداس لورو کبئی ډیلو پوستو په واسطه نو موړی کشف اجرا کیږی که منطقه ډیره لویه یا اوږده وه (لکه سرکونه اوداسی نور) په دی حال کی نوموړی کشف د الوتکو او هلیکوپترو په واسطه اجرا کیږی د تشعشمی کشف دپاره تر لکن متر ښودلی تعقیب کیږی اود ککړی په وخت په دوامدار ډول در لکن متر ښودلی تعقیب کیږی اود ککړی شوی منطقی په سرحدو کی دتحدید لوحی درول کیږی . ددی کشف په وخت کی مرفظ کسان بی له دی چه دخپلی ترانسپورتنی واسطی څخه خارج شی خپل فعالیت کوی او خپلی واسطی ته فقط لږتوقف ور کوی او بس تر ټولو دمخه لمړی هغه منطقی کشف کیږی چه جز و تامونه هلته فعالیت کوی او یا قطععات هلته ځای په ځای کیږی . که چیري کشف د الوتکو یا هلیکوپترو په واسطه اجرا کیدو باید معین خط السیرور کړی شوی وی او په آلتونو مجبزو وی داتم په ضد هوائی کشف اصلا د الوتکو د وړانگو دپاره په مختلفو لورو والیو کی اجرا کیږی . خوداهم باید ووايو چه که هر څومره حساس آلات (د کشف دستکواوی) په طیاره کی موجودی وی ، بیا هم تر ۱۰۰۰ متره لور اتموسی تشعشم نشی کشف کیدای . دا ځکه چه د ځمکی څخه پورته (لور) د تاثیرات کمه وی اونور کیمهالی تاثیرات هم شته چه په دی برخه کی مشکلات پیښوی . داهم باید ووايو چه هغه کشف چه د الوتکی په واسطه اجرا کیږی کوم دقیق اوصحیح کشف نشو بللی . دا ځکه چه الوتکه دفضا ککړوالی د الوتکو د الوتلو (پرواز) دپاره اندازه کوی ، حال داچه د ځمکی هر سڅ ککړوالی نسبت وفضا ته زبیت ډیر وی . لکه چه دمخه مو هم دی ټکی ته اشاره وکړه چه په لور والی سره د تشعشم مقدار کمیږی . بله داچه د الوتکی د کشف په واسطه د ککړی شوی ځمکی حدود ښه نشی تثبیت کیدای ، بالخاصه په هغه وخت کی چه د ککړی شوی منطقی ابعاد د الوتکی د لور والی (ارتفاع) څخه کم وی په داسی وضعیت کی لوموړی کشف ډیر تقریبی حتی ډیره غلطی لری . اگر چه د هوائی کشف په واسطه د ځمکی د ککړ تیا معلومولو دپاره یو ضریب موجود وی چه دهغی ضریب په واسطه دفضا د ککړ والی څخه د ځمکی ککړ تیا تخمین کول ممکن کیدای شی .

خو څرنگه چه ډیر عوامل په نوموړی ضریب بالدی الهیره کوی لوی ځکه نی فحیت ثابت نشی پاتی کیدای . مگر سره له دی ټولو نواقص بیا هم موږ د هوائی کشف څخه



یک نوع طیاره ترانسپورت قوای هوای اضلاع متحدہ

عقد دوزومتریکی آلات چه د خانگی کنترول دپاره استعمالی، انفرادی دوزومتریکی آلات نومبری اومجموعی تاثیر درنتگن له قراره حسابوی .

دسته جمعی کنترول هلته اجرا کیری چه د جزوتام یا قطعی قبول منسوبین په عین شرایطو کی واقع وی په دسته جمعی کنترول کی د دوز اندازه کولو د پاره رتگن مترونه او انفرادی دوزومترونه استعمالی رتگن متر دککری شوی منطقی په یوه نقطه کی چه دالوده کی درجه ئی تر قبولو زیاته وی درول کیری . د دوز اندازه دورانکو په ثابت حالت کی په لاندینی فورمول سره معلومیدای شی .

$$D = P \cdot t$$

په دی فورمول کی P د گامه دانتشار سوبه درنتگن ساعت له قراره او t عغه وخت ته اشاره کوی چه جزوتام محومه مده په ککری شوی منطقه کی استوگنه کیری ده که چیری دککری والی اندازه په عین منطقه کی مختلفه وه په داسی صورت کی باید په وسطی اندازه دککری والی درجه حساب دپاره قبوله کړو او په فورمول کی ئی واچوو .

په دسته جمعی دوزومتریکی کنترول کی باید دوو- دوو یادرو-درو ولفروته بوه یوه د انفرادی کنترول الهور کیری شی ترخو چه دهغه په واسطه د جزوتام دپاره منجنی تاثیر په لاس راوړو . دوزومتریکی کنترول ددی دپاره اجرا کیری چه دهغه په واسطه معلومه کړو چه دپرسوولو داخلی اعضا او یاخرگند وجود تر کومی اندازه پوری په رادیواکتیفی موادومصاحب شویدی دانسان داخلی اعضا عغه وخت په رادیواکتیفی موادو مصاب کیری چه دانومی چاودنی خخه وروسته خوک او په وچینی اوبانی اتومی غبار تنفسی اعضاوته داخل شی یاداسی نور . باید په یاد ولرو چه رادیواکتیفی مواد دجینی شیانو په سطح باندی ممکن بی خطر وه وی خو کله چه انسان دهغه سره تماس و کیری بیانو خطر لری له دی کبله باید هغه جنگی وسایط چه دککری شوی منطقی خخه تیر شوی وی نظمیرشی

په دوزومتریکی کنترول کی درایو اکتیف موادو دمقدار اندازه گیری د اجسامو په سطح اوحجم کی حسابی په اتوسی ککری شوی منطقه کی دانسان په داخلی اعضا و هاندی د بیتا اکتیف مواد ډیره اغیزی کوی لومحکه دیتا رادپواکتیف مواد اندازه کیری درادپواکتیف موادو قیاسی واحد کیوری نومیزی او په cm^2 کیوری او cm^3 کیوری ښودل کیری خرنکه چه کیوری ډیر لوی قیاسی واحد دی ، ددی دپاره چه مو په ډیره لیره اندازه سره درادپواکتیف موادو مقدار په جامو (لباس) دانسان په وجود دحر بی وسایطو په سطح او بو ، هوا اوداسی نورو کی ځان ته معلومه کړو دیوبل قیاسی واحد خخه استفاده کیری چه هغه رسپاد اومیری چه په دقیقه کی

$$\text{حسابی یو دقیقه / رسپاد} = 4.5 \times 10^{-13} \text{ کیوری}$$

په دی ترتیب دپوی سطی درادپواکتیفی موادو داندازی دپاره دقیقه سالتی متر مربع / دانومولو رسپاد اودما یعاتو دپاره دقیقه ۲ سانتی متر مکعب / دانومولو رسپاد قبول شوی دی . که چیری دکنترول په نتیجه کی دا خرنگنده شوه چه دککری تیادر چه د تحملی اندازی خخه زیاته ده په داسی حال کی باید بی له معطلی صحی چاری اودوسلو اوسایطو دپز کتیاو غیا (تظہیر) شروع شی . نوریا



در شب تثبیت ساحه های رادیو اکتیف و آلودگی کیمیاوی بسیار مشکل است . در صورتیکه تاسیس گذرگاه در مناطق ملوث شده ناممکن باشد، قوت ها باید از استقامت ها و راه هائیکه برای پرسونل تحفظه را بمقابل رادیالسیون و سرعت عالی پیشرفت را در تاریکی تامین کرده بتواند استفاده نماید . موفقیت های حاصل شده جزوتامهای مادون درشب باید باشروع روشنی الکشاف داده شود و نقطه مهم و قابل دقت در گذشتن از فعالیت های شب به

تعرض در

(بقیه صفحه ۷۴)

روز از تنرئید فعالیت های مجاروبی عبارت است . قوماندانان مادون کشف علاوگی را تنظیم و تدابیر امنیت را وسیع ساخته سلاح اتشداد عقب مانده را به پیشرو جلب و مساعی مشتر که راسرازنوتاسیس می کند . ووظایف علاوگی قاعدتاً قبل

از شفق داغ تعین میگردد . جهت مو قوت در فعالیت های مجاروبی درهملوی ستندارد عالی تعلیم و تربیه صحرائی به تقویه و تعلیم و تربیه روحی جزوتامها و افراد رشد ضرورت است . مجاروبه درشب لیرو مندی و استعداد و اعتماد کامل به نفس را ایجاب می کند . و قوماندانان باید قادر باشند تا در وضعیت های مشکل مجاروبه از تحمل کار گرفته و افراد خود را بصورت سریع و ماهرانه به سوی وظیفه داده شده سوق نماید .

تمایل و پیشرفت دستگاه های RADAR تکتیکی

مهیا ساختن عملیات محاربوی قوالی زمینی ممالک

پیمان نظامی ناتو NATO

نظر به عقیده متخصصین نظامی خارجی با استفاده از پیشرفت علم و تکنیک در آینده بسیار قریبی می توان که قوا زمینی بسیار ممالک را با دستگاه های رادار دستی کشف و مشاهده و همچنان دستگاه های رادار متحرک برای طوچی زمینی که در شرائط مترولوژ و تمام نواحی اقلیمی برای اجرا و ادامه عملیات محاربوی در هر زمان سال و یا شبانه روز حاضر می باشند مسلح ساخت .

تمایل و تقرب متخصصین و قومالدان نظامی ممالک غربی و از همه اولتر اضلاع متعده امریکا برای مچهر ساختن و مسلح نمودن قوا زمینی خویش با این قسم دستگا های رادار کشف و مشاهده و دستگاه های طوچی زمینی فقط مربوط به

در نتیجه گذاشتن به ستراتژیکی جدید قومالذالی بکت نظامی ناتو همزمان باز یاد و تقویه ساختن سلاح ذروی بطور اکتیف درمکمل و عصری ساختن سلاح عادی (غیر ذروی) کوشش مینمایند . پیشرفت پلانهای تکتیکی برای اجرای تعالیت محاربوی با استعمال سلاحهای عادی ضرورت زیاد به مچهر ساختن تمام صنوف قوا مسلح احساس میشود . از همه مهتر قوا بهاده باید با دستگاهها و مهفات مخصوصی کشف و مشاهده میدان های جنگک مچهر باشد .

قوماندانی بکت نظامی ناتو رول مهمی را در اجرای این وظائف بدوش دستگا های رادار محول مینمایند . که درین جمله دستگاه های اوپتیکی ، اکوستیکی و دستگاه های نوتیه شده (لازبری) سموسی و غیره شامل بوده و از جمله مهترین نوع تکنیکک زمین برای کشف ، مشاهده و تعقیب هدف بحساب می رولد .

در پیشرفت و ترقی مهفات و دستگاه های رادار ، قوا زمینی ممالکک عضو پیمان نظامی ناتو وقت زیاد خویش را جلب دستگا های رادار طوچی زمینی و دستگا های رادار کشف مشاهده و تعقیب در میدان های محاربه نموده و مینمایند .

تمایل عمومی در پیشرفت دستگاه های رادار بکه برای این مقصد تخصیص داده شده است و در عصر حاضر به نظر میرسد باید دارای اندازه های کوچک (دستی) بوده و بطور بسیار عالی مچهر گردد تا اینکه در تمام صنوف قوا مسلح در ساحه ها و تشکیلات مختلف تکتیکی (جزو تاسمهای کوچک ، گروپ ها) مورد استفاده قرار بگیرند .

موجبات موفقیت در تهیه این قسم نمونه های دستگاه های رادار را پیشرفت علم و تکنیک و از همه اولتر و مهتر ساحات رادیو الکترونیک ، فزیک اجسام جامد کیمیا و هم چنان دیگر علوم مختلفه بار آورده است .



دستگاه را دارا کانادائی که برای تعیین موضع آتش هاوانها و سلاح توچی AN/MPQ-502 (این دستگاه با اساس دستگاه امریکائی AN/MPQ-4 ساخته شده است)

فراخ شدن (ساحه) دائره عمليات شان می باشند که تنها وقتها با استفاده از این دستگاهها خواهند توانست که وظیفه محور خویش را انجام دهند .

بطور مثال اگر چندی قبل این قسم دستگاههای را دار بحیث دهنده معلومات اکتشافی فقط برای ضروریات طوپچی استعمال می گردید مگر فعلاً از این قسم دستگاهها در قوا زمینی برای حل بسیاری مسائل کشف قواء استفاده می نمایند. دستگاههای کشف و مشاهده کوچک و دستی امکانات زیادی برای قومالندانهای پیاده و موتر دار و عمله موترهای جنگی و اکتشافی میدهد تا اینکه معلومات مطلوبه را آنها بدست آورده و با اساس این معلومات تصمیم آخری خویش در شرائط و وضعیت های خطرناک و مغلق محار بوی اخذ نمایند .

نظر به عقیده متخصصین و مشاورین نظامی خارجی این قسم معلومات بطور مداوم (بلا لقطاع) در وقت و زمان حقیقی بدون معطلی به شرائط مختلف باید داده شود. به همین علت است که قومالندانان نظامی ممالک پکت اتلانتیک شمالی ناتو و بالخصوص اضلاع متحده امریکا فرانسه، جمهوریت المان غربی و انگلستان کوشش می نمایند تا زمانی که قوا زمینی ملی خویش با دستگاههای رادار کشف و مشاهده کوچک و دستی که دارای درجه عالی باطمینان بودن و اقتصادی تر باشند مجهز سازند با وجود آنهم طوری که در مطبوعات خارجی ذکر گردیده است تجارب استعمال محار بوی دستگاههای رادار در شرائط جنگ های



دستگاه امریکایی نوع AN/PPS-II که بحیث دستگاه رادار نشان گیری از آنها استفاده می نمایند .

جنوب شرق آسیا نشان داده است که بسیاری از دستگاههای توپچی زمینی اضلاع متحده امریکا و دستگاههای رادار کشف و مشاهده در میدان محاربه که نمونه شان در قوا زمینی ممالک عضو پیمان ناتو موجود است در نتیجه پائین بودن درجه اطمینان شان فعلاً هنوز از عصری ساختن و مکمل ساختن بسیار دور می باشند و آنها به مقتضیات و خواهشات اجرای فعالیت های محار بوی عصر حاضر جواب مثبت داده نمی توانند .

در نتیجه مجهز ساختن قوا زمینی به دستگاههای رادار و بالخصوص دستگاههای رادار توپچی زمینی و دستگاههای کشف و مشاهده میدان های محاربه یک عده پرا بلم بسیار مغلق که بنام فعالیت مشترک الکترو مقناطیسی دستگاههای رادار یاد گردیده خلق شده است. آنها عدم موجودیت یا رازیت های نسبی (در بین خود) و تاثیر فعالیتی دستگاههای یک قسمی و هر قسم دستگاههای رادار دیگر که بطور بسیار واضح فعالیت می کنند تعریف می نمایند. حل این پرا بلم ها فقط نظر به اقدامات تشکیلی درجا بجا نمودن دستگاههای رادار قوا زمینی و تا اندازه ممکنه کم ساختن سطح دیا گرامهای عقبی تصویب و منظور کردن یک ترتیب صحیح کارات نو بتی محار بوی دستگاههای رادار و فعالیت آنها بر سکتورهای جدا گانه و معینه امکان پذیر است .

نظر به عقیده متخصصین نظامی خارجی حل پرا بلم فعالیت مشترک الکترو مقناطیسی دارای یک رابطه بسیار محکم با دیگر مسائل مهم تهیه دستگاههای رادار می باشند یکی از این مسائل عبارت از مهیا ساختن قابلیت محافظت عالی در مقابل پارازیت ها میباشد که از جمله مهمترین خواهشات و پیشنهادات در طرح های جدید دستگاهها برای قوا زمینی ممالک عضو پیمان NATO میباشد .

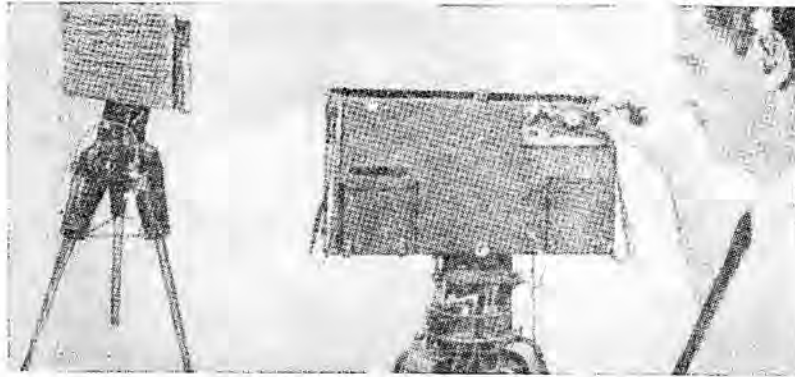
و تئیکه دستگاههای جدید در قوا مسلح شامل گرد در اینصورت از آن جمله دستگاههایی را انتخاب می نمایند که دارای قابلیت محافظت عالی در مقابل پارازیت ها باشند اگر چه شاید بعضی خواص های دیگر آن قدر عالی نباشد .

پیدا شدن یک تعداد بسیار زیاد دستگاههای رادار توپچی زمینی (صحرائی) و دستگاههای رادار کشف و مشاهده در قوا زمینی بسیار ممالک عضو پیمان ناتو و بالخصوص در اردوی اضلاع متحده امریکا و حتی بودن حل پرا بلم فعالیت مشترک الکترو مقناطیسی و مهیا ساختن قابلیت محافظت عالی در مقابل پارازیت ها تهیه و شامل ساختن دستگاههای رادار شناسائی (خود-بیگانه) درین دستگاهها ضروریست :

در زمان حاضر فقط جز و تاسمهای قوا زمینی اضلاع متحده امریکا و فرانسه با دستگاههای رادار اخذ و جوابه سیستم شناسائی مجهز میباشند قوا زمینی دیگر ممالک سرمایه داری دارای این قسم دستگاههای شناسائی هنوز نمی باشد و عدم موجودیت یک دستگاه رادار شناسائی بسیار ساده و مطمئن مشکلات زیادی در اداره جز و تاسمهای قوا زمینی در زمان اجرای فعالیت های محار بوی تولید می نماید .

این بود تمایل عمومی و اساسی پیشرفت دستگاه‌های رادار توپچی زمینی صحرائی (و دستگاه‌های کشف و مشاهده در میدان‌های محاربه قوای زمینی ممالک عضو پیمان اتلانتیک شمالی. ذیلاً بعضی مسائل مجهز ساختن و پیشرفت دستگاه‌های رادار توپچی زمینی و دستگاه‌های کشف و مشاهده در میدان‌های محاربه را در دسترس خوانندگان محترم مجله اردو تقدیم می‌نمایم :

دستگاه‌های رادار توپچی صحرائی برای تعیین محل‌ات آتش‌ها و انهای انداخت کتنده و سلاح توپچی باخط السیر منحنی پرواز مرمی و هم چنان محل راکت‌های غیر رهبری شده خدمت می‌نمایند



دستگاه کوچک رادار (دستی) اضلاع متحده امریکائو ANPPS-10

بعد از گرفتن امر قوماندان بطریقه بصورت بسیار فوری موثر زرهپوش را به محل جنگ ارسال می‌کند. موقعیت (محل) خویش را نسبت به محل احتمالی بطریقه ها و انهای دشمن تعیین کرده و بعد دستگاه را برای فعالیت آماده می‌سازد. برای اجرای تمام این عملیات فقط چند دقیقه لازمی است. به نسبت ارتفاع کم در زمان تعیین موضع مشکلاتی راجع به سترواخفا آن بوجود نمی‌آید.

در ظرف چند ثانیه بعد از فیر ازیموت، زاویه محل و مسافه چندین نقطه رادار سیر پرواز زمین تعیین می‌نمایند. این معلومات (کوردینات) به پرده اند کاتور و هم چنان به ماشین‌های حساب کننده که کوردینات بطریقه ها و ان را با درجه دقیق حساب می‌کند داده میشود.

شمه‌های الکترونی به شکل بلاک‌های تبدیل شوند با استفاده زیاد از فخنیک لیم عادی‌ها (ترانزیستورها و دیودها) ساخته شده است.

یک دستگاه جدید تعیین کننده محل ها و انها که در قوای مسلح انگلستان موجود بوده و در آینده قریبی باید در قوای زمینی قوای مسلح جمهوریت المان غربی ظاهر گردد عبارت از دستگاه رادار انگلیسی بنام (سیم بلین) میباشد. این دستگاه عبارت از واریانت تغییر شکل دستگاه رادار «گرین‌اچیر» است. وزن آن به نسبت استعمال پارچه‌های بسیار کوچک از 1800 کیلو گرام به 250 کیلو گرام پائین آمده است.

دستگاه مذکور ذریعه هر یکی از وسایل ترانسپورتی زمینی و یا هلیکوپترها و در صورت ضرورت شش عسکر آن را حمل و نقل کرده می‌توانند.

پرسول محاربوی آن را 2 راپراتور تشکیل میدهد. خواص مخصوصی ساختن آن عبارت از امکان اداره فاصلوی از مسافه 15 متر دورتر نظر به دستگاه میباشد که این خواص احتمال از بین رفتن اوپراتورها را کمتری می‌سازد. غیر از وظیفه اصلی خویش از دستگاه رادار «سیم بلین» می‌توان برای مشاهده میدان محاربه استفاده کرد.

در بهلولی تهیه نمودن‌های جدید (کوچک) توپچی صحرائی

غیر ازین‌ها از دستگاه‌های مذکور برای تصحیح و اصلاح کردن آتش‌ها و انهای توپچی و بعضی اوقات برای کشف اهداف زمینی متحرک نیز استفاده می‌نمایند.

دستگاه‌های رادار این نوع که در قوا مسلح موجود باشند در اثر یک انداخت (فیر) در ظرف چند ثانیه (از 5 الی 30 ثانیه) کور دینات محل آتش را تعیین کرده می‌توانند.

دستگاه قطع کننده (تعیین کننده) محل‌ات آتش در یک ساحه فراخی در ویتنام و شرق میانه استعمال می‌شود و به همین سبب است که قوماندانی قوای زمینی یک عده ممالک دارای معلومات مکمل راجع به موثریت استعمال محاربوی آنها می‌باشند.

نظر به اطلاع مطبوعات خارجی نواقص مهم این دستگاه‌ها که در اثر استعمال محاربوی آن تولید و تعیین گردیده است عبارت میباشد از: عدم موجودیت متحرک بودن لازمی، قابلیت تدافعی (محافظة) خرابی در مقابل پارازیت‌ها، احتمال زیاد تخریب اوپراتورها، کافی نبودن ساحه کشف و دقیق نبودن تعیین محل آتش. اطمینان کم فعالیت دستگاه و بالاخره امکان نداشتن فعالیت دستگاه در سکتورهای بزرگ مشاهده (ویا در دائروی).

این نواقص متخصصین را مجبور ساخته است که اقسام جدید دستگاه‌های رادار تعیین محل آتش تهیه نموده و دستگاه‌های سابقه را عصری تر بسازند بدینصورت مدل آخری دستگاه‌های امریکائی و کانادائی به اساس دستگاه AN/MPQ-4 که در بالای موثر زرهپوش خفیف نصب گردیده است ساخته اند. غیر از زیاد ساختن قابلیت حرکت (متحرک بودن) این دستگاه به نسبت داشتن زره اوپراتور و دستگاها را محافظه می‌نمایند تقریباً همین قسم نقشه ساختن در دستگاه رادار انگلیسی (گرین اچیر) استعمال گردیده است که آن در بالای زرهپوش M113 نصب میباشد. در زمان حاضر این دستگاه آزمایش مایش حربی را گذشتانده است و گمان می‌رود که این دستگاه در قوای مسلح المان غربی شامل ساخته شود. دستگاه (گرین اچیر) دارای خواص تکتیکی و تختهیکی خوب و دارای قابلیت مالور عالی میباشد.



دستگاه کوچک
رادار ایتالیائی
اوع 4 - MLU

برای تعیین موضع آتش‌ها و الوه‌های پرتاب‌کننده و سلاح توپچی با خط السیر منحنی پرواز مرمی در اضلاع متعده امریکا دستگاه ساخت (1957) $AN/MPQ-4$ - مودرنی زی (عصری) ساختند. بعد از عصری ساختن دستگاه مذکور علامه گذاری شده بود. و بصورت خصوصی زمان تعیین موضع آتش تا ۳الی ۴ ثانیه کم ساخته شده بود.

غیر از این ها دستگاه عصری شده $AN/MEQ-4A$ قادر به تعیین مین هائیکه دارای خط السیر کم لشیب (خط السیر که زاویه سقوط آن نه زیادتر از ۲۰ درجه باشد) پرواز اند می باشد. یک عده از نواقص فوق الذکر این دستگاه های رادار بر طرف گردیده است مگر آنها کمافی السابق فعالیت را در یک ساحه فراخی (سکتور مشاهده دائروی) مهیا ساخته نمی توانند به همین سبب قوماندانی اردوی اضلاع متعده امریکا یک عده کمپنی های بزرگ از قبیل RCA او کو الکترو لیک، مگناوکس ژیل فیلان و غیره را به ساختن دستگاه های رادار تعیین کننده محل آتش در سکتور دائروی مؤظف ساخته است. بدینصورت در سال ۱۹۶۷ کمپنی امریکائی بنام ژیل فیلان همراه قوماندانی اردوی اضلاع متعده امریکا قرار دادی با مضا رسالید که در نتیجه آن کمپنی مذکور دستگاه های رادار تعیین کننده موضع هاوان با مشاهده دائروی که بالذکر $AN/TPS-28$ یاد می گردد برایش بسازد.

این اولین دستگاه رادار است که برای همین مقصد دارای آنتن های پنجره دار میباشد. با وجود آلمه بعد از زحمات و کوشش سه ساله کمپنی مذکور نه توانست دستگاهی بسازد که بهر طرف فعالیت کرده بتواند اگر چه لموله آزمایشی $AN/TPS-28$ نظربه عقیده متخصصین نظامی دارای اوصاف بسیار خوب و دقیق می باشد.

در تعقیب آن قوماندانی اضلاع متعده امریکا اعلان کالکوری برای ساختن دستگاه های رادار کوچکیکه بتواند موضع هاوان بطریقه های توپچی و راکت را تعیین کند نمود. در این ساقه کمپنی های اضلاع متعده امریکا، اروپای غربی شرکت جستند. یکی از جمله اساسی ترین مقنضیات شان عبارت از تمییه امکانات فعالیت دستگاه در سکتور دائروی بوده است. پیش بینی شده بود که دستگاه های رادار جدید باید جای دستگاه های رادار قدیمی $AN/MPQ-4A$ ، $AN/MPQ-4$ ، $AN-MPQ-10$ را می گرفت.

در نتیجه فعالیت های مسابقاتی یک عده لموله های آزمایشی جدید دستگاه های $AN/TPQ-31$ ، $AN/TPQ-32$ ، $AN/TPQ-33$ بوجود آمده و همچنان طرح «ریعباس» که اساس سیستم های رادار نکتیکی با مشاهده دائروی ساخته میشود و قادر به کشف موضع رادار ها میباشد تهیه گردیده است. و همچنان در ساختن این نوع دستگاهها رادار کوچک برای تعیین راکت های رهبری شده و تعقیب آنها در پرواز دقت زیاد بخرج داده شده است

بطور مثال انجیران امریکائی نمونه آزمایشی دستگاه رادار $ANIMPS-36$ تهیه کرده اند. این دستگاه از دو کانال سیستمونو امپولسی (یک امپولسی) بطریقه دو پلر سرعت پرواز راکت (هدف) را تعیین کرده می تواند تشکیل گردیده است. در تهیه و ساختن نمونه های اولی دستگاه تقریباً پنج میلیون دالر مصرف گردیده است دستگاه مذکور در دیاپزون فریکانس ۵۴۰۰ تا ۵۹۰۰ میکاسیکل (یک میکاسیکل مساوی به یک میلیون سیکل است) فعالیت کرده، دارای قدرت یک میگاوات (در مرحله ها چراغ های جدید استعمال کرده است) بوده ساحه عمل (فاصله) حسابی آن به ۵۰ کیلومتر رسیده و درجه دقیق بودن تعیین سرعت آن به ۰٫۸ متر فی ثانیه می رسد. در تشکیل سیستم مذکور ماهین حساب کننده الکترونی کوچک شامل میباشد دستگاه $ANIM S-36$ آزمایشی ارزشی خویش را گذشتانده و در یکی از پروگرامهای تحقیقاتی توانستند یک هدف کروی که دارای قطر ۱۵ سانتی متر بمسانه ۱۴۰ کیلومتر قرار داشت تعقیب کند. تمام دستگاه رادار در یک تریلر خفیف جا بجا شده است. گفته میشود که دستگاه $ANIM S-36$ شاید به حیث مدل اساسی برای ساختن دستگاه های کوچک دستی که بمقصد تعقیب راکت های رهبری شده. موضع آتش ها و انهای پرتاب کننده راکت های غیر رهبری شده توپچی و همچنان برای کشف اهداف زمینی انتخاب شود.

بدین صورت پیشرفت عمومی دستگاه های رادار توپچی زمینی قوا زمینی بکت نظامی $Nato$ طوریکه از اخبار مطبوعات خارجی دیده میشود متوجه ساختن دستگاه های کوچک دستی، با اطمینان کامل و سکتور فراخ (دائروی) مشاهده زمان عکس العمل بسیار کم و دارای صفات عالی دقیق میباشد. دستگاه های راداریکه با این مقاصد تخصیص داده شده است در اضلاع متعده امریکا و انگلستان ساخته میشود. دستگاه های رادار کشف و مشاهده در میدان های محاربه در اواسط سالهای شصت عیسوی در قوا زمینی بکت نظامی

ناتو شامل ساخته شده است. زیاد ساختن تعداد این قسم دستگاه های رادار بعد از بوجود آمدن موفقیت های علم و تخنیک جدید در صنعت رادیو الکترونی شروع گردیده است.

این قسم دستگاه های *Rodar* برای اجرای وظائف ذیل تعیین گردیده اند:

۱- مشاهده از حرکت قواء و تخنیک حر بی دشمن در عمق تکتیکی و میدان محاربه

۲- تعیین کوردینات اعداف کشف شده زمین و اهداف هست پرواز هوایی.

۳- کشف پرسول (در نتیجه افراد منفرد نیز شامل شده می تواند) در محلات باز (بدون سر پناه) و هم چنان از عقب برگ های درختان و پنه ها.

۴- تصحیح و تنظیم انداخت از سلاح انداخت کننده و با مین ها با استفاده از *Radar* نشان گیری

۵- شناسائی هدف (اتوموبیل، تانکها، افراد منفرد مسلح و یا غیر مسلح، حیوانات و غیره)

۶- تعیین دینامیک عمل اهداف کشف شده (می رود، می لغزند، به سرعت زیاد و یا بطور بطی حرکت می نمایند به کدام سمت و غیره)

۷- محافظ (اشارات اتوماتیکی) محل استقرار قواء، تخنیک، ربات های ارکان، محلات اداره و دیگر موالع مهم عسکری.

به کمک این قسم دستگاه های *aradar* می توان يك عده مسائل کمکی را نیز حل کرده تعیین سمت حرکت ابرهای رادیاسیولی، تهیه مخاربه به کالالهای رادار، اداره جزو تاسمهای تکتیکی قواء زمینی و غیره.

در زمان حاضر در قواء مسلح قوا زمینی کمیت نظامی اتلانتیک شمالی (*Nato*) زیاد تر از بیست نوع این قسم دستگاه های رادار موجود است.

غیر از این ها تقریباً ۱۵ نوع دستگاه های امریکائی که بطور نمونه های آزمایشی يك يك پایه و یا زیاد تر (از ۵ الی ۲۰ پایه) ساخته شده است در قواء مسلح موجود میباشد.

زیاد تر از این دستگاهها آزمایشات و تحقیقات قوایی را در شرایط عملیات محاربه ویتنام یعنی در جائیکه یکی از جمله

مهمترین محلات تکتیکی کشف و مشاهده زمینی میباشد گذشتانده اند. پیشرفت دستگاه های رادار فوق الذکر نظر به عقیده متخصصین

نظامی مربوط به ساختن دستگاه های کوچک با اطمینان که قادر به کشف اهداف متحرک زمینی و اهداف راست پرواز باشند

میشود.

در عصر حاضر تمام انواع دستگاه های رادار کشف اهداف زمینی - و از زمینی را میتوان به چهار گروه تقسیم کرد:

دستگاههاییکه دارای ساحه (فاصله) عمل، نزدیک، کم، وسطی و بزرگ میباشد. در آینده نزدیکی نظر به عقیده متخصصین

فرانسوی و امریکائی دستگاه دستی که دارای درجه اطمینانی هائی بوده و بتواند در تمام دهازون مسافه (از نزدیک تقریباً

۲ کیلومتر تا بعید تقریباً ۲۰ کیلومتر) فعالیت کند ساخته خواهد شد.

تقص اساسی این دستگاه های رادار عبارت از تولید عارضه و خرابی از فاصله های زمانی کم میباشد. بطور مثال يك دستگاه

مکمل عصری و مجهز امریکائی بنام *AN/pps-5A* در شرایط و پارامتر های معینه فقط ۲۵۰ ساعت فعالیت کرده می تواند.

در ظرف سه، پنج سال اخیر در اضلاع متحده امریکا کارات علمی و تحقیقاتی در ساختن دستگاه های رادار کوچک تکتیکی

با درجه اطمینان بسیار عالی ادامه دارد.

غیر از دستگاه های رادار ذکر شده امریکائی در قواء مسلح اردوی زمینی معالک عضو هیومان *Nato* يك عده دستگاه های

کوچک خفیف و اقتصادی موجود است که در بن جمله دستگاه «الیفات يك ودو» (فرانسوی) و «راسور» (فرانسه و المان غربی)

دستگاه های *Radar* نوع *MLV-4a* (ایتانیا) که دستگاه مذکور جمهورت المان غربی آزمایش شده است؛ «وامپیر» (الکستان)

پوش بونی می شود که آن را مملکت هالیند خریداری خواهد نمود شامل میباشد این دستگاه دارای خواصی میباشد

(غیر از درجه اطمینانی شان، که بخواص دستگاه های امریکائی بسیار نزدیک اند. در معالک دیگر عضو هیومان *Nato* در تهیه

ساختن این قسم دستگاه های رادار کدام توجه موجود نیست. در تمام دستگاه های ذکر شده غیر از «راسور»

(*GSNo14Mk1*) و «وامپیر» به نسبت فعال ساختمانی شده تشریحی استفاده گردیده است که در بن جانچه های مثبت میتودهای

رادار امپولسی رادار بلا انقطاع (بی دربی) متحد گردید است. فعالیت دستگاه های رادار با درجه اطمینان بسیار عالی

به نسبت بودن لهم هادی و تراز بستور های اقتصادی عناصر و سامان رادبوئی بسیار دقیق و با اطمینان میباشد.

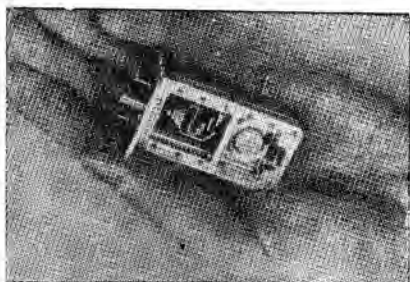
از دیگر خصوصیات ابرتری ساختمانی دستگاه های رادار ساحه عمل نزدیک کوچک و وسطی (از صفر تا ۱۰ کیلومتر) که

متخصصین نظامی خارجی یاد آوری کرده اند می توان از طرح ساختمانی رفتن های پنجره ئی بسیار ساده، امکانات فعالیت

دستگاهها بالای سه پایه، بالای خاک و یا در دست اوپراتورها، استفاده از پوست اداره و اندکانور کشف هدف در محلات

ضروری- امکان نصب آن بالای مهمات ترانسپورتی نام برد. در یکی از دستگاه های مذکور دستگاه رادار (شناسائی

خود - بیگانه) موجود نیست. تمام این دستگاهها در دهازدن امواج سه سانتی متری فعالیت می نمایند. فقط چند دستگاه بطور



نمونه لابراتواری دستگاه رادار بسیار کوچک - کشف اهداف زمینی

جهان در

يك ماه اخير



صاح جهانی خوالدلد شناسایی حقوق مسلم عربهای فلسطینی را شرط نخستین اعاده صلح در شرق میانه تلقی کرد. اعلامیه اشغال اراضی را از طریق استعمال قوه محکوم نموده و از قوای اسرائیل تقاضا کرده فوراً وبدون شرط خاکهای عرب را ترك نماید و به عقب آن خطوط سرحدی بر گردد که قبل از جنگ عرب و اسرائیل در سال ۱۹۶۷ برقرار بود.

کنفرانس بصورت عموم چند فیصله نامه را بتصویب رسانید که با مسایل مربوط به استعمار، رودیشیا زمباوی شرق میانه، اسارت صاحب منصبان سوریه و لبنان از طرف اسرائیل، صحرای افریقا که تحت اشغال هسپا نیه است، هند چین، السجام امنیت بین المللی، خلع سلاح و آبهای ساحلی سروکار دارند. در حوضه آبهای ساحلی کنفرانس فیصله کرد که کشورها حق دارند عرض آبهای ساحلی خود رامطابق به شرایط جغرافیایی ومنطقوی امتداد بدهند. همچنان کنفرانس فیصله کرد تا زمانیکه ترتیبات دائمی اخذ شود از حکومت يك کشور تقاضا بعمل آید که بحیث دارالانشاء کنفرانس کشور های غیرمنسلک ایفای وظیفه بنماید. راه حل مسایل بین این کشورها از طریق مذاکره و مشوره جستجو شود در برابر تمام کوششها یکه برای تفرقه افکنی میان کشور های غیرمنسلک صورت میگرد و متبعمل آید در صورتیکه استقلال و تمامیت ارضی کشور های غیرمنسلک تهدید شود از آنها حمایت بعمل آید. به جنگهایی که باعث ظلم و اشغال خارجی میگردد دخا تمه داده شود برای ایجاد مناطق صلح صرف مساعی بعمل آید. به جنوش های رهائی بخش ملی وملل متحد کمک شود. تا بقایای استعمار و تبعیض نژادی از جهان رخت بر بندد. طرق تهیه کمک مالی وترتیبه نفر برای لهضت های رهایی بخش ملی در افریقا جستجو شود برای خاتمه دادن به تجارت بین تمام کشورها ورژیم نژاد پرست افریقای جنوبی وقطع سرما به گذاری خارجی در آنجا هر گونه کوشش بعمل آید.

اجتماع وزیران خارجه کشور های غیرمنسلک در جارج تاون، پذیرفته نشدن بنگله دیش از طرف شورای امنیت در ملل متحد انکشافات اخیر در شرق میانه بشمول حادثه مونیخ ولاینجل مالدن موضوع جنوب شرق آسیا از جمله آن واقعات مهم سیاسی است که در این جامورد تفسیر و تحلیل قرار میگیرد.

ایجاد قضایای جدید بعد از سپری شدن دو سال که از کنفرانس سران ممالک غیرمنسلک میگذرد يك بار دیگر کشور های غیرمنسلک را واداشت تا بار دیگر این کشورها گردهم جمع گردیده وقضایای لاینحل و پیچیده را که در صحنه روابط بین الدول اثر بارزی گذاشته در قبال پالیسی مشخص خویش آن را طرح و ارزیابی کنند. ظهور بنگله دیش بحیث يك کشور جدا گانه، سفر رئیس جمهور ایالات متحده به هیکینک و مسکو و روشهای اقتصادی ممالک بزرگ صنعتی در مقابل کشور های کم رشد از آنجمله موضوعات مهم بود که ضرورت تشکیل کنفرانس وزرای خارجه را حتمی ساخت.

کنفرانس وزرای خارجه صفت کشور غیرمنسلک که در جارج تون مرکز گیانا هابر گردید یکی از کنفرانسها مهم و بارز می بود که در طول تشکیل کشور های غیرمنسلک صورت گرفته است افغانستان که از جمله سابقه دارترین کشور های غیرمنسلک شمرده میشود در این کنفرانس بصورت فعال سهم گرفت و هیأتی برباست با غلی موسی شفیق وزیر امور خارجه به جارج تاون مسافرت نمود و وزیر خارجه افغانستان اولین نطقی بود که در این اجتماع سخنرانی نمود و معین سیاسی وزارت امور خارجه داکنتر روان فرهادی بحیث راهبر تر از طرف مجلس انتخاب گردید که در اخیر کنفرانس از خدمات موصوف از طرف مجمع بقدر دانی یاد گردید.

در اخیر کنفرانس اعلامیه نشر گردید که بصورت يك کل سیاست اسرائیل را در شرق میانه تخلف از منشور ملل متحد، تهدید به کشور های غیرمنسلک و خطر جدی به

برای ایجاد اصلاحات بین‌المللی اقتصادی بشمول اصلاح حقوق بین‌الدول صرف مساعی شود. برای بلند بردن معیارهای اقتصادی کشورهای غیر منسلک از هیچ نوع همکاری خود داری نکردن تا این کشورها همیشه تجربه و کمک خود را با همدیگر تبادل نمایند. برای اینکه ملل متحد چنان بشمول گردد بحیث یک وسیله موثر صلح و امنیت جهان را حفظ کند تا احتیاجات کشورهای روبه انکشاف را خوبتر برآورده بسازد. مساعی دسته جمعی ادامه باید.

همچنان در کنفرانس وزارای خارجه کشورهای غیر منسلک برای چند جبهه آزادیخواهی که دارای حکومت دایمی نمی‌باشند اجازه دادند تا نمایندگان شان در کنفرانس وزارای خارجه اشتراک ورزند این نمایندگان عبارت بودند از نمایندگان موسسه آزادی فلسطین، نمایندگان جبهه دیموکراتیک و بتنام و نمایندگان شهزاده سهاونک رئیس دولت سابق کمبودیا. این امر بخاطری صورت گرفته که مشی سیاسی کشورهای غیر منسلک کمک به آن می‌است که از اساسات بیطرفی بصورت مثبت و فعال پشتیبانی میکنند و این جبهه‌های آزادیخواهی در خط مشی سیاسی خویش همیشه اعلام داشته اند که از سیاست بیطرفی فعال و مثبت همیشه پشتیبانی خواهند نمود.

قرار معلوم در ختم کنفرانس فیصله بعمل آمد که تا اجتماع دیگر کنفرانس معالک بیطرف از سال ۱۹۷۴ در الجزایر دایر شود. کشور الجزایر بعد از آنکه استقلال کامل خویش را از فرانسه بدست آورد در جمله کشورهای فعال معالک غیر منسلک قرار گرفت.

در این اواخر که بحث راجع به شمول بنگله دیش در موسسه ملل متحد، در شورای امنیت صورت گرفت، عضویت بنگله دیش از طرف جمهوریت مردم چین ویتو گردید شاید در ذهن ما سوالی ایجاد شود که چرا جمهوریت مردم چین به عضویت بنگله دیش در موسسه ملل متحد موافقه ندارد این امر دو علت دارد یکی اینکه از زمان تشکیل بنگله دیش تا بحال جمهوریت مردم چین این کشور را برسمیت نشناخته و از آوان تأسیس بنگله دیش جمهوریت مردم چین جدائی این کشور را از پاکستان تقبیح نمود دوم اینکه پاکستان یا جمهوریت مردم چین روابط نسبتاً دوستانه دارد و همیشه از حمایت سیاسی جمهوریت مردم چین برخوردار است و تا زمانیکه پاکستان بنگله دیش را برسمیت نشناسد امکان شمول بنگله دیش در موسسه ملل متحد ضعیف به نظر میرسد.

ذوالفقار علی بوتو از وقتیکه بحیث رئیس جمهور پاکستان زمام امور را بدست گرفته همواره کوشیده تا با شیخ مجیب الرحمن مذاکرات مستقیم را انجام دهد اما این آرزوی خویش موفق نگردیده و شیخ مجیب الرحمن صدراعظم بنگله دیش هم اعلام نموده است تا زمانیکه پاکستان بنگله دیش را برسمیت نشناسد حاضر نیست با بوتو داخل مذاکره شود. اگرچه در این اواخر رئیس

جمهور پاکستان تلاش زیادی بخرج داد تا شیخ مجیب را به مزم مذاکره بکشاند اما این تلاش وسیعی او به ناکامی گرانید. رئیس جمهور پاکستان فعلاً باینکه سلسله مشکلات اساسی روبرو میباشد مشکلات داخلی پاکستان از یک طرف و برگرداندن نود و سه هزار اسیر جنگی پاکستان از طرف دیگر موقوف بود. رادها پاکستان براشفته ساخته است و از طرف دیگر رئیس جمهور پاکستان تا حال نتوانسته است حزب مردم رامتقاعد سازد که کشور بنگله دیش را بحیث یک حقیقت قبول کنند و فعلاً موضوع دلچسپ و باارزش برای حکومت بوتو اینست تا او دو سه هزار اسیر جنگی خویش را به پاکستان برگرداند و حکومت هند هنوز هم اصرار دارد که این اسیران مربوط به حکومت هند و بنگله دیش است که از طرف قوماندانی مشترک هند و کشور اسیر گرفته شده اند و حکومت هند هم اساساً رهایی این اسیران را مربوط و منوط به حکومت بنگله دیش دانسته است.

در کنفرانس سمله که چندی پیش بین رهبران هند و پاکستان مذاکرات مستقیم صورت گرفت محافل سیاسی پیش بینی میکردند که شاید روابط بین این دو کشور بهبود حاصل کند اما طوری که مینیمم مخاصمات تا حال در لیم قاره از بین نرفته است طبق اعلام محافل سیاسی هند رئیس جمهور بوتو در این اواخر در بیاناتش به یک نکته جدید که ابتکار خودش میباشد اشاره نموده و گفته است در مسأله برگرداندن اسیران جنگی پاکستان باید پای بنگله دیش شامل باشد، و همین محافل اضافه میکنند که هند در کنفرانس سمله بوضاحت تصریح نمود که در جنگ دسمبر ۱۹۷۱ اسیران جنگی قوماندانی مشترک هند و بنگله دیش تسلیم شد. مقامات هندی معتقد هستند که در هر گواهی حل اسیران جنگی باید بنگله دیش بحیث کشور سوم شرکت نماید.

محافل سیاسی بدین عقیده هستند که اساس مذاکرات سمله برای هند و پاکستان که یک آغاز لیک در جهت رفع کشیدگی بین کشورهای لیم قاره محسوب شده بود از جریانات فعلی که در لیم قاره سوری میشود متأثر گردیده و اگر این کشورها از گذشت و برد باری کار نگیرند شاید مخاصمات بعدی را در برداشته باشد. جمهوریت مردم چین که ۲۳ سال از موسسه ملل متحد دور ماند از اثر ویتوی ایالات متحده در شورای امنیت بود و جمهوریت مردم چین نیز از ویتودل خوش ندارد. شاید جمهوریت مردم چین به لحوی از الحاد خواهد کوشید تا بار دیگر از حق ویتوی خویش در مورد شمول بنگله دیش استفاده نماید گرچه همین اکنون در ملل متحد بعضی کشورها سعی میکنند که جمهوریت مردم چین از حق ویتوی خویش در مورد شمول بنگله دیش خود داری ورزد با شروع جلسات مجمع عمومی ملل متحد این موضوع

روشن خواهد شد که به چه ترتیب بنگله دیش عضویت ملل متحد را حاصل خواهد کرد.

واقعات چند روز پیش مویخ که در آن یازده ورزشکار اسرائیل از طرف گروه سپتامبر سیاه فدائیان عرب بقتل رسیدند تمام جهان را تکان داد و یکبار دیگر مردم جهان متوجه این حقیقت گردیدند که فدائیان فلسطینی به هر وسیله که شود دشمنان خود را آرام نخواهد گذاشت. گروه سپتامبر سیاه از زمان تشکیل خود تا حال به ضد آن کسانی قیام نموده اند که منافع مردم فلسطینی را زیر پا ساخته اند و این قیام آنها بقتل رساندن صدراعظم اردن بود که نامبرده را در یکی از هتل های قاهره بچنگ آوردند دومین قیام آنها در میدان هوایی بلدا بود که در آن چند تن اسرائیلیان کشته شدند هم چنان ربودن یک طیاره مسافر بردار اسرائیلی که البته در آن ناکام شدند ولی در ایتالیا باز هم فدائیان فلسطینی بازین بردن یک فابریکه که برای اسرائیل مواد تهیه میکرد موفقیت دیگر خود را بر سر رساندند. اگرچه این اقدام فدائیان سپتامبر سیاه از طرف اکثر معارف سیاسی و ورزشی کشورهای غربی تقبیح شد و از مالک شرعی تنها و تنها حکومت رومالیه و کمیته سبورتی اتحاد شوروی آرا تقبیح کرد ولی جالب فلسطین و معالک عربی آرا یک موفقیت بزرگ خود تلقی کردند تنها پادشاه اردن این عمل فدائیان را تقبیح نمود مردم فلسطین که از سر زمین اصلی شان بزور کشیده شده اند و در بیابان، صحرا و خیمه ها زندگی مینمایند پیش از هر چیز دیگر به سرزمین اصلی خویش که فعلاً در آن اسرائیلان متوطن گشته اند متوجه هستند آنها به هیچ چیز دیگر فکر نمیکنند و هیچ آرزوی دیگر ندارند بجز به خاک آبائی خویش و همیشه در صدد التا برایشان موقع میسر شود تا کسالی را که ضد منافع شان صدواق گردیده و حقوق شان را غصب نموده اند سبق بدهند.

اما موضوع وحدت مویخ رنگی دیگری داشت و در آن فدائیان قصدی نه داشتند که ورزشکاران اسرائیلی را بقتل رسانند بلکه هدف عمده شان جلب انظار جهانیان راجع به آوارگی مواجه به ناامیدی عدالت بشری راجع به مردم فلسطین بود و همین اکنون مردم فلسطین از هر سونا امید شده اند زیرا له شورای امنیت و نه مجمع عمومی ملل متحد و نه کدام موسسه دیگر جهانی توانسته که مردم فلسطین را به حقوق شان برساند.

مسبب اصلی قتل چند نفر اسرائیلی و مبارزین فلسطین پولیس اسرائیل است که به پولیس جمهوری اتحادی آلمان مشوره غلط دادند و هدف مبارزین فلسطین این بود که تا بالای حکومت اسرائیل فشار وارد کند تا آن

زندانیان مبارزین فلسطین را که در سلول زندانهای اسرائیل تحت شکنجه میباشند از حبس رها سازند منابع نشراتی غریبی حادثه مویخ را آنچنان با آب تاب نشر نمود که هیچ تصور نمیشد این بخاطر است که بهودیان نفوز مستقیم بالای منابع نشراتی غریبی دارند چنانچه رئیس جمهور ایالات متحده امریکا بعد از شنیدن خبر حادثه مویخ مستقیماً با گولداما پر داخل تماس شده تا اثرات عمیق خود را نشان داد.

عکس العمل کشور اسرائیل در برابر این حادثه سه اندازه شدید بود که به تعقیب آن مناطق مختلف سوریه و لبنان را بمباردمان نمود و چندین طفل زن و مرد بی گناه را بقتل رساندند شورای امنیت ملل متحد که نسبت شکایت سوریه و لبنان جلسه کرد و پیشنهاد کشوری صومالیه که درخواست منع حملات نظامی را در شرق میانه مینمود از طرف ایالات متحده امریکا ویتو گردید.

همچنان که مالکهای فلسطینی که منسوب به گروه سپتامبر میباشند علیه دیپلوماتهای اسرائیلی در مالک اروپائی به یک سلسله فعالیت های دامنه داری دست زده اند چنانچه آتش زراعتی اسرائیل را در لندن توسط همیگه توسط پوسته برایش اوسال نموده بودند بقتل رساندند هم چنان پارسل های دیگر که در آن نیز بمب برای دیپلوماتهای اسرائیل در حصص مختلف ارسال نموده بودند از طرف پولیس کشف شد.

بدین ترتیب میبینیم که گروه سپاه سیاه با یک ابتکار تازه لرزه بر جان اکثر دیپلوماتها اسرائیل انداخته است. این روش گروه مذکور از یک طرف مقابل را متوجه تجاوزات شان در فلسطین و دیگر حصص عربی نمائند و از سوی دیگر انظار تمام جهانیان را متوجه مردم آواره فلسطین میسازد.

کشور اسرائیل حالا که درک کرده که دیگر اتحاد شوروی حاضر لیست از مالک عربی پشتیبانی نظامی نمائند و از طرفی دیگر در این خود مالک عربی چندان اتفاق و اتحاد موجود نیست سعی دارد تا پیش از پیش حملات خود را به کشورهای عربی تشدید بخشد و از طرف دیگر به سوه جهانی تبلیغات ضد عربی را براه انداخته اند چنانچه سرمنشی موسسه ملل متحد تصمیم گرفته تا آنچه را که اسرائیل و دیگر مقامات غریبی بنام دهشت افکنی نام نهادند در اجندای مجمع عمومی ملل متحد شامل سازد و اینست عدالت بشری بعد ازین کشور های کوچک راجع به عدالت بین المللی که در موسسه ملل متحده تامین میشود به نگاه شک و تردید خواهند دید چه ملل متحد

شورای امنیت و مجمع عمومی چندین فیصله راجع به حادثه های حادث صادر نموده اند اما هیچ یک آن طرف قبول و تطبیق گذاشته نشده است خصوصاً دولت متجاوز اسرائیل فیصله نامه ۱۹۶۷ شورای امنیت و چندین فیصله نامه دیگر مجمع عمومی (بقیه در صفحه ۹۲)

فعالیت انجن های جت

واستقامت وزش باد

فعالیت انجن های پستو لدارهوایی باوزیدن باد کدام ارتباطی ندارد یعنی پارامترهای این انجن ها خواه باد باشد و یا نباشد تغیر نمی خورند و در هر دو صورت یکسان میباشند. اما این موضوع در خصوص انجن های جت پک سهر و عملیه ای تفاوتی با شد بلکه پک مسئله حتمی است که باید کسالی که با این تغتیک سر و کار دارند آن را لادیده لهندارند .

وژش باد هم میتواند به چالالی انجن های جت کمک کند وهم می تواند جریان عملیه چالالی انجن های جت را بسیار مشکل بسازد .

برای اینکه در این باره روشنی بیشتری نداشته شده باشد ما خصوصیات چالالی انجن های جت را در صورت وژش باد نظر به موقعیت انجن به استقامت های باد پیشروئی، باد عقبی و باد جناحی مطالعه می کنیم .

وقتیکه هوا آرام باشد، کامبرتور انجن جت در هنگام چالالی هوایی اتموسفری را از ترتیبیات دخولی هوا داخل انجن کش می کند (ش: ۱) که درینصورت چالالی انجن بدون وجود آمدن کدام مقاوم هوایی بصورت لورمال صورت میگیرد .

امادر صورت باد های جناحی، جریانات هوا بصورت غیر مستقیم داخل انجن می شوند که در نتیجه در قسمت دخول انجن گردهاد های هوایی تشکیل می گردند . در اثر تشکیل شدن این گردهاد ها، مقطع های اخذ کننده های هوایی در انجن خورد می شوند و بالتبجه هوای که برای انجن جت لازمی می باشد داخل انجن شده نمی تواند . وهم باید تذکار داد که وزیدن باد های جناحی به عملیه چالالی انجن های جت آنقدر تاثیر نمی اندازد و هنگامیکه در انجن رژیم گاز کم برقرار می گردد، اندازه و بلند رفتن درجه حرارت توربین انجن در وقت باد های جناحی تقریباً از حالت لورمال تجاوز نمی کند .

در صورتیکه استقامت وزش باد از طرف پیشرو باشد (یعنی باد از طرف مقابل جریان داشته باشد) . عملیه چالالی انجن جت کمی شکل دیگری بخود می گیرد . درین حالت نسبت به حالت لبودن باد پک مقدار هوای بیشتر بد داخل کامبرتور انجن میگردد و مقدار هوایی که از در بچه های اخذ کننده جناحی داخل انجن می گردد نسبتاً کمتر میباشد علاوه آن اگر باد مقابل خیلی شدید می باشد درین وقت جریانات هوایی پک کرده می شوند و

در قسمت پیشروئی انجن رقیقت هوا بوجود می آید که آن هم آن قدر زیاد نمی باشد . به این اساس در قسمت دخولی انجن اکامره های احتراق قشار هوا کمی زیاد تر میباشد . لهذا شرایط عملیه ورساحتن و احتراق مخلوط هوا و مواد سوخت بهترتر میگردد . چربانات تقابلی هوا که داخل پره های کامبرسور قرار قرار میگیرد، فعالیت ستارمیتور برقی (سلف) را که رو تور انجن رادر وقت چالالی بقالیت می اندازد تا لاد از ه سیک می گرداند .

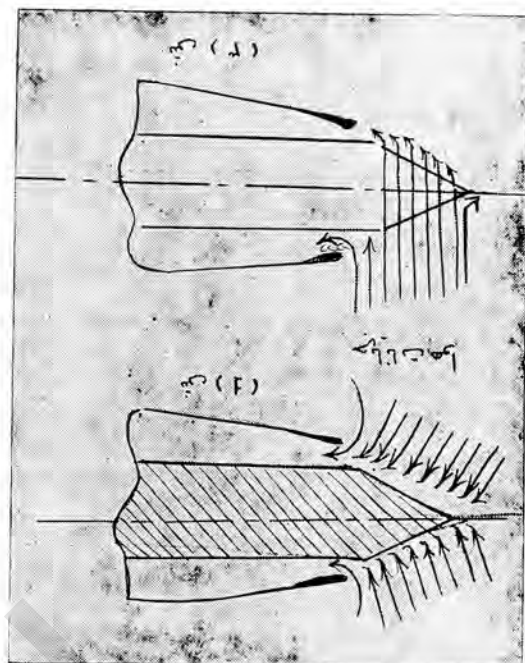
به اساس فوق وقتیکه باد از طرف مقابل طیاره در حالت و زیدن باشد چالالی انجن جت اطمینانی تر می گردد یعنی هم انجن زودتر چالان گردیده وهم کم وزیاد شدن آلی درجه حرارت در توربین منظم تر می گردد (ش: ۲) . لذ ادر وقتیکه انجن جت از کسبر وریسه (چرب بودن انجن از طرف داخل و خارج بمقصد اینکه از زنگ زدن محفوظ باشد) کشیده می شود و یا اینکه رژیم های انجن تنظیم کرده می شوند بهتر است که طیاره باالمقابل باد قرار داده شود . که درینصورت از هر حادثه غیر مترقبه بامان خواهیم بود . اما موضوع چالالی انجن های جت

در وقت چالانی نورمال بدور الداخه شده بتواند. برای این مقصد مشوره می گردد که هیچ اوتومات چالانی کمی محکم کرده شود. که درینصورت باز گشت مواد سوخت از سیستم به دخول فلتر مواد سوخت کم می گردد بنابراین در کامره های احتراق مواد سوخت یگان او لتر مشتعل گردد بده و توربین از دوران های کم بکمک ستاریتورمی بردازد. از جایی هم تاثیر باد های جناحی مربوط به فورم اخذ کننده های هوایی و موقعیت انجن در طیاره می باشد هرگاه انجن بداخل بدنه طیاره قرار داشته و اخذ کننده های تنظیم شولده هوائی در قسمت پیشروئی طیاره باشد. درینصورت جریانات باد های جناحی با مشروطه قسمت دخولی هوا برخورد می کند که در نتیجه آن یک قسمت جریانات هوایی برک

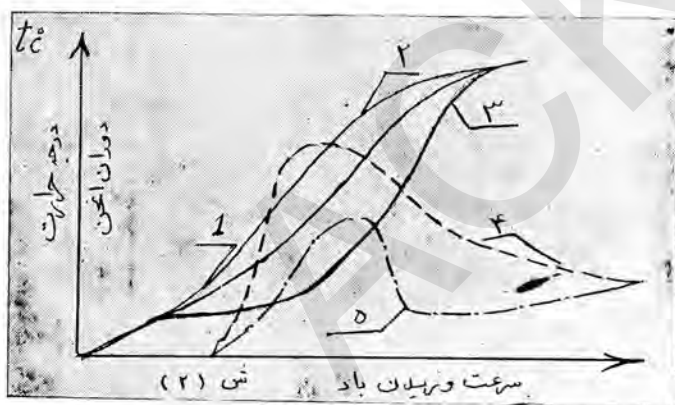
روتور انجن زهاد لمی گردد. درینچنین حالت ها بسیار امکان دارد که حرارت از حد معینه تجاوز نموده و باعث سوختاندن پره های توربین گردد. درین جایک سوال بیدامی شود: آیا ممکن است که پارامترهای سیستم چالانی انجن در صورت وزش باد هم استقامت با طیاره اصلاح و بهتر کرده شود؟

بلی این تقیصه قابل اصلاح می باشد اما

برای این مقصد لازم است که قدرت مجموعی ستاریتور برقی و توربین زیاد کرده شود، یعنی تا به اندازه تیکه در صورت وزش باد هم استقامت، روتور



در صورت تیکه استفاده طیاره و وزش یک سان باشد کاملاً برعکس تشریحات فوق می باشد. درین موقع چالانی انجن مشکلتور غیراطمینانی می گردد. چرا که جریانات هوا و باد از طرف عقب به سیستم اکزاس انجن داخل می شود که در نتیجه فشار هوا در مقطع سیستم اکزاس زهاد می گردد. و هکذا فشار مذکور در عقب توربین، داخل کامره های احتراق و قسمت عقبی کامهر توربیز زیاد می شود. و بالنتیجه مصرف هوا در انجن نسبت به حالت نبودن باد کمتر می شود. با اثر کم شدن مصرف هوا قدرت انجن نیز در دوران های ابتدائی تقلیل می یابد، که ممکن قدرت توربین و ستاریتور کفایت نکند که دوران انجن بعد از مدتی یعنی دوران گاز کم برسد و شاید در اضافه شدن دوران انجن بندش و آتخ گردد. درینصورت درجه حرارت انجن نسبت به حالت نه وزیدن باد به مراتب زیادتر می باشد. و ممکن که دوران انجن بندش گرم پیدا کند که برای پره جات توربین خیلی ها خطرناک می باشد مفهوم بندش گرم دوران انجن این است که مواد سوخت به کامره های احتراق داده می شود اما دوران



تشریح گراف ش (۲):

در گرافیک فوق الذکر ارتباط بین درجه حرارت توربینی انجن جت دوران روتور انجن و سرعت و استقامت باد آماده گردیده است.

دوران روتور انجن:

- ۱ - و تیکه استقامت وزیدن شمال از طرف پیشرو باشد.
- ۲ - و تیکه باد نباشد.

درجه حرارت توربین:

- ۳ - و تیکه باد و طیاره هم استقامت باشد.
- ۴ - و تیکه باد از طرف عقب انجن می وزد.
- ۵ - و تیکه باد از طرف پیشرو می وزد.

کرده می‌شود، یک قسمت دیگر هوا از الجن انحراف نموده و قسمت باقی مانده از بالای مخروطه جریان می‌کند و در عقب آن مانعات گردباد شکل هوایی تشکیل می‌گردد (ش ۲) که در نتیجه مصرف هوا به الجن نسبت به حالت له و زیدن باد کم می‌گردد. لهذا روتور الجن در وقت چالانی دوران لازم خود را بوقت و زمان گرفته نمی‌تواند.

و تیکه بداخل بدنه طیاره دو الجن قرار داشته و اخذه های پیشروئی هوا مخروطه نداشته باشند، در بنصورت باد جناحی بالای چالانی الجن که جانب وزیدن باد قرار دارد تقریباً بی تاثیر

می‌باشد. اما عملیه چالانی الجن دومی در بنصورت مشکلتی می‌گردد. علت مشکلات آن عبارت از بوجود آمدن جریانات برهم خورده هوایی در دخول الجن می‌باشد. لذا مشوره می‌گردد که اولاً الجن دومی چالان کرده شود که در بنصورت الجن اول به چالانی الجن دومی کدام تاثیر نمی‌کند.

هرگاه الجن ها در قسمت پیشروئی و با تحتانی بال قرار داشته باشند خصوصیات چالانی آنها با الجن های که در داخل بدنه طیاره قرار داشته باشند کدام تفاوت فوق العاده ندارند یعنی تاثیر وزش باد قرار پیشتر می‌باشد. چون در اکثر میدان های هوایی

ما خصوصاً در فصل های خزان و تابستان شدت وزش با دها خیلی زیاد می‌باشد لذا لازم است که بر موکل خدمات انجنیری، خصوصاً تخنیکرهای الجن و بدن موضوع وزیدن باد را در وقت چالانی طیاره ات مد نظر گرفته و کوشش شود که در وقت چالانی قسمت استقامت وزش باد از طرف پیشروی طیاره باشد نه از طرف عقب آن زیرا که کوچکترین اشتباه باعث سوختن پره های توربین و غیره قسمت های الجن خواهد گردید. پس لازم است که در وقت چالانی، چالان کننده همیشه تا نیمه به ثابته توسط ترمومتر حرارت توربین الجن را کنترل کند تا از حد معینه تجاوز نکند.

(بقیه صفحه ۸۹)

جهان در ...

مثل متحد را بشمول پلان راجرز وزیر خارجه ایالات متحده امریکا را در مورد شرق میانه قبول نه نموده و در مقابل سعی دارد تا نهضت های مبارزین فلسطین را در لبنان و سوریه از بین برده و حتی طیارات اسرائیل مواضع غیر نظامی رادر قلمرو های عربی بمبارد مان میکند و از طرفی دیگر سر ما به داران یهود در ایالات متحده به اندازه قدر تمند هستند که همین اکنون مک گورن کاندید حزب دیموکرات از خوف این سرمایه داران بصورت علنی اعلام داشت که در صورت انتخاب شدن بعیث رئیس جمهور ایالات متحده کوشش خواهد نمود تا کمک های نظامی خویش را به اسرائیل توسعه بخشید حال آنکه مک گورن در ویتنام و اروپا از گاهش کمک های نظامی ایالات متحده سخن میگوید و در این راه بعدی افراطی است که اکثر محافل امریکائی اظهار عقیده نموده اند که اگر مک گورن در صورت موفقیت پلان های جدید نظامی خود را در ویتنام و اروپا عملی کند نتیجه به ضعف امریکا در صحنه جهانی خواهد شد و مقام امروزی خود را بعیث قدرت اول جهانی از دست خواهد داد ولی هالیسی مک گورن در مورد کمک های نظامی ایالات متحده به اسرائیل معکوس است در این جاسوالی ایجاد میشود که چرا مک گورن مخالف هالیسی و خط مشی عمومی خویش در شرق میانه عمل میکند واضح و میرعن است که قدرت سرمایه داران یهود و آلمن که صاحب کارخانه مات بزرگ هستند در انتخابات نقش تعیین کننده دارند و هر کاندیدیکه طرقتاری سرمایه داران یهود را حاصل نه نمایند جالس موفقیت او خیلی ناچیز میباشد در این جاست که بقدر نکارنده اگر زعمای کشور های عربی دست دوستی بطرف ایالات متحده پیش میکنند راه غلط را پیموده اند و امریکا هیچ گاه حاضر نمیشود که دوستی اسرائیل را با دوستی محالک عربی که روش مشخص و معین ندارند مبادله نماید.

خوژی خبری

هغه خیزونه دیر بینه دی چه اعتدال نه لژدی وی .

حضرت محمد « ص »

* * *

کارو کره مطمئن او داده او سه چه بره الیتوب او

کامیابی ستا به برخه ده . حضرت علی « ک »

* * *

دمور او پلار خوشاله ساقل : په دنیا کینی دولت او

په آخرت کینی دلجات باعث دی .

« حضرت ابوبکر صدیق رضی »

*

د توری زخم په وجود وی او سه بدور دو په روح .

« حضرت عثمان رضی »

د ستاسو دیر بینه دوست هغه دی چه ستاسو حیوانه

مخامخ درته ووالی :

* * *

کار انسان نه له دریو پلاؤ څخه نجات ورکوی .

« له فسق ، احتیاج او خپگان نه . » « ولتر »

م و خواراندگان

پنجاه غلام حبیب نوابی و بناغلی فروری
پنجشیری!

دو پارچه اشعار جالب و شیوای آن دوستان گرامی در
رثای مرحوم تورن جنرال غلام علی پنجشیری بدفتر مجله
اردو واصل گردید احساسات عمیق و دوستانه شما را تقدیر
نموده و از همکاری هایتان باین تشریه و از حسن نظر و علاقه مندی
تان به اردوی شاهانه افغان صمیمانه تشکر میکنیم .

بناغلی غلام زبلی از فرقه نهرین!

شما در مورد طب سوزنی که در این روزها جسته
و گریخته مطالبی در پیرامون آن اشر شده از ما توضیحات
خواسته و پرسیده اید که این گونه علاج و تداوی چگونه
صورت میگیرد مفصلاً معلومات بدهید !!

اینکه تا جائیکه در مقدور این دوستان بود موضوع
طب سوزنی را از منابع خارجی اخذ و برای استفاده شما و دیگر
علاقتمندان ارجمند در اینجا به نشر میرسانیم .

طب سوزنی که از سرزمین باستانی و پهناور چین در ابتدا
به عنوان یک اقدام مربوط به مر تاخان تلقی میشد لیکن
اکنون گزارشهایی در دست است که همه روزه این امر
بصورت یک واقعیت مهم طبی مورد استفاده کارشناسان چینی
قرار گرفته است.

جهان پیشرفته مغرب زمین ناگزیر است درقبال طب سوزنی
و نتایج حاصله از آن رویه ای مساعد در پیش گیرد. مسئله طب
سوزنی که از کشور باستانی و پهناور چین به ما خاسته و برای
اولین بار عده از دا کتران امریکائی از جریان آن بجهان
خارج گزارشهایی دادند درین اواخر بعنوان یک واقعیت
عجیب و غیر قابل انکار مورد توجه محافل جهان مترقی
و پیشرفته قرار گرفته است و کارشناسان طب مشغول بررسی
این حقیقت مشهود میباشند که چه عواملی سبب پیروزی و کار

شناسان طبی چین در مورد طب عجیب سوزنی گردیده است .
هنوز اسرار و رموز طب سوزنی که خاص ملت چین است
برای بسیاری از محافل گیتی نامعلوم است و هنوز گروهی از
دا کتران معتقدند که نیایستی پیرامون این مسئله دستخوش
مبالغه گردید با این حال گزارشهایی از خاور دور واصل
شده که صحت این مدعا را به ثبوت میرساند و درقبال شهادت
گروهی از بیماران که خود مورد بهره برداری ازین فن جدید
شده اند جهان پیشرفته دانش ناگزیر به سکوت و قبول شده است
در ابتدای امر چنین استنباط میشد که طب سوزنی یک نوع
حرفه ای است که نظیر آن اقدامات مرتاضین هندوستان که
بر اثر استقرار و مداومت در تحمل نیش سوزن و سنجاق بیماران
را آماده قبول انواع درد و رنج اضافی کرده اند اما اکنون
سخن بر این است که طب سوزنی به عنوان یک عامل پیشرفته
در راه درمان بیماران مورد استفاده دا کتران چینی قرار گرفته
است .

اکنون همه روزه در شفاخانه های چین از طب سوزنی
استفاده میشود و دا کتران برای اینکه بیماران را آماده انجام
قبول درد های ناشی از سوزن کاری شوه هیچ نوع داروئی
مخدر و بیهوش کننده بوی تزریق نمی نمایند و بیمار با کمال
شجاعت خود را تسلیم نظر دا کتران کرده تا با استفاده از طب
سوزنی نسبت به درمان وی اقدام کنند .

باید باین حقیقت توجه داشت که در تماس ارگانهای
اساسی بدن انسان نمی توان از طب سوزنی استفاده کرد. بلکه
در برخی از اعضا و جوارح میتوان این شیوه جدید را بکار
بست و بیماران را درمان بخشید .

و انتظار میرود این شیوه جدید درمان سخت مورد توجه
محافل طبی مغرب زمین قرار گرفته هر چه زودتر از حالت
راز و رمز خارج شده در اختیار همگان قرار گیرد .

لمړی بریدمن ح - ا از ریاست لوژستیک!
 پارچه شعر ارسالی شما را خواندیم و چون تقاضا از حد
 گذشته است اینک قسمت هائی از شعر شمارا با قدری توضیحات
 جهت سرگرمی خودتان لشرمی لعائیم :
 باران بشکل آتش فروریخت از قضا :
 کاشکی این آتش هادرموقع خشکسالی نصیب مردم مامیشد!!
 سوراخ کرد بام و درو کوچه های ما :
 این باران نبود بلکه ماشین برمه کاری بود !!
 چشمک زنان ستاره بهر سو برقص بود :
 سبحان الله که در این هوای بارانی ستاره از کجا چشمک
 میزد و چگونه مشغول رقص بود !!

هم ژاله هاروانه وهم (قرص قرص) بود !!
 البته وقتیکه ستاره چشمک زد و در قاص و پایکوبی شروع
 کرد ژاله ما هم با صدای (قرص قرص) اعصاب شاعر محتوم
 را لراحت میسازد !!

ای دوستان بیاد وطن نغمه سر کنید
 آفاق را ز نغمه شیرین خبر کنید
 خوب! بعد ازین چه کنیم ؟
 گوئید ماهمیشه چو شیران جنگلم .
 در بیشه های کشور خود مست و (افضایم)
 امیدواریم شاعر شایسته و افضل ماهمیشه در بیشه های
 جنگل هاسرگردان لیاشد و ضمناً مارا نیز از سرگردانی بیشه های
 شعرو شاعری خود رهائی بخشد !!
 بنام غلی مدت شاه گل لکنوال دهوائی قواوغری!
 دادی ستایو پنبتو شعر چه دلته راجا هوو :

وطنه

چار دشمن وطنه همیشه دی آزادی غوارو
 تل به وطنو کی دهمیش نام و لیکنی غوارو
 ستا به افتخار بانادی راگ-وله دی
 یو بیرق اه شه دی به هر کورت کی و دریدلی دی
 چکک دلام نشان دی هم در لورپی غوارو
 غ-روله صحراوی دلعلو نه بیارکی
 انبار انبار تازه گلونه بی-کارلی
 تبول ملا تر یو هم دحمان جان قشالی غوارو
 تمخو باباگااو دحیل مت به زورگتلی ئی
 هرچاته معلومه به سرو وینو لمیدلی ئی
 تبول درنه قربان پوستا به مینه کی سیالی غوارو
 به هر نحای کی دولار به احترام یو
 با جورته می-رلی جنکک به میدان یو
 تل دقوم دپاره باغیرته شاه غللی غوارو
 کله به غور غنکک شی چه آواز دقربانی شی
 راهورته به ورو کی هم بخوانان به داسیالی شی
 بیغلی به ناری کپی چه مدام داخلوا کی غوارو

ته له شهیدانو امانت را هاتی بیوی ئی
 به هله او به کلک عزم له دشمن اسپره شوی ئی
 اوس نو لکنواله به امانت کی کامیابی غوارو
 لمړی بریدمن محمد صدیق دلسمی قطعی
 د کیمیا آهر :

ستاسی مضمون (دالسان زبیر دلته) چه ددوبمی عمومی جگری
 له خاطر و غنجه ترجمه شوی و، دلته ئی به چاپ اقدام کوو
 او ستا دهمکاریو غنجه به درلاوی تشکر کوو :

دانسان زبیر دلته

داناوول یو داسی ناوول لیکونکی غغه لیکلی دی چه د
 لیننگراد تیار دهتلری قواو له خوانه محاصره و او د محاصره شوی
 بیار خلکو به بی ساری سرائی او مقاومت بیکاره کولو سره
 له سوه ورغنی محاصره زغملی وه
 یوا به زبیر ندونکی چه تهر جنه خبره بی نیولی وه وارخطا ولاړو
 او پشیده (ساه بی وهله) ده دواړو دالی له خولی نه وغور بخولی
 او ونی ویل :

- به زبیر تکلیف می ویندلی به دی تیاره کی سړی دخیل
 کور لار هم سوندلی نه شی زبیر لتون دلته دی .
 بحواب بی ور کوو :- دلته دی خه کار دی درلوده .
 - کار می درلود . . . یوه بنجه هلته کیدای شی چه
 فارغه شی (زبیرول و کپی) ددی دپاره دلته راغلم .
 - ته به خپله خوگ بی .
 - زه د هغه بحایه غنجه تیریدلم دشبی له کشیک وروسته
 کورته تلم تلوار و کپه .

زه هغه نحای تاته شیم سببیه زمانه او وخت راغلی دی
 زه به لاره تللم چه یو نح ددی بشی سره مخامخ شوم . . . هغه
 وخت بی له مانه به هیجانه دی راغلی . . . زه چه هم قابله نه یم .
 یوه شبیه وروسته ایرینا پرستار سړی اولادوی دواورود
 زیری غنجه به حلیتی سره هغه نحای ته ره می شول هوا پیر تیاره
 وه گورونه کور ت غرینو غوندارو غوندی وحتی یوه روینائی
 هم نه لیدل کیدله دواور غوغا کوله او لنه گرد یادونه
 دواوروله بخرو غنجه پیدا کیدل د عسکرو دونه ساره او
 چنک سیوری چه به تلوار سره له واتولو تیریدل ترسترگو کیدل .
 دواورو یوی زیری ته چه یوقر به می شا کپی دی به
 محکمه کیناستل دباد یو تراخته فرهار چه دوات له سره بی
 لادیر سختوالی اخسته وروسته به وات کی دیوی چاودنی
 اواز ازانکی وغور زولی او دکنکل یوه قوتیه چه د کولاو
 نو به غنجد وهوری نخبشی وه غوغه شوه او به لور اواز به
 محکمه ولویدلم .

ایرینا وویل :

- کاشکی هغی ته ضرور نه رسوی .

لادوی وویل :

- نه دوات هغی خواته ده .

هلته ودهسی وگړزي دهغه بشن شاته زه هم کورته غم
گوري ډدی کوي ايرينا دزيرېدلې متخصصه لاهه . دی په
زيرتون کې دبلادېو ښځو دمنلو په برخه کې کار کاوه .
خواوس بايدېه ؤ چه دي تياره شپه کې چه هر چيرته
دتوبولو دښوونو چاودلې کېږي هغه بيدا کړي . اوهرڅنگه
چه کېږي دهغې سره مرسته وکړي لمخند دواله وه .

ممکنه وه چه بل غوک دهغې سره د مرستی په غرض ورشي
تياړي واورې بودان ساره پرله پسې دتوبولو . . دډزو آوازونه
چه په غوغا سره دسرهاسه تيريدل ...

ايريناد پرستار سړی سره دوا وروډیوی ډېری نه بلې
ډېری ته غغاسه ودر يده او هڅه ئی کوله چه دچا آواز
واوری ...

دزکيروی آواز له یوی غندی واوريدل شو هغوی د آواز
پسې وغغاستل په همغه شان چه لادوی ویلی ؤ دبرښنا دغراغ
هغی خواته یوی ښځی ډېوری دروازی ته په داسی حال کې چه
بی دېوال ته تکیه وېلې وه د واورو هر مخ لاسته وه . ايرينا
دواورو سهاسه دهغی ښځی په مخ کې کولده ووهله اوولويدله
هغه ښځی په تودو اولرژيد ولکو لاسولو ددی لاس ونيو .

هوکی نورلوروغتون ته ددی ښځی رسول ممکنه له وه
لژدی وه چه زيروله وکړی د واورو هر مخ دژمی په تياره
شپه کې دمحاصرې دوره دتوبو دښوولو دچاودلو درتاپه مخ
کې ايرينا شاوخوا ته وکتل ټول شيان يوه تکرارولکی خوب
تدورته وود واورو بخري توييدل سخت بادپه صورت باندي
لکيده لاسوله سریدل اوزره په دومره ډېرشدت شهیده چه ايرينا
دهغه آواز نه اوریده ددی په شان وه چه ليننگراد بيغی په
منځ کې نشته اوبوازی لووحش اوتياره دښت وجود لری چه
دتوب دښوولو دشنگولو په منځ کې ددرندو واورو دلاندی
شوی وی .

دروازه ټکول بی کئی کاروه ځکه چه چاته ورغیر کول
نتیجه نه لری په واک کې یولاړوی هم نشته ترسها هوری کیدای
شی چه حتی یونفر هم له واکه تیر له شی .

په دی تورتم کې چه لړزولکی باد فرمان چلوه هوالسان
نړی ته راغی . ښایې چه ده نجات ورکړو د سرو تيارو او
توبو لوله له منگولو نه بی خلاص کړو د ايرينا غوږونو
دډزو اوتوبونو آوازونه نه اوریدل داسی بی دهغی ښځی سره
مرسته کوله ته په وایی چه دزيرولده نه په يوه معمولی لځای

کې کېږي لکه دهیسه په شان ايرينا تجلی داسی دسر دپاسه
ويئوله ته په وایی چه لوی زيرلدي کې برمه ډک ټول ښارته
چه په تورتم کې هريوتلی دی وښی . په داسی حال کې چه بی
دتودی غوښی يوه توتېه دخپل زړه هوری کلسکه دبالا پوښ
لاندي تيولی اوپه تيریې سولوله په لاره روانه شوه دهغی
لاره دغغو واورو دپاسه تيريدله چه دچاودينو پلونه هری نه
ښکار يدل

انگه شوی ښځه د پرستار سړی په مرسته دهغی پسې کزه
ويده روانه وه په واورو لويده او دشوالو د دلاندی بی
وييل :

زه په خپله غم

پرستار سړی چه پخپله دی هم ستړی وډی وه يوازی دا
جمله بی تکرار وه :

اوس رسيرو . . . اور وسر غه پاتی نه دی . . شمال په
صورت باندي د واورو دالی موتی موتی ښندلی يولځای کې
دپوه بېم دچاودنی له کبله دښوونو کې ددرانده آواز سره بر
مخکه توييدل هغوی دشپې اوتورتم دقاتحالو غولری وړاندي
تلل .

مور پوهيدله چه لوربی زيرولی وه کله کله بی چه خپل
لاس اوږ دکاوه ته په وایی غواړی ايرينا چه ماشوم بی په
غیر کې لولی وه ودره ی خوهره پلا بی لاس ښکته غورځاوه .
هغوی زيرتون ته ورسيدل غه وخت چه هغه ښځه پرتخت
باندي وغزیدله او چارپيرپالو ددی سره مرسته وکړ چه ښه
دسه هريوتلی ايريناته بی وئی غیر کړ په جدي او آرامه لهجه بی
تړی پويشته وکړه .

— نوم دی غه دی .

ايرينا پويشته وکړه .

— دغه دپاره بی غواړی .

— غواړم چه وپوهيرم .

— زما نوم ايرينا دی دغه دپاره غواړی چه وبي
پيژنی .

— غواړم چه ستالوم په خپله لور کېږدم غواړم دهغی په
يادوی چه تا ورته نجات ورکړ دزړه له کومې درته تشکر
کوم . هغی دري پالا ايرينا ښکل کړه ...
ايرينا خپل سرو ککرز او په بی له دی چه وپوهيری ولی .
په ژړا شوه .

مچی که په خوله کې شات لری په نیش کښی زهر
هم لری .

پور کول له گد ایسی څخه زیات شرف نه لری .

« لیسنگه »

داسی غواړی اوزه یسی پر هرڅه باور کوم نورنومینان
څه غواړی ؟ (سرچارلس سیدلی)

د لویانو خبری

ښکلا لومړنی تحفه ده چه طبیعت یسی یوی ښځی ته
ورکوی او لومړنی شی دی چه تری اخلی ئی . « میری »
مچی له نورو حیوانا تونه زیاته قدرتمه ده ددی لپاره
نه چه د نورو د پاره زیار پاسی . « سین کریسوستم »

اقدامات مؤثر برای توزیع مواد امدادی

به آسیب رسیدگان خشکسالی ولایات کشور

این با مأمورین مربوط مشغول کار اند. صاحب منصبان اردوی شاهانه که از مدتی باین سو بکار مطالعه در خود مجلات مشغول بودند اکنون نتایج مطالعات خود را بدسترس کمیته ها گذاشته و در عملی شدن تجاریز باقوای بشری و وسایط دست داشته خود همکاری منظم مینمایند.

یک هیأت دیگر صاحب منصبان اردو عازم بدخشان شده است تا این منطقه را نیز از نقطه نظر عوارض خشکسالی های

این کمیته فرعی تحت ریاست پوهاند دکتور محمد ابراهیم مجید سراج بشمول دکتور عبدالوکیل و پوهندوی عبدالستار سیرت و دیگر جنرال محمدنذیر کبیر سراج رئیس لوژستیک بکار پلان گذاری و مراقبت انتقال و توزیع مواد امدادی مشغول می باشد برای این کمیته و کمیته عالی امداد به آسیب رسیدگان یک اداره پلان و عملیات مؤقت بوجود آمده که در آن بکعبه صاحب منصبان لوژستیک اردو

خوانندگان عزیز مطلع خواهند بود که اردو در راه توزیع و رسانیدن مواد امدادی به ولایات کشور سهم مؤثری گرفته است، مادر شماره گذشته قسمتی از این خدمات را ضمن راپورت تأثری به نشر سپردیم، چند روز پیش در اواخر ماه سنبله اعلام شد که کمیته فرعی امداد به آسیب رسیدگان خشکسالی در ولایت غور، بادغیس، هرات، ناریاب و بدخشان نقاط عمده پروگرام مرتبه خود را برای جلوگیری از عواقب ناگوار در زمستان امسال اعلام نموده است تا جائیکه در فقره های متعدد این پروگرام مشاهده میشود در قسمت توزیع مواد دوازده مرکز مختلف در مناطق آسیب دیده تعیین گردیده است. هر یک از مراکز بیک نفر صاحب منصب جزء هیأت می باشد، در نظر است در صورت مساعدت اوضاع جوی تمام توزیعات تا قبل از ختم ماه عقرب صورت بگیرد. در موضوع انتقال خانواده هائیکه فاقد سرپناه گردیده و آن خانواده های کوچی که حیرانات خود را از دست داده و اکنون نمیتوانند به نقل مکان زمستانی خود بپردازند توسط لاریهای خالی که از نقل گندم باز میگردند به مناطق دیگر مملکت انتقال داده شوند. ترتیبات برای اسکان مؤقت اینگونه اشخاص از طرف کمیته اتخاذ شده فاشله عسکری فراه هم اکنون برای پذیرفتن خانواده های بی سرپناه ولایت آسیب دیده آماده گردیده است.

عملیات امدادی

مرکز ذخیره و توزیع



مناطق قابل امداد



صحیہ لوژستیکی اردو و دیپلوم الجنیر جگرن عبدالمحمد شمرزی مدیر پلان آمریت اکمال اعاشہ لوژستیک بصفہ اعضاء این هیات هنوز هم بمصرف تحقیقات درزمینه های لازم میباشند.

منبع بجواب یک سوال دیگر گفت که برای دوازده مرکز توزیع امداد هیاتهای جداگانه تعیین گردیده که در رأس هر هیات یک نفر صاحب منصب متقاعد تعیین شده است این هیاتها تحت نظر هیات قرارگاه اداره عملیات ساحه وی و تفتیش اداری ساحه وی واقع چغچران مرکز ولایت غور انجام وظیفه خواهند نمود، در رأس این هیات قرارگاه برید جنرال عبدالظاهر قرار دارد که طبق خبر منتشره در رادیو و جراید کشور حتی و الیهای ولایات آسیب دیده نیز در قسمت توزیع مواد امدادی نظریه هیات مذکور را تطبیق خواهند کرد. این هیات علاوه بر رئیس قرارگاه عبارت از صاحب منصبان متقاعد ذیل میباشند :

دگروال متقاعد عبدالرحمن بخت معاون و دگروال متقاعد فضل احمد و دگروال متقاعد عبدالاحمد بصفه اعضاء همچنین دگروال متقاعد فقیر محمد بصفه رئیس تفتیش و جگرن متقاعد محمد صدیق و جگرن متقاعد الله نور بخت اعضاء انجام خدمت مینمایند .

بطوریکه گفتیم در رأس هیاتهای مراکز توزیع يك يك نفر صاحب منصب متقاعد مؤلف شده اند که عبارت از ذوات ذیل میباشند :

دو مرکز توزیع	امیر	۱	واقع	دگروال متقاعد	محمد حسن
»	»	۲	»	شهرستان دگرمن	» میر عبدالقیوم
»	»	۳	»	دایکندی دگروال	» حبیب الله
»	»	۴	»	لعل و سرچنگل	» محمد علیم
»	»	۵	»	چغچران	» عبدالستار
»	»	۶	»	پسابند	» داد محمد
»	»	۷	»	تیوره	» گدای شاه
»	»	۸	»	تولک	» عبدالرؤوف
»	»	۹	»	شهرک	» محمد نادر
»	»	۱۰	»	جوئند	» عبداللہ
»	»	۱۱	»	لولاش کوهستان	» غلام حیدر
»	»	۱۲	»	گلران هرات	» عبدالرحیم

این مراکز همه توسط وسایط بیسیم و سیمدار با مرکز چغچران و بالوسیلہ بانی سیمیکه در کنار مقر کمیته امداد واقع نادرشاه مینه قرار دارد مرتبط بوده در هر ساعت را پورهای کار خود را به مرکز کمیته امداد تقدیم خواهند نمود .

اخیر مطالعه نموده و راهپور خود را به کمیته امداد تقدیم نماید .

خبر نگار ما برای توضیح مطالب فوق و فعالیت صاحب منصبان اردو شاهانه با کمیته های مؤلف داخل تماس گردید تا معلومات لازم را بدست بیاورد .

یک منبع کمیته امداد حکومت گفت که در رأس کمیته امداد هواند دکتور محمد ابراهیم مجید سراج وزیر صحیہ قرار دارد. صاحب منصبانیکه درین کمیته عضویت دارند عبارت از اشخاص ذیل می باشند :

- دگر جنرال محمد نذیر کبیر سراج رئیس لوژستیک و وزارت دفاع ملی بخت رئیس اداری پلان و اجرائیه کمیته امداد - دگرمن عبدالرشید یوسفزی آمر پلاننگ پلان و اجرائیه کمیته امداد - جگرن محمد طاهر هجوم آمر معلومات و کنترل پلان و اجرائیه کمیته امداد

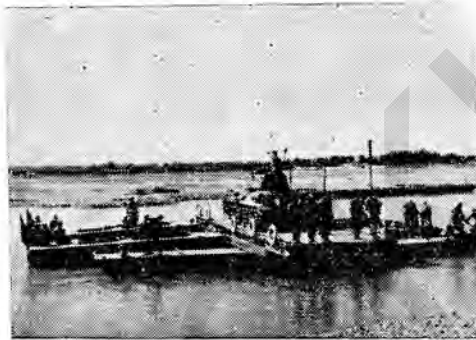
- دگرمن میر عبدالوهاب آمر تهیه و اکمال پلان و اجرائیه کمیته امداد - جگرن محمد کبیر محسن آمر ترانسپورت پلان و اجرائیه کمیته امداد و جگرن عبدالوکیل صافی آمر اداری پلان و اجرائیه کمیته امداد. علاوه آن هفت نفر صاحب منصب لوژستیک اردو

تطبیقات های پانتونی

قطعات انجنیری

قول اردوی مرکزی

فعالیت افراد در لیمب جاله ۵۰ تنه پارک پانتونی ثقیل حامل یک عراد تالک همین کشیدن لنگرهار از آب در دریا



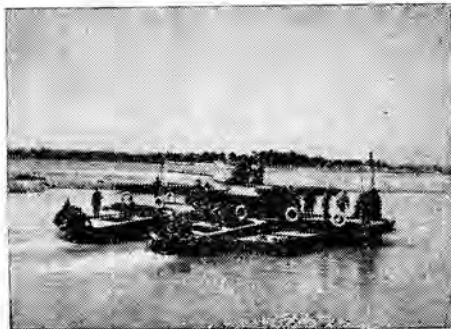
کورس پانتولی قطعات انجنیری قول اردوی مرکزی اخیراً ضمن تمرینات متعدد تعلیمات نظری خود را عملاً در اراضی و بر روی آب تطبیق نموده اند. يك منبع فرماندانی انجنیری قول اردوی مرکزی گفت :

کورس پانتولی عبارت از کورس قصیر المدتیست که با سام پروگرام هاه صنف استحکام همه ساله از طرف فرماندالی قول اردوی مرکزی در بالای یکی از دریاها کشور تاسیس میشود . مقصد از تاسیس کورس مذکور بلند بردن سوپه تعلیمی عملی صاحبان و افراد قطعات استحکام قول اردو بوده و حصول مسلک و سمارتشان در اجرای عبور هجوم عملی بازو بستن و عبور دادن جاله ها ، بستن و باز نمودن

روز تا سه ماه تعیین و از طرف امریتا انجنیری قول اردو داخل پلان میشود. در پلان کورس علاوه از تعلیم و تربیه عملی عبور و پانتون در روز ، تعلیمات و تموینات عملی پلاساز و عبور هجوم در شب و در شرائط نامساعد جوی نیز در نظر گرفته شده است جز و نامها قبل از اینکه تشله های مربوطه را بمقصد داخل شدن به اردوگاه صحرائی و تابع شدن به کورس پانتولی ترک گویند اولاً تخنیک پارکهای پانتولی ، وسائط و مالزسه داخل کادر را فرا گرفته بعد از کنترل درجه احضارات بکورس سوق میگردد .

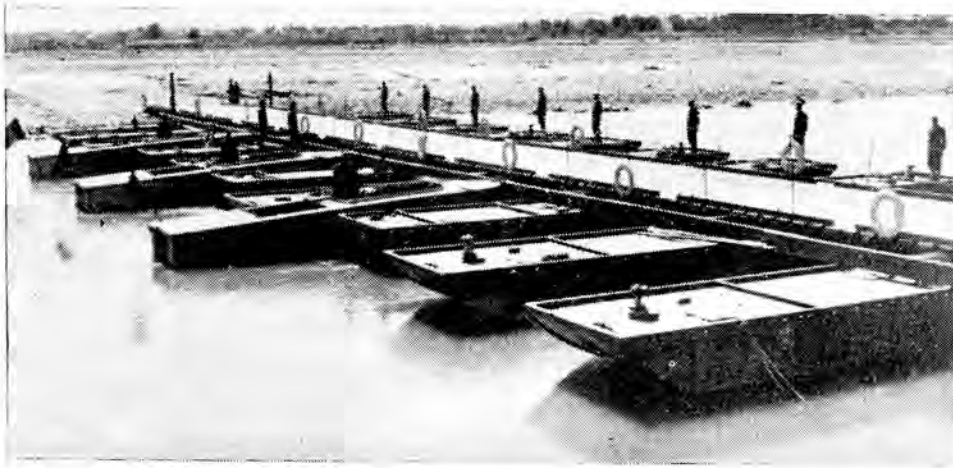
پلهای تو ناژ مختلفه نظریه خواص پارکهای پانتولی داخل تشکیل میباشد منبع علاوه کرد :

در کورس پانتولی ، جز و نامهای عبور هجوم و پانتون ، جز و نامهای کشف انجنیری و جز و نامهای استحکام اشترک میورزلد ، مدت دوام تعلیمات عملی نظری بخصوصیت جز و نامها از ۱۵



تقریب جاله عبور پارک پانتولی ثقیل حامل تالک خطر لنگر جهت کشیدن لنگرها از آب

منبع افزود :
اخیراً بر روی عه ن مفکوره و تطبیق مواد فوق تطبیقات در کنار دریای



پل پارک هانتونی ثقیل در بالای دریای بهسود ولایت ننگرهار ،

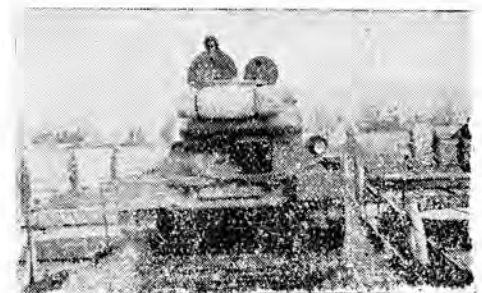
بہسود ولایت ننگرہارا انجام یافته است
جزواتامہای شامل کورس کہپ
تأسیس ودرتحت شرایط مشکل جوی
بادرنظر گرفتن اساسہای زمان سفر در
زیر خیمہ ہا بسر می براند. چون کورس
از جزواتامہای مختلفہ قطعہات استحکام
فرقہ ہای مربوط قول اردوی مرکزی
وقطعہ مستقل استحکام تشکیل می کردد
لہذا بمنظور سوختن وادارہ تأسیس دسہلین
و ضبط و ربط، اکمال مواد مادی و
تخنیکی یک قوماندائی مؤقتی تشکیل و
درختم متعل میشود .

عبور پکے عرادیہ تالکے
قطعہات زہدار خط دوم قول
اردو از قسمت مسند پل ہانتونی



پلان و اجرا میشود. در تطبیقات مذکور
صفحات اجرای عبور ہجوم توسط قایق ہا
ووسایط موتر دار شناور، عبور جالہ
و عبور ہلی بصورت علیحدہ پلان و مطابق
بان اسناد محارہوی احضار و در معرض
تطبیق گذاشتہ میشود .

منبع مذکور گفت :
درختم کورس جہت اجرای وظایف
تأمینات انجنیری تعرض قطعہات ہیادہ
باعبور محارہوی از دریا، تطبیقات کورس
ہانتونی از ہرف قرارگاہ قول اردوی
مرکزی تحت ادارہ آمریت اہراسیون
والجنیری مربوط باساس مسائل تسکتیکی



عبور قطعہات تالکے خط دوم
قول اردو از بالای پل ہانتونی -

منبع در اخیر علاوہ نمود :
در تطبیقات کورس ہانتونی کہ از
چندین سال باہنظر فاجرا شدہ نمایندگان
محترم وزارت دفاع ملی و ہیأت
قول اردوی مرکزی ہدین بعمل
آورده اند .

اجرای رفتار پیاده

طبق پروگرام مرتب، ام قطعہ کماندوی پاراشوتی و کورس‌های (ج) همه ساله در ساء سرطان واسد تطبیقات رفتار پیاده و کوهی را اجرا مینمایند امسال نیز قطعہ مذکور از بالا حصار باهای پیاده حرکت کرده از راه کوئہ سنگی، خواجہ مسافر (ع) بدرہ پغمان رفته شب را در بیخ کوتل را کول گذشتا نده فردای آنروز کوتل را طی نموده قله‌های جناح راست کوتل کہ ۵۴۰۰ متر ارتفاع داشت بموده به لاش‌های دو کیلومتره ئی حوض خاص رسیدند .

چگون رحمت الله صافی قوماندان قطعہ کماندوی پاراشوتی قول اردوی مرکزی ضمن اظهار مطالب فوق افزود :

افواہاتی کہ در بارہ مشکلات حوض خاص مانند آب‌بازی، گذشتا لدن محرك مرمی از بالای حوض وغیره وجود داشت تماماً عملاً توسط صاحب منصبان و افراد این قطعہ غیر حقیقی ثابت شد یعنی لفرسربوط قطعہ ہم آب‌بازی نمود و ہم قہرهای را بالای حوض اجرا کرده و محرك مرمی از سر آب گذشت .

وی راجع به عدم موجودیت هوا وسایر موالح گفت :

در اطراف قله حوض بصورت هموسی به برسول قطعہ بکنوع سردی، استفراغ، سستی‌های و نفس تنگی پیدا شد کہ از عموم قطعہ بک صاحب منصب، دو لفر خورد ضابط و ۱۲ لفر عسکر را مجبوراً به عقب تخلیه نمودیم ، چون دربارہ حوض خاص معلومات قبلی و تجربہ کافی



ستقامت حوض خاص



موجود بود لهذا به مجرد وقوع حادث مریضی از
هیر پنی‌های مختلف استفاده کرده برف عارضه
پرداخته میشد.

علاوتاً طبیب قطعه در تمام طول رفتار وقتاً فوقتاً
چندر توقف و چه در رفتار افراد را معاینه و به
تداوی لازمه اقدام می نمود.



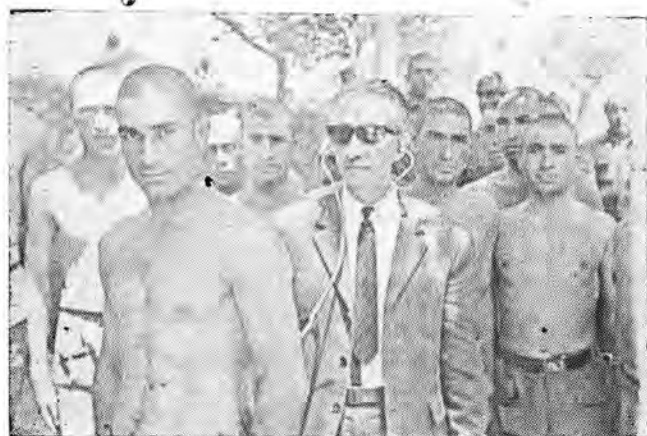
جکرن صافی در باره موقعیت حوض خاص گفت:
اکثر مردم میگویند و نمود می‌آورد که از راه شکر-

دره بحوض خاص رفته‌اند حقیقت ندارد، چون
اینجا بی‌ک حوض که بالای دره شکر دره واقع
بوده و بنام حوض اهل هنود یاد میشود می‌روند،
حوض خاص اصلی که در بین کوه‌های بگمان و سرخ
پارما واقع است گمان می‌رود که بجز قطعه
کماندوهای کس به آنجا رسیده باشد.

حوض خاص تقریباً در ساحه بطول ۳۵ تا
۴۰۰ متر و عرض ۲۵۰ تا ۳۰۰ متر که عمق آن نسبت
نشده موقعیت دارد و در قسمت شمال آن یک
حوض کوچک نیز مشاهده میشود.

در جهه حراره در تابستان بین ۱۰- و ۱۰+
در نوسان بوده و در زمستان هوای آن شدیداً سرد
میشود.

وی در آخر گفت: در بازگشت در باغ
شکر دره قطعه از طرف هیأت صبحی لوژیستیک
اهر اسیران ق، ا، م معاینه و بررسی گردیده است.



تبریک

همه ساله صاحبمنصبان و منسوبین اردو که در حوزه فعالیت و وظیفه خویش مصدر ابراز لیاقت میگردند، در اثر اخذ سجل مساعد مستحق ترفیع به رتبه بلند تر شده و از حقوق و مزایای رتبه جدید برخوردار میشوند. امسال نیز یکتعداد از صاحبمنصبان و مامورین اردوی شاهانه به ترفیعات سنوی مفتخر گردیده اند. ما در این حالیکه ارتقای رتبه را بایشان صمیمانه تبریک میگوئیم از خداوند (ج) به اینها توفیق خدمت و صداقت در انجام وظیفه را خواهانیم.

اینک اسمای صاحبمنصبان و مامورینیکه موفق به ترفیع بکرتبه بلند تر شده اند در اینجا از ملا حظة شما میگذرد.

اشخاصیکه از رتبه دگر منی به رتبه دگر والی ترفیع نموده اند.

ح	خواجه محمد صدیق ولد	گل علم
»	جنت گل	کنکک
»	محمد آصف	محمد اسحق
»	محمد نبی	محمد اسپن
ح	جان محمد ولد	محمد لسیم
»	سید محمد داود	سید بشیر
»	سید عبدالمحمد	سید شاه مراد
»	غلام سعفی	حکمت الله
»	بابه خان	ملاجان
»	فیض محمد	باز محمد
»	عبدالکریم	سید اشرف
»	عبدالستار	محمد اسمعیل
»	عمر آخان	درانی
»	محمد علی	احمد علی
»	غلام نبی	امیر محمد
»	محمد سعید	مولان صوفی
»	سید شریب	سید عظیم
»	محمد رحیم	رستم
»	عبدالرحمن	عید النبی

اشخاصیکه از رتبه تورن جنرالی به رتبه دگر جنرالی ترفیع نموده اند

ع	ش مراد علی	ولد	غلام نبی خان
»	محمد لسیم	»	محمد موسی
»	محمد نذیر	»	سردار محمد کبیر

اشخاصیکه از رتبه برید جنرالی به رتبه تورن جنرالی ترفیع نموده اند.

ع	ش عبدالاحمد	ولد	عبدالرزاق
»	اهور محمد	»	فقیر محمد
»	سراج الدین	»	جمال الدین
»	عبدالقدیر	»	محمد طاهر
»	محمد صدیق	»	محمد اسلم

دگر والانیکه به برید جنرالی ترفیع نموده اند:

»	محمد نواز	»	گلام
»	امان الله	»	بسم الله
»	محمد اسمعیل	»	شہزاد
»	عبدالحق	»	فضل حق
»	سید امیر احمد شاه	»	سید براتشاه
»	عبدالروف	»	محمد هارون
»	محمد حسن	»	نصرت
»	عبدالحکیم	»	پهلوان
»	جانپاز	»	سید علی

ح	محمد جان	ولد	سعدالله
»	غلام دستگیر	»	صاحب دین
»	عبدالظاهر	»	ہایندہ محمد
»	خوالی	»	محمد عمر
»	محمد صفا	»	فیروز
»	نورمحمد	»	فقیرمحمد
»	رحمت الله	»	غلام حیدر
»	عبدالودود	»	محمد اکبر
»	محمد دوست	»	خدای دوست
»	محمد شریف	»	شا دولہ
»	تیمورشاه	»	شیر نچد
»	اسدالله	»	محمد شریف
»	داد محمد	»	فقیرمحمد
»	فیض محمد	»	سید الکریم
»	عبدالسلام	»	عبدالغفور
»	نثار احمد	»	خان محمد
»	محمد عیسی	»	پیرمحمد
»	شیریندل	»	خواجہ محمد
»	لیکے محمد	»	محمدلیاز
»	محمد اسمعیل	»	ر سول داد
»	عبدالرحیم	»	شہباز
»	محمد صادق	»	صحبت
»	غلام دستگیر	»	خوشدل
»	سید علی شاہ	»	سید عرب شاہ
»	سید عبدالقادر	»	سید ابراہیم
»	محمد ہاشم	»	عبدالرحمن
»	محمد حنیف	»	قمر الدین
»	عبدالرزاق	»	عبدالقادر
»	نور محمد	»	آدم خان
»	عبدالروف	»	محمدالله
»	عبدالکون	»	محمد طاہر
»	عبدالرحمن	»	تاج محمد
»	محمد انور	»	غلام حبیب
»	محمد ایوب	»	محمد عظیم
»	عبدالرزاق	»	عبدالاحمد
»	احسان الله	»	جلات خان
»	خواجہ احمد	»	محمد اکبر
»	عبدالقدوس	»	فقیر محمد
»	شیرنگل	»	نظر گل

ح	تیمورشاه	ولد	سید سرور
»	فیض محمد	»	فتح محمد
»	خواجہ سرزاهاہ	»	خواجہ شاہ
»	عبدالواحد	»	عبدالرحیم
»	احمد شاہ	»	محمد شاہ
»	غلام دستگیر	»	ملک محمد
»	عبدالجمیل	»	غلام نبی
»	محمد سرور	»	امیر جان
»	عبدالجبار	»	محمد علی
»	محمد عظیم	»	محمد شریف
»	سید عباس	»	غلام محی الدین
»	عبدالکریم	»	عبداللہ
»	عبدالہادی	»	عبدالرحیم
»	عبدالخلیل	»	حبیب اللہ
»	محمد ولی	»	عبدالوہاب
»	صاحب	»	فتح محمد
»	فتح محمد	»	احمد جان
»	امان الله	»	عبدالعزیز
»	حاجی محمد سرور	»	محمد افضل
»	سید جان	»	سید رسول
»	امیر محمد	»	علی احمد
»	غلام صدیق	»	طرہ بازخان
»	خان سید	»	خان آقا
»	محمد سرور	»	غلام صدیق
»	نصر الدین	»	سویف الدین
»	خلیل الله	»	عبدالقیوم
»	عبدالعتان	»	عبدالرحمن
»	عبدالسلام	»	عبداللطیف
»	سردار محمد	»	امین الله
»	امیرمحمد	»	سر بلند
»	محمد لاسر	»	محمد نادر
»	سیر غلام سرور	»	سیر فقیر

اشخاصیکہ از رتبہ جگر فی بہ رتبہ
دگر منہی ترفیع نہوہ اند .

ح	سردار عبدالعظیم	ولد	مرحوم سردار شاہ
»	محمد ایوب	»	محمودخان ہازی
»	سید اولیا	»	محمد عالم
»		»	محمد سعید



ح حکمت الله	ولد	غلام جان
» عبدالخالق	»	فتح محمد
» غلام سخی	»	عبدالغنی
» ذکریا خان	»	عبدالعلیم
» محمد اکبر	»	محمد رحوم
» عبدالنافع	»	عبدالروف
» محمد صدیق	»	رحمت الله
» شرف الدین	»	سردار محمد
» علی محمد	»	جان محمد
» عبدالصمد	»	سید محمد
» نور محمد	»	سید محمد
» محمد صدیق	»	حکمت الله
» خان قادر	»	شہادر
» ولی محمد	»	گل محمد
» عبدالغفار	»	روح الله
» محمد تسیم	»	محمد عوض
» غلام حضرت	»	عبدالصمد
» محمد لوروز	»	ہایتہ محمد
» محمد عمر	»	محمد عوض
» شہر محمد	»	ہایتہ محمد
» غلام حضرت	»	یار محمد

اشخاصیکہ از رتبہ جگتورنی بہ رتبہ جگرنی ترفیع نمودہ اند۔

ش عبدالطیب	ولد	حاجی قربان
» خواجہ سمع	»	خواجہ عبدالکریم
» ہاز محمد	»	شیر محمد
» قدام محمد	»	صالح محمد
» سولہ محمد الدین	»	سید عبدالحمید
» گل احمد	»	محمد آجان
» احمد جان	»	عبدالرحمن
» عبدالحمید	»	علی محمد
» محمد لذیر	»	جمعہ گل
» عبدالشکور	»	شیر جان
» نظر محمد	»	محمدود
» محمد اسلم	»	سلطان محمد
» محمد مبین	»	عبدالغفور
» عبدالطوف	»	محمد یعقوب
» نصر الله	»	اصد الله

ش محمد علم	ولد	محمد ہاسین
» ہاز محمد	»	تاج محمد
» نور محمد	»	قمر الدین
» محمد نادر	»	عجب خان
» محمد الوری	»	شہسوار
» رحم الدین	»	امر الدین
» غلام ربالی	»	عبدالغفار
» محمد عظیم	»	محمد کریم
» خان میر	»	لاجپیر
» محمد اسحق	»	محمد رفیق
» غلام حسن	»	غلام سخی
» حیات الله	»	مفتی گل
» محمد حکوم	»	حاجی شاہ دوآلہ
» محمد رسول	»	خان زمان
» عاشق الله	»	خان زمان
» غلام صفدر	»	غلام سرور
» عبدالباقی	»	عبدالکریم
» شاہ ولی	»	محمد یعقوب
» سید محمد	»	حاجی گل محمد
» عبدالقادر	»	صلوات
» عبداللہ	»	غلام جان
» عبدالمناف	»	عبدالغفار
» غلام جان	»	محمد کامل
» معین الدین	»	خواجہ چیلانی
» محمد انور	»	رستم
» محمد اکرم	»	محمد اسلم
» محمد علی	»	ولی محمد
» محمد صبحان	»	محمد زمان
» غلام حضرت	»	احمد جان
» نیاز محمد	»	حاجی گل احمد
» محمد عیسی	»	خوشدل
» محمد گل	»	عبدالعزیز
» عزیز الله	»	نصر الله
» محمد انور	»	محمد ہوسق
» محمد فیروز	»	ولی گل
» راز محمد	»	محمد سالم
» محمد لوروز	»	محمد حسین
» عبدالجمیل	»	عبدالواحد
» جلال الدین	»	فتح محمد

ش سیدہاشم	ولد	عبدالعزیز
» محمد اسحق	»	عبدالغنی
» شیر علی	»	اسرائیلین
» محمد فاروق	»	محمد امین
» گل لہی	»	عبدالنبی
» محمد ظریف	»	شائستہ
» محمد حسن	»	محمد یعقوب
» محمد ہاشم	»	محمد علم
» محب اللہ	»	غلام حیدر
» غلام دستگیر	»	امرا اللہ
» سید میرزا	»	غلام حیدر
» سید امین	»	سید طوطی
» گل محمد	»	عبدالقیوم
» محمد حبیب	»	غلام
» سید ہاشم	»	سید حسین
» ختم محمد	»	خان زمان
» صالح محمد	»	عمر گل
» اسد اللہ	»	نصر اللہ
» نور محمد	»	خالجی
» محمد وزیر	»	عبدالکریم
» فضل الدین	»	عین الدین
» شکر اللہ	»	عبدالاحمد
» فضل محمد	»	قیح محمد
» خدا بنظر	»	عبد اللہ
» در محمد	»	لعل محمد
» محمد اکرام	»	محمد اسلم
» نظر محمد	»	آقا محمد
» عبدالہبار	»	عبدالجببار
» عبداللطیف	»	قاسم گل
» عبدالقادر	»	محمد اکرم
» محمد اسمعیل	»	محمد اسلم
» عبدالوکیل	»	عبدانوہاب
» حاجی محمد	»	غلام جان
» جنت گل	»	سید گل
» احمد علی	»	شاہ محمد
» فضل حق	»	محمد اسلم
» محمد ظاہر	»	حکیم گل
» عبدالباقی	»	ضیاء الدین

ش سید نصر الدین	ولد	میر سلام الدین
» محمد اسمعیل	»	محمد یعقوب
» مسافر	»	عبدالعزیز
» خیر محمد	»	فقیر محمد
» عبدالرحیم	»	محمد نادر
» محمد عام	»	محمد ہاشم
» یوسف علی	»	عسکری
» محمد ابراہیم	»	ولی محمد
» امیر محمد	»	احمد شاہ
» نور اجان	»	عبدالقدوس
» عبدالحمید	»	عبدالقدوس
» فدا محمد	»	حوا جہ محمد
» محمد ظریف	»	احمد علی
» صاحب الدین	»	گلاب الدین
» میر علم	»	عبد اللہ
» عبدالولی	»	ضیاء الدین
» عبدالغفور	»	رستم
» خان آقا	»	عبدالعزیز
» شرف الدین	»	علاو الدین
» سلطان محمد	»	محمد خان
» محمد حنیف	»	محمد علم
» عبدالخالق	»	محمد عمر
» محمد رفیق	»	حمزہ خان
» بسم اللہ	»	کمال الدین
» عبدالغنی	»	عبدالروف
» رمضان	»	سید رسول
» عنایت اللہ	»	گل محمد
» محمد سمیع	»	عبدالجببار
» عبد اللہ	»	نور محمد
» عبدالشکور	»	امرا الدین
» عبدالرشید	»	شیر علی
» غلام سخی	»	غلام محی الدین
» نور اللہ	»	عبدالمجید
» شاہ محمود	»	برکت
» خان آقا	»	آقا محمد
» سردار	»	سراج الدین

وفات مرحوم تورن جنرال غلام علی

پنجشیری رئیس موتردار و زره دار وزارت دفاع ملی



مرحوم تورن جنرال غلام علی

تورن جنرال مرحوم در سال ۱۲۹۴ شمسی در شهر کابل متولد گردیده بعد از فراغت از لیسه غازی شامل ح، پ شده و در سال ۱۳۱۳ از ح، پ ب صفت اول نمره صنف توپچی فارغ التحصیل و به رتبه تورلی بداخل اردوی شاهی افغان نشئت و به فرقه توپچی شامل وظیفه شد. در سنه ۱۳۱۵ بفرقه قندهار تبدیل نظر به لیاقتیکه از خود در آن جا نشان دادند در سال ۱۳۱۷ جهت فرا گرفتن تحصیلات عالی ارکان حربی به ترکیه اعزام گردیدند. در سال ۱۳۲۰ به رتبه جگرلی نایل و در سال ۱۳۲۴ موفقاله بوطن عودت نموده و بریاست ارکان فرقه اول قوایم مرکز وظیفه دار شدند. در سنه ۱۳۲۵ بر رتبه دگر منی ارتقاء جسته و در سال ۱۳۲۷ به قوماندانی غند اول فرقه ۳ قوایم مرکز مقرر شده در سال ۱۳۲۸ بریاست ارکان قول اردوی جنوبی مقرر و در سال ۱۳۲۹ بر رتبه دگر والی ترفیع نمودند.

در سال ۱۳۳۲ به کفالت ریاست تفتیش تعلیم و تربیه اردو مقرر شدند. در سال ۱۳۳۴ بکفالت قوماندانی فرقه عسکری مزار شریف تبدیل و در عین سال ترفیعاً بر رتبه برید جنرالی نایل و در سال ۱۳۳۵ به کفالت قوماندانی فرقه ۱۱ لنگرهار مقرر شدند. در سال ۱۳۳۹ به آمریت عمومی فابریکه حربی مقرر شدند و در سال ۱۳۴۰ به رتبه تورن جنرالی ترفیع و به ریاست موتردار و زره دار شامل وظیفه گردیدند. تورن جنرال مرحوم یک تن از صاحبمنصبان برجسته اردوی شاهی افغان در تمام طول وظیفه داری خویش بوظایف مختلف مصدر خدمات قابل قدری گردیده و وظایف محوله را با الهایت امانت داری و صداقت اجرا نموده و همیشه مورد لطف و نوازش آمرین و بزرگان قرار میگرفتند. موصوف بمقابل مافوقان مادونان و رفقا نهایت صادق و صمیمی و با وفا بودند و همیشه در وظیفه داری وظایف شایسته را نشان دادند؛ پیشرفت های سپورت های ثقیله در اردو مروهون زحمات و پشت کار جنرال مرحوم که ریاست آن را علاوه از وظیفه به عهده داشته میباشد. نشانهاییکه در دوران موظفیت برای شان اعطاء شده قرار ذیل است:

مرحوم تورن جنرال نظر به مریضیکه عاید حال شان بوده و به عمر ۵۷ سالگی بتاریخ ۱۳ سنبله ۵۱ داعی اجل را لبیک گفته پدروود حیات نمودند.

(انالله وانا الیه راجعون)

وزارت دفاع ملی فوت تورن جنرال مرحوم را برای اردو یک صایعه بزرگ تلقی و تاثیرات عمیق خود را ابراز و به آن مرحومی طلب مغفرت و بیازماندگانش صبر جمیل از بارگاه خداوند بزرگ تمنی مینماید :

مرحوم پنجشیری از صاحبمنصبان صادق و شریف اردوی شاهانه بود که در حلقه دوستان و همکاران خویش از محبوبیت و اعتماد کامل برخوردار بود از حسن سلوک و اخلاق شریفانه اش همه اطرافیان و مربوطین مرحومی خاطرات فراوانی دارند نامبرده در قسمت سپورت های ثقیله اردو انکشاف آن سهم بارزی داشت و از همین جا است که فوت تورن جنرال پنجشیری اسباب قاتر و اندوه عمیق را در بین منسوبین اردوی شاهانه و علاقمندان ایشان تولید نموده است.

مجله اردو بانا قاتر کامل وفات آن مرحوم را ضایعه امفنک شمرده از خداوند روحش راشاد و مدارج عالی اخروی را از بارگاه خداوند بخشاینده و مهربان برایش التجاه مینماید :

- ۱- نشان تحسین
- ۲- نشان استوردرجه سوم
- ۳- بریال درجه دوم
- ۴- رشتیق مطلا
- ۵- نشان رشتیق
- ۶- ورتیا نکلی



خلص سوانح مرحوم غلام محمد تورن قوماندانی هوایی و مدافعه

مرحوم غلام محمد

هوایی

مرحوم در سنه ۱۳۱۷ شمسی در قندوز متولد یافته .
تحصیلات مقدماتی خود را در مکتب ابتدائیه قندز
کمال و بعداً شامل قوماندانی حربی بیوونخی گردیده
تحصیلات خود را در حربی بیوونخی انجام و بعداً شامل
پوهنخی هوایی گردید. مرحومی در سال ۱۳۳۹ بحیث
دریم برید منی تثبیت رتبه گردیده و در بست قوماندانی
هوایی و مدافعه شامل وظیفه گردیده در سال ۱۳۴۰ برتبه
نوهم برید منی ترفیع و در سال ۱۳۴۴ برتبه امری
برید منی ترفیع و در سال ۱۳۴۴ برتبه تورنی ترفیع
نموده و تا کنون در بست قوماندانی هوایی و مدافعه
هوایی اجرای وظیفه مینمود و مرحوم در زمان وظیفه داری
خویش به اخذ مدال و رتبه ، برنز نائل گردیده است .
به کمال تأسف اطلاع گرفتیم که تورن مرحوم
در حین اجرای وظیفه به عمر (۳۴) سالگی داعی اجل
را لیک گزفته پدرود حیات نموده .

انا لله وانا اليه راجعون .

وزارت دفاع ملی از فوت تورن مرحوم که يك تن از
صاحبمنصبان جوان و فعال اردو بوده متأثر و متألم گردیده
از بارگاه خداوند بزرگ برای مرحومی طلب مغفرت
و برای باز ماندگانش صبر جمیل میخواستند : (آمین)

دملی دفاع وزارت - ستر درستیز

دنشریاتو لوی مدیریت - دار دو مجله

مجله اردو (نشریه ماهانه)

نمبر مسلسل : ۶۰۷
شماره : هفتم
شرح اشتراك :
سالانه برای صاحب منصبان و اشخاص ملکی :
قیمت فی شماره :
نمبر حساب در افغانستان بانک :
آدرس : - مجله اردو - مطبعه دفاع ملی
نمبر تلفون مدیر مجله : ۲۳۲۰۸

سال پنجاه و دوم
میزان ۱۳۵۱
= ۱۵۰ - افغانی
= ۱۲/۵۰ - افغانی
۷۰۹۰۱
کابل - افغانستان

AFGHAN MILITARY REVIEW

(Monthly Magazine)

Address: URDU MUJELLA, Military Press, Kabul, Afghanistan

Tel: 24574 & 23208

Subscription rate for foriegners & abroad = 15US. dollars

Volume, 52, Serial No, 607 Number, 7

Sept. & Oct. 1972